



جہانگاہ از نال معرفت بی کون میرزا حسن علی



لکھنؤ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یک حرف از هزاران

نویسنده:

امیر شیاسی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
یک حرف از هزاران	۳۵
مشخصات کتاب	۳۵
فهرست مطالب	۳۵
پیشگفتار	۵۴
فصل اول	۵۷
فضیلت حفظ چهل حدیث	۵۷
منظور از «حفظ حدیث» چیست؟	۵۷
اشاره	۵۷
الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی	۵۸
ب: جاری شدن چشمه‌های حکمت از قلب بر زبان	۵۸
ج: میقات حضرت موسی (علیه السلام) با پروردگارش	۵۹
د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت	۵۹
ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین (علیه السلام)	۵۹
و: اسرار دیگر عدد چهل	۵۹
اربعینیات «کتابهای چهل حدیث»	۶۰
چهل حدیث در زندگانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از کتب اهل تسنن	۶۰
۱- فضایل بیپایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)	۶۰
۲- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بیکران فضایل	۶۱
۳- آثار بیان فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۶۳
۴- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عالم انوار	۶۴
۵- نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سبب پذیرفته شدن توبه آدم (علیه السلام)	۶۵
۶- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مولود کعبه	۶۵

- ۷-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مسلمان ۶۶
- ۸-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نخستین نمازگزار ۶۶
- ۹-برتری ایمانِ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۶
- ۱۰-شمایل زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۶
- ۱۱-کنیه ها و لقب های امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۷
- ۱۲-نقش نگین انگشترهای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۷
- ۱۳-فضیلت‌های اختصاصی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۷
- ۱۴-دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن ۶۸
- ۱۵-دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، محوکننده گناهان ۶۸
- ۱۶-علم و آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به قرآن ۶۹
- ۱۷-ازدواج امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام) ۶۹
- ۱۸-دستور خداوند به دوستی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۹
- ۱۹-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راستگوی بزرگ ۶۹
- ۲۰-پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، پیروی از خداست ۷۰
- ۲۱-شبهات امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به انبیا ۷۰
- ۲۲-شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ اُحد ۷۰
- ۲۳-شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ بدر ۷۰
- ۲۴-شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خندق ۷۱
- ۲۵-شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خیبر ۷۱
- ۲۶-ملائکه یاور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگها ۷۱
- ۲۷-در مشکلات باید به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مراجعه کرد ۷۲
- ۲۸-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) محبوب رسول خدا ۷۲
- ۲۹-سفارش رسول خدا به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۷۲
- ۳۰-غیر از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد ۷۳

۳۱-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرداختکننده قرضهای رسول خدا	۷۳
۳۲-پیشگویی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از شهادت خود	۷۴
۳۳-قاتل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، بدبخت ترین مردم	۷۴
۳۴-آثار شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در کائنات	۷۴
۳۵-اتفاقات شب شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۷۴
۳۶-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید	۷۵
۳۷-بهشت، مشتاق دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۷۵
۳۸-جایگاه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت	۷۵
۳۹-درخشش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برای بهشتیان	۷۵
۴۰-حوریه مخصوص امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت	۷۵
فصل دوم	۷۶
اشاره	۷۶
در مسیر اثبات امامت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۷۶
چهارده آیه در مورد امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۷۷
۱-آیه «ولایت»	۷۸
اشاره	۷۸
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و آیه «ولایت»	۷۸
آیه «ولایت» از دیدگاه مفسران شیعه و سنی	۷۸
معنای صحیح ولایت در آیه	۷۹
چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟	۷۹
۲-آیه «اولی الأمر»	۸۰
اشاره	۸۰
«اولی الأمر» در روایات اهل تسنن	۸۰
اطاعت از «اولی الأمر» دستور خداست	۸۱

۸۱	«اولی الامر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا : هستند
۸۱	«اولی الامر»، دوازده امام : هستند
۸۲	دلالت آیه «اولی الامر» بر عصمت ائمه اطهار
۸۲	دلالت آیه «اولی الامر» بر اطاعت از ائمه اطهار
۸۲	۳-آیه «تبلیغ»
۸۲	اشاره
۸۳	نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ»
۸۳	آیه «تبلیغ» بیانگر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۸۴	رسول خدا مأمور به ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۸۵	فریاد شیطان در غدیر
۸۵	حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه
۸۵	۴-آیه «اکمال دین»
۸۵	اشاره
۸۵	تفسیر آیه «اکمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی
۸۶	ویژگیهای روز عید غدیر در آیه
۸۶	اگر عظمت غدیر شناخته میشد...
۸۷	برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از جانب رسول خدا
۸۷	ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، رکن اساسی اسلام
۸۷	ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، محور قرآن
۸۷	کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۸۸	۵-آیه «تطهیر»
۸۸	اشاره
۸۸	تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی
۸۹	نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر»

معنای «رُجُس» در قرآن	۸۹
نتیجه تفسیر «آیه تطهیر»	۹۰
۶-آیه «عِلْمُ الْكِتَاب»	۹۰
اشاره	۹۰
تفسیر آیه «عِلْمُ الْكِتَاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی	۹۱
مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان (علیه السلام)	۹۱
آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کتابهای آسمانی	۹۲
برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن	۹۲
نکات مهم آیه	۹۲
۷-آیه «مِیَاهِلَه»	۹۳
اشاره	۹۳
معنای «مِیَاهِلَه» در لغت	۹۳
تفسیر آیه «مِیَاهِلَه» در مدارک معتبر شیعه و سنی	۹۳
اتفاق مفسرین بر نزول آیه میاهله در مورد اهل بیت	۹۳
واقعه تاریخی میاهله	۹۴
دلالت آیه «مِیَاهِلَه» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۹۴
۸-آیه «مُودَّت»	۹۵
اشاره	۹۵
تفسیر آیه «مودّت» در مدارک معتبر شیعه و سنی	۹۵
اجر و مُزد رسالت انبیای الهی	۹۶
چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟	۹۶
وجوه دلالت آیه «مودّت» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۹۷
اشاره	۹۷
۱ - وجوب مودّت، مستلزم وجوب اطاعت	۹۷

- ۲ - وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت ۹۸
- ۳ - محبت مطلق، ملازم با عصمت ۹۸
- ۹- آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» ۹۸
- اشاره ۹۸
- تفسیر آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۹۸
- واقعۀ «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» قابل انکار نیست ۹۹
- ظهور فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت ۹۹
- دلالت آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۰۰
- ۱۰- آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» ۱۰۰
- اشاره ۱۰۰
- معنای «بَرِيَّةٌ» ۱۰۰
- تفسیر آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۰
- آیا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا افضل است؟ ۱۰۱
- امیرمؤمنان (علیه السلام) بهترین بندگان ۱۰۲
- «شیعه» کیست؟ ۱۰۲
- ۱۱- آیه «هدایت» ۱۰۳
- اشاره ۱۰۳
- تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۳
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایتگر همه عالمیان ۱۰۴
- نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت» ۱۰۴
- ۱۲- آیه «سابقون» ۱۰۵
- اشاره ۱۰۵
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون» ۱۰۵
- سبقت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فضیلتها ۱۰۶

۱۰۶	۱۳-آیه «صادقین»
۱۰۶	اشاره
۱۰۶	تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی
۱۰۷	معنا و مفهوم «صدق و صادقین»
۱۰۷	امیرمؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر»
۱۰۷	مراد از «صادقین» فقط اهل بیت : هستند
۱۰۹	۱۴-آیه «صلوات»
۱۰۹	اشاره
۱۰۹	تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی
۱۰۹	معنای «صلوات» در روایات
۱۱۰	کیفیت صلوات بر رسول خدا
۱۱۰	آل محمّد : در آیه «صلوات» چه کسانیاند؟
۱۱۰	آثار و برکات صلوات
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱) موجب صلوات خدا
۱۱۰	۲) موجب صلوات فرشتگان
۱۱۱	۳) موجب آمرزش گناهان
۱۱۱	۴) موجب برآورده شدن حاجات
۱۱۱	۵) موجب زدوده شدن نفاق
۱۱۱	۶) نور روز قیامت
۱۱۲	فصل سوم
۱۱۲	نور اول
۱۱۲	نور دوم
۱۱۲	نور سوم

۱۱۳	نور چهارم
۱۱۳	نور پنجم
۱۱۳	نور ششم
۱۱۳	نور هفتم
۱۱۴	نور هشتم
۱۱۵	نور نهم
۱۱۵	نور دهم
۱۱۶	نور یازدهم
۱۱۶	نور دوازدهم
۱۱۷	نور سیزدهم
۱۱۷	نور چهاردهم
۱۱۸	فصل چهارم
۱۱۸	اشاره
۱۱۸	چرا باید نسبت به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) معرفت داشت؟
۱۱۸	(۱) معرفت و محبت امام (علیه السلام) منشأ همه برکات
۱۱۸	(۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام (علیه السلام) ممکن نیست
۱۱۸	(۳) هیچ عملی بدون معرفت امام (علیه السلام) پذیرفته نیست
۱۱۹	چهارده حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در عظمت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۱۹	حدیث اول: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا
۱۱۹	حدیث دوم: معرفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)
۱۲۰	حدیث سوم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، تقسیمکننده بهشت و دوزخ
۱۲۰	حدیث چهارم: دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کافر است
۱۲۰	حدیث پنجم: اشتیاق ملائکه به دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۲۱	حدیث ششم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، نخستین مسلمان

۱۲۱	حدیث هفتم: زمین، مهریه همسر امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۲۱	حدیث هشتم: هدیه های خداوند به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۲۲	حدیث نهم: مقام والای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در روز قیامت
۱۲۲	حدیث دهم: پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، موجب رستگاری
۱۲۲	حدیث یازدهم: سؤال از ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پس از مرگ
۱۲۳	حدیث دوازدهم: اثر عبادت بدون ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۲۳	حدیث سیزدهم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن
۱۲۴	حدیث چهاردهم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند عیسی بن مریم (علیهما السلام)
۱۲۴	معرفی امیرمؤمنان (علیه السلام) در کلام آخرین پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)
۱۲۵	فصل پنجم
۱۲۵	منقبت اول
۱۲۶	منقبت دوم
۱۲۶	منقبت سوم
۱۲۷	منقبت چهارم
۱۲۸	منقبت پنجم
۱۲۸	منقبت ششم
۱۲۹	منقبت هفتم
۱۲۹	منقبت هشتم
۱۳۰	منقبت نهم
۱۳۱	منقبت دهم
۱۳۲	منقبت یازدهم
۱۳۲	منقبت دوازدهم
۱۳۳	منقبت سیزدهم
۱۳۴	منقبت چهاردهم

فصل ششم	۱۳۴
اشاره	۱۳۴
سخن اول	۱۳۵
سخن دوم	۱۳۵
سخن سوم	۱۳۶
سخن چهارم	۱۳۶
سخن پنجم	۱۳۶
سخن ششم	۱۳۷
سخن هفتم	۱۳۷
سخن هشتم	۱۳۷
سخن نهم	۱۳۸
سخن دهم	۱۳۸
سخن یازدهم	۱۳۸
سخن دوازدهم	۱۳۹
سخن سیزدهم	۱۳۹
سخن چهاردهم	۱۴۰
فصل هفتم	۱۴۰
اشاره	۱۴۰
پیشینه تاریخی روز عید غدیر	۱۴۰
عظمت غدیر در کلام معصومین :	۱۴۱
غدیر در کلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)	۱۴۱
غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۱۴۱
غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)	۱۴۲
غدیر در کلام امام حسن مجتبی (علیه السلام)	۱۴۲

۱۴۲	غدير در كلام امام حسين (عليه السلام)
۱۴۲	غدير در كلام امام سجّاد (عليه السلام)
۱۴۳	غدير در كلام امام محمد باقر (عليه السلام)
۱۴۳	غدير در كلام امام جعفر صادق (عليه السلام)
۱۴۳	غدير در كلام امام كاظم (عليه السلام)
۱۴۳	غدير در كلام امام رضا (عليه السلام)
۱۴۳	غدير در كلام امام عسکری (عليه السلام)
۱۴۴	مدارك و اسناد متن خطبه غدير
۱۴۴	تحليل و بررسى معنای حديث غدير
۱۴۵	قراين اثبات ولايت اميرمؤمنان على (عليه السلام) در حديث غدير
۱۴۵	قرينه اوّل
۱۴۵	قرينه دوّم
۱۴۶	قرينه سوّم
۱۴۶	قرينه چهارم
۱۴۷	قرينه پنجم
۱۴۷	قرينه ششم
۱۴۸	قرينه هفتم
۱۴۸	قرينه هشتم
۱۴۹	قرينه نهم
۱۴۹	قرينه دهم
۱۵۰	فرازهايى از خطبه غدير
۱۵۰	اشاره
۱۵۱	فراز اول
۱۵۱	فراز دوم

۱۵۱	فراز سوم
۱۵۲	فراز چهارم
۱۵۲	فراز پنجم
۱۵۲	فراز ششم
۱۵۳	فراز هفتم
۱۵۳	فراز هشتم
۱۵۳	فراز نهم
۱۵۳	فراز دهم
۱۵۳	فراز یازدهم
۱۵۴	فراز دوازدهم
۱۵۴	فراز سیزدهم
۱۵۴	فراز چهاردهم
۱۵۵	آداب و اعمال عید غدیر
۱۵۵	اشاره
۱۵۵	فضیلت روزه داری
۱۵۵	فضیلت افطاری دادن
۱۵۵	فضیلت اطعام دادن
۱۵۵	فضیلت دیدار با مؤمنان
۱۵۵	فضیلت صلوات فرستادن
۱۵۶	فضیلت نماز و عبادت
۱۵۶	فضیلت بیزاری از دشمنان اهل بیت
۱۵۶	فضیلت عید گرفتن
۱۵۶	فضیلت عیدی دادن
۱۵۶	آداب تبریک گفتن

۱۵۶	آداب عقد برادری
۱۵۷	فصل هشتم
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	کیمیای محبت
۱۵۸	عوامل محبت
۱۵۸	الف) انجام کارهای نیک
۱۵۸	ب) خوش گمانی
۱۵۸	ج) خوش رفتاری
۱۵۸	د) گشاده رویی
۱۵۸	ه) اظهار دوستی
۱۵۸	و) وفاداری
۱۵۸	ز) انصاف
۱۵۸	ح) کرامت
۱۵۹	ط) بخشنده‌گی
۱۵۹	ی) نیکی کردن به مردم
۱۵۹	ک) صله رحم
۱۵۹	ل) هدیه دادن
۱۵۹	م) سجده کردن میان اذان و اقامه
۱۵۹	موانع محبت
۱۶۰	الف) بدخویی
۱۶۰	ب) پریشانی
۱۶۰	ج) تکبر داشتن
۱۶۰	د) کینه توزی
۱۶۰	ه) حسادت

- و) گناه ۱۶۰
- ز) بی انصافی ۱۶۰
- ح) فریب دادن ۱۶۰
- چهارده اثر از آثار دشمنی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۱
- ۱- دوستی و دشمنی برای خدا ۱۶۱
- ۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است ۱۶۱
- ۳- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه حلال زادگی ۱۶۲
- ۴- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان ۱۶۲
- ۵- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است ۱۶۲
- ۶- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میزان سنجش اعمال ۱۶۳
- ۷- سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قیامت ۱۶۳
- ۸- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال ۱۶۴
- ۹- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فریضه‌های الهی است ۱۶۵
- ۱۰- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، راه رهایی از خطرات ۱۶۵
- ۱۱- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست ۱۶۶
- ۱۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکیهاست ۱۶۶
- ۱۳- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، دوستان خود را میشناسد ۱۶۷
- ۱۴- آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دنیا و آخرت ۱۶۷
- فصل نهم ۱۷۰
- اشاره ۱۷۰
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مظلوم دوران ۱۷۰
- به آتش کشیدن کتابهای فضائل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۰
- پیشگیری از نقل فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۱
- جلوگیری از نامگذاری به «علی» ۱۷۱

۱۷۲	گسترش مخالفت و بدگویی به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۷۲	بدگویی به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر فراز منبرها
۱۷۲	چهارده اثر از آثار دشمنی با حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	۱-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول است
۱۷۳	۲-بوی بهشت به مشام دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نمیرسد
۱۷۳	۳-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی می‌میرد
۱۷۴	۴-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آتش است
۱۷۴	۵-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در پایینترین درجه جهنم است
۱۷۴	۶-هر که با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمنی کند، منافق است
۱۷۵	۷-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کور و نابینا محسور میشود
۱۷۵	۸-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول اوست
۱۷۵	۹-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جهنم افکنده میشود
۱۷۶	۱۰-دوستی و دشمنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سبب قبولی اعمال
۱۷۷	۱۱-دشمنی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه پلیدی ولادت
۱۷۷	۱۲-محبوبترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا
۱۷۸	۱۳-دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ناامید از رحمت الهی
۱۷۸	۱۴-دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کجایند؟!
۱۷۹	فصل دهم
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیشوای پیامبران
۱۸۰	[چهارده حکایت در رابطه با پیامبران و امیرمؤمنان علی (علیه السلام)]
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	حکایت اول

۱۸۱	حکایت دوم
۱۸۱	حکایت سوم
۱۸۲	حکایت چهارم
۱۸۳	حکایت پنجم
۱۸۳	حکایت ششم
۱۸۴	حکایت هفتم
۱۸۶	حکایت هشتم
۱۸۷	حکایت نهم
۱۸۸	حکایت دهم
۱۸۹	حکایت یازدهم
۱۹۰	حکایت دوازدهم
۱۹۱	حکایت سیزدهم
۱۹۲	حکایت چهاردهم
۱۹۳	فصل یازدهم
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار
۱۹۵	آثار و برکات نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۹۵	نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت
۱۹۵	نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید
۱۹۵	نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل
۱۹۵	نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آسمانها
۱۹۶	نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی
۱۹۶	نامهای قرآنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۱۹۶	اشاره

۱ - منفق	۱۹۶
۲ - حسنه	۱۹۷
۳ - صالح المؤمنین	۱۹۷
۴ - جنب الله	۱۹۷
۵ - شاهد	۱۹۷
۶ - مؤمن	۱۹۸
۷ - علی	۱۹۸
۸ - نور	۱۹۸
۹ - عروة الوثقی	۱۹۸
۱۰ - احسان	۱۹۸
۱۱ - رحمت	۱۹۹
۱۲ - کلمه تامه	۱۹۹
۱۳ - حق الیقین	۱۹۹
۱۴ - انسان	۱۹۹
۱۵ - سلیم	۲۰۰
۱۶ - یمین	۲۰۰
۱۷ - ایمان	۲۰۰
۱۸ - کلمه تقوا	۲۰۰
۱۹ - حق	۲۰۱
۲۰ - امام	۲۰۱
۲۱ - امانت	۲۰۱
۲۲ - هدی	۲۰۱
۲۳ - تجارة	۲۰۱
چهارده اسم نورانی و آسمانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)	۲۰۲

- نام اول: «علی (علیه السلام)» ۲۰۲
- نام دوم: «أَبُو تُرَاب» ۲۰۳
- نام سوم: «جَنُّبُ اللَّهِ» ۲۰۳
- نام چهارم: «حَبْلُ اللَّهِ» ۲۰۴
- نام پنجم: «فَضْلُ اللَّهِ» ۲۰۶
- نام ششم: «كَلِمَةُ اللَّهِ» ۲۰۷
- نام هفتم: «إِمَامٌ مُبِينٌ» ۲۰۹
- نام هشتم: «وَجْهُ اللَّهِ» ۲۱۰
- نام نهم: «لِسَانُ صَدَقٍ» ۲۱۱
- نام دهم: «بَابُ حِطَّةٍ» ۲۱۲
- نام یازدهم: «صراط مستقیم» ۲۱۳
- نام دوازدهم: «نَبَأٌ عَظِيمٌ» ۲۱۴
- نام سیزدهم: «حَقُّ الْيَقِينِ» ۲۱۵
- نام چهاردهم: «نُورٌ مُبِينٌ» ۲۱۶
- فصل دوازدهم ۲۱۷
- اشاره ۲۱۷
- نهج البلاغه ۲۱۷
- مؤلف «نهج البلاغه» ۲۱۷
- عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان ۲۱۸
- اشاره ۲۱۸
- سرچشمه ناب ۲۱۹
- عالی ترین کتاب ۲۱۹
- امام خطیبان ۲۱۹
- دو خطبه شگفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۱۹

۲۱۹	 اشاره
۲۲۰	 خطبه بدون الف
۲۲۰	 خطبه بدون نقطه
۲۲۰	 چهارده حکمت از سخنان حکیمانه امیرمؤمنان
۲۲۰	 اشاره
۲۲۰	 حکمت اول : «آیین دوستیابی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
۲۲۰	 اشاره
۲۲۱	 انواع دوستی
۲۲۱	 حقوق دوستی
۲۲۱	 محدوده دوستی
۲۲۱	 عوامل دوستی و راه نفوذ در دلها
۲۲۱	 اشاره
۲۲۲	 الف) صله رَحم
۲۲۲	 ب) بخشش
۲۲۲	 ج) گشاده‌رویی
۲۲۲	 د) نیکی کردن
۲۲۳	 حکمت دوم : «ارزش استغفار در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
۲۲۳	 اشاره
۲۲۳	 آثار و خواص استغفار
۲۲۳	 الف) وسعت در رزق
۲۲۳	 ب) محو کردن گناهان
۲۲۳	 ج) بالاترین توشل
۲۲۳	 د) موجب امیدواری
۲۲۴	 ه) بهترین عبادت

- ۲۲۴ (و) بهترین شفیع
- ۲۲۴ رهاورد استغفار
- ۲۲۵ حکمت سوم : «رزق و روزی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۲۵ اشاره
- ۲۲۵ قدرت خداوند در روزی رساندن
- ۲۲۵ اقسام رزق و روزی
- ۲۲۶ موجبات برکت در رزق و روزی
- ۲۲۶ الف) خوشاخلاقی
- ۲۲۶ ب) استغفار
- ۲۲۶ ج) نماز
- ۲۲۷ د) صدقه
- ۲۲۷ ه) صله رحم
- ۲۲۷ و) راستگویی
- ۲۲۷ حکمت چهارم : «ایمان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۷ تعریف ایمان
- ۲۲۸ حقیقت ایمان
- ۲۲۸ اهمیت ایمان
- ۲۲۸ کمال ایمان
- ۲۲۸ آثار ایمان
- ۲۲۸ الف) امنیت
- ۲۲۹ ب) نجات
- ۲۲۹ ج) رستگاری
- ۲۲۹ د) حیا

- ۲۲۹ ه (صبر
- ۲۲۹ و) میل به آخرت
- ۲۳۰ حکمت پنجم : «اهمیت دعا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۰ دعا، بلاها را دفع میکند
- ۲۳۰ آداب دعا نمودن
- ۲۳۰ الف) صلوات فرستادن
- ۲۳۰ ب) اصرار در دعا
- ۲۳۱ ج) ناامید نشدن
- ۲۳۱ د) اخلاص
- ۲۳۱ ه) مداومت در دعا
- ۲۳۱ و) ستایش و ثنا پیش از دعا
- ۲۳۲ ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا
- ۲۳۲ حکمت ششم : «ارزش توبه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۳۲ اشاره
- ۲۳۲ پایه های توبه
- ۲۳۲ شتاب در توبه کردن
- ۲۳۲ اشاره
- ۲۳۲ توبه نصوح
- ۲۳۳ آثار و برکات «توبه»
- ۲۳۳ الف) نزول رحمت الهی
- ۲۳۳ ب) پاک شدن گناهان
- ۲۳۳ ج) موجب خشنودی خداوند
- ۲۳۳ حکمت هفتم : «ارزش علم و دانش در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

۲۳۳	 اشاره
۲۳۴	 علم بهتر از ثروت است
۲۳۴	 اقسام علم حقیقی
۲۳۴	 فضیلت طلب علم
۲۳۴	 اشاره
۲۳۵	 ب) اخلاص
۲۳۵	 ج) زُهد
۲۳۵	 د) خشنود بودن
۲۳۵	 ه) توکّل
۲۳۶	 و) بهشت
۲۳۶	 حکمت هشتم: «ارزش یقین در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
۲۳۶	 اشاره
۲۳۶	 بزرگترین سعادت
۲۳۶	 بالاترین دعا
۲۳۶	 یقین، رأس دین است
۲۳۶	 برترین عبادت
۲۳۶	 آثار و برکات «یقین»
۲۳۶	 الف) صبر
۲۳۷	 ب) اخلاص
۲۳۷	 ج) زُهد
۲۳۷	 د) خشنود بودن
۲۳۷	 ه) توکّل
۲۳۷	 و) بهشت
۲۳۸	 حکمت نهم: «فضیلت حیا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

- ۲۳۸ اشاره
- ۲۳۸ شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر
- ۲۳۹ مواردی که در آن، «حیا» نیست
- ۲۳۹ آثار و برکات «حیا»
- ۲۳۹ الف) کلید همه خوبیها
- ۲۳۹ ب) سبب کرامت انسانی
- ۲۳۹ ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح
- ۲۳۹ د) نشانه ایمان
- ۲۳۹ ه) محوکننده گناهان
- ۲۴۰ حکمت دهم: «سخاوت در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۴۰ اشاره
- ۲۴۰ حدّ و مرز بخشندگی
- ۲۴۰ عطا کردن قبل از درخواست
- ۲۴۰ آثار و برکات سخاوت
- ۲۴۰ الف) زینت انسان
- ۲۴۱ ب) ایجاد محبت
- ۲۴۱ ج) کم کردن گناهان
- ۲۴۱ د) موجب برکت در رزق و روزی
- ۲۴۱ ه) موجب بزرگی
- ۲۴۱ و) پوشیده شدن عیبها
- ۲۴۲ ز) موجب تقرب به خدا
- ۲۴۲ آفت سخاوت
- ۲۴۲ حکمت یازدهم: «رهاورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۴۲ اشاره

- ۲۴۳ معنا و مفهوم «جَلَم»
- ۲۴۳ برترین صفات انسانی
- ۲۴۳ الف) موجب عزّت و بزرگواری
- ۲۴۳ ب) ثمره علم
- ۲۴۳ ج) غلبه بر دشمن
- ۲۴۳ د) ایمنی از عذاب الهی
- ۲۴۳ ه) زینت انسان
- ۲۴۴ و) زینت علم
- ۲۴۴ ز) کثرت علم
- ۲۴۴ ح) رأس علم
- ۲۴۴ ط) کمال ایمان
- ۲۴۴ حکمت دوازدهم: «معنای احسان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»
- ۲۴۴ اشاره
- ۲۴۵ بالاترین احسان
- ۲۴۵ اشاره
- ۲۴۵ احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان
- ۲۴۵ آثار و برکات «احسان»
- ۲۴۵ الف) موجب محبّت
- ۲۴۵ ب) حُسن عاقبت
- ۲۴۵ ج) موجب بزرگواری
- ۲۴۶ د) بهترین توشه قیامت
- ۲۴۶ ه) کثرت دوستان
- ۲۴۶ بالاترین فضیلت انسان
- ۲۴۶ بالاترین اعمال

۲۴۷ حکمت سیزدهم : «اهمیت صدقه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

۲۴۷ اشاره

۲۴۷ آثار و برکات «صدقه»

۲۴۷ الف) زیاد کردن روزی

۲۴۷ ب) درمان بیماریها

۲۴۸ ج) نزول رحمت

۲۴۸ د) دفع بلا

۲۴۸ ه) برکت در روزی

۲۴۸ و) دفع فقر

۲۴۸ ز) محو کردن گناهان

۲۴۸ فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا

۲۴۹ حکمت چهاردهم : «معنای خیر و نیکی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

۲۴۹ اشاره

۲۴۹ آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است

۲۴۹ بهترین کارها

۲۵۰ اهمیت شناخت «خیر و شر»

۲۵۰ اشاره

۲۵۰ ۱ - ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله»

۲۵۰ ۲ - شکیبایی و شکرگزاری

۲۵۰ ۳ - حسن خلق

۲۵۰ ۴ - قرائت سوره «طور»

۲۵۱ بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

۲۵۲ بهترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

۲۵۵ فصل سیزدهم

- ۲۵۵ اشاره
- ۲۵۵ امام کیست ؟
- ۲۵۵ امامت چیست ؟
- ۲۵۵ چرا به امام معصوم احتیاج داریم ؟
- ۲۵۶ چهارده حدیث معتبر در بیان امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
- ۲۵۶ ۱ حدیث «ثقلین»
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۷ معنای لغوی «ثقلین»
- ۲۵۷ اهمیت حدیث ثقلین و تکرار آن
- ۲۵۸ عظمت امامان معصوم : در حدیث ثقلین
- ۲۵۸ ۱ - اهلبیت : افضل و اشرف از تمام مردم
- ۲۵۸ ۲ - اهلبیت : معصوم از هر خطا و لغزش اند
- ۲۵۸ ۳ - اهلبیت : آگاه به تمام علوم قرآن
- ۲۵۸ ۴ - اهلبیت : خلیفه خدا و رسول اویند
- ۲۵۸ ۵ - هدایت و سعادت فقط منحصر در تمسک به ثقلین
- ۲۵۹ ۲ حدیث «منزلت»
- ۲۵۹ اشاره
- ۲۵۹ مقام و منزلت هارون نسبت به موسی (علیه السلام) در قرآن
- ۲۶۰ ۳ حدیث «غدير»
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۰ اسناد حدیث غدير
- ۲۶۱ تصریح به تواتر حدیث غدير
- ۲۶۱ تصریح به صحت حدیث غدير
- ۲۶۱ معنای حدیث غدير در روایات معصومین

- ۴ حدیث «مدینه‌العلم» ۲۶۲
- اشاره ۲۶۲
- اعلمتت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از همه مردم ۲۶۲
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) باب علم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۶۲
- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هزار باب علم راه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آموخت ۲۶۲
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر فقه است ۲۶۳
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت است ۲۶۳
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راه رسیدن به علوم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۶۳
- ۵ حدیث «سفینه» ۲۶۴
- اشاره ۲۶۴
- تشبیه اهل بیت : به کشتی نوح (علیه السلام) ۲۶۴
- ۶ حدیث «سَدَّ الْأَبْوَاب» ۲۶۵
- اشاره ۲۶۵
- حدیث خُوخه ۲۶۵
- ۷ حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۲۶۶
- اشاره ۲۶۶
- شهرت حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تستن ۲۶۶
- شبه ابن تیمیه درباره حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۲۶۷
- سخن گفتن خورشید با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۷
- ۸ حدیث «طَيْرٌ مَشْوِيٌّ» ۲۶۸
- اشاره ۲۶۸
- نکات حدیث ۲۶۸
- اشاره ۲۶۸
- ۱ - امام علی (علیه السلام) ، محبوب ترین افراد نزد خداوند ۲۶۸

- ۲ - برتری امام علی (علیه السلام) بر سایر صحابه ۲۶۹
- ۳ - امامت حضرت علی (علیه السلام) ۲۶۹
- ۴ - امام علی (علیه السلام)، برتر از تمام پیامبران ۲۶۹
- ۹ حدیث «آمان» ۲۶۹
- اشاره ۲۶۹
- محتوای حدیث آمان ۲۶۹
- معرفت اهل بیت: آمان از عذاب الهی ۲۷۰
- ۱۰ حدیث «رأیت» ۲۷۱
- اشاره ۲۷۱
- غزوه «خیبر» ۲۷۱
- ۱۱ حدیث «سَلُونِي» ۲۷۲
- اشاره ۲۷۲
- اشاره ۲۷۲
- علوم ظاهر و باطنی امیر مؤمنان (علیه السلام) ۲۷۳
- اشاره ۲۷۳
- ۱ - علم تفسیر و تأویل ۲۷۳
- ۲ - علم مَنایا و بَلا یا و آنساب ۲۷۳
- ۳ - علم راههای آسمانها و زمینها ۲۷۳
- ۴ - علم کتابهای آسمانی ۲۷۳
- کسانی که «سَلُونِي» گفتند و رسوا شدند ۲۷۴
- ۱۲ حدیث «شَجَرَة» ۲۷۴
- اشاره ۲۷۴
- شجره طَیبه در قرآن ۲۷۴
- شجره خبیثه در قرآن ۲۷۵

- ۱۳ حدیث «حکمت» ۲۷۵
- اشاره ۲۷۵
- معناومفهوم حکمت ۲۷۶
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت ۲۷۶
- حکمت در قرآن ۲۷۶
- ۱۴ حدیث «معرفت امام» ۲۷۷
- اشاره ۲۷۷
- حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تسنن ۲۷۷
- منظور از «امام» چه کسی است؟ ۲۷۷
- فصل چهاردهم ۲۷۸
- وصیت اول: ثواب قرائت «آیة الکرسی» ۲۷۸
- وصیت دوم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان ۲۷۹
- وصیت سوم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می کند ۲۷۹
- وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می شود ۲۷۹
- وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می شود ۲۷۹
- وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است ۲۸۰
- وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است ۲۸۰
- وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق ۲۸۱
- وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است ۲۸۱
- وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن ۲۸۱
- وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله ۲۸۱
- وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام ۲۸۲
- وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی ۲۸۲
- وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا ۲۸۲

منابع کتاب ----- ۲۸۳

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۲۸۸

یک حرف از هزاران

مشخصات کتاب

سرشناسه : شیاسی، امیر، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : یک حرف از هزاران/امیر شیاسی.
 مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۴۸۰ ص.
 شابک : ۷۵۰۰۰ ریال: ۶-۰۰۷-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸
 موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - فضایل - احادیث اهل سنت
 موضوع : اربعینات - قرن ۱۴
 موضوع : احادیث اهل سنت - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : BP۳۷/۴/ش ۹۴ ی ۸ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۸۵۱۷۳

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۲۹
 فصل اول ۳۷
 فضیلت حفظ چهل حدیث ۳۹
 منظور از «حفظ حدیث» چیست؟ ۴۰
 اسرار عدد «چهل» در آیات و روایات ۴۱
 الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی ۴۱
 ب: جاری شدن چشمه‌های حکمت از قلب بر زبان ۴۲
 ج: میقات حضرت موسی (علیه السلام) با پروردگارش ۴۳
 د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت : ۴۳
 ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین (علیه السلام) ۴۳
 و: اسرار دیگر عدد چهل ۴۴
 اربعینات «کتاب‌های چهل حدیث» ۴۴
 ۱ - فضایل بی‌پایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۴۶
 ۲ - امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بی‌کران فضایل ۴۷
 ۳ - آثار بیان فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ۵۰
 ۴ - امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در عالم انوار ۵۱
 ۵ - نام امیر مؤمنان علی سبب پذیرفته شدن توبه آدم ۷ ۵۱

- ۶- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مولود کعبه ۵۲
- ۷- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مسلمان ۵۳
- ۸- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نخستین نمازگزار ۵۴
- ۹- برتری ایمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۵۴
- ۱۰- شمایل زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۵۴
- ۱۱- کنیه‌ها و لقب‌های امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۵۶
- ۱۲- نقش نگین انگشترهای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۵۶
- ۱۳- فضیلت‌های اختصاصی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۵۷
- ۱۴- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن ۵۸
- ۱۵- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، محوکننده گناهان ۵۹
- ۱۶- علم و آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به قرآن ۵۹
- ۱۷- ازدواج امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۵۹
- ۱۸- دستور خداوند به دوستی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۰
- ۱۹- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راستگوی بزرگ ۶۰
- ۲۰- پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، پیروی از خداست ۶۱
- ۲۱- شباهت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به انبیا : ۶۱
- ۲۲- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ احد ۶۲
- ۲۳- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ بدر ۶۲
- ۲۴- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خندق ۶۳
- ۲۵- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خیبر ۶۳
- ۲۶- ملائکه یاور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ‌ها ۶۴
- ۲۷- در مشکلات باید به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مراجعه کرد ۶۵
- ۲۸- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) محبوب رسول خدا ۶۵
- ۲۹- سفارش رسول خدا به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۶۶
- ۳۰- غیر از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد ۶۷
- ۳۱- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرداخت‌کننده قرض‌های رسول خدا ۶۷
- ۳۲- پیش‌گویی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از شهادت خود ۶۸
- ۳۳- قاتل امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، بدبخت‌ترین مردم ۶۹
- ۳۴- آثار شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در کائنات ۶۹
- ۳۵- اتفاقات شب شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۷۰
- ۳۶- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید ۷۰
- ۳۷- بهشت، مشتاق دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۷۰
- ۳۸- جایگاه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت ۷۱

۳۹- درخشش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برای بهشتیان ۷۱

۴۰- حوریه مخصوص امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت ۷۱

فصل دوم ۷۳

در مسیر اثبات امامت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۷۵

۱- آیه «ولایت» ۷۹

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و آیه «ولایت» ۷۹

آیه «ولایت» از دیدگاه مفسران شیعه و سنی ۸۰

معنای صحیح ولایت در آیه ۸۱

چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟ ۸۲

۲- آیه «اولی الأمر» ۸۳

«اولی الأمر» در روایات اهل تسنن ۸۳

اطاعت از «اولی الأمر» دستور خداست ۸۴

«اولی الأمر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا : هستند ۸۴

«اولی الأمر»، دوازده امام : هستند ۸۴

دلالت آیه «اولی الأمر» بر عصمت ائمه اطهار : ۸۵

دلالت آیه «اولی الأمر» بر اطاعت از ائمه اطهار : ۸۶

۳- آیه «تبلیغ» ۸۸

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ» ۸۸

آیه «تبلیغ» بیانگر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۸۹

رسول خدا مأمور به ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۸۹

فریاد شیطان در غدیر ۹۰

حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه ۹۱

۴- آیه «اکمال دین» ۹۲

تفسیر آیه «اکمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۹۲

ویژگی‌های روز عید غدیر در آیه ۹۳

اگر عظمت غدیر شناخته می‌شد... ۹۳

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از جانب رسول خدا ۹۴

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، رکن اساسی اسلام ۹۵

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، محور قرآن ۹۵

کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۹۵

۵- آیه «تطهیر» ۹۶

تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۹۶

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر» ۹۷

معنای «رَجَس» در قرآن ۹۸

نتیجه تفسیر «آیه تطهیر» ۱۰۰

۶- آیه «عِلْمُ الْكِتَاب» ۱۰۱

تفسیر آیه «عِلْمُ الْكِتَاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۱

مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان (علیه السلام) ۱۰۲

آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کتاب‌های آسمانی ۱۰۳

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن ۱۰۳

نکات مهم آیه ۱۰۴

۷- آیه «مِیَاهِلَه» ۱۰۵

معنای «مِیَاهِلَه» در لغت ۱۰۵

تفسیر آیه «مِیَاهِلَه» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۵

اتفاق مفسرین بر نزول آیه میاهله در مورد اهل بیت : ۱۰۶

واقعه تاریخی میاهله ۱۰۶

دلالت آیه «مِیَاهِلَه» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۰۷

۸- آیه «مُودَّت» ۱۰۹

تفسیر آیه «مُودَّت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۰۹

اجر و مُزد رسالت انبیای الهی ۱۰۹

چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟ ۱۱۰

وجوه دلالت آیه «مُودَّت» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۱۱

۱- وجوب مُودَّت، مستلزم وجوب اطاعت ۱۱۱

۲- وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت ۱۱۲

۳- محبت مطلق، ملازم با عصمت ۱۱۳

۹- آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» ۱۱۴

تفسیر آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۱۴

واقعه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» قابل انکار نیست ۱۱۵

ظهور فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت ۱۱۵

دلالت آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۱۶

۱۰- آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» ۱۱۷

معنای «بَرِيَّة» ۱۱۷

تفسیر آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۱۷

آیا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا افضل است؟ ۱۱۸

امیرمؤمنان (علیه السلام) بهترین بندگان ۱۱۹

«شیعه» کیست؟ ۱۲۰

۱۱ - آیه «هدایت» ۱۲۲

تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایت گر همه عالمیان ۱۲۲

نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت» ۱۲۳

۱۲ - آیه «سابقون» ۱۲۵

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون» ۱۲۵

وجوه دلالت آیه «سابقون» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۲۶

سبقت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فضیلت‌ها ۱۲۷

۱۳ - آیه «صادقین» ۱۲۸

تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۲۸

معنا و مفهوم «صدق و صادقین» ۱۲۸

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر» ۱۲۹

مراد از «صادقین» فقط اهل بیت : هستند ۱۲۹

۱۴ - آیه «صلوات» ۱۳۲

تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی ۱۳۲

معنای «صلوات» در روایات ۱۳۳

کیفیت صلوات بر رسول خدا ۱۳۳

آل محمد : در آیه «صلوات» چه کسانی اند؟ ۱۳۴

آثار و برکات صلوات ۱۳۴

۱) موجب صلوات خدا ۱۳۴

۲) موجب صلوات فرشتگان ۱۳۴

۳) موجب آمرزش گناهان ۱۳۵

۴) موجب برآورده شدن حاجات ۱۳۵

۵) موجب زدوده شدن نفاق ۱۳۵

۶) نور روز قیامت ۱۳۵

فصل سوم ۱۳۷

نور اول : گفتگوی خدا با رسولش در مورد خلافت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۳۹

نور دوم : خداوند منکر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در آتش می‌افکند ۱۴۰

نور سوم : اثر قبول کردن ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۰

نور چهارم : اثر ایمان به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۱

نور پنجم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همتای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۴۱

نور ششم : نزول القاب اختصاصی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آسمان ۱۴۱

نور هفتم : اختصاص لقب «امیرالمؤمنین» به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۲

نور هشتم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) قلعه محکم الهی ۱۴۲

نور نهم : اگر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نبود، بهشت خلق نمی‌شد ۱۴۴

نور دهم : نور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندانش در آسمان‌ها ۱۴۴

نور یازدهم : مقام محبین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در کلام خداوند ۱۴۶

نور دوازدهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همراه با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در معراج ۱۴۷

نور سیزدهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مظهر صفات الهی ۱۴۷

نور چهاردهم : نزول رحمت الهی به برکت وجود امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۴۸

فصل چهارم ۱۵۱

چرا باید نسبت به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) معرفت داشت؟ ۱۵۳

(۱) معرفت و محبت امام (علیه السلام) منشأ همه برکات ۱۵۳

(۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام (علیه السلام) ممکن نیست ۱۵۳

(۳) هیچ عملی بدون معرفت امام (علیه السلام) پذیرفته نیست ۱۵۴

حدیث اول : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا ۱۵۷

حدیث دوم : معرفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۵۷

حدیث سوم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ ۱۵۸

حدیث چهارم : دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کافر است ۱۵۸

حدیث پنجم : اشتیاق ملائکه به دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۵۹

حدیث ششم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، نخستین مسلمان ۱۶۰

حدیث هفتم : زمین، مهریه همسر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۰

حدیث هشتم : هدیه‌های خداوند به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۱

حدیث نهم : مقام والای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در روز قیامت ۱۶۱

حدیث دهم : پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، موجب رستگاری ۱۶۲

حدیث یازدهم : سؤال از ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پس از مرگ ۱۶۳

حدیث دوازدهم : اثر عبادت بدون ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۶۳

حدیث سیزدهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن ۱۶۴

حدیث چهاردهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند عیسی بن مریم (علیهما السلام) ۱۶۵

معرفی امیرمؤمنان (علیه السلام) در کلام آخرین پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۶۶

فصل پنجم ۱۶۹

منقبت اول : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقطه باء «بسم الله» ۱۷۱

منقبت دوم : برائت اهل جابلقا از دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۲

منقبت سوم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اول و آخر و ظاهر و ... ۱۷۲

منقبت چهارم : برترین منقبت‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) از زبان آن حضرت ۱۷۴

منقبت پنجم : اثر متمسک شدن به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۷۶

- منقبت ششم : دوستان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت عدن الهی ۱۷۶
- منقبت هفتم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آگاه به اسرار آسمان‌ها و زمین ۱۷۷
- منقبت هشتم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) حجت خدا بر جهانیان ۱۷۸
- منقبت نهم : بدبخت‌ترین مردمان، انکارکننده فضایل امیرمؤمنان (علیه السلام) ۱۷۹
- منقبت دهم : آشنایی با مقام نورانیت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۸۰
- منقبت یازدهم : ذکر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شفای از تمام بیماری‌ها ۱۸۲
- منقبت دوازدهم : آثار پذیرش ولایت امیرمؤمنان و فرزندان بزرگوارش ۱۸۲
- منقبت سیزدهم : خصلت‌های اختصاصی امیرمؤمنان (علیه السلام) ۱۸۴
- منقبت چهاردهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) امانت‌دار سر خداوند متعال ۱۸۵
- فصل ششم ۱۸۷

- حضرت علی مرتضی (علیه السلام)؛ آفتاب عالم آرا ۱۸۹
- سخن اول : آفرینش فرشتگان از نور صورت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۲
- سخن دوم : جواز عبور از پُل صراط به دست امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۳
- سخن سوم : امیرمؤمنان (علیه السلام)، بهترین کسی که خورشید بر او تابیده ۱۹۳
- سخن چهارم : آثار اجتماع مردم بر محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۳
- سخن پنجم : برتری ایمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر همه عالمیان ۱۹۴
- سخن ششم : اعتراف دشمنان به فضایل بی‌انتهای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۴
- سخن هفتم : اعتراف عمر بن خطاب به سه خصلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۵
- سخن هشتم : ندای درخت نخل به وصایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۶
- سخن نهم : شفای چشم امیرمؤمنان به برکت آب دهان رسول خدا ۱۹۶
- سخن دهم : جاری شدن حکم الهی به دست امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۷
- سخن یازدهم : برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مانند برتری ماه رمضان بر ماه‌های دیگر ۱۹۸
- سخن دوازدهم : مشاعرہ معاویه، یزید و عمرو عاص در فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۸
- سخن سیزدهم : گفتار شافعی در مقام والای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۱۹۹
- سخن چهاردهم : آگاهی دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به فضایل آن حضرت ۲۰۰
- فصل هفتم ۲۰۱

- پیشینه تاریخی روز عید غدیر ۲۰۳
- عظمت غدیر در کلام معصومین : ۲۰۴
- غدیر در کلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۰۴
- غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۰۴
- غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۲۰۴
- غدیر در کلام امام حسن مجتبی (علیه السلام) ۲۰۵
- غدیر در کلام امام حسین (علیه السلام) ۲۰۵

- غدير در كلام امام سجّاد (عليه السلام) ۲۰۶
- غدير در كلام امام محمّد باقر (عليه السلام) ۲۰۶
- غدير در كلام امام جعفر صادق (عليه السلام) ۲۰۶
- غدير در كلام امام كاظم (عليه السلام) ۲۰۷
- غدير در كلام امام رضا (عليه السلام) ۲۰۷
- غدير در كلام امام عسکری (عليه السلام) ۲۰۷
- مدارك و اسناد متن خطبه غدير ۲۰۸
- تحليل و بررسى معنای حديث غدير ۲۰۹
- قراين اثبات ولايت اميرمؤمنان على (عليه السلام) در حديث غدير ۲۱۰
- قرينه اوّل ۲۱۰
- قرينه دوّم ۲۱۱
- قرينه سوّم ۲۱۲
- قرينه چهارم ۲۱۲
- قرينه پنجم ۲۱۳
- قرينه ششم ۲۱۴
- قرينه هفتم ۲۱۵
- قرينه هشتم ۲۱۶
- قرينه نهم ۲۱۷
- قرينه دهم ۲۱۸
- فرازهايى از خطبه غدير ۲۲۰
- فراز اوّل: نزول آيه «تبليغ» در مورد خلافت اميرمؤمنان على (عليه السلام) ۲۲۰
- فراز دوّم: خداوند تمام علوم را در سينه اميرمؤمنان (عليه السلام) قرار داده است ۲۲۱
- فراز سوّم: اميرمؤمنان على (عليه السلام) امام هدايت كننده به سوى حقّ ۲۲۱
- فراز چهارم: خداوند، توبه منكر ولايت اميرمؤمنان (عليه السلام) را نمى پذيرد ۲۲۲
- فراز پنجم: غضب خداوند بر دشمن اميرمؤمنان على (عليه السلام) ۲۲۲
- فراز ششم: خداوند دين را با ولايت اميرمؤمنان (عليه السلام) به كمال رسانيد ۲۲۳
- فراز هفتم: سوره «والعصر» در مورد اميرمؤمنان (عليه السلام) نازل شده است ۲۲۳
- فراز هشتم: رسول خدا نذير، و اميرمؤمنان على (عليه السلام) بشير است ۲۲۴
- فراز نهم: پيام غدير، براى همه عالميان تا روز قيامت ۲۲۴
- فراز دهم: علم امر و نهى، نزد اميرمؤمنان على (عليه السلام) ۲۲۵
- فراز يازدهم: قرآن، امامان بعد از اميرمؤمنان على (عليه السلام) را بيان مى كند ۲۲۵
- فراز دوازدهم: فضايل بى انتهاي قرآنى اميرمؤمنان على (عليه السلام) ۲۲۶
- فراز سيزدهم: پيمان با اميرمؤمنان، پيمان با خداوند متعال است ۲۲۶

فراز چهاردهم: بیعت کنندگان با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) رستگارانند ۲۲۷

آداب و اعمال عید غدیر ۲۲۸

فضیلت روزه‌داری ۲۲۸

فضیلت افطاری دادن ۲۲۹

فضیلت اطعام دادن ۲۲۹

فضیلت دیدار با مؤمنان ۲۲۹

فضیلت صلوات فرستادن ۲۲۹

فضیلت نماز و عبادت ۲۲۹

فضیلت بیزاری از دشمنان اهل بیت: ۲۳۰

فضیلت عید گرفتن ۲۳۰

فضیلت عیدی دادن ۲۳۰

آداب تبریک گفتن ۲۳۰

آداب عقد برادری ۲۳۱

فصل هشتم ۲۳۳

کیمیای محبت ۲۳۵

عوامل محبت ۲۳۶

الف) انجام کارهای نیک ۲۳۶

ب) خوش‌گمانی ۲۳۶

ج) خوش‌رفتاری ۲۳۷

د) گشاده‌رویی ۲۳۷

ه) اظهار دوستی ۲۳۷

و) وفاداری ۲۳۷

ز) انصاف ۲۳۷

ح) کرامت ۲۳۸

ط) بخشنده‌گی ۲۳۸

ی) نیکی کردن به مردم ۲۳۸

ک) صله رحم ۲۳۸

ل) هدیه دادن ۲۳۸

م) سجده کردن میان اذان و اقامه ۲۳۸

موانع محبت ۲۳۹

الف) بدخویی ۲۳۹

ب) پریشانی ۲۳۹

ج) تکبر داشتن ۲۳۹

(د) کینه‌توزی ۲۳۹

(ه) حسادت ۲۳۹

(و) گناه ۲۴۰

(ن) بی‌انصافی ۲۴۰

(ح) فریب دادن ۲۴۰

۱- دوستی و دشمنی برای خدا ۲۴۱

۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است ۲۴۲

۳- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه حلال زادگی ۲۴۳

۴- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان ۲۴۴

۵- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است ۲۴۴

۶- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میزان سنجش اعمال ۲۴۵

۷- سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قیامت ۲۴۶

۸- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال ۲۴۷

۹- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فریضه‌ای الهی است ۲۴۸

۱۰- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، راه رهایی از خطرات ۲۴۹

۱۱- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست ۲۵۰

۱۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکی‌هاست ۲۵۱

۱۳- امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، دوستان خود را می‌شناسد ۲۵۲

۱۴- آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دنیا و آخرت ۲۵۵

فصل نهم ۲۵۹

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مظلوم دوران ۲۶۱

به آتش کشیدن کتاب‌های فضائل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۲

پیشگیری از نقل فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۲

جلوگیری از نام‌گذاری به «علی» ۲۶۳

گسترش مخالفت و بدگویی به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۶۴

بدگویی به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر فراز منبرها ۲۶۵

۱- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول است ۲۶۶

۲- بوی بهشت به مشام دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نمی‌رسد ۲۶۷

۳- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی می‌میرد ۲۶۷

۴- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آتش است ۲۶۸

۵- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در پایین‌ترین درجه جهنم است ۲۶۹

۶- هر که با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمنی کند، منافق است ۲۷۰

۷- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کور و نابینا محسور می‌شود ۲۷۰

۸- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول اوست ۲۷۱

۹- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جهنم افکنده می‌شود ۲۷۲

۱۰- دوستی و دشمنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سبب قبولی اعمال ۲۷۲

۱۱- دشمنی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه پلیدی ولادت ۲۷۴

۱۲- محبوب‌ترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا ۲۷۴

۱۳- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ناامید از رحمت الهی ۲۷۵

۱۴- دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کجایند؟! ۲۷۷

فصل دهم ۲۷۹

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیشوای پیامبران : ۲۸۱

حکایت اول : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یاور پیامبران : ۲۸۳

حکایت دوم : تکمیل نبوت پیامبران، به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۴

حکایت سوم : نجات یوسف (علیه السلام) به خاطر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۵

حکایت چهارم : پیامبران ابلاغ کننده ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۸۶

حکایت پنجم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، ناجی حضرت نوح (علیه السلام) ۲۸۷

حکایت ششم : افضلیت امیرمؤمنان و فرزندان او بر پیامبران ۲۸۹

حکایت هفتم : آفرینش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) قبل از آدم (علیه السلام) ۲۹۱

حکایت هشتم : خاتم سلیمان (علیه السلام) نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۲۹۴

حکایت نهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین جانشین خدا در زمین ۲۹۷

حکایت دهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شاهد رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قیامت ۲۹۸

حکایت یازدهم : دیدن آدم (علیه السلام) نور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در عرش ۲۹۹

حکایت دوازدهم : برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر مردم، مانند برتری جبرئیل بر فرشتگان ۳۰۱

حکایت سیزدهم : استمداد حضرت سلیمان (علیه السلام) از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۰۳

حکایت چهاردهم : امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و کشتی حضرت نوح (علیه السلام) ۳۰۵

فصل یازدهم ۳۰۹

آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار : ۳۱۱

آثار و برکات نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید ۳۱۳

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل ۳۱۴

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آسمان‌ها ۳۱۴

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی ۳۱۴

نام‌های قرآنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۱۶

- ۲ - حسنه ۳۱۷
- ۳ - صالح المؤمنین ۳۱۷
- ۴ - جنب الله ۳۱۷
- ۵ - شاهد ۳۱۸
- ۶ - مؤمن ۳۱۸
- ۷ - علی ۳۱۸
- ۸ - نور ۳۱۹
- ۹ - عروۃ الوثقی ۳۱۹
- ۱۰ - احسان ۳۱۹
- ۱۱ - رحمت ۳۱۹
- ۱۲ - کلمه تامه ۳۲۰
- ۱۳ - حق الیقین ۳۲۰
- ۱۴ - انسان ۳۲۰
- ۱۵ - سلیم ۳۲۱
- ۱۶ - یمین ۳۲۱
- ۱۷ - ایمان ۳۲۱
- ۱۸ - کلمه تقوا ۳۲۲
- ۱۹ - حق ۳۲۲
- ۲۰ - امام ۳۲۲
- ۲۱ - امانت ۳۲۲
- ۲۲ - هدی ۳۲۳
- ۲۳ - تجاره ۳۲۳
- نام اول : «علی (علیه السلام)» ۳۲۴
- نام دوم : «أَبُو تُرَاب» ۳۲۶
- نام سوم : «جَنْبُ اللَّهِ» ۳۲۷
- نام چهارم : «حَبْلُ اللَّهِ» ۳۲۹
- نام پنجم : «فَضْلُ اللَّهِ» ۳۳۱
- نام ششم : «كَلِمَةُ اللَّهِ» ۳۳۴
- نام هفتم : «إِمَامٌ مُبِينٌ» ۳۳۶
- نام هشتم : «وَجْهُ اللَّهِ» ۳۳۸
- نام نهم : «لِسَانُ صَدَق» ۳۳۹
- نام دهم : «بَابُ حِطَّةً» ۳۴۱
- نام یازدهم : «صراط مستقیم» ۳۴۳

نام دوازدهم : «نَبَأٌ عَظِيمٌ» ۳۴۵

نام سیزدهم : «حَقَّ الْيَقِينُ» ۳۴۷

نام چهاردهم : «نُورٌ مُبِينٌ» ۳۴۸

فصل دوازدهم ۳۵۱

نهج البلاغه ۳۵۳

مؤلف «نهج البلاغه» ۳۵۳

عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان ۳۵۴

سرچشمه ناب ۳۵۵

عالی‌ترین کتاب ۳۵۶

امام خطیبان ۳۵۶

دو خطبه شگفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۳۵۶

خطبه بدون الف ۳۵۷

خطبه بدون نقطه ۳۵۸

حکمت اول : «آیین دوست‌یابی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۵۹

انواع دوستی ۳۵۹

حقوق دوستی ۳۵۹

محدوده دوستی ۳۶۰

عوامل دوستی و راه نفوذ در دل‌ها ۳۶۰

الف) صله رَحِم ۳۶۰

ب) بخشش ۳۶۰

ج) گشاده‌رویی ۳۶۱

د) نیکی کردن ۳۶۱

حکمت دوم : «ارزش استغفار در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۲

آثار و خواص استغفار ۳۶۲

الف) وسعت در رزق ۳۶۲

ب) محو کردن گناهان ۳۶۲

ج) بالاترین توسل ۳۶۳

د) موجب امیدواری ۳۶۳

ه) بهترین عبادت ۳۶۳

و) بهترین شفیع ۳۶۳

ره‌آورد استغفار ۳۶۳

حکمت سوم : «رزق و روزی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۵

قدرت خداوند در روزی رساندن ۳۶۵

اقسام رزق و روزی ۳۶۵

موجبات برکت در رزق و روزی ۳۶۶

الف) خوش اخلاقی ۳۶۶

ب) استغفار ۳۶۶

ج) نماز ۳۶۶

د) صدقه ۳۶۷

ه) صله رَجَم ۳۶۷

و) راستگویی ۳۶۷

حکمت چهارم: «ایمان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۶۸

تعریف ایمان ۳۶۸

حقیقت ایمان ۳۶۸

اهمیت ایمان ۳۶۹

کمال ایمان ۳۶۹

آثار ایمان ۳۶۹

الف) امتیت ۳۶۹

ب) نجات ۳۶۹

ج) رستگاری ۳۷۰

د) حیا ۳۷۰

ه) صبر ۳۷۰

و) میل به آخرت ۳۷۰

حکمت پنجم: «اهمیت دعا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۷۱

دعا، بلاها را دفع می کند ۳۷۱

آداب دعا نمودن ۳۷۱

الف) صلوات فرستادن ۳۷۱

ب) اصرار در دعا ۳۷۲

ج) ناامید نشدن ۳۷۲

د) اخلاص ۳۷۲

ه) مداومت در دعا ۳۷۲

و) ستایش و ثنا پیش از دعا ۳۷۳

ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا ۳۷۳

حکمت ششم: «ارزش توبه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۷۴

پایه های توبه ۳۷۴

شتاب در توبه کردن ۳۷۴

توبه نصح ۳۷۴

آثار و برکات «توبه» ۳۷۵

الف) نزول رحمت الهی ۳۷۵

ب) پاک شدن گناهان ۳۷۵

ج) موجب خشنودی خداوند ۳۷۵

حکمت هفتم: «ارزش علم و دانش در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۷۶

علم بهتر از ثروت است ۳۷۶

اقسام علم حقیقی ۳۷۶

فضیلت طلب علم ۳۷۶

حکمت هشتم: «ارزش یقین در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۷۹

بزرگ‌ترین سعادت ۳۷۹

بالاترین دعا ۳۷۹

یقین، رأس دین است ۳۸۰

برترین عبادت ۳۸۰

آثار و برکات «یقین» ۳۸۰

الف) صبر ۳۸۰

ب) اخلاص ۳۸۰

ج) زهد ۳۸۱

د) خشنود بودن ۳۸۱

ه) توکل ۳۸۱

و) بهشت ۳۸۱

حکمت نهم: «فضیلت حیا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۸۲

شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر ۳۸۲

مواردی که در آن، «حیا» نیست ۳۸۳

آثار و برکات «حیا» ۳۸۳

الف) کلید همه خوبی‌ها ۳۸۳

ب) سبب کرامت انسانی ۳۸۴

ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح ۳۸۴

د) نشانه ایمان ۳۸۴

ه) محوکننده گناهان ۳۸۴

حکمت دهم: «سخاوت در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۸۵

حدّ و مرز بخشندگی ۳۸۵

عطا کردن قبل از درخواست ۳۸۵

آثار و برکات سخاوت ۳۸۵

الف) زینت انسان ۳۸۵

ب) ایجاد محبت ۳۸۶

ج) کم کردن گناهان ۳۸۶

د) موجب برکت در رزق و روزی ۳۸۶

ه) موجب بزرگی ۳۸۶

و) پوشیده شدن عیب‌ها ۳۸۷

ز) موجب تقرب به خدا ۳۸۷

آفت سخاوت ۳۸۷

حکمت یازدهم: «ره‌آورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۸۸

معنا و مفهوم «حلم» ۳۸۸

برترین صفات انسانی ۳۸۸

آثار و برکات «حلم و بردباری» ۳۸۹

الف) موجب عزت و بزرگواری ۳۸۹

ب) ثمره علم ۳۸۹

ج) غلبه بر دشمن ۳۸۹

د) ایمنی از عذاب الهی ۳۸۹

ه) زینت انسان ۳۸۹

و) زینت علم ۳۹۰

ز) کثرت علم ۳۹۰

ح) رأس علم ۳۹۰

ط) کمال ایمان ۳۹۰

حکمت دوازدهم: «معنای احسان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۹۱

بالاترین احسان ۳۹۱

احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان ۳۹۱

آثار و برکات «احسان» ۳۹۲

الف) موجب محبت ۳۹۲

ب) حسن عاقبت ۳۹۲

ج) موجب بزرگواری ۳۹۲

د) بهترین توشه قیامت ۳۹۲

ه) کثرت دوستان ۳۹۲

بالاترین فضیلت انسان ۳۹۳

بالاترین اعمال ۳۹۳

حکمت سیزدهم: «اهمیت صدقه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۹۴

آثار و برکات «صدقه» ۳۹۴

الف) زیاد کردن روزی ۳۹۴

ب) درمان بیماری‌ها ۳۹۴

ج) نزول رحمت ۳۹۵

د) دفع بلا ۳۹۵

ه) برکت در روزی ۳۹۵

و) دفع فقر ۳۹۵

ز) محو کردن گناهان ۳۹۵

فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا ۳۹۶

حکمت چهاردهم: «معنای خیر و نیکی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)» ۳۹۷

آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است ۳۹۷

بهترین کارها ۳۹۷

اهمیت شناخت «خیر و شر» ۳۹۸

آنچه با آن خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید ۳۹۸

۱- ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» ۳۹۸

۲- شکیبایی و شکرگزاری ۳۹۸

۳- حُسن خلق ۳۹۹

۴- قرائت سوره «طور» ۳۹۹

بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۰۰

بهترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۰۲

فصل سیزدهم ۴۰۵

امام کیست؟ ۴۰۷

امامت چیست؟ ۴۰۷

چرا به امام معصوم احتیاج داریم؟ ۴۰۸

۱- حدیث «ثقلین» ۴۱۱

معنای لغوی «ثقلین» ۴۱۱

اهمیت حدیث ثقلین و تکرار آن ۴۱۲

عظمت امامان معصوم: در حدیث ثقلین ۴۱۳

۱- اهل بیت: افضل و اشرف از تمام مردم ۴۱۳

۲- اهل بیت: معصوم از هر خطا و لغزش‌اند ۴۱۳

۳- اهل بیت: آگاه به تمام علوم قرآن ۴۱۳

۴- اهل بیت: خلیفه خدا و رسول اویند ۴۱۴

۵- هدایت و سعادت فقط منحصر در تمسک به ثقلین ۴۱۴

۲- حدیث «منزلت» ۴۱۵

مقام و منزلت هارون نسبت به موسی (علیه السلام) در قرآن ۴۱۶

۳- حدیث «غدير» ۴۱۸

اسناد حدیث غدیر ۴۱۸

تصریح به تواتر حدیث غدیر ۴۱۹

تصریح به صحت حدیث غدیر ۴۱۹

معنای حدیث غدیر در روایات معصومین : ۴۲۰

۴- حدیث «مدینه العلم» ۴۲۱

اعلمیت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از همه مردم ۴۲۱

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) باب علم رسول خدا ۴۲۲

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هزار باب علم را به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آموخت ۴۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر فقه است ۴۲۲

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت است ۴۲۳

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راه رسیدن به علوم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۴۲۳

۵- حدیث «سفینه» ۴۲۴

تشبیه اهل بیت : به کشتی نوح (علیه السلام) ۴۲۴

۶- حدیث «سَدُّ الْأَبْوَابِ» ۴۲۶

حدیث خُوخه ۴۲۷

۷- حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۴۲۸

شهرت حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تسنن ۴۲۸

شبهه ابن تیمیّه درباره حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» ۴۲۹

سخن گفتن خورشید با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۴۲۹

۸- حدیث «طَيْرِ مَشْوَى» ۴۳۱

نکات حدیث ۴۳۱

۱- امام علی (علیه السلام) ، محبوبترین افراد نزد خداوند ۴۳۲

۲- برتری امام علی (علیه السلام) بر سایر صحابه ۴۳۲

۳- امامت حضرت علی (علیه السلام) ۴۳۲

۴- امام علی (علیه السلام) ، برتر از تمام پیامبران ۴۳۳

۹- حدیث «أَمَان» ۴۳۴

محتوای حدیث امان ۴۳۴

معرفت اهل بیت :، امان از عذاب الهی ۴۳۶

۱۰- حدیث «رَايَت» ۴۳۷

غزوه «خیبر» ۴۳۷

۱۱ - حدیث «سَلُونِی» ۴۴۰

علوم ظاهری و باطنی امیرمؤمنان (علیه السلام) ۴۴۰

۱ - علم تفسیر و تأویل ۴۴۰

۲ - علم مَنایا و بَلایا و اَنساب ۴۴۱

۳ - علم راه‌های آسمان‌ها و زمین‌ها ۴۴۱

۴ - علم کتاب‌های آسمانی ۴۴۱

کسانی که «سَلُونِی» گفتند و رسوا شدند ۴۴۲

۱۲ - حدیث «شَجَرَةُ» ۴۴۳

شجره طَیْبَه در قرآن ۴۴۳

شجره خبیثه در قرآن ۴۴۴

۱۳ - حدیث «حکمت» ۴۴۵

معنا و مفهوم حکمت ۴۴۵

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت ۴۴۶

حکمت در قرآن ۴۴۶

۱۴ - حدیث «معرفت امام» ۴۴۸

حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تسنن ۴۴۸

منظور از «امام» چه کسی است؟ ۴۴۸

فصل چهاردهم ۴۵۱

وصیت اوّل: ثواب قرائت «آیة الكرسي» ۴۵۳

وصیت دوّم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان ۴۵۳

وصیت سوّم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می‌کند ۴۵۴

وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می‌شود ۴۵۴

وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می‌شود ۴۵۵

وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است ۴۵۵

وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است ۴۵۶

وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق ۴۵۷

وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است ۴۵۷

وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن ۴۵۸

وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله ۴۵۸

وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام ۴۵۹

وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی ۴۵۹

وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا ۴۶۰

منابع کتاب ۴۶۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

سپاس خدایی را که عالمیان را از عدم به وجود آورد و لباس حیات پوشانید، و در مسیر محبت و عشق به خود برانگیخت، و خلقت عظیم خود را از محبت آغاز نمود، و فرمود: «من گنج پنهانی بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس جهانیان را آفریدم که مرا بشناسند.»

ناگهان دستی زغیب آمد پدید یک جهان مهر و محبت آفرید

عشق را با یک تپش آغاز کرد

دفتر رحمانی‌اش را باز کرد

جایی که نه صحبت از زمان بود و مکان، نه خورشید و آسمان، نه زمین و کهکشان، نه حرفی از آدم و حوا، نه صحبتی از موسی و عیسی،... خدا بود و هیچ چیز به جز ذات نورانی او نبود.

در ازل پرتو حُسن ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

و این چنین بود که خداوند سبحان، عشق و محبت خود را به عالمیان هدیه کرد و آیاتی از الطاف بی‌کرانش را بر همگان خواند. بدین ترتیب، روح تنهایی جهان، سبز شد و ارتفاع آبی آسمان، عظمت پیدا کرد.

و به نور عشق و رحمت خود به عالمیان وسعت بخشید و بار امانت عشق را به همه موجودات ارزانی داشت و در این میان هیچ کس به جز انسان نتوانست این بار امانت را به دوش بکشد:

(إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ).

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت با من راهنشین باده مستانه زدند

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند

و آدمی را به واسطه گوهر فطرت و تحمل بار امانت عشق، بر عالمیان برتری داد:

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا).

نه فلک راست مسلم نه ملک را حاصل آنچه در سر هویدای بنی‌آدم از اوست

و تمامی عشق را در وجود انسان کامل تجلی داد و او را مظهر تام و آینه تمام جمال خویش قرار داد و جانشین خود در زمین نامید:

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

و آسمان برافراشته و زمین گسترده، ماه تابان و خورشید درخشان، فلک چرخان و دریاها روان را به خاطر او آفرید.

همان که در آسمان «عالی»، و در زمین «علی» خوانندش، او که زبان واصفین از بیان اوصافش، کلام خطیبان در بیان خطبه‌های نغزش، فکر خردمندان از پیردن به مقامش، علم دانشمندان در برابر دریاها علوم بیکرانیش، و قلم نویسندگان از بیان شرح حالاتش، در کمال عجز و ناتوانی و چونان قطره‌ای در برابر دریای بیکران اوست، او که خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)

در وصفش فرمود :

«علی جان! جز خدا و من کسی تو را نشناخت، و جز خدا و تو کسی مرا نشناخت، و غیر از من و تو کسی خدا را نشناخت.»

علی را قدر پیغمبر شناسد که هر کس خویش را بهتر شناسد

چه گویم در مورد شخصیتی که آخرین پیامبر آسمانی در وصف او فرمود :

«اگر همه درختان قلم، همه دریاها مرگب، همه فرشتگان حسابگر، و همه آدمیان نویسنده شوند، هرگز نمیتوانند فضایل حضرت

علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را بشمارند.»

به عقل کل شبی گفتم علی کیست؟ بگفت آن کس که وصفش حد کس نیست

چه بنویسم؟ از کجا بگویم؟ هر چه بگویم، عجز و ناتوانی خود را بیان کرده‌ام.

سخن کوتاه، قلم لرزان، زبان سخت تهیدستم، تهیدستم، تهیدست

چه گویم تا نریزد آبرویم تو خود گو، کیستی تا من بگویم

از تطهیر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که مصداق (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) است؟

از سخاوت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که تجلی (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) است؟

از علم و آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ

بَابُهَا» ؟

از ولایت و امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که ظهور (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ

الْإِسْلَامَ دِينًا) است؟

از اسلام و ایمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که (لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ) ؟

از اسمهای زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا) در وصف اسماء نورانی اوست؟

از شناخت نورانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي

بِالنُّورَانِيَّةِ» ؟

از همسر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» ؟

از صبر و حلم امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «صَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْخَلْقِ شَجَى» ؟

از شجاعت و دلآوری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که اوست مشمول ندای «ضَرْبَةُ عَلِيٍّ (علیه السلام) يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ

عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» ؟

از عبادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «الْهِيَ مَا عَيْدُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا

لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» ؟

از شیعیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصف آنان فرمود: «[يَا عَلِيُّ] شِيعَتُكَ عَلَى

مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّنٍّ وَجُوهُهُمْ» ؟

از فضایل و مناقب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن بگویم که بزرگ پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِنَّ فَضَائِلَ

عَلِيٍّ بِنِ ابِيطَالِبٍ (علیه السلام) عِنْدَ اللَّهِ وَ قَدْ أُنْزِلَتْ فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ» ؟

از یقین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بگویم که فرمود: «لَوْ كُشِفَ الْغُطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا» ؟

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

آری! خلاصه بگویم :

به پرده بود جمال جمیل عزوجل به خویش خواست کند جلوهای به صبح ازَل
چو خواست آن که جمیل جمال بنماید علی شد آینه، خَيْرُ الْكَلَامِ قَلَّ وَ دَلَّ
من از مفصل این نکته مُجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل
ولی،

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
ما نیز با تمسک به آیه کریمه (فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا) ، و توسل به (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) ، و
بیان

شریفه (زَيِّنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (ع)) ، قطره‌های از دریای

۱۵. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، ص ۱۴۸. ترجمه کامل حدیث بدین قرار است: «خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای احمد! اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود هیچ یک از شما را نمی‌آفریدم.»
۱۶. نهج البلاغه، خطبه شششقیه. ترجمه: «من صبر و شکیبایی گزیدم، در حالی که همانند کسی بودم که تیغ به چشمش رفته و استخوان در گلویش مانده باشد.»

۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ضربتی که علی علیه السلام در جنگ خندق به عمرو بن عبدود زد، از عبادت جن و انس بالاتر است.»

۱۸. [خدایا] تو را نه به خاطر ترس از دوزخ و نه به خاطر اشتیاق به بهشت، بلکه به خاطر این که شایستگی الوهیت داری، پرستش میکنم. [بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۷].

۱۹. کشف الیقین، ص ۴۳۰.

۲۰. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹. ترجمه: «اگر همه پرده‌های حجاب بالا زده شود، بر یقین من چیز نیفزاید [یعنی یقین من به حد کمال رسیده است].»

۲۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶. ترجمه: «به دستگیره محکم الهی چنگ زده است، که هیچ جدایی و گسست برای آن نیست.»

۲۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. ترجمه: «و همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.»

۲۳. علامه مجلسی در بحار الأنوار (ج ۳۸، ص ۱۹۹) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل میکند که فرمود: «مجالس خود را با ذکر علی بن ابیطالب علیه السلام زینت بدهید.»

۲۴. اُمالی مفید، ص ۳۳، مجلس ۴، ح ۸. امام حسن علیه السلام فرمود: «هر کس ما را با قلب خود دوست بدارد و با دست و زبانش ما را یاری کند، در بهشت در جایگاهی که ما هستیم با ما خواهد بود.»

بیکران مناقب مولای عرشیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را نقل میکنیم، بدان امید که مشمول موهبت عظیمه «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْغُرَفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا» قرار بگیریم.

ما را وظیفه‌ایست نه دعوی به جاه خویش بر من ببخش و نه مدیح تو «هل آتی» ست

پیامبر خدا میفرماید :

«هنگامی که مؤمنی از دنیا میرود و از خود ورقهای از دانش به جای میگذارد، این ورقه بین او و آتش حایل میگردد و خدای متعال به هر حرفی که بر آن نوشته است، شهری در بهشت به او عطا میکند که وسعت آن هفت برابر دنیا است.»

این شرح بی نهایت کز حسن یار گفتند حرفیست از هزاران کاندر عبارت آمد

فصل اول

فضیلت حفظ چهل حدیث

در کتب شیعه و سنی درباره «فضیلت حفظ چهل حدیث» روایات بسیاری ذکر شده است. از آن جمله در کتاب «کَنْزُ الْعُمَالِ»، که دایره المعارف حدیث اهل تسنن است، جلد دهم، از حدیث شماره ۲۹۱۸۲ به بعد، دوازده حدیث درباره آثار و برکات کسی که چهل حدیث حفظ کند و برای مردم ذکر نماید، نقل شده که به چند مورد اشاره میکنیم:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا».

رسول خدا فرمود:

«هر که برای امت من چهل حدیث حفظ کند که در کار دینشان از آنها بهرهمند شوند، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم مبعوث میکند».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

«مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِيمَا يَنْفَعُهُمْ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَفُضِّلَ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعِينَ دَرَجَةً، اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ».

رسول خدا فرمود:

«هر که چهل حدیث برای امت من حفظ کند که در کار دینشان از آن بهرهمند شوند، خداوند او را در روز قیامت از علما مبعوث مینماید؛ و عالم بر عابد، هفتاد درجه برتری دارد و فقط خدا میداند که فاصله هر درجه‌ای تا درجه دیگر چه مقدار است».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَمْرِ دِينِهَا فَهُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَكُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

رسول خدا فرمود:

«هر که برای امت من، چهل حدیث درباره امر دین آنها حفظ کند، از علما است و من در روز قیامت او را شفاعت میکنم».

منظور از «حفظ حدیث» چیست؟

اشاره

درباره معنای «حفظ حدیث» سه دیدگاه بیان شده است:

الف - منظور از «حفظ حدیث» از برکردن و در خاطر گرفتن است.

ب - مراد از «حفظ حدیث»، نگهبانی و محافظت حدیث از اندراس و تلف شدن است؛ خواه با از برکردن، خواه از طریق نوشتن، و خواه به نحو دیگر.

ج - بعضی گفته‌اند مراد از «حفظ حدیث»، فراگرفتن آن است بر یکی از وجوه ششگانه که ائمه حدیث آن را ذکر کرده‌اند؛ یعنی: سماع از شیخ، قرائت بر او، سماع حال قرائت غیر، اجازه، مَنَاوله و کتابت.

حدیثی که راوی از شیخ خود یعنی کسی که سند حدیث به او میرسد و از او روایت میکند فرامیگیرد باید بر یکی از شش وجه زیر

بوده باشد تا بتواند حدیث مذکور را از او روایت کند و نقل او اعتبار یابد :

۱. شنیدن از زبان شیخ؛ بر این وجه که شیخ بخواند و او بشنود.

۲. خواندن بر شیخ؛ که او بخواند و شیخ بشنود و انکار نکند.

۳. شنیدن در حالت خواندن غیر؛ بر این وجه که دیگری بر شیخ بخواند و شیخ تصدیق نماید و او (راوی) در حاشیه مجلس شنیده باشد.

۴. اجازه شیخ؛ و آن این است که شیخ میگوید که فلان حدیث و فلان حدیث، یا فلان کتاب و فلان کتاب را از من نقل کن، بیآنکه تمام حدیث یا کتاب را برای او خوانده یا از او بشنود.

۵. مُناوله؛ و آن این است که شیخ، کتاب تصحیح کرده خود را به او بدهد، و اشاره کند که آنچه در این کتاب است از من نقل کن.

۶. کتابت شیخ؛ و آن اجازه به کتابت است؛ یعنی شیخ به خط خود بر جایی بنویسد که فلان حدیث و فلان حدیث یا فلان کتاب و فلان کتاب را از من روایت کن، بیآنکه بر زبان آورد.

علما از میان وجوه ششگانه حدیث، وجه اول را بهتر دانسته و گفته‌اند حدیثی که بر آن وجه، منقول شده باشد حُجَّت است.

اسرار عدد «چهل» در آیات و روایات

در «اربعین» و عدد چهل، اسراری نهفته است. این عدد در فرهنگ ادیان و در آیات و روایات جایگاه خاصی دارد که به چند مورد آنها اشاره میکنیم :

الف: رسیدن به کمال عقل و کمال روحی تا چهل سالگی

۱ - خداوند متعال میفرماید :

(حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) .

«تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد میگوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بهجا آورم و کار شایسته‌های انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان. من به سوی تو بازمیگردم و توبه میکنم و من از مسلمانانم.»

از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «بنده تا سن چهل سالگی مورد عفو و مغفرت پروردگار است و زمانی که به این سن رسید، خداوند متعال به دو ملک (رَقِیب و عَتِید) که موکل بر اعمال و کردار او هستند وحی میفرستد که او در کردار و اعمالش رها و آزاد نیست؛ بر او سخت گیرید و هر آنچه از او سرمیزند، کم یا بسیار، دقیقاً ثبت و ضبط نمایند.»

در روایتی دیگر از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است :

«إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ.»

«زمانی که عبد به سی و سه سالگی رسید، به مرتبه قوام جسمی و روحی نایل میگردد و زمانی که به چهل سالگی رسید، عقل او به نهایت درجه قدرت و ادراک میرسد.»

ب: جاری شدن چشمهای حکمت از قلب بر زبان

رسول خدا میفرماید :

«مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَزَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.»

«اگر کسی چهل روز اعمال خود را برای خداوند، خالص و خود را از گناه دور نماید، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود.»

ج: میقات حضرت موسی (علیه السلام) با پروردگارش

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً...)

«و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد....»

و در جای دیگر از وعده چهل شب با حضرت موسی (علیه السلام) یاد شده است :

(وَ اِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً...).

«و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او برای گرفتن فرمان الهی، به میعادگاه آمد).»

د: گریستن آسمان در مصیبت اهل بیت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هر گاه مؤمن از دنیا برود، آسمان و زمین، چهل روز بر او می‌گیرند. و هر گاه شخص عالمی از دنیا برود، آسمان و زمین، چهل ماه بر او می‌گیرند. و در رحلت هر پیامبر، آسمان و زمین، چهل سال گریانند، و تو ای علی! هر گاه به شهادت میرسی، آسمان و زمین، چهل سال بر تو گریه می‌کنند.»

ه: گریستن تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین (علیه السلام)

امام جعفر صادق (علیه السلام) به زُرارَه فرمودند: «ای زرارَه! آسمان تا چهل روز برای حسین بن علی (علیه السلام) خون بارید و زمین تا چهل روز تاریک شد و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه‌تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و به تلاطم افتادند و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند....»

و: اسرار دیگر عدد چهل

حضرت آدم (علیه السلام) چهل سال حول بیت المقدس طواف نمود.

خلقت نورانی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چهل هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم (علیه السلام) واقع شد.

یکی از علامات مؤمن، زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است.

بعثت رسول خدا در سنّ چهل سالگی بود.

در روایات آمده است هر که چهل بار سوره حمد را بر آبی بخواند و سپس آن را بر بدن مریض تبداری بریزد، خداوند او را شفا خواهد داد.

. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۱، باب ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

. سورة بقره، آیه ۵۱.

. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۰۸، ح ۹.

. کامل الزیارات، ص ۸۰، باب ۲۶، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۶، ح ۱۳.

. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۷۸، ح ۱ و ج ۶۴، ص ۲۸۳، ح ۴۴.

. همان، ج ۲۴، ص ۸۸، ح ۴.

. إقبال الاعمال، ص ۵۸۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸، ح ۱۹۶۴۳.

. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۹۳، ح ۲۹.

. همان، ج ۱۰۴، ص ۶۲، ح ۳۵.

اربعتینات «کتابهای چهل حدیث»

بسیاری از علمای فریقین (شیعه و سنی) به جمعآوری حدیث و تدوین آنها با عنوان الأربعین (چهل حدیث) مبادرت ورزیده‌اند، که موضوعات آن بیشتر درباره سیره و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه اطهار، فقه و اخلاق است. دانشمند بزرگ شیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، حدود ۸۳ کتاب با عنوان «اربعتین» را در الذریعه نام میبرد.

از جمله کتابهایی که در فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با عنوان «چهل حدیث» نوشته شده، میتوان موارد زیر را نام برد:

۱- الأربعین عن الأربعین فی فضائل علیّ أمير المؤمنين (علیه السلام): للشیخ الخزاعی المفید الحافظ ابی محمد عبد الرحمن احمد بن الحسین النیشابوری، ۷۴۶ ه. ق.

۲- الأربعین (فی فضائل الإمام أمير المؤمنين (علیه السلام)): : للهرویّ عطاء الله بن فضل الله المعروف بجمال الدّین المحدث الحسینی، ۹۳۰ ه. ق.

۳- الأربعون حدیثاً (فی مناقب أمير المؤمنين (علیه السلام)): : للفیض الکاشانی، ت ۱۰۹۱ ه. ق.

۴- الأربعون حدیثاً (فی فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام) من طرق العامّة): : للحیدر قلیخان الکابلی المعروف بسردار بن نور محمدخان.

۵- الأربعون حدیثاً عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام): : للشیخ الفاضل محمد رضا الطبسی.

۶- الأربعون (فی فضائل أمير المؤمنين و إمامة الأئمة المعصومین): : المولی محمد طاهر القمّی، ت ۱۰۹۸ ه. ق.

۷- رسالته فی أربعین حدیثاً (فی فضائل الأمير (علیه السلام))، مستخرجه من «فرائد السّیّطین»: للمیرزا نجم الدّین جعفر بن میرزا محمد الطهرانی العسکری.

۸- رسالته فی أربعین حدیثاً (فی فضائل الأمير (علیه السلام)) مستخرجه من «کنز العمال»: للمیرزا نجم الدّین جعفر بن میرزا محمد الطهرانی العسکری.

ما هم به سیره علما و دانشمندان بزرگ تمسک کرده و چهل حدیث در مراحل مختلف زندگانی حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) از مدارک معتبر اهل تسنن نقل میکنیم.

چهل حدیث در زندگانی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از کتب اهل تسنن

۱- فضایل بیایان امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) فَضَائِلَ لَا يُحْصَى عَدُّهَا غَيْرُهُ، فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقِرّاً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَلَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ، وَمَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لَكَ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ، وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالْإِسْتِمَاعِ، وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابَتِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ.»

ثُمَّ قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) عِبَادَةٌ وَذِكْرُهُ عِبَادَةٌ، وَلَا يُقْبَلُ إِيمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.»

رسول خدا فرمودند :

«همانا خداوند برای برادرم علی بن ابیطالب (علیهما السلام) فضایل بیشماری قرار داده است. هر کس با اقرار و اعتقاد، فضیلتی از فضایل او را ذکر کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میبخشد؛ اگرچه گناهانش به اندازه گناهان جنّ و انس باشد. و هر کس فضیلتی از فضایل او را بنویسد، تا هنگامی که از آن نوشته اثری باشد، فرشتگان برای او طلب آمرزش میکنند. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرادهد، خداوند گناهی را که با گوش مرتکب شده میبخشد. و هر کس به نوشته‌های از فضایل آن حضرت نگاه کند، خداوند گناهی را که با چشم مرتکب شده میبخشد.»

سپس فرمودند: «نگاه کردن به علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و یاد او عبادت است، و ایمان هیچ بندهای جز با ولایت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و برائت و بیزاری از دشمنان او پذیرفته نمیشود.»

.الذریعة، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲-امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریای بیکران فضایل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) :

«لَوْ أَنَّ الْأَشْجَارَ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرَ مِدَادٌ وَالْجَنِّ حُسَابٌ وَالْإِنْسُ كُتَابٌ مَا أَحْصُوا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).»

رسول خدا فرمودند :

«اگر همه درختان قلم و آب دریاها مرکب، و جنیان حسابگر و انسانها نویسنده باشند، هرگز نمیتوانند فضایل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را حساب کنند و به شمارش درآورند.»

خداوند متعال در قرآن درباره فضایل بیانتهای امیرمؤمنان و فرزندان بزرگوارش : میفرماید :

(قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا) .

«[ای رسول ما!] بگو: اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان میگیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم.»

و در آیه دیگر میفرماید :

(وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ...) .

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام میشود ولی کلمات خدا پایان نمیگیرد....»

با دقت در آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که منظور از «کلمات» فقط الفاظ نیست، بلکه معنای گسترده‌تری مراد است. آیه ۱۷۱

سوره نساء که در آن از حضرت عیسی بن مریم (علیهما السلام) با عنوان «کلمه» یاد شده: (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ)؛ «مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه (و مخلوق) اوست» بیانگر همین نکته است.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «کلمات پروردگار» که پایان و تمامی ندارد میفرماید: «نَحْنُ كَلِمَاتُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنْفَدُ وَلَا تُدْرَكُ فَضَائِلُنَا»؛ «مایم کلمات پروردگار که فضایل ما را نمیتوان احصا کرد.»

نقطه «باء»

کتابی چون کتاب آفرینش
بزرگ و پُرورق، خوش نقش و زیبا
شمار صفحه‌های بیشمارش
فزون از اخترانِ چرخیم
دواتی همچو دریا، بیکرانه
مرگب، موج زن دریا به دریا
درختان زمینی و بهشتی
قلم کردیم حتی شاخ طوبی
دوات این و کتاب این و قلم این
بُود اینجا تماشا در تماشا
تمام حاملین عرش اعظم
همه کزوبیان مُلک بالا
صف اندر صف نشستیم و نوشتیم
صحیح و خوش عبارت، خوب و خوانا
فضیلت‌های بیپایان شاهی
که باشد فخر شاهان دو دنیا
شهنشاهی که خاک درگه اوست
مکین تاج خسرو، تخت کسرا
امیرالمؤمنین، مولی الموالی
ولّی الله عزّ اسمه تعالی
نخستین آفتاب برج عصمت
امام اولین از آل طه
شهنشاهی که شأن و شوکت اوست
ورای حدّ و فهم و فکر ما
شهنشاهی که مهر طلعت اوست
مدار سیر و گشت آسمانها
برای حرمت نام علی بود
که حق تعلیم کرده نام اسما

غرض مدح علی بود این که در طشت
 شنیدیم از زبان پاک یحیی
 شعاع نور عالمگیر او بود
 که دیدیم از ید بیضای موسی
 به مُرده جان ندادی گر نبودی
 دَم او در دَم جان بخش عیسی
 مگر از عقل کُل نشندهای تو
 زبان عقل کل در مدح مولا:
 کسی نشناخت قدر و پایه او
 به غیر از من به جز ایزد تعالی
 بیمبر عقل کُل بود و چنین گفت
 چه گوید فهم و عقل ناقص ما
 کسانی که تو را حق می‌شناسند
 زبان عُذرشان اینست فردا
 اله‌ها، سَیِّدا، پروردگارا
 تو ناپیدایی و وجه تو پیدا
 چه گوید ذرّهای در وصف خورشید
 چه آرد قطره‌های در پیش دریا؟
 کمال ذره سرگردانی اوست
 ز تابِ آفتابِ عالم‌آرا
 قلم بشکست و دریاها فرو ریخت
 به آخر شد کتابِ اعظم ما
 ولی ما همچنان در اوّل وصف
 ز بِسم الله، آن هم نقطه باء

-
۱. مناقب (خوارزمی)، ص ۳۲، ح ۲؛ فرائد السّمطین، ج ۱، ص ۱۹؛ کفایه الطّالب، باب ۶۲، ج ۱، ص ۱۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶، ح ۴.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۷۰، ح ۱۰۵؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۳۲۸، ح ۳۴۱؛ کفایه الطّالب، ص ۲۵۱؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۳؛ مأه منقبه، المنقبه التاسعة و التسعون، ص ۱۷۵.
۳. سوره کهف، آیه ۱۰۹.
۴. سوره لقمان، آیه ۲۷.
۵. تحف العقول، ص ۴۷۹.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) :

«مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ فَضَائِلَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا هَبَّتِ الْمَلَائِكَةُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى أَلْحَقُوا بِهِمْ بِحَدِيثِهِمْ، فَإِذَا تَفَرَّقُوا عَرَجَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ فَيَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ الْآخَرُ: إِنَّا نَشْمُ رَائِحَةَ مِنْكُمْ مَا شَمَمْنَا رَائِحَةَ أَطْيَبَ مِنْهَا، فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا عِنْدَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: فَعَطَّرُونَا مِنْ رِيحِهِمْ، فَيَقُولُونَ: اهْبُطُوا بِنَا إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّهُمْ قَدْ تَفَرَّقُوا، فَيَقُولُونَ: اهْبُطُوا بِنَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانُوا فِيهِ.»

رسول خدا فرمود :

«هیچ قومی نیستند که گرد هم آیند و از فضایل محمد و آل محمد یاد کنند مگر این که فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و به مجلس آنان ملحق می‌شوند و با ایشان همسخن می‌گردند. و هنگامی که آنان پراکنده شوند، فرشتگان به آسمان عروج می‌کنند، پس فرشتگان دیگر به آنها می‌گویند: ما از شما رایحهای استشمام می‌کنیم که تاکنون خوشبوتر از آن نبویده‌ایم. آن فرشتگان گویند: ما نزد گروهی بودیم که از فضایل محمد و آل محمد سخن می‌گفتند و ما را از رایحه خود عطرآگین ساختند. آن فرشتگان دیگر گویند: ما را نیز نزد ایشان ببرید. پاسخ می‌دهند: آنان پراکنده شدند. آن فرشتگان دیگر می‌گویند: ما را به آنجایی که اجتماع کرده بودند، ببرید [تا از آن مکان معطر شویم].»

پیشوای اهل تسنن، احمد بن حنبل مینویسد: «سی هزار حدیث مُسند از رسول خدا درباره علی مرتضی (علیه السلام) صادر شده است.»

اگر این رقم را بر ده سال هجرت و توقف در مدینه تقسیم کنیم، هر سال سه هزار، هر ماه دویست و پنجاه و هر روز تقریباً هشت حدیث، از زبان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره فضیلت و منقبت علی (علیه السلام) برای اصحاب بیان شده است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امر خدا و به عناوین مختلف و عبارتهای گوناگون، هر صبح و شام، مردم مسلمان را در سَفَر و حَضَر و در جنگ و صلح، به بزرگواری علی (علیه السلام) متذکر ساخته تا در روز حوادث و سوانح و ابتلائات و امتحانات، خلیفه ایشان را برای یافتن راه نجات بشناسند.

. سید محمد علی ریاضی.

. احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۵۲۲ به نقل از: مودّة القربی، ص ۳۸.

. احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروزی، پایهگذار فرقه حنبلی، یکی از مذاهب چهارگانه اهلسنن است. وی در سال ۱۶۴ ه. ق در بغداد به دنیا آمد و در سال ۲۴۱ ه. ق از دنیا رفت. از آثار وی: المُسند، السُّنّه، رساله الصَّلَاة و ما یلزم فیها، فضائل الصَّحابة، و فضائل علی علیه السلام، می‌باشد.

. ر.ک: پیامی بزرگ از بزرگ پیامبران، ص ۴۰

۴-امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عالم انوار

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) يقول: «كُنْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ نُورَ آيَتَيْنِ يَدِي اللَّهِ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ (عليه السلام) بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ (عليه السلام) قَسَمَ ذَلِكَ النُّورَ جُزْئَيْنِ؛ فَجُزْءٌ أَنَا وَ جُزْءٌ عَلِيٌّ (عليه السلام).» سلمان می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود :

«من و علی، چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم (علیه السلام) نوری بودیم در برابر حضرت پروردگار، هنگامی که خداوند

متعال آدم را بیافرید، آن نور را دو بخش فرمود، که یک قسمت آن من بودم و قسمت دیگرش علی (علیه السلام) .»

۵- نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سبب پذیرفته شدن توبه آدم (علیه السلام)

السیوطی فی الدر المنثور فی ذیل تفسیر قولہ تعالی: (فَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ) فی سورۃ البقرۃ آیہ ۳۷، قَالَ: وَ أَخْرَجَ ابْنُ النَّجَّارِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، قَالَ: «سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ: إِلَّا تُبْتَ عَلَى فَتَابَ عَلَيْهِ.»

سیوطی در تفسیر خود در ذیل تفسیر آیہ شریفه (فَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ)

کلمات)؛ «سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود»، از ابن عباس روایت کرده که میگوید: از رسول خدا پرسیدم: کلماتی را که خداوند متعال به آدم (علیه السلام) تلقین کرد و در نتیجه باعث پذیرش توبه آدم (علیه السلام) شد، چه بود؟ رسول خدا فرمود: «حضرت آدم (علیه السلام) خداوند متعال را به حقیقت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین: سوگند داد و در این هنگام خداوند توبه او را پذیرفت.»

۶- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مولود کعبه

هر متبعی پس از کاوشگری در منابع و مدارک معتبر، به این حقیقت دست میابد که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در درون کعبه متولد گردید و این فضیلتی است که خداوند برای او قرار داده و هیچ یک از پیامبران الهی هم در این فضیلت با او شریک نیستند.

دانشمند بزرگ اهل تسنن، حافظ ابو عبدالله، معروف به حاکم نیشابوری، میگوید:

«وَقَدْ تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وَلَدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) [فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ]؛ یعنی: «و همانا روایات متواتر است که

فاطمه بنت اسد، حضرت امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را در درون خانه کعبه به دنیا آورده است.»

خطیب بزرگ اهل تسنن، موفق بن احمد، معروف به «أَخْطَبُ خَوَارِزْم»، مینویسد:

«علی (علیه السلام) در مکه معظمه در درون بیت الله الحرام، روز جمعه ۱۳ رجب المرجب، در سال ۳۰ عام الفیل، ۲۳ سال پیش از هجرت و ۱۲ یا ۱۰ سال پیش از بعثت متولد شد، و هرگز احدی پیش از او در بیت خدا متولد نشد، و این فضیلتی است که خداوند برای ابراز مقام شامخ آن حضرت به او اختصاص داده است.»

. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۰۳، به نقل از: ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۴.

. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۰۵، به نقل از: در المنثور، ج ۱، ص ۱۴۷.

. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی شافعی در سال ۸۴۹ ه. ق. در مصر متولد شد و در سال ۹۱۱ ه. قدر قاهره وفات یافت. از مهمترین آثار اوست: تفسیر الدر المنثور، احیاء المیت بفضائل أهلالیبت، مُسند فاطمه علیها السلام، الثغور الباسمة فی مناقب السیدة فاطمة الزهراء علیها السلام.

. حافظ ابو عبدالله معروف به حاکم نیشابوری، و ابن بیع، در سال ۳۲۱ ه. ق. در نیشابور به دنیا آمد و در سال ۴۰۵ ه. ق. از دنیا رفت. تألیفات او را تا هزار و پانصد جزء برشمرده‌اند. معروفترین کتابهای او عبارتند از: المدخل الی علم الصّحیح، معرفه علوم الحدیث، المستدرک علی الصحیحین.

. مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۵۰، ح ۶۰۴۴.

۷- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مسلمان

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«أَوَّلُكُمْ وَارِدًا عَلَى الْحَوْضِ أَوَّلُكُمْ إِسْلَامًا عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).»

سلمان از رسول خدا نقل میکند که آن حضرت فرمود:

«نخستین کسی که در کنار حوض کوثر بر من وارد میشود، اولین کسی است که اسلام آورده است، و همانا او علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

۸- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نخستین نمازگزار

عَنْ أَبِي أَيُّوبٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَقَدْ صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ عَلِيٌّ سَبْعَ سِنِينَ وَ ذَاكَ أَنَّهُ لَمْ يُصَلِّ مَعِيَ رَجُلٌ غَيْرُهُ.»

ابوایوب انصاری میگوید: رسول خدا فرمود:

«مدّت هفت سال فرشتگان الهی بر من و علی (علیه السلام) درود میفرستادند و در این مدّت مرد دیگری جز علی (علیه السلام) با من نماز نمیگزارد.»

۹- برتری ایمان امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّهُ قَالَ: أَشْهَدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ:

«لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَضِعَتْ فِي كَفِّهِ وَ وُضِعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي كَفِّهِ لَرَجَحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ (عليه السلام).»

عمر بن خطاب میگوید: وجود رسول خدا را شاهد میگیرم که از آن حضرت شنیدم که میفرمود:

«اگر آسمانهای هفتگانه را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان حضرت علی (علیه السلام) را در کفه دیگر، ایمان علی (علیه السلام) از تمام آسمانها سنگینتر خواهد بود.»

۱۰- شمایل زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ ابْنُ عَبَّادٍ الْبَرِّي: وَ أَحْسَنُ مَا رَأَيْتُ فِي صِفَةِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ رُبْعِيَّةً مِنَ الرِّجَالِ إِلَى الْقَصِيرِ هُوَ أَدْعَجُ الْعَيْنَيْنِ، حَسَنُ الْوَجْهِ كَأَنَّهُ الْقَمَرُ لَيْلَةً الْبَدْرُ حُسَيْنًا، ضَخْمُ الْبَطْنِ، عَرِيضُ الْمَنْكِبَيْنِ، شَتْنُ الْكَفَّيْنِ، عَتِدَ أَعْيَدَ، كَانَ عُنْفَهُ إِبْرِيْقُ فِضَّةٍ، أَصْلَعُ لَيْسَ فِي رَأْسِهِ شَعْرٌ إِلَّا مِنْ خَلْفِهِ، كَبِيرُ اللَّحْيَةِ، لِمَنْكِبِهِ مَشَاشُ كَمَشَاشِ السَّبْعِ الصَّارِي، لَا يَتَيَبَّنُ عَضْدُهُ مِنْ سَاعِدِهِ قَدْ أَدْمَجَتْ إِدْمَاجًا، إِذَا مَشَى تَكَفَّأَ، وَ إِذَا أَمْسَكَ بِذِرَاعِ رَجُلٍ أَمْسَكَ بِنَفْسِهِ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَتَنَفَّسَ، وَ هُوَ إِلَى السَّمَانِ مَا هُوَ شَدِيدُ السَّاعِدِ وَ الْيَدِ وَ إِذَا مَشَى لِلْحَرْبِ هَزُولَ، ثَبُتَ الْجَنَانِ، قَوِيٌّ شَجَاعٌ مَنُصُورٌ عَلَى مَنْ لَا قَاةَ.»

علامه ابن البر از دانشمندان اهل تسنن گفته که جالبترین روایتی که

در شمایل حضرت علی (علیه السلام) دیده‌ام آن است که حضرت علی (علیه السلام) میانه بالا و سیاه چشم و خوشسیمما بود و مانند ماه شب چهارده، از زیبایی میدرخشید. شکم مبارکش بزرگ و شانهایش پهن و انگشتانی درشت و اندامی خوش و لطیف داشت، و گردنش از سپیدی مانند تُنْگی از نقره بود. جلوی سرش مو نداشت و محاسنش انبوه بود. استخوان شانه‌اش از استواری مانند استخوان شانه شیر درنده بود. بازوبند دستش از پیچیدگی قابل تشخیص نبود. در هنگام راه رفتن گامها را کشیده برمیداشت و

هرگاه بازوی کسی را میگرفت چنان بود که جان او را گرفته تا آنجا که قدرت نفس کشیدن نداشت. دست و بند دستانش فربه بود. هنگامی که به میدان جنگ وارد میشد، هروله میکرد، دلی محکم و ثابت داشت و دلاوری نیرومند بود و با هر هموردی که روبه‌رو میشد بر او پیروز میگردد.

فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۱۸ به نقل از: مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶؛ تاریخ‌خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۱۸؛ استیعاب، ج ۲، ص ۴۵۷؛ أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۷؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۲. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۳۲ به نقل از: أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۸؛ الرّیاض النّضرة، ج ۲، ص ۱۶۵. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۳۱ به نقل از: الرّیاض النّضرة، ج ۲، ص ۲۲۶. ابو عمر بن یوسف بن عبدالله عبدالبرّ، در سال ۳۶۸ ه. ق. متولد شد و در سال ۴۶۳ ه. ق. وفات یافت. از مهمترین آثار او: الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، الإنصاف فیما فی بسم الله من الخلاف، میاشد. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۴۳، به نقل از: استیعاب، ج ۲، ص ۴۶۹.

۱۱- کنیه ها و لقب های امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

وَأَمَّا أَلْقَابُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ (علیه السلام): فَالْمُرْتَضَى وَحَدِيدٌ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِنزِعُ الْبَطِينُ، وَ أَمَّا كُنْيَتُهُ: فَأَبُو الْحَسَنِ وَ أَبُو السَّبْطَيْنِ، وَ أَبُو تَرَابٍ كَنَاهُ بِهَا (صلى الله عليه و آله و سلم). صاحب کتاب نور الابصار میگوید: «لقبهای امام علی (علیه السلام): مرتضی، حیدر، امیرالمؤمنین، و انزع البطین، و کنیه آن حضرت: ابوالحسن، و ابوالسبتین است؛ و ابوتراب کنیه‌ای است که رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) برای آن حضرت تعیین فرموده است.»

۱۲- نقش نگین انگشترهای امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

عَنْ عَبْدِ خَيْرٍ قَالَ: كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) أَرْبَعَةُ خَوَاتِيمَ يَتَخَتَّمُ بِهَا، يَاقُوتٌ لِنَيْلِهِ، فَيُرْوَجُ لِنَضِيرِهِ، حَدِيدٌ الصَّيْنِيِّ لِقُوَّتِهِ، عَقِيقٌ لِحِزْزِهِ، وَ كَانَ نَقْشُ الْيَاقُوتِ "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ"، وَ نَقْشُ الْفَيْرُوزِ "اللَّهُ الْمَلِكُ"، وَ نَقْشُ الْحَدِيدِ الصَّيْنِيِّ "الْعِزَّةُ لِلَّهِ"، وَ نَقْشُ الْعَقِيقِ ثَلَاثَةُ أَسْطُرٍ "مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ". از «عبد خیر» روایت شده که حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) چهار انگشتر داشت: ۱- یاقوت، برای رسیدن به حاجت؛ ۲- فیروزه، برای پیروزی بر دشمنان؛ ۳- حدید چینی، برای نیرومندی و قدرت؛ ۴- عقیق، برای نگهداری و محافظت. نقش انگشتر یاقوت: «لا- إله إلا الله الملك الحق المبين»، نقش فیروزه: «الله الملك»، نقش حدید چینی: «العزة لله»، و نقش عقیقش از سه سطر تشکیل شده بود: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، استغفر الله».

۱۳- فضیلت‌های اختصاصی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

صَحِيحُ مُسْلِمٍ فِي كِتَابِ فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ فِي بَابٍ مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) رَوَى بِسَنَدِهِ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ بْنِ أَبِي قَاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَمَرَ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سَفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ: «مَا مَنَعَكَ أَنْ تُسَبِّحَ أَبَا تَرَابٍ؟» فَقَالَ: «أَمَّا مَا ذَكَرْتَ، ثَلَاثًا قَالَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) فَلَنْ أُسَبِّحَهُ لَأَنْ تُكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) يَقُولُ لَهُ وَ قَدْ خَلَقَهُ فِي بَعْضِ مَغَازِيهِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ خَلَقْتَنِي مَعَ النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم)»

آله و سلم): «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نُبُوَّةَ بَعْدِي؟ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ: لَا أُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، قَالَ: فَتَطَاوَلْنَا لَهَا، فَقَالَ: أَدْعُوا لِي عَلِيًّا فَآتَى بِهِ أَرْمَدَ الْعَيْنِ فَصَقَ فِي عَيْنِهِ وَ دَفَعَ الرَّايَةَ إِلَيْهِ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.»

عامر بن سعد بن ابیوقاص از پدرش نقل میکند که روزی معاویه بن ابیسیفیان به سعد بن ابیوقاص دستور داد تا به حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) ناسزا بگوید. سعد از دستور او سرپیچی کرد. معاویه از وی پرسید: «چرا از دشنام گفتن به علی (علیه السلام) امتناع میکنی؟» سعد گفت: به خاطر آن است که از رسول خدا سه خصلت در شأن علی (علیه السلام) شنیدم که با توجه به آنها، هیچگاه آن حضرت را دشنام نمیدهم و اگر یکی از آنها برای من بود، بهتر و ارزشمندتر از شتران سرخمو بود که در اختیار من باشد:

۱- شنیدم زمانی که رسول خدا حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی خود در مدینه باقی گذاشت و حضرت علی (علیه السلام) عرضه داشت: «یا رسول الله! مرا به خلافت بر زنان و کودکان موظف میداری؟» رسول خدا پاسخ داد: «آیا راضی میشوی از این که منزلت تو نسبت به من، همانند منزلت هارون به موسی (علیه السلام) است با این تفاوت که پس از من پیغمبری نخواهد بود؟»

۲- و در روز جنگ خیبر از رسول خدا شنیدم که میفرمود: «فردا پرچم اسلام را به دست کسی میدهم که خدا و رسول او را دوست میدارند و او نیز خدا و رسولش را دوست میدارد.» همه ما در انتظار بودیم تا پرچم اسلام را در اختیار بگیریم. در آن هنگام، رسول خدا فرمود: «علی (علیه السلام) را به حضور من بیاورید.» در آن هنگام، علی دچار چشم‌درد بود. او را آوردند. رسول خدا آب دهان مبارکش را به چشم حضرت علی (علیه السلام) مالید تا دیدگانش شفا یافت. سپس پرچم اسلام را به او سپرد و فتح و پیروزی نصیب اسلام شد.

۳- هنگامی که آیه مباحله نازل شد، رسول خدا حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین: را به حضور طلبید و فرمود: «پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند.»

. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۴۸، به نقل از: نور الابصار، ص ۹۴.

. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۴۴ به نقل از: كنز العمال، ج ۳، ص ۳۳۶.

. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۹۰ به نقل از: صحيح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۱؛ صحيح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۰؛ مُسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵.

۱۴- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سرلوحه نامه هر مؤمن

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ: وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) يَقُولُ: «عِنَاؤُنْ صَحِيفَةُ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).»

زُهری روایت میکند که از آنس بن مالک شنیدم که گفت: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، از رسول خدا شنیدم که فرمود: «سرلوحه نامه هر مؤمن، محبت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

۱۵- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، محوکننده گناهان

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): «حُبُّ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.»

رسول خدا فرمود :

«دوستی حضرت علی (علیه السلام) گناهان را محو میکند؛ آنچنان که آتش هیزم را میسوزاند و از بین میبرد.»

۱۶- علم و آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به قرآن

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيْمَ أَنْزَلَتْ وَأَيُّنْ أَنْزَلَتْ، إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا، وَلِسَانًا سَوُولًا.»

از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

«هیچ آیه‌ای از سوی خدای تعالی نازل نشده است، مگر این که میدانم در مورد چه امری است و در کجا نازل شده است. همانا خدای تعالی قلبی عاقل و زبانی گویا به من عطا فرموده است.»

۱۷- ازدواج امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) :

«هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَاسْتَشْهَدَ عَلِيٌّ تَزْوِيجَهَا أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ.»

انس میگوید: زمانی که رسول خدا در مسجد تشریف فرما بود، خطاب به علی (علیه السلام) فرمود :

«اکنون جبرئیل به من اطلاع داد که پروردگار متعال حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به همسری تو درآورده و چهل هزار فرشته را شاهد این عقد قرار داده است.»

۱۸- دستور خداوند به دوستی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ.» قِيلَ : «يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَمِّهِمْ لَنَا.» قَالَ :

«عَلِيٌّ مِنْهُمْ يَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ أَبُودُرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ سَلْمَانٌ، أَمَرَنِي بِحُبِّهِمْ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ.»

رسول خدا فرمود :

«خداوند متعال مرا به دوستی چهار نفر امر کرده است و مرا خبر داده که خودش نیز آن چهار نفر را دوست میدارد.» پرسیدند: «یا

رسول الله! آن چهار تن کیانند؟» رسول خدا در پاسخ آنان سه مرتبه فرمود: «علی (علیه السلام) یکی از آنهاست و سه نفر دیگر

ابودر، مقداد و سلمان هستند که باید آنها را دوست بدارید و خدای تعالی هم آنها را دوست میدارد.»

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۴۱، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۱۰.

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۱۹ به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۳۱۵.

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۶۶ به نقل از: حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷.

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۴۷ به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۳۲.

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۰۰ به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۹؛ صحیح ابن ماجه، ص ۱۴؛ مستدرک علی الصحیحین، ج

۳، ص ۱۳۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۱۹۰؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۵۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۸۶؛ إستیعاب، ج ۱، ص

۲۸۰.

۱۹- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) راستگوی بزرگ

عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَّادٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَأَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَاذِبٌ، آمَنْتُ قَبْلَ النَّاسِ سَبْعَ سِنِينَ.»

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«من بنده خدا و برادر رسول خدا و صدیق اکبرم؛ و این اوصاف را پس از من کسی نمیتواند به خود نسبت دهد، مگر انسان دروغگو! من هفت سال پیش از همه مردم به آیین اسلام گرویدم.»

۲۰- پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، پیروی از خداست

عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغَفَّارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«مَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ أَطَاعَنِي أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكَ عَصَانِي.»

ابوذر غفاری از رسول خدا نقل میکند که آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به علی (علیه السلام) فرمود:

«کسی که از تو فرمانبرداری داشته، از من فرمانبرداری و اطاعت کرده است، و کسی که از فرمان من اطاعت کند، از خداوند متعال اطاعت کرده، و کسی که از فرمان تو سرپیچی کند، از فرمان من سرپیچی کرده است.»

۲۱- شباهت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به انبیا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَإِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَإِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام).»

رسول خدا فرمود:

«هر کس بخواهد به آدم در علمش، و به نوح در فهمش، و به ابراهیم در حلمش، و به یحیی بن زکریا در زهدش، و به موسی بن عمران در همت و پشتکارش نظر کند، باید به علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بنگرد.»

۲۲- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ احد

عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: لَمَّا قُتِلَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ يَوْمَ أُحُدٍ قَالَ جَبْرِئِيلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمَوَاسِئُ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ». فَقَالَ جَبْرِئِيلُ: «وَأَنَا مِنْكُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.»

ابن رافع میگوید: هنگامی که در روز احد پرچمداران دشمن به دست حضرت علی (علیه السلام) کشته شدند، جبرئیل به رسول خدا گفت: «ای رسول خدا! این است مواسات و از خود گذشتگی.» رسول خدا فرمود: «اینگونه مواسات از آن کسی است که او از من است و من از اویم.» جبرئیل گفت: «من هم از شمایم.»

۲۳- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ بدر

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) قَالَ:

«نَادَى مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ يَوْمَ بَدْرٍ يُقَالُ لَهُ رِضْوَانٌ أَنْ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ (عليه السلام).»

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«در روز بدر، فرشته‌ای به نام "رضوان" از آسمان فریاد زد: هیچ شمشیری نیست مگر ذوالفقار، و جوانمردی به جز علی (علیه

السلام) نیست.»

- . فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۹۶ به نقل از: خصائص نسائی، ص ۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶، الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۵۵.
- . فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۰۶ به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۶۷.
- . فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۴۵، به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۲۱۸.
- . فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۵۵، به نقل از: الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۷۲؛ مرقات (علی بنسلطان)، ج ۵، ص ۵۶۸؛ المجمع الزوائد، ج ۶، ص ۴.
- . فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۵۴، به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۷۴؛ الریاض

۲۴- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خندق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «لَمُبَارَزَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِودٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»
 پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «مبارزه علی بن ابیطالب (علیهما السلام) با عمرو بن عبدود در روز خندق، برتر از اعمال امت من است تا روز قیامت.»

۲۵- شجاعت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگ خیبر

عَنْ أَبِي رَافِعٍ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام) حِينَ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَآلَهُ
 وَ سَلِمَ) بِرَأْيِهِ فَلَمَّا دَنَا مِنَ الْحِصْنِ خَرَجَ إِلَيْهِ أَهْلُهُ فَقَاتَلَهُمْ فَضَرَبَهُ رَجُلٌ مِنْ يَهُودٍ فَطَرَحَ تَرْسَهُ مِنْ يَدِهِ فَتَنَاوَلَ عَلِيٌّ (عليه السلام) بِأَبَا كَانَ
 عِنْدَ الْحِصْنِ فَتَرَسَ بِهِ نَفْسِهِ فَلَمْ يَزَلْ فِي يَدِهِ وَهُوَ يُقَاتِلُ حَتَّى فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ أَلْقَاهُ مِنْ يَدِهِ حِينَ فَرَّغَ فَلَقَدْ رَأَيْتَنِي فِي نَفَرٍ مَعَ سَبْعَةِ أَنَا
 ثَامُنُهُمْ نَجَّهْتُ عَلَى أَنْ نُقَلِّبَ ذَلِكَ الْبَابَ فَمَا نُقَلِّبُهُ.»
 از ابورافع، غلام رسول خدا، روایت شده که گفت: «روزی رسول خدا پرچم اسلام را به دست حضرت علی (علیه السلام) داد.
 همراه آن حضرت به قلعه خیبر نزدیک شدیم. خیبرها از قلعه بیرون آمدند و حضرت علی (علیه السلام) با آنها به نبرد پرداخت.
 یکی از یهودیها ضربهای به حضرت وارد آورد. سپر از دست حضرت به زمین افتاد. در این هنگام، علی (علیه السلام) درب قلعه
 خیبر را از جا کند و مانند سپری روی سر خود قرار داد و همواره آن درب روی سر حضرتش بود و با خیبرها میجنگید تا خدای
 تعالی قلعه خیبر را به دست آن حضرت گشود. سپس آن درب را به زمین افکند. پس از آن من و هفت نفر دیگر کنار آن درب
 آمدیم و هر چه کوشیدیم آن درب را از روی زمین بلند کنیم، نتوانستیم.»

۲۶- ملائکه یاور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در جنگها

أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ رَوَى بِسَنَدِهِ عَنْ هُبَيْرَةَ قَالَ: خَطَبْنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَقَالَ :
 «لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسْبِقْهُ الْاَوَّلُونَ بِعِلْمٍ وَلَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَبْعَثُهُ بِالرَّايَةِ
 جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ لَا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَفْتَحَ لَهُ.»
 امام حسن مجتبی (علیه السلام) در ضمن خطبهای در مورد پدر بزرگوارش علی (علیه السلام) فرمود :
 «رسول خدا پرچم اسلام را به دست او میسپرد و به جنگ با مخالفان گسیل میداشت، در حالی که جبرئیل از جانب راست و

میکائیل در سوی چپ از او حمایت و پشتیبانی میکردند، و از میدان جنگ بازنمیگشت مگر آن که خورشید پیروزی از چهره او میدرخشید.»

۲۷- در مشکلات باید به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مراجعه کرد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
«يَا عَمَّارُ! إِنَّ رَأَيْتَ عَلِيًّا (عليه السلام) قَدْ سَلَكَ وادِيًا وَ سَلَكَ النَّاسُ وادِيًا غَيْرَهُ، فَاسْلُكْ مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ دَعِ النَّاسَ، إِنَّهُ لَنْ يَذُلَّكَ عَلَى رَدَى وَلَنْ يُخْرِجَكَ مِنَ الْهُدَى.»
رسول خدا فرمود :

«ای عمار! اگر دیدی که علی (علیه السلام) به راهی میرود و مردم به راه دیگر، پس همراه علی (علیه السلام) برو و مردم را به خود واگذار، همانا او هرگز تو را به بیراهه نمیرد و از راه راست منحرف نمیسازد.»
النَّضْرَةُ، ج ۲، ص ۱۹۰.

. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۵۷، به نقل از: مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹.
. فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۳۶۱، به نقل از: مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۰؛ مرقات (علی بن سلطان)، ج ۵، ص ۵۶۶.
. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۳۹۴، به نقل از: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ذخائر العقبی، ص ۷۶.

۲۸- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) محبوب رسول خدا

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوُفَاةُ: «أُدْعُوا لِي حَبِيبِي». فَدَعُّوا لَهُ أَبَا بَكْرٍ فَنَظَرَ إِلَيْهِ ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: «أُدْعُوا لِي حَبِيبِي». فَدَعُّوا لَهُ عَلِيًّا (عليه السلام) فَلَمَّا رَأَاهُ أَذْخَلَهُ مَعَهُ فِي الثَّوْبِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ يَحْتَضِنُهُ حَتَّى قَبِضَ وَيَدُهُ عَلَيْهِ.
عایشه میگوید: هنگامی که لحظه رحلت رسول خدا فرارسید، فرمود: «حبیب مرا به حضور من بخوانید.» ما ابوبکر را به حضورش دعوت کردیم. همین که رسول خدا ابوبکر را دید، رو گردانید. باز فرمود: «حبیب مرا به سوی من بخوانید.» این بار عمر را به حضور مبارکشان دعوت کردیم. همین که عمر را دید، باز صورت برگردانید. و فرمود: «حبیب مرا به حضورم بخوانید.» در این هنگام، حضرت علی (علیه السلام) را دعوت کردند. همین که علی (علیه السلام) را دید، او را زیر لحاف برد و در کنار خود نشاند و تا هنگامی که رحلت کرد، علی (علیه السلام) در کنارش بود، در حالی که پیغمبر اکرم دست روی بدن علی (علیه السلام) گذاشته بود.

۲۹- سفارش رسول خدا به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

رَوَى بِسَنَدِهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ كَعْبَ الْأَخْبَارِ قَامَ زَمَنَ عُمَرَ فَقَالَ: وَ نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ عُمَرَ، مَا كَانَ آخِرَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ؟ فَقَالَ عُمَرُ: سَلْ عَلِيًّا (عليه السلام)، قَالَ: أَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: هُوَ هَاهُنَا فَسَأَلَهُ فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) اشْنَدْتُهُ إِلَى صِدْرِي فَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى مَنْكَبِي فَقَالَ: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، فَقَالَ كَعْبٌ: كَذَلِكَ آخِرُ عَهْدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ بِهِ أُمِرُوا وَ عَلَيْهِ يُبْعَثُونَ، قَالَ: فَمَنْ عَسَلَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: سَلْ عَلِيًّا، قَالَ: فَسَأَلَهُ فَقَالَ: كُنْتُ أَنَا أَعَسَلُهُ وَ كَانَ الْعَبَّاسُ جَالِسًا وَ كَانَ أَسَامَةُ وَ شَقْرَانُ يَخْتَلِفَانِ إِلَيَّ بِالْمَاءِ.»

جابر بن عبدالله انصاری میگوید: «کعب الأحبار» در هنگامی که عُمر به خلافت رسیده بود، در حضور من و دیگران از جا برخاست و از عمر پرسید: «آخرین سخن رسول خدا در آستانه مرگ چه بود؟» عمر گفت: «از علی (علیه السلام) پرس.» کعب الاحبار گفت: «علی کجاست؟» محلّ حضرتش را نشان داد. کعب الاحبار با حضرت علی (علیه السلام) ملاقات کرد و پرسید: «آخرین سخن رسول خدا در آستانه مرگ چه بود؟» حضرت علی (علیه السلام) پاسخ فرمود: «در آن هنگام، رسول خدا را به سینه چسبانیده بودم و آن حضرت هم سر مبارکش را روی شانه من قرار داده بود و آخرین سخنش این بود: الصَّلَاةُ! الصَّلَاةُ!» کعب گفت: «آری، آخرین سخن همه پیغمبران همین بود و مردم را به نماز دعوت کردند و انگیزه آنها هم برای اجرای این امر الهی بود.» کعب الاحبار از عمر پرسید: «چه کسی پیامبر را غسل داد؟» عمر گفت: «از علی (علیه السلام) سؤال کن.» کعب پرسید: «چه کسی آن حضرت را غسل داد؟» حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «من آن حضرت را غسل میدادم و عباس نشسته بود و اُسامه و سُقران به نوبت آب میریختند.»

فردوس دیلمی، ج ۵، ص ۳۸۴، ح ۸۵۰۱.

فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۳۹، به نقل از: الرِّيَاضُ النَّصْرَةُ، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ذخائر العقبی، ص ۷۲.

فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۴۹، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۵۰.

۳۰- غیر از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کسی رسول خدا را غسل نداد

عَنْ يَزِيدِ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):
 «أَوْصَى النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَلَّا يَغْسَلَهُ أَحَدٌ غَيْرِي فَإِنَّهُ لَا يَرَى أَحَدٌ عَوْرَتِي إِلَّا طَمَسَتْ عَيْنَاهُ.»
 قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «فَكَانَ الْفَضْلُ وَأُسَامَةُ يُنَاوِلَانِي الْمَاءَ مِنْ وَرَاءِ الشَّرِّ وَهُمَا مَعْصُوبَا الْعَيْنِ.»
 قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «فَمَا تَنَاوَلْتُ عُضْوًا إِلَّا كَأَنَّمَا يُقَلِّبُهُ مَعِيَ ثَلَاثُونَ رَجُلًا.»
 حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «رسول خدا به من وصیت کرده بود که جز تو نباید دیگری مرا غسل دهد؛ مبادا چشم کسی به عورت من بیفتد که بلافاصله کور خواهد شد.»
 سپس فرمود: "فضل" و "اُسامه" برای غسل بدن شریف، از پس پرده به من آب میدادند، و در عین حال، چشمهای خود را با پارچهای بسته بودند.
 همچنین فرمود: «در هنگام غسل، هر عضوی از اعضایش را که غسل میدادم، گویا سی نفر مرد در برگرداندن جسد آن حضرت به من کمک میکردند!»

۳۱- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرداختننده فرضهای رسول خدا

عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ ابْنِ أَبِي عَيَّوُنٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَمَّا تُوفِّيَ أَمَرَ عَلِيَّ (عليه السلام) صَائِحًا يَصِيحُ مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عِدَّةٌ أَوْ دَيْنٌ فَلْيَأْتِنِي فَكَانَ يَبْعَثُ كُلَّ عَامٍ عِنْدَ الْعَقَبَةِ يَوْمَ النَّخْرِ مَنْ يَصِيحُ بِذَلِكَ حَتَّى تُوفِّيَ، ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) يَفْعَلُ ذَلِكَ حَتَّى تُوفِّيَ ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) يَفْعَلُ ذَلِكَ وَانْقَطَعَ ذَلِكَ بَعْدَهُ.:
 قَالَ ابْنُ أَبِي عَيَّوُنٍ: فَلَا يَأْتِي أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى عَلِيٍّ بِحَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ إِلَّا أَعْطَاهُ.

عبدالواحد بن ابیعیون میگوید: هنگامی که رسول خدا دعوت حق را لبیک گفت، علی (علیه السلام) به منادی دستور داد تا فریاد بزند و بگوید: «هر کسی قراردادی با رسول خدا امضا کرده و یاطلبی از آن حضرت داشته است، بیاید تا به قرارداد او عمل کنم و

طلبش را بپردازم.» این کار را هر ساله در عقبه و در روز عید قربان انجام میداد، تا این که حضرت به شهادت رسید و بعد از او، حسن بن علی (علیه السلام) این کار را انجام میداد. و سپس امام حسین (علیه السلام) و بعد از آن بزرگوار، این عمل منقطع شد. ابن ابی‌عون پس از نقل این حدیث میگوید: هیچیک از بندگان الهی به حق یا ناحق علیه پیغمبر ادعایی نمیکرد، مگر این که حضرت علی (علیه السلام) حاجت او را برآورده میساخت.

۳۲- پیشگویی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از شهادت خود

رَوَى الْأَعْمَشُ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِيثَابٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ الْحَمَّانِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) يَقُولُ : «وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَتُخَضَّبَنَّ هَذِهِ يَغْنَى لِحَيَّتِهِ مِنْ دَمٍ هَذَا يَغْنَى رَأْسُهُ.»

اعمش، از حبیب بن ابیثابت، از ثعلبه حمّانی نقل میکند که گفت: از حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) شنیدم که میفرمود: «قسم به خدایی که دانه را شکافته و مردم را آفریده است، محاسنم از خون سرم رنگین خواهد شد.»

۳۳- قاتل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، بدبخت ترین مردم

عَنِ الضَّحَّاكِ بْنِ مُزَاهِمٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «يَا عَلِيُّ أَتَدْرِي مَنْ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ؟» قَالَ: قُلْتُ: «اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.» قَالَ: «عَاقِرُ النَّاقَةِ.» قَالَ: «يَا عَلِيُّ! أَتَدْرِي مَنْ أَشَقَى الْآخِرِينَ؟» قَالَ: قُلْتُ: «اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.» قَالَ: «قَاتِلُكَ.» ضَحَّاكُ بْنُ مُزَاهِمٍ يَكُونُ: حضرت علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا پرسید: «ای علی! آیا بدبختترین گذشتگان را میشناسی؟» در پاسخ گفتم: «خدا و رسول او داناترند.» رسول خدا فرمود: «بدبختترین پیشینیان، کسی است که شتر حضرت صالح (علیه السلام) را، پی کرد.» رسول خدا دو مرتبه پرسید: «آیا میدانی بدبختترین آیندگان کیست؟» گفتم: «خدا و رسول او آگاهترند.» حضرت فرمود: «قاتل تو.»

. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۵۰، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۲، ص ۶۱.

. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۵۸، به نقل از: طبقات ابن سعد، ج ۲، قسم ۱، ص ۸۹.

. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۷۵، به نقل از: إstimاعاب، ج ۲، ص ۴۷۰.

. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۸۵، به نقل از: قصص الانبياء (ثعلبی)، ص ۱۰۰.

۳۴- آثار شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در کائنات

عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ قَالَ: صَبِيحَهُ يَوْمَ قُتِلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) لَمْ تُرْفَعْ حَصَاةٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا وَ تَحْتَهَا دَمٌ عَبِيطٌ. سعيد بن مُسَيَّبٍ میگوید: صبحگاه روزی که علی بن ابیطالب (علیهما السلام) به شهادت رسید، هر سنگی از زمین برداشته میشد، زیر آن خون تازه میجوشید.

۳۵- اتفاقات شب شهادت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

عَنِ الْحَسَنِ (عليه السلام) إِنَّهُ لَمَّا قُتِلَ عَلِيُّ (عليه السلام) قَامَ خَطِيبًا فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ : «أَمَّا بَعْدُ وَاللَّهِ لَقَدْ قَتَلْتُمْ اللَّيْلَةَ رَجُلًا فِي لَيْلَةٍ نَزَلَ فِيهَا الْقُرْآنُ وَ فِيهَا رُفِعَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَ فِيهَا قُتِلَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ فَتَى مُوسَى وَ فِيهَا تَبَّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ.» هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) به شهادت رسید، امام حسن مجتبی (علیه السلام) خطبهای ایراد کرد و پس از حمد و ثنای

الهی فرمود: «اما بعد، به خدا سوگند، مردی را امشب کشتید که در این شب، قرآن کریم نازل شده، و در این شب، روح عیسی بن مریم (علیهما السلام) به آسمان عروج کرد، و در این شب، یوشع بن نون، وصی حضرت موسی (علیه السلام) درگذشت و در این شب، توبه بنیاسرائیل پذیرفته شد.»

۳۶- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر آیین رسول خدا به شهادت رسید

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ جَدِّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ لِعَلِيِّ (عليه السلام): «أَنْتَ تُقْتَلُ عَلَى سُنَّتِي.» رسول خدا خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «تو بر آیین من به شهادت میرسی.»

۳۷- بهشت، مشتاق دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ: «إِشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعَةٍ: عَلِيٍّ (عليه السلام) وَالْمِقْدَادُ وَعَمَّارٌ وَسَلْمَانٌ.» انس بن مالک میگوید: شنیدم رسول خدا فرمود: «بهشت مشتاق دیدار چهار نفر (از مؤمنان) است: علی (علیه السلام)، مقداد، عمار و سلمان.»

۳۸- جایگاه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَخِي وَصَاحِبِي وَرَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ.» رسول خدا فرمود: «یا علی! تو در بهشت مصاحب و رفیق من هستی.»

۳۹- درخشش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برای بهشتیان

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) يَزْهَرُ فِي الْجَنَّةِ كَكَوْكِبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.» پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) در بهشت میدرخشد، همانطور که ستاره صبحگاهی برای اهل دنیا میدرخشد.»

۴۰- حوریه مخصوص امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بهشت

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: «لَمَّا أُشِيرَ بِي دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِي جِبْرِئِيلُ تَفَاحَةً فَأَنْفَلَقْتُ بِنَضِيْفَيْنِ فَخَرَجَتْ مِنْهَا حَوْرَاءٌ فَقُلْتُ لَهَا: لِمَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.» ابوسعید میگوید: رسول خدا فرمود:

«شبی که به معراج رفتم، جبرئیل به من سیبی داد، آن را شکافتم و به دو نیم کردم، حوریهای از میان آن بیرون آمد، از او پرسیدم: تو از آن کیستی؟ در پاسخ گفت: من برای علی بن ابیطالب (علیهما السلام) خلق شده‌ام.»

- . خصائص الكبرى، ج ۲، ص ۱۲۴.
- . فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۰۱، به نقل از: كنز العمال، ج ۶، ص ۴۱۲.
- . همان.
- . فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۰۶، به نقل از: حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۱۹۰.
- . فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۴۴، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۶۸.
- . فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۵۰، به نقل از: كنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳.

فصل دوم

اشاره

(وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ).

«و این کتابی است پربرکت، که ما [بر تو] نازل کردیم، از آن پیروی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید؛ باشد که مورد رحمت [خدا] قرار گیرید.»

در مسیر اثبات امامت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) میفرماید :

«...خداوند هنگامی پیامبرش را از دنیا بُرد که دینش را کامل کرده و قرآن که روشنگر همه چیز است را بر آن حضرت نازل کرده بود، در آن، حلال، حرام، حدود، احکام و تمام آنچه مردم به آن نیاز دارند، بیان شده است؛ چرا که خداوند فرموده: "ما در این کتاب از هیچ چیزی فروگذاری نکردیم". و در حَجَّةُ الوداع در آخرین لحظات عمر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) این آیه را نازل کرد: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)، و امر امامت، تمامی دین است. و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت مگر این که نشانه‌های دین را برای امتش تبیین فرمود و راه [مستقیم] را برایشان آشکار ساخت و آنان را در مسیر حق قرار داد و علی (علیه السلام) را به عنوان امام و راهنمای مردم تعیین نمود و تمام آنچه را که امت به آن نیاز داشت، بیان کرد.

پس هر که گمان کند خداوند دینش را کامل نکرده، در حقیقت، کتاب خدا را رد کرده است و هر کس کتاب خدا را رد کند، کافر است.

آیا مردم به قدر و ارزش امامت و جایگاه آن در بین مردم آگاهند، تا انتخاب آنان در آن مورد، قابل قبول باشد؟ امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگتر و جایگاهش والاتر و مکانش رفیعتر و عمقش ژرفتر از آن است که مردم با عقل خود به آن دست یابند، یا به آرا و عقاید خود آن را دریابند، یا بتوانند با انتخاب خود امامی را منصوب کنند.

همانا امامت مقامی است که خداوند، بعد از رتبه نبوت و خُلت در مرتبه سوم به ابراهیم (علیه السلام) اختصاص داد و به چنین فضیلتی مشرفش نمود و نامش را بلندآوازه ساخت و فرمود: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا). ابراهیم (علیه السلام) با نهایت شادی به خداوند عرض کرد: "آیا از فرزندان و نسل من هم امام برمیگزینی؟" خداوند فرمود: "عهد من (امامت) به ظالمین نمیرسد". و این آیه، امامت هر ستمگری را تا روز قیامت باطل کرد و امامت را به پاکان اختصاص داد....

سپس این امامت مخصوص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گردید و به فرمان خداوند آن را به عهده علی (علیه السلام)

نهاد و سپس در میان فرزندان برگزیده او که خداوند به آنان علم و ایمان عطا فرموده بود، قرار گرفت.

بنابر این، چون بعد از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبری نیست، امامت تا روز قیامت تنها در فرزندان علی (علیه السلام) باقی خواهد بود.

پس این نادانان از کجا و به چه دلیل، خود، امام انتخاب میکنند؟

امامت، مقام پیامبران و میراث اوصیاست. امامت جانشینی خدا و جانشینی پیامبر و منزلت امیرالمؤمنین و میراث امام حسن و امام حسین : است.

همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و سبب عزت مؤمنین است. امامت ریشه رشدکننده اسلام و شاخه بلند آن است. به واسطه آن، نماز، روزه، زکات، حج و جهاد به کمال خود میرسند و غنیمت و صدقات فزونی مییابند، حدود و احکام جاری میگردد و مرزها حفظ و حراست میشوند....

امام (علیه السلام) چون خورشید فروزانی است که نورش عالم را فراگیرد، و در افق است به نحوی که دستها و دیدگان به آن نرسد. امام (علیه السلام) ماه تابان، چراغ فروزان و نور درخشان و ستاره راهنما در دل تاریکیها و در گذر شهرها و کویرها و گردابهاست. امام (علیه السلام) آب گوارایی است برای تشنگان، و راهنمای هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام (علیه السلام) آتش روی بلندیهایی بیابان است که گرمابخش سرمازدگان است و رهنمای مهلکها، و هر که از او جدا شود، هلاک میگردد. امام (علیه السلام) ابری است پر باران و بارانی شتابنده و پربرکت و خورشیدی فروزنده و سقفی سایهافکن و زمینی گسترده و چشمهای جوشنده و برکهای پُر از آب و باغی پُر از گل....

بنابر این، چه کسی میتواند امام را بشناسد یا او را انتخاب کند؟

هیئات! هیئات! اینجاست که خردها سرگشته شده، حلمها بیراهه رفته، عقلها سرگردان، اندیشه خردمندان قاصر و دیدهها بینور میگردد. بزرگان احساس کوچکی میکنند، حکیمان متحیر میشوند، و خطیبان درمانده و شاعران وامانده و ادیبان ناتوان و بلیغان درمانده میگردند، که بتوانند یکی از شئون امام یا فضیلتی از فضایلش را توصیف کنند و همگی به عجز و کوتاهی خود اقرار میکنند....»

جای آن است که شاهان ز تو شرمند شوند سلطنت را بگذارند و همه بنده شوند

آری، در عظمت چنان خورشیدی همه باید زبان به عجز، بسته و خاموشی پیشه کنند و بهتر آن که به سراغ کتاب خدا رفته و فضایل قرآن ناطق، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را از زبان قرآن صامت، بشنوند.

ما نیز در این بخش، چهارده آیه درباره امامت و ولایت حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان بزرگوارش نقل میکنیم و کلام دانشمندان شیعه و سنی را در تفسیر آن میآوریم.

ما را وظیفهایست، نه دعوی به جاه خویش بر من ببخش، ورنه مدیح تو هل آتی است -----

. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۴۹، به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۷۸.

. سوره انعام، آیه ۱۵۵.

. همان، آیه ۳۸.

. سوره مائده، آیه ۳.

. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

چهارده آیه در مورد امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

۱-آیه «ولایت»

اشاره

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را برپا میدارند و در حال رکوع، زکات میدهند.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و آیه «ولایت»

از ابوذر غفاری نقل شده که گفت: «ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا در مسجد نماز میخواندم، که سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: "خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم، ولی کسی به من جواب نداد." در همین حال، علی (علیه السلام) که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشت را از دست آن حضرت بیرون آورد. پیامبر که در حال نماز بود، این ماجرا را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: "خداوندا! برادرم حضرت موسی (علیه السلام) از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی، تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز حضرت موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و بهوسیله او نیرویشرا زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده توام، به من شرح صدر بده، و کارها را بر من آسان گردان، و از خاندانم علی (علیه السلام) را وزیر من قرار بده تا به وسیله او پشتیبانی قوی داشته باشم." ابوذر میگوید: «هنوز دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شده و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: "بخوان." فرمود: "چه بخوانم؟" گفت: "بخوان: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا)..." علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، بیست و چهار حدیث از منابع اهل تسنن، و نوزده حدیث از منابع شیعه نقل کرده که این آیه در مورد ولایت حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نازل شده است. -----

. احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰، ح ۴؛ عیون الأخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

. سوره مائده، آیه ۵۵

آیه «ولایت» از دیدگاه مفسران شیعه و سنی

علما و دانشمندان شیعه معتقدند که این آیه بر امامت و ولایت حضرت علی (علیه السلام) دلالت مینماید. نظر دو نفر از آنان چنین است:

۱- علامه سید مرتضی میگوید: دلیل بر امامت حضرت، قول

خداوند تعالی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) است؛ زیرا ثابت شده که لفظ «ولیکم» در آیه، افاده اولی به تدبیر امور و وجوب اطاعت دارد و نیز ثابت شده که مصداق (وَالَّذِينَ آمَنُوا) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، و این به طور وضوح، نصی بر امامت است.

۲- شیخ طوسی میگوید: «و اما قویترین دلیل بر امامت حضرت علی (علیه السلام) از قرآن، آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) است.» لفظ «ولایت» در لغت به معانی گوناگونی از قبیل دوست، ناصر، سرپرست و معانی دیگر آمده، ولی علمای اهل تسنن از بین معانی

ولایت، معنای ناصر یا محب را برای آیه ولایت برگزیده‌اند.

طبری در تفسیر این آیه میگوید: «یعنی: ای مؤمنان! جز خدا و رسول خدا و مؤمنان که خداوند آنان را وصف کرده است، یاور شما نیستند.»

فخر رازی میگوید: «چرا جایز نباشد که مقصود از واژه «ولی» در این آیه، ناصر و محب باشد، و ما دلیل اقامه خواهیم کرد بر این که این معنا بهتر است از حمل آن بر معنای متصرف در امور.»

ر.ک: تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶؛ تفسیر خازن، ج ۱، ص ۴۷۵؛ فصول المهمّة، ص ۱۲۲؛ تذکره الخواص، ص ۱۵.

ابوالقاسم، علی بن حسین بن موسی، مشهور به سید مرتضی علم الهدی، در سال ۳۵۵ هجری در بغداد به دنیا آمد. او و برادرش سید رضی، هر دو نزد شیخ مفید به کسب علم و دانش پرداختند، و از مهمترین تألیفات او: تنزیه الأنبیاء، الأمالی، دُرّ الفوائد، و الذریعه فی أصول الشریعه میباشد.

الذخیره فی علم الکلام، ص ۴۳۸.

تلخیص شافی، ج ۲، ص ۱۰.

جامع البیان، ج ۶، ص ۳۴۳.

تفسیر کبیر، ج ۱۲، ص ۲۷.

سوره توبه، آیه ۷۱.

معنای صحیح ولایت در آیه

مقصود از «ولی» در آیه ولایت، سرپرست و امام است، نه محب و ناصر. این مطلب را از چند راه میتوان اثبات کرد:

۱ - کلمه «إنّما» در صدر آیه ولایت، برای حصر است؛ یعنی حکم را بر آنچه پس از «إنّما» ذکر شده اثبات و از آنچه ذکر نشده نفی میکند. بنابر این، باید مراد از ولایت در آیه، ولایت خاص باشد، و این ولایت خاص، با معنای رهبری و سرپرستی سازگار است نه محبت یا نصرت؛ زیرا دوست داشتن و یاری کردن عمومیت دارد؛ همانطور که در آیه کریمه (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ)؛ «مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و

یاور) یکدیگرند» بیان شده است. و نیز اگر ولایت، به معنای محبت یا نصرت باشد، به رسول خدا و گروه خاصّی که نماز بهیا میدارند و در حال رکوع، صدقه میدهند، اختصاص نخواهد داشت.

۲ - یکی دیگر از قرائن موجود بر معنای «سرپرستی و سلطنت» در آیه «ولایت»، شأن نزولهای آیه است که در شأن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است، نه عموم مؤمنان، و روشن است که ولایت به معنای محبت یا نصرت، برای همه مؤمنان قرار داده شده و همه مؤمنان باید محب و ناصر یکدیگر باشند، نه فرد خاصّی از مؤمنان که نماز میخوانند و در حال رکوع زکات میدهند.

از عُمر بن خطّاب نقل شده که گفت: «چهل بار در حال رکوع صدقه دادم تا آیه‌ای که درباره علی (علیه السلام) نازل شد درباره من نیز نازل شود، ولی هیچ آیه‌ای نازل نشد.»

چرا در آیه «ولایت»، تعبیر به جمع شده است؟

ممکن است کسی سؤال کند که اگر مراد از (الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ ...) حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام)

است، پس چرا به صیغه جمع آمده است؟

اولاً: در آیات قرآن مکرر دیده میشود که از مفرد به لفظ جمع تعبیر شده است، از جمله آنها آیه (الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا)؛ «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: "مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آن بترسید" و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود» است که مفسران میگویند درباره نعیم بن مسعود اشجعی نازل شده، در حالی که از او به جمع تعبیر شده است. همچنین در آیه مباحله، که منظور از «نساءنا»، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و منظور از «أَنْفُسَنَا» حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.

ثانیاً: نکته در اطلاق جمع در آیه ولایت، تعظیم مقام امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ همانگونه که رسول خدا در روز خندق فرمود: «تمام ایمان (یعنی علی (علیه السلام)) در مقابل تمام شرک (عمرو بن عبدود) قرار گرفت». ممکن است یکی دیگر از دلیلهای جمع آمدن، این باشد که آیه، در مورد انفاق اهل بیت: باشد، و ولایت سایر امامان معصوم را نیز اثبات میکند. همانگونه که امام محمّد باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه ولایت فرمودند: «هُمُ الْأَئِمَّةُ؛ مراد از ایشان امامان معصوم: میباشند».

۲- آیه «اولی الامر»

اشاره

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر [اوصیای پیامبر] را.»
علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام از طریق اهل تسنن، چهار حدیث، و از طریق شیعه، چهارده حدیث نقل کرده‌اند در مورد این که منظور از «اولی الامر» در آیه، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و یازده فرزند پاک اوست

«اولی الامر» در روایات اهل تسنن

سلیمان حنفی از دانشمندان اهل تسنن، در کتاب ینایع المودّه، ص ۱۱۶ مینویسد:
شخصی از امام علی بن ابیطالب (علیهما السلام) پرسید: «کمترین چیزی که انسان را از راه راست خارج میکند و او را جزء گمراهان قرار میدهد، چیست؟» حضرت فرمودند: «این که حجت الهی را فراموش کند و از او اطاعت ننماید. هر کس از حجت الهی اطاعت نکند، گمراه است.»

آن شخص دوباره پرسید: «توضیح بیشتری بدهید، این حجت الهی که اشاره کردید، چیست؟»

حضرت فرمود: «همان کسی که در آیه ۵۹ سوره نساء به عنوان «اولی الامر» از او یاد شده است.»

سؤال کننده برای بار سوم پرسید: «اولی الامر چه کسی است، لطفاً روشتر بیان کنید؟»

امام (علیه السلام) فرمودند: «همان کسی است که پیامبر بارها درباره او فرمود: "إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ "حجت کسی است که در حدیث آمده است، اولی الامر شخصی است که در این روایت مطرح شده است.»

. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۸.

. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۶.

. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۳۵.

. سوره نساء، آیه ۵۹.

اطاعت از «اولی الامر» دستور خداست

امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه شریفه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) فرمودند: «إِنَّا عَنْ خَاصَّةٍ، أَمَرَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِطَاعَتِنَا؛ خداوند در این آیه، فقط ما را اراده کرده و به تمام مؤمنان تا روز قیامت به اطاعت کردن از ما دستور داده است.»

«اولی الامر»، فرزندان حضرت فاطمه زهرا : هستند

در برخی از روایات اجمالاً مصادیق «اولی الامر» بیان شده است، مانند روایتی که ابوبصیر از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت میکند که آن حضرت فرمود: «منظور از اولی الامر در آیه، پیشوایانی است که از فرزندان حضرت علی و فاطمه (علیهما السلام) هستند تا روز قیامت.»

«اولی الامر»، دوازده امام : هستند

در برخی از روایات (در بیان اولی الامر) به اسم ائمه اطهار : تصریح شده است، مانند روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا نقل کرده است.

جابر بن عبدالله انصاری میگوید: وقتی آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) نازل شد، به رسول خدا عرض کردیم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم، اما منظور از "اولی الامر" که خدا اطاعت آنان را در کنار اطاعت شما قرار داده است، چه کسانی هستند؟»

رسول خدا فرمود: «ای جابر! آنها جانشینان من هستند که پس از من امامت و رهبری مسلمانان با آنهاست. نخستین آنها علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است، پس از او حسن (علیه السلام)، پس از او حسین (علیه السلام)، پس از او علی بن الحسین (علیهما السلام)، پس از او محمد بن علی (علیه السلام) است که در تورات به "باقر" معروف است، و تو ای جابر! او را خواهی دید، وقتی او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. پس از او جعفر بن محمد (علیهما السلام)، پس از او موسی بن جعفر (علیهما السلام)، پس از او علی بن موسی (علیهما السلام)، پس از او محمد بن علی (علیه السلام)، پس از او حسن بن علی (علیه السلام)، پس از او همانم و همکنیه من، حجت خدا در روی زمین و بقیه الله در میان بندگان، پسر حسن بن علی خواهد بود.

او همان کسی است که خدای متعال به دست او شرق و غرب عالم را فتح میکند و او همان کسی است که از شیعیان و دوستانش غایب میشود؛ غیبتی که باعث میشود تنها کسانی بر امامتش باقی بمانند که قلبشان به ایمان آزموده شده باشد.»

جابر گفت: «یا رسول الله! آیا شیعیان در غیبتش از او بهرهمند میگردند؟» فرمود: «آری، سوگند به کسی که مرا به نبوت برانگیخت، از او بهرهمند میشوند و از نور ولایتش بهره میگیرند، همانطور که مردم از آفتاب پشت ابر بهرهمند میشوند. ای جابر! این از اسرار

الهی است، پس کتمان‌ش کن و به غیر اهلش نگو.»

. آیات ولایت در قرآن، ص ۱۲۰.

. کافی، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۲۴۷۹.
 «الْأَمَّةُ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.» بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۶، ح ۳؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۲۴۸۵.

دلالت آیه «اولی الامر» بر عصمت ائمه اطهار

خداوند متعال در آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)، به اطاعت از اولی الامر امر نموده است. روشن است که هر کس در چنین جایگاهی قرار گیرد، باید از هر خطا و اشتباهی معصوم باشد؛ زیرا بر فرض اقدام او بر اشتباه و خطا، لازم می‌آید که خداوند امر به اطاعت کسی کرده باشد که معصوم نیست و ممکن است خطا نماید. خطا از آن جهت که خطا است مورد نهی خداوند است. نتیجه این که در صورت عدم عصمت اولی الامر در آیه فوق، لازم می‌آید که امر و نهی خداوند در یک فعل و به یک اعتبار با یکدیگر جمع شود که این به طور حتم محال است. پس باید مقصود از «اولی الامر» در آیه، افراد معصوم از خطا و اشتباه باشند.

سُلَیْم بن قیس هلالی میگوید: از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شنیدیم که [در

بیان اولی الامر] میفرمود :

«إِنَّمَا الطَّاعَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ لَوْلَاةِ الْأَمْرِ وَ إِنَّمَا أَمْرٌ بِطَاعَةِ أُولَى الْأَمْرِ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَةٍ.»

«بر مردم واجب است که از خدا و رسول خدا و صاحبان امر پیروی کنند و علت آنکه مردم باید از صاحبان امر اطاعت کنند آن است که ایشان معصوم از گناه بوده و پاکیزه‌اند و مردم را امر به معصیت و گناه نمیکنند.»

دلالت آیه «اولی الامر» بر اطاعت از ائمه اطهار

«...أَطِيعُوا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ رَسُولِهِ مَقْرُونَةً؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ) (وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ).»

امام حسن مجتبی (علیه السلام) پس از بیعت مردم با ایشان در خطبهای فرمود : «...از ما فرمان برید که اطاعت کردن از ما واجب است؛ زیرا فرمانبرداری از ما به فرمانبرداری از خدا و پیامبرش، مقرون و پیوسته است، آنجا که خداوند میفرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنان داوری بطلبید]". و در جای دیگر میفرماید: "در حالی که اگر آن را به پیامبر و اولو الامر که قدرت تشخیص کافی دارند باز گردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد".»

۳-آیه «تبلیغ»

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» .

«ای پیامبر! آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان! و اگر [این کار را] نکنی، رسالت الهی را انجام ندهای! خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه میدارد.»

. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۹۹.

. ر.ک: امامشناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۳۴۶.

. سلیم بن قیس هلالی از خواص اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام است. دو سال قبل از هجرت به دنیا آمد، و در سال ۷۶ هجری از دنیا رفت. اوصاحب کتاب سلیم بن قیس، نخستین کتابی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تألیف شدهو بهدست ما رسیده است.

. علل الشرایع، ص ۱۲۳، ح ۱؛ سلیم بن قیس، ص ۸۸۴، حدیث الرابع و الخمسون.

. سوره نساء، آیه ۵۹.

. همان، آیه ۸۳.

. أمالی شیخ مفید، ص ۳۴۹، مجلس ۴۱، ح ۴؛ أمالی طوسی، ص ۱۲۲، مجلس ۵، ح ۱۸۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحارالأنوار، ج

۴۳، ص ۳۶۰، ح ۲.

. سوره مائده، آیه ۶۷.

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تبلیغ»

آیه تبلیغ از اهمیت و عظمت ویرهای برخوردار است که به چند مورد آن اشاره میکنیم :

۱ - خطاب (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) تنها دو بار در قرآن آمده: یکی همین آیه مورد بحث (آیه ۶۷ سوره مائده)، و دیگری آیه ۴۸ همین سوره، البته این دو آیه با هم در ارتباط است که این خود نشانگر اهمیت و عظمت مطلبی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاطر آن مورد خطاب قرار گرفته است.

۲ - کلمه (بَلِّغْ) که خود منحصر به فرد است و در سراسر قرآن تنها در این آیه به کار رفته است.

۳ - جمله (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) شاهی دیگر بر ویژگی خاص این آیه است و اهمیت مطلب این ابلاغ آن قدر مهم است که اگر پیامبر این کار را انجام ندهد، رسالت الهی را انجام ندهد است.

۴ - جمله (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) اشاره به این است که محتوای مأموریت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن قدر مهم است که احتمال خطرات برای آن حضرت میرود، ولی خداوند متعال، پیامبرش را در مقابل این خطرات محفوظ و مصون میدارد.

آیه «تبلیغ» بیانگر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

دانشمندان شیعه و سنی نقل کردهاند که «آیه تبلیغ» در مورد مسأله خلافت و جانشینی حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بحث میکند و در غدیر خم نازل شده است.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، از طریق اهل تسنن، یک حدیث، و از طریق شیعه، هشت حدیث در مورد آیه تبلیغ و شأن نزول آن در بیان مقام ولایت و خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل کرده است.

ابن عساکر، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل میکند که آیه (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) در روز غدیر خم و در شأن حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نازل شده است.

فخر رازی، از مفسرین اهل تسنن، درباره آیه تبلیغ میگوید:

این آیه در مورد علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نازل شده است. هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر اکرم دست علی (علیه السلام) را گرفت و بلند کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ...»؛ «هر کس که من مولای او هستم، پس از من این علی مولا و رهبر اوست، پروردگار! کسانی که ولایت علی (علیه السلام) را پذیرفته‌اند، دوست بدار و کسانی که با او دشمنی میکنند، دشمن بدار.»

رسول خدا مأمور به ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

از روایات و احادیث معصومین: معلوم میشود که منظور از (ما أنزل إليك من ربك)، ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است؛ زیرا امری که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور به ابلاغ آن شده‌اند، و اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت آن حضرت ابلاغ نشده است، چیزی به جز مسأله ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیست.

حاکم حسکانی، از علمای اهل تسنن، حدیثی (در مورد آیه تبلیغ) نقل کرده است. نقل او چنین است:

زیاد بن مُنذر میگوید: نزد امام محمد باقر (علیه السلام) بودم، در حالی که آن حضرت در حال گفتگو با مردم بود، شخصی از اهل بصره به

ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی، معروف به ابن عساکر، در سال ۴۹۹ ه. ق. متولد و در سال ۵۷۱ ه. ق. از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه الإمام علی بن ابیطالب علیه السلام، ترجمه الإمام الحسن علیه السلام، ترجمه الإمام الحسين علیه السلام، فضل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، میباشد.

ر.ک: ترجمه إمام علی بن ابیطالب علیه السلام.

تفسیر کبیر، ج ۱۱، ص ۴۹.

ابوالقاسم عیبدالله بن عبدالله نیشابوری، مشهور به حاکم حسکانی، در ولادت و وفات او تاریخ‌دقیقی بیان نشده است. ذہبی در تذکره الحفاظ آورده که تا سال ۴۷۰ هجری زنده بوده و بعد از این تاریخ وفات نموده است. از مهمترین آثار وی، شواهد التنزیل، رساله خصائص امیرالمؤمنین در قرآن، رساله تصحیح رد الشمس میباشد.

نام «عثمان الاعشی» برخاست و گفت: «ای فرزند رسول خدا! جانم به فدایت باد! از حسن بصری پرسیدم که این آیه [یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ] درباره چه کسی نازل شده است؟ گفت: "درباره مردی،" ولی نام او را مشخص نکرد! [لطفاً شما بفرمایید این آیه درباره چه کسی نازل شده است؟]

امام (علیه السلام) فرمود: «اگر [حسن بصری] میخواست بگوید، میتوانست نام او را بیان کند، ولی از ترس نگفته است [چون او در دوران بنیامیه بوده، و افزون بر آن با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) هم میانه خوبی نداشته است]. امّا من میگویم... هنگامی که خداوند جان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در مقابل خطرات احتمالی تضمین کرد، آن حضرت دست علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را بلند کرد و او را به عنوان جانشین و خلیفه خود معرفی نمود.»

فریاد شیطان در غدیر

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: «ابلیس چهار مرتبه فریاد بلند کشیده است: روزی که مورد لعن خداوند قرار گرفت، روزی که از آسمانها به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مبعوث شد، و روز غدیر خم [که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت منصوب شد].»

حُزن شیطان در غدیر و سرور او در سقیفه

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر داد که ابلیس و رؤسای اصحاب او هنگام منصوب شدن من در غدیر حاضر بودند، در آن روز، اصحاب ابلیس رو به او کردند و گفتند:

"این امت مورد رحمت الهی قرار گرفتند و از گمراهی محفوظ شدند و دیگر نه ما را و نه تو را بر آنان راهی نیست؛ چرا که امام و پناه خود بعد از پیامبرشان را شناختند". ابلیس با ناراحتی و اندوه از آنان جدا شد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ادامه کلامش فرمود:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر داد: آن هنگام که مردم بعد از وفات من بیعت تو را بشکنند، ابلیس اصحابش را جمع میکند و آنان در مقابل او به سجده درمی‌آیند و می‌گویند: "ای آقای ما! ای بزرگ ما! تو بودی که آدم را از بهشت بیرون کردی!" ابلیس می‌گوید: "کدام امت بعد از پیامبرشان گمراه نشدند؟ شما گمان میکنید من بر اینان سلطه و راهی ندارم؟ چگونه دیدید مرا هنگامی که کاری کردم تا امر خدا و پیامبر را درباره اطاعت علی بن ابیطالب کنار گذاردند؟"

۴-آیه «اکمال دین»

اشاره

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا).
«امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین [جاودان] شما پذیرفتم.»

تفسیر آیه «اکمال دین» در مدارک معتبر شیعه و سنی

هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور به ابلاغ امر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شد و دست حضرت علی (علیه السلام) را بالا برد و او را به عنوان ولی و سرپرست مردم بعد از خود معرفی کرد، آیه «اکمال دین» نازل شد و دین الهی با ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به اکمال رسید

. آیات ولایت در قرآن، ص ۳۴، به نقل از: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲۴۸.

. بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۱، ح ۱۳.

. اسرار غدیر، ص ۵۴، به نقل از: کتاب سلیم، ح ۵۷۹؛ روضه کافی، ص ۳۴۳، ح ۵۴۱.

. سوره مائده، آیه ۳.

جلال الدین سیوطی، از علمای اهل تسنن، از ابوسعید خدری نقل میکند :

«لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) عَلِيًّا (عليه السلام) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ هَبْطَ جَبْرِئِيلُ بِهِذِهِ الْآيَةِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...)».

«هنگامی که پیامبر اسلام (صلى الله عليه و آله و سلم) در روز غدیر خم، حضرت علی (عليه السلام) را به عنوان جانشین خود منصوب و ولایت او را بر مؤمنین اعلام کرد، جبرئیل نازل شد و آیه فوق را برای پیامبر آورد.»
و در روایت دیگری از ابوهریره نقل میکند :

هنگامی که روز غدیر، که روز هیجدهم ذیالحجه است، فرارسید، پیامبر اسلام (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...)»؛ «هر کسی که من مولای او هستم، این علی مولای اوست. پس خداوند آیه اکمال دین را نازل فرمود.»

در شأن نزول آیه اکمال دین در غدیر خم روایات بسیاری نقل شده است، علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام در این زمینه از طریق اهل تسنن، شش حدیث، و از طریق منابع شیعه، پانزده حدیث نقل کرده‌اند.

ویژگیهای روز عید غدیر در آیه

مطابق آیه سوم از سوره مائده، پنج ویژگی برای روز غدیر خم بیان شده است :

- ۱- روز غدیر، امید تمام دشمنان اسلام و کافران را به یأس مبدل کرد : (الْيَوْمَ يَتَيْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا) .
- ۲- روز غدیر، زمینه فعالیت کافران را خنثی کرد و مسلمانان نباید از آنان ترس داشته باشند: (فَلَا تَخْشَوْهُمْ) .
- ۳- روز غدیر، روز اکمال دین الهی است: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...) .
- ۴- روز غدیر، روز اتمام نعمت الهی است: (وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) .
- ۵- روز غدیر، روزی است که خداوند راضی شد تا اسلام با ولایت، دین جاودان مردم شود: (رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) .

اگر عظمت غدیر شناخته میشد...

اگر مردم عظمت روز غدیر را میشناختند و در آن هنگام که رسول خدا پیام ولایت و امامت حضرت علی (عليه السلام) را به عالمیان ابلاغ فرمود، حقیقتاً به ریسمان ولایت امیرالمؤمنین (عليه السلام) چنگ میزدند و از دامان او و فرزندان پاکش دست برنمیداشتند، عدالت سرتاسر جهان را فرامیگرفت و برکت و رحمت خداوند متعال بر عالمیان جاری میگشت.
بلاذری، از دانشمندان اهل تسنن، نقل میکند :

وقتی با ابوبکر بیعت شد، سلمان (عليه السلام) گفت: «کرداذ و ناکرداذ»؛ یعنی : «کردند و نکردند!» (هر چه میخواستند انجام دادند) !
اگر با علی (عليه السلام) بیعت میکردند، نعمتهای الهی از بالای سر و زیر پایشان جاری میشد.»

امام حسین (عليه السلام) میفرماید: «اگر مردم سخن خدا و پیامبرش را میشنیدند، آسمان بارانش را، و زمین برکتش را به آنان میبخشید و هرگز در این امت اختلاف و درگیری پیش نمیآمد. و هیچ دو نفری با هم اختلاف پیدا نمیکردند و همه از نعمتهای سرسبز دنیا تا روز قیامت برخوردار میشدند.»

. تفسیر درّ المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹.

. همان.

. ابوالحسن احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، از بزرگترین تاریخنگاران اهل تسنن، در سده سوم هجری قمری است. تاریخ تولد و مرگ او به درستی روشن نیست. دو اثر تاریخی او آنسابالاشراف و فتوح البلدان میباشد.

. آنسابالاشراف، ج ۱، ص ۵۹۱، ش ۱۱۹۷.

. بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۴۲، ح ۵؛ أمالی طوسی، ج ۱، ص ۵۶۶.

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از جانب رسول خدا

...فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام): «فَأَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْقَرَةٍ لَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)». قَالَ (علیه السلام): «نَضْبُهُ إِتَايَ بَغْدِيرِ خُمٍّ، فَقَالَ لِي بِالْوِلَايَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى».

شخصی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: بالاترین فضیلت خود را از جانب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر دهید. حضرت فرمودند: «منسوب کردن آن حضرت مرا در غدیر خم، که ولایت و امامت مرا از طرف خداوند اعلام فرمود.»

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، رکن اساسی اسلام

زُواره نقل میکند که امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند :

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوِلَايَةِ». قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ: «وَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟» قَالَ (علیه السلام): «الْوِلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَوَالِيٌّ هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا...»

«اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت.» زواره میگوید: از امام پرسیدم: «کدام یک از اینها برتر و مهمتر است؟» حضرت فرمود: «ولایت برتر است؛ زیرا کلید رسیدن به آنهاست و شخص والی و امام، دلیل و راهنمای آنهاست.»

ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، محور قرآن

قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَبِهَا نَوَّهَتْ الْكُتُبُ وَيَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ...»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :

«خداوند ولایت ما اهل بیت را محور قرآن و محور همه کتابهای آسمانی قرار داد. قرآن بر ولایت ما اهل بیت استوار میگردد و با ولایت ما همه کتابها ارج و بها یافته و حقیقت ایمان روشن میگردد.»

کمال دین با ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ الرَّضَا (علیه السلام): «كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا».

امام رضا (علیه السلام) فرمود :

«کمال دین، ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمنان ماست.»

۵-آیه «تطهیر»

اشاره

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)
«خدا فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

تفسیر «آیه تطهیر» در مدارک معتبر شیعه و سنی

آیه تطهیر درباره طهارت پنج نور مقدس: نازل گردید و دلالت دارد بر این که حضرت فاطمه زهرا و امیرمؤمنان و اولاد ایشان: از همه پیامبران الهی به جز خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برتر و بالاترند.
تمامی علمای شیعه و بسیاری از دانشمندان اهل تسنن در کتابهای خود، «اهلیت» را به پنج تن آل عبا: تفسیر نمودهاوند و به صحت این روایات تصریح کرده‌اند.

از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«این آیه در خانه ام سلمه، همسر رسول خدا، در شأن آن حضرت و علی بن ابیطالب (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حسن و حسین (علیهما السلام) نازل شد. سپس رسول خدا، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین: را فراخواند و عبای خیری را بر آنها پوشاند و خود نیز داخل آن شد و فرمود: خدایا! اینها اهلیت من هستند که تو درباره آنان به من وعده داده‌ای. خدایا! هر پلیدی و رجس را از آنها دور کن و از هر عیب کاملاً پاک و تطهیر نما!
ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله! آیا من نیز با آنان هستم؟ رسول خدا فرمود: ای ام سلمه! من تو را به خیر و خوبی بشارت میدهم [اولی تو از آنان نیستی].»

علمای طباطبایی این روایات را بیش از هفتاد روایت میداند و می‌فرماید: آن روایاتی که از طریق اهل تسنن در این زمینه نقل شده، بیش از آن است که از طریق شیعه وارد شده است.

علمای سید هاشم بحرانی در غایه المرام این احادیث را به چهل و یک طریق از اهل تسنن، و بیست و چهار طریق از شیعه نقل کرده است.

حسکانی، از دانشمندان اهل تسنن، درباره تفسیر آیه تطهیر میگوید:

«نَزَلَتْ فِي خَمْسَةٍ: فِي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ؛» این آیه درباره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین: نازل شده است.»

. کتاب سلیم، ص ۹۰۳، الحدیث الستون؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱، ح ۲؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹.

. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۳۲، ح ۱۰؛ کافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۳، ح ۲.

. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۷، ح ۲۹.

. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸، ح ۱۹؛ مستطرفات السرائر، ص ۶۴۰.

. سوره احزاب، آیه ۳۳.

البته در تفاسیر اهل تسنن، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. از جمله: الف - برخی اهل بیت را به همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر کرده‌اند.

نکاتی پیرامون مفردات آیه «تطهیر»

(إِنَّمَا): این کلمه برای منحصر کردن است، مثلاً: إِنَّمَا فِي الدَّارِ زَيْدٌ؛ یعنی در خانه جز زید هیچ کسی نیست.
(يُرِيدُ اللَّهُ): یُرید از باب افعال و مصدر آن «اراده» است. در اینجا، منظور از اراده خداوند، اراده تکوینی است؛ به علت این که اراده تشریعی مختص اهل بیت: نیست.

علامه بزرگوار شیخ طوسی در اینباره میگوید:

«اراده خدا برای از میان بردن پلیدیها از اهل بیت: از دو حال بیرون نیست: یا منظور آن است که از آنان خواسته تا به اطاعت خدا پردازند و از گناهان بپرهیزند. یا مراد آن است که همه پلیدیها را از آنان برده است؛ بدین گونه که عنایت خاصی به آنان نموده که به این وسیله از زشتیها امتناع میورزند.

روا نیست که معنای اول مراد باشد؛ زیرا این اراده شامل همه مکلفان میشود و اختصاصی به اهل بیت ندارد، در حالی که خلافتی در این نیست که خداوند در این آیه، طهارت و پاکی را مخصوص اهل بیت: گردانیده است.»

(لِيُذْهِبَ): اِذْهَاب به دو معنا به کار میرود: ۱ - برطرف ساختن چیزی از محلّ خود پس از ثبوتش در آن مکان؛ ۲ - دور ساختن چیزی از محلی پیش از آن که به آنجا برسد.

(الرَّجَسَ): به معنای چیز ناپاک و نجس است.

علامه طباطبایی در اینباره میفرماید:

«رَجَس نسبت به انسان عبارت است از درک نفسانی یا اثری شعوری، که ناشی از تعلق قلب به اعتقاد باطل یا عمل پست است و از آنجا که "الف و لام" در کلمه (الرَّجَس) برای جنس است، دلالت بر ازاله هر هیئت خُبث در نفس دارد که سبب خطا در اعتقاد یا عمل است و این حالت تنها منطبق بر عصمت الهی، همان صورت نفسانی است که انسان را از اعتقاد باطل و عمل بد باز میدارد.»

(تفسیر فرقان، ج ۶، ص ۵۲۶۴) ب - منظور از اهل بیت، پیامبر اسلام، علی، حسن، حسین، فاطمه علیهم السّلام و همسران پیامبر میباشند.

(تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۹)

. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶، ح ۱.

. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۱، ح ۶۶۱.

معنای «رَجَس» در قرآن

رجس گاه در مورد پلیدیهای ظاهری و گاه در مورد پلیدیهای معنوی و گاهی در هر دو مورد به کار میرود.

الف. پلیدی معنوی:

(وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ).

«و اما آنها که در دلهاشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیهایشان افزوده، و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند.»

ب. پلیدی مادی :

(أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ) .

«یا گوشت خوک که پلیدی و رجس است.»

ج. پلیدی مادی و معنوی :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ) .

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازالام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید.»
در نتیجه، «رجس»، مفهوم عامی دارد که شامل هرگونه پلیدی مادی، معنوی و روحی می‌شود و به علت این که این کلمه به طور مطلق و بدون قید آمده و «الف و لام» بر سر آن الف و لام جنس است، و همه ناپاکیها و پلیدیها را دربرمیگیرد.

(أهل البيت) : راغب در مفردات میگوید :

«اهل مرد کسانی هستند که در نسب یا دین و مانند آن، مثل حرفه و خانه و شهر، با او گرد آیند. پس اهل مرد در اصل کسانی هستند که در یک خانه با او جمع شوند؛ آنگاه در معنای مجازی به کار رفته و به کسانی که در نسب با وی یکی باشند گفته شده است، و هر گاه «اهلیت» به طور مطلق به کار برده شود، درباره خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود و دلیل آن آیه تطهیر است.»

نتیجه تفسیر «آیه تطهیر»

آیه شریفه تصریح دارد بر این که خداوند متعال اراده فرموده منحصرآ هرگونه رجس و پلیدی را از اهلیت : دور کند؛ زیرا همانگونه که گفتیم :

اولاً، آیه با «إنما» که حصر است شروع شده است.

ثانیاً، منظور از «یرید الله»، اراده خاصی از سوی خداوند است که همان اراده تکوینی باشد.

ثالثاً، پاکسازی اهلیت با کلمه «تطهیرآ» که مصدر است و برای تأکید و عموم می‌آید، بیان شده است.

بنابر این، معنای آیه چنین میشود: خداوند اراده فرموده (به اراده تکوینی خود) که هرگونه پلیدی و رجس را فقط از شما اهلیت دور کند و شما را کاملاً پاکیزه گرداند. -----

. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲.

. سوره توبه، آیه ۱۲۵.

. سوره انعام، آیه ۱۴۵.

. سوره مائده، آیه ۹۰.

. مفردات قرآن، ص ۹۶.

. سوره رعد، آیه ۴۳.

۶- آیه «عِلْمُ الْكِتَابِ»

اشاره

(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) .

«آنها که کافر شدند میگویند: "تو پیامبر نیستی". بگو: "کافی است که خداوند و کسی که همه علم کتاب [و آگاهی بر قرآن] نزد اوست، میان من و شما گواه باشد».

تفسیر آیه «علم الكتاب» در مدارک معتبر شیعه و سنی

در بسیاری از کتابهای تفسیری و حدیثی شیعه و سنی تصریح شده که منظور از (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)، کسی که همه علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، حضرت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و ائمه اطهار: است. حَسَنَکَانی، دانشمند بزرگ اهل تسنن، از ابوسعید خُدَری نقل میکند: از رسول خدا در مورد آیه شریفه (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) پرسیدم، حضرت فرمود: «مقصود، برادرِ علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است». قندوزی، از دانشمندان اهل تسنن، از ابوسعید خُدَری نقل میکند: خدمت حضرت رسول خدا رسیدم و عرض کردم: «منظور از (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) چه کسی است؟» حضرت فرمود: «منظور، وزیر برادرِ حضرت سلیمان بن داود (علیهما السلام) است». عرض کردم: «منظور از (قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) چه کسی است؟» حضرت فرمود: «منظور، برادرِ علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است». علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، بیست و سه حدیث از طریق شیعه و هیجده حدیث از طریق اهل تسنن نقل میکند که منظور از «کسی که علم همه کتاب نزد اوست»، اهل بیت رسول خدا است.

مقایسه وصی رسول خدا با وصی حضرت سلیمان (علیه السلام)

آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان (علیه السلام) بود. در سوره نمل، داستان او چنین نقل شده است: زمانی که ملکه سبا تسلیم حضرت سلیمان (علیه السلام) شد و به سوی او حرکت کرد، حضرت سلیمان (علیه السلام) به اطرافیان خود که از جنیان و انسانها بودند، گفت: «کدامیک از شما قادر است قبل از آن که ملکه سبا تسلیم ما شود و نزد ما بیاید، تخت او را در نزد من حاضر کند؟» یکی از جنیان گفت: «من آن را قبل از این که از جایگاهت برخیزی نزد تو حاضر میکنم». در این هنگام، کسی که قسمتی از علم کتاب نزد او بود (آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان) گفت: «قبل از آن که چشم برهم زنی، تخت بلقیس را نزد تو حاضر میکنم، و این قدرتی است که خداوند از فضل خود به من عنایت فرموده است». خداوند متعال در وصف آصف بن برخیا میفرماید: (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ)؛ یعنی: «کسی که علم قسمتی از کتاب در نزد او بود». در اینباره در روایات آمده است که منظور از «قسمتی از علم کتاب» یک حرف از حروف اسم اعظم الهی است که در نزد او بود و با آگاهی از آن چنین قدرت عظیمی یافته بود. حال، با توجه به این که وصی حضرت رسول رب العالمین، یعنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به هفتاد و دو حرف از اسم اعظم الهی علم دارد، آیا قدرتش با آصف بن برخیا، وصی حضرت سلیمان (علیه السلام) قابل مقایسه خواهد بود؟

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: «نسبت کسی که بعضی از علم کتاب را دارا است (آصف بن برخیا) در مقابل کسی که آگاه به تمام کتاب است (حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام))، مانند آبی است که پشه با بال خود از دریا بردارد در مقابل عظمت آب دریا».

. سوره نمل، آیه ۴۰.

. ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۷؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۱.

. «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِنِي بِعَرِّهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ». سوره نمل، آیه ۳۸.

. «قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ». همان / ۳۹.

. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ وَقَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...» همان /

۴۰.

. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶۰، ح ۶؛ غایه المرام، ج ۴، ص ۵۸، الحدیث الثالث.

آگاهی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کتابهای آسمانی

در روایات بسیاری آمده است که تمام کتابهای آسمانی که بر پیغمبران نازل شده و همه علوم آنها، نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و جانشینان او تا روز قیامت موجود میباشد.

علی بن ابراهیم قمی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: «آگاه باشید! همانا علمی که آدم آن را از آسمان بر زمین فرود آورد و تمام آنچه به وسیله آن، پیامبران الهی تا خاتم پیامبران فضیلت و برتری داده شدند، نزد خاندان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.»

برترین فضیلت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در قرآن

علامه طبرسی نقل میکند، شخصی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید :

«بهترین و بالا-ترین فضیلتی که خداوند به شما داده چیست؟» حضرت همین آیه (علم الكتاب) را تلاوت کرد و فرمود: «خداوند متعال از آیه (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) ما اهل بیت را قصد نموده است.»

نکات مهم آیه

۱ - کلمه (عِنْدَهُ) ظرف و خبر برای جمله (عِلْمُ الْكِتَابِ) است و خبر باید بعد از مبتدا بیاید، ولی در اینجا خبر مقدم شده است، و طبق قانون «تقديم ما حقه التأخير يُفيدُ الحُضْرَ وَالْإِخْتِصَاصَ»، از این جمله آیه استفاده میشود که علم به همه کتاب فقط نزد برخی افراد است.

۲ - ضمیمه شدن شهادت کسی که علم کتاب در نزد اوست به شهادت خداوند، از قبیل ضمیمه کردن دلیل ظنی به دلیل علمی و قطعی نیست، بلکه هر کدام از گواهیها، دلیل تام و مستقلاً بر اثبات رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

۳ - الف و لام در (الكتاب) « برای عهد است. بنابر این، یا به قرآن باز میگردد که علم تمام اشیاء در آن است: (وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) ، یا به لوح محفوظ بر میگردد که در آن هر چیزی تا روز قیامت نوشته شده است.

۴ - اضافه (علم) به (الكتاب) ، یعنی اضافه مصدر به مفرد مُحَلًی به الف و لام، مفید عموم و استغراق است و شامل علم به تمام کتاب میشود.

۷-آیه «مباهله»

اشاره

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).

«هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده، [باز] کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت میکنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباهله میکنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار میدهیم.»

. ر.ک: بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۲۲۵، و ج ۱۷، باب علم پیغمبر صلی الله علیه و آله ص ۱۳۰ تا ۱۴۶.

. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷.

. ابو منصور، احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی، از علمای قرن ششم هجری است و در سال ۵۴۸ هجرت از دنیا رفت. از مهمترین تألیفات او، احتجاج، الکافی در فقه، تاریخ الأئمه و فضائل الزهراء علیها السلام میباشد.

. احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹؛ کتاب سلیم، ص ۹۰۳، الحدیث الستون.

. سوره انعام، آیه ۵۹. ترجمه: «هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.»

. ر.ک: امامشناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۴۰۷.

. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

معنای «مباهله» در لغت

واژه «مباهله» مشتق از ماده «بهل» است. جمله «بَهَلَهُ اللهُ» به معنای «لَعَنَهُ اللهُ» آمده است و مباهله به معنای لعنت کردن بر یکدیگر است. برخی در توضیح این واژه آورده‌اند که مباهله، تضرع و ابتهال و لابه است. ابتهال، گاه برای دفع بلاست و زمانی برای نزول بلا.

تفسیر آیه «مباهله» در مدارک معتبر شیعه و سنی

آیه مباهله از آیاتی است که به فضایل اهل بیت : اشاره دارد. مفسران اجماع دارند که این آیه در مورد مباهله پیامبر اسلام به همراه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین : با مسیحیان نجران نازل شده است. علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام در مورد اینکه آیه مباهله در مورد پنج تن آل عبا : میباشد، نوزده حدیث از طریق اهل تسنن و پانزده حدیث از طریق شیعه نقل کرده است.

اتفاق مفسرین بر نزول آیه مباهله در مورد اهل بیت

حاکم نیشابوری میگوید: در تفاسیر اخبار متواتری از ابن عباس و دیگران روایت شده که رسول خدا در روز مباهله دست علی و حسن و حسین : را گرفته و فاطمه (علیها السلام) را پشت سر خود قرار داد. آنگاه فرمود: «اینها فرزندان ما و نفسهای ما و زنان ما

هستند، شما نیز نَفْسها و فرزندان و زنان خود را بیاورید، تا اینکه مباحله کرده و لعنت خدا را بر کافران قرار دهیم.»

عَلَّامه قاضی نور الله شوشتری میگوید :

«أَجْمَعَ الْمُفَسِّرُونَ عَلَى أَنَّ "أَبْنَاءَنَا" إِشَارَةٌ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَ"نِسَاءَنَا" إِشَارَةٌ إِلَى فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ"أَنْفُسَنَا" إِشَارَةٌ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام).»

«همه مفسران اتفاق نظر دارند که منظور از "أَبْنَاءَنَا" در آیه مباحله، امام حسن و امام حسین (عليهما السلام)، و مراد از "نِسَاءَنَا" حضرت فاطمه زهرا (عليها السلام)، و منظور از "أَنْفُسَنَا" امیرالمؤمنین (عليه السلام) است.»

واقعۀ تاریخی مباحله

مأمون عباسی روزی از امام رضا (عليه السلام) سؤال کرد: «بزرگترین فضیلت امیرالمؤمنین (عليه السلام) را که قرآن بر آن دلالت دارد به من خبر بده.»

حضرت فرمود: «فضیلتی که در مباحله است؛ زیرا خداوند عزوجل میفرماید: هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت میکنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت میکنیم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

آنگاه رسول خدا، امام حسن و امام حسین: را که دو فرزند او به حساب میآمدند، دعوت کرد و نیز حضرت فاطمه (عليها السلام) را که جزء «نساء» او به حساب میآمد خواست، و نیز امیرالمؤمنین (عليه السلام) را که به حکم خداوند، نفس او به حساب میآمد، دعوت نمود.

این مطلب هم ثابت است که هیچ یک از مخلوقات خدای تعالی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افضل و بالاتر نیست. بنابر این، به حکم خدای عزوجل باید کسی از نفس رسول خدا (یعنی امیر مؤمنان علی (عليه السلام)) بالاتر نباشد.»

مأمون پرسید: «شاید منظور از "أَنْفُسَنَا"، خود حضرت باشد.» امام رضا (عليه السلام) فرمود: «این صحیح نیست؛ زیرا دعوت کننده همیشه دیگری را فرامیخواند و معنا ندارد که خود را فراخواند، در مباحله هم میبینیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط یک نفر مرد را خوانده و او امیرالمؤمنین (عليه السلام) است. پس ثابت شد که علی (عليه السلام) نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که خداوند سبحان در کتابش قصد کرده و حکم خود درباره نفس بودن امیرالمؤمنین (عليه السلام) نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در کتابش قرار داده است.»

ر.ک: تفسیر موضوعی، ج ۹، ص ۱۸۳.

احقاق الحق، ج ۳، ۴۸؛ معرفه علوم الحديث، ص ۵۰.

احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۶.

سوره آل عمران، آیه ۶۱.

دلالت آیه «مباحله» بر امامت امیرمؤمنان علی (عليه السلام)

در اجتماع عظیم علمای مذاهب با حضور امام رضا (عليه السلام) اثبات فضیلت اهل بیت: بر سایر مردم مطرح شد، مأمون پرسید:

«در باره این آیه به من خبر دهید: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا)؛ سپس این

کتاب [آسمانی] را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.» علما گفتند: «منظور خداوند از برگزیدگان، در این آیه، همه امت است.» مأمون رو به امام رضا (علیه السلام) کرد و پرسید: «یا اباالحسن! شما در اینبار چه میگویید؟»

حضرت فرمود: «من مانند اینان نمیگویم، بلکه من میگویم "برگزیدگان"، ("در آیه) اهلیت : هستند.»

علما پرسیدند: «به ما خبر بده که آیا خداوند در کتابش "برگزیدن" را تفسیر کرده است؟» حضرت فرمود: «گذشته از باطن قرآن، در دوازده مورد از ظاهر قرآن بیان نموده است.» آنگاه مورد اول و دوم را ذکر کردند و در مورد سوم فرمودند:

«سومی آن گاه بود که خداوند، پاکان از خلقش را برگزید و به پیامبرش دستور داد به وسیله آنان مباحله کند، آن جا که در آیه مباحله فرمود: "ای محمد! (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.)" پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت علی و امام حسن و امام حسین و فاطمه زهرا: را آورد و نفس آنان را با نفس خود قرین ساخت، آیا میدانید معنای "أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ" چیست؟»

علما گفتند: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خودش را قصد کرده بود.»

امام رضا (علیه السلام) در ردّ گفتار آنان فرمود: «از گفتن "أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ"، "علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را قصد کرده بود. دلیل بر این مطلب آن است که آن حضرت (در جایی دیگر) فرمود: بنو ولیعه دست بردارند که در غیر این صورت کسی را سراغ آنان میفرستم که مانند خودم است [که منظور پیامبر از شخصی مانند خودم، حضرت علی (علیه السلام) بود].»

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از "أَنْفُسَنَا"، حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، و از "أَبْنَاءَنَا"، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، و از "نِسَاءَنَا"، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را قصد کرده بود. این خصوصیت و فضیلتی است که احدی در آن بر ایشان مقدم نشده و فضیلتی است که احدی از بشر بعد از آن دست نییابد، و شرافتی است که هیچ خلقی به سوی آن سبقت نگرفته است؛ چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی (علیه السلام) را مانند نفس خود قرار داده است.»

۸- آیه «مَوَدَّة»

اشاره

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى).

«[ای پیامبر!] بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمیکنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهلیتیم].»

تفسیر آیه «مَوَدَّة» در مدارک معتبر شیعه و سنی

احمد بن حنبل، از علمای اهل تسنن، از سعید بن جبیر نقل میکند:

لَمَّا نَزَلَتْ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قَالُوا: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قَرَابَتُكَ؟ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟» قَالَ: «عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا» وَقَالَهَا ثَلَاثًا.

هنگامی که آیه «مَوَدَّة» بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد، مردم از آن حضرت پرسیدند: «منظور از نزدیکان شما که در این آیه آمده و مَوَدَّة آنها بر ما واجب شده چه کسانی هستند؟» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «منظور علی و فاطمه و حسن و حسین : هستند» و این جمله را سه بار تکرار کرد.

روایاتی که شیعه و سنی در این خصوص نقل کرده‌اند در حدّ تواتر است. علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، هفده حدیث از

طریق اهل تسنن و بیست و دو حدیث از طریق شیعه، درباره نزول آیه مودت در مورد اهلبیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است.

. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۵۷.

. سوره فاطر، آیه ۳۲.

. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۲۳.

. سوره شوری، آیه ۲۳.

. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۹؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۴۴.

اجر و مُزد رسالت انبیای الهی

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) اجر و مُزد رسالت خود را مودت نزدیکانش قرار داده است. قرآن کریم مسأله اجر و مزد رسالت را از زبان پنج تن از پیامبران بزرگ دیگر نیز مطرح میکند، با این تفاوت که هیچکدام از آن بزرگواران اجر و مزدی درخواست نکرده‌اند و تمام آن بزرگواران فرموده‌اند: «من برای این دعوت و رسالت هیچ اجر و مزدی از شما درخواست نمیکنم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.»

آیه اول: حضرت نوح (علیه السلام): (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

آیه دوم: حضرت هود (علیه السلام): (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا- تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

آیه سوم: حضرت صالح (علیه السلام): (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

آیه چهارم: حضرت لوط (علیه السلام): (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا- تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

آیه پنجم: حضرت شعیب (علیه السلام): (إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

چرا رسول خدا درخواست پاداش نمود؟

به راستی، چرا پیامبران الهی هیچگونه اجر و مزدی درخواست نکرده‌اند، ولی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اجر و مزد رسالت خود را مودت و دوستی با نزدیکانش قرار داده است؟

برای روشن شدن پاسخ لازم است دو آیه دیگر از قرآن را در کنار آیه مودت قرار دهیم :

آیه اول : (قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) .

«[ای پیامبر!] بگو: من هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام، برای خود شماس، و اجر من تنها بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است.»

آیه دوم: (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا).

«[ای پیامبر!] بگو: من در برابر آن [ابلاغ آیین خدا]، هیچگونه پاداشی از شما نمیطلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند [این پاداش من است].»

با تأمل در این دو آیه، به این نتیجه میرسیم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همچون سایر انبیای الهی، هیچ اجر و مزدی برای رسالت خود از مردم نخواست است، و اگر در آیه، مسأله «مودت نزدیکان» بیان شده، نفع آن به خود مردم برمیگردد. -----

. سوره شعراء، آیات ۱۰۶ - ۱۰۹.

. همان، آیات ۱۲۴ - ۱۲۷.

. همان، آیات ۱۴۲ - ۱۴۵.

. همان، آیات ۱۶۱ - ۱۶۴.

. همان، آیات ۱۷۷ - ۱۸۰.

. سوره سبأ، آیه ۴۷.

. سوره فرقان، آیه ۵۷.

وجوه دلالت آیه «مودت» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

اشاره

وجوه دلالت آیه مودت بر امامت اهل بیت: به قرار زیر است:

۱ - وجوب مودت، مستلزم وجوب اطاعت

مقصود آیه، تنها مجرد محبت و مودت نیست، بلکه خداوند متعال به مودتی امر نموده است که به دنبال آن، انقیاد و اطاعت و فرمانبرداری باشد و این مطلب را از چند طریق میتوان اثبات نمود:

الف) از طریق لفظ «مودت»؛ زیرا مطابق رأی برخی از لغتشناسان، «مودت» عبارت از محبتی است که همراه با اطاعت باشد.

ب) از طریق مراجعه به آیات دیگر؛ زیرا خداوند متعال میفرماید: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ).

«[ای پیامبر!] بگو اگر خدا را دوست میدارید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد.»

مقصود از متابعت در این آیه، همان اطاعت و فرمانبرداری است؛ زیرا خداوند در جایی دیگر میفرماید: (وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي)؛ «و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است. پس از من پیروی

کنید و فرمانم را اطاعت نمایید.»

در این آیه، «اطاعت» عطف تفسیری بر متابعت شده است.

میدانیم که متابعت و فرمانبرداری تام و اطاعت مطلق، تنها برای امام و ولی خداست که ولایت و امامتش از جانب خداوند ثابت شده است.

عَلَّامَهُ حَلَّى مِیفرماید: «وجوب مؤدّت، مستلزم وجوب اطاعت است.»

۲- وجوب محبت مطلق، مستلزم افضلیت

از آیه مورد بحث استفاده میشود که اهل بیت عصمت و طهارت: کسانی هستند که محبتشان به طور مطلق واجب است و هر کس که چنین باشد محبوبترین افراد نزد خداوند و رسول خواهد بود، و در نتیجه، او افضل افراد امت است؛ همانگونه که ابن حجر به آن تصریح دارد؛ او میگوید: «محبت دینی ملازم با افضلیت است، پس هر کس که افضل است محبت ما به او بیشتر است.» این را نیز میدانیم که مطابق قاعده، هر کس افضل است باید امام و رهبر جامعه باشد، ابن تیمیّه میگوید: «ولایت دادن به "مفضول"، با وجود "افضل" ظلم بزرگی است.» محبّ الدّین طبری میگوید: «به طور کلی، ولایت مفضول با وجود افضل، منعقد نمیگردد.»

۳- محبت مطلق، ملازم با عصمت

در این آیه، به محبت به صورت مطلق امر شده است و از آنجا که محبت مستلزم اطاعت است، پس در حقیقت، پیامبر به اطاعت مطلق از اهلیت خود امر نموده است. همچنین از آنرو که اطاعت مطلق تنها باید از معصوم صورت پذیرد، در نتیجه، ذوی القربی که همان اهلیت عصمت و طهارتند معصوم هستند، و بر همین اساس مرجع دینی مردم بعد از رسول خدا خواهند بود.

. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

. سوره طه، آیه ۹۰.

. نهج الحق، ص ۱۷۵.

. صواعق المحرقة، ص ۹۷.

. منهاج السنّة، ج ۳، ص ۲۷۷.

. محبّ الدّین، احمد بن عبدالله طبری شافعی، در سال ۶۱۵ به دنیا آمد و در سال ۶۹۴ درگذشت. واز مهمترین آثار وی: ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، الرّیاض النّضرة فی مناقب العشرة، السّمت الثمین فی مناقب أمّهات المؤمنین، میباشد.

. الرّیاض النّضرة، ج ۱، ص ۲۱۶.

. ر.ک: امامشناسی (رضوانی)، ج ۱، ص ۴۷۱.

۹- آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ»

اشاره

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ).

«بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا میفروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.»

تفسیر آیه «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی نقل کرده‌اند که این آیه در مورد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نازل شده و اشاره دارد به جانفشانی و فداکاری آن حضرت در زمانی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از مدینه هجرت فرمود، و علی (علیه السلام) را در بستر خود خوابانید.

حاکم نیشابوری میگوید: «اولین کسی که جان خود را برای طلب رضای خدا فروخت، حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بود.»

ابن ابی‌الحدید، از دانشمندان اهل تسنن، میگوید:

«تمام مفسران روایت کرده‌اند که آیه (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ)، در شأن علی (علیه السلام) در شب خوابیدن او در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است.»

علّامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، در تفسیر این آیه در مورد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یازده حدیث از طریق اهل تسنن و یازده حدیث از طریق شیعه نقل میکند.

واقعۀ «لیله المبیّت» قابل انکار نیست

ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی‌الحدید، میگوید:

«حدیث خوابیدن علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به تواتر ثابت شده و قابل انکار نیست. بنابر این، جز انسان دیوانه یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، چنین روایتی را انکار نمیکند؛ زیرا تمام مفسران اتفاق نظر دارند که آیه شریفه (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ)، در لیله المبیّت، در شأن علی (علیه السلام) نازل شده است.»

ظهور فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در شب هجرت

ثعلبی، یکی از مفسران بزرگ اهل تسنن، در تفسیر خود، روایت بسیار زیبایی را درباره واقعۀ لیله المبیّت نقل میکند که مضمون آن چنین است:

«هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) میخواست به مدینه هجرت کند، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را در بستر خود خوابانید، و به او فرمود: «بُرد خضرمی سبز را بر روی خود بینداز، و بدان که اگر خداوند بخواهد، هیچ بلایی به تو نخواهد رسید.»

خداوند متعال خطاب به جبرئیل و میکائیل فرمود: «شما دو نفر برادر یکدیگر هستید و من بین شما عقد اخوت بستم و عمر یکی از شما را از دیگری طولانتر کردم، کدام یک از شما حاضرید که در عمر خود فداکاری و ایثار کنید؟» هیچ کدام سخنی نگفتند. خداوند متعال به آنها فرمود: «به خانه پیامبر ما در روی زمین نگاه کنید؛ من بین او و بین محمد عقد اخوت بستم، ببینید که چگونه علی برای حفظ جان پیامبر، زندگی خویش را فدا کرده است. به سوی او بروید و او را از شر دشمنان حفظ کنید.» این دو ملک به زمین آمدند و در خانه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر شدند، جبرئیل بر بالای سر علی (علیه السلام) و میکائیل پایین پای حضرت قرار گرفتند. سپس خطاب به علی (علیه السلام) گفتند: "يَخُتُّ لَكَ يَا بَنَیَّ ابِیطَالِبٍ، مَنْ مِثْلُكَ؟ وَ قَدْ بَاهَى اللَّهُ بِكَ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَ فَاخَرَ بِكَ؛ مبارک باد! مبارک باد! چه کسی مثل توست ای فرزند ابیطالب؟ در حالی که خداوند بر تو به ملائکه آسمان مباحات و افتخار میکند."

خداوند متعال در حالی که رسولش متوجه به سوی مدینه بود، در شأن علی (علیه السلام) این آیه را نازل کرد: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ .

. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

. مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۵، ح ۴۲۶۴.

. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۶۱، خطبه ۲۳۸.

دلالت آیه «لَبْلَةُ الْمَيِّتِ» بر امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

علامه محمد حسن مظفر میگوید :

«و امّا دلالت آیه بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جهت این است که نزول آیه کاشف از افضلیت حضرت و امتیاز او در معرفت و اخلاص است؛ زیرا چه بسیار از مسلمانان که جان خود را در جهادها بذل کردند و رسول خدا را حفظ کرده، نشر دعوت او نمودند، ولی به مقامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن نایل شد، نرسیدند؛ که آن شهادت و گواهی خداوند بر عمل با اخلاص و با نیت پاک او بود. او تنها کسی بود که در نهایت اخلاص و تنها به جهت جلب رضایت خداوند جان خود را در طبق اخلاص نهاد، تا جایی که خداوند به عمل او بر بزرگان از ملائکه مباحات کرد. و عقد اخوت بین او و پیامبر نسبت به جمله "مَنْ مِثْلُكَ،" که جبرئیل به حضرت علی (علیه السلام) گفت، دلالت دارد بر این که عمل او هیچ نظیری در بین مردم نداشته و نخواهد داشت. و میدانیم که افضل افراد، لیاقت امامت را دارد.»

۱۰- آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

اشاره

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) .

«همانا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات [خدا] هستند.»

معنای «بَرِيَّةٌ»

«بَرِيَّةٌ» از ماده «برء» به معنای خلقت است و لذا خداوند را «باری» به معنای «خالق» و مخلوقات را «بَرِيَّةٌ» میگویند. بعضی معتقدند «بَرِيَّةٌ» از «بَرَى» بر وزن «برگ» به معنای «خاک» است و از آنجا که مخلوقات از خاک گرفته شده‌اند به آنها «بَرِيَّةٌ» گفته میشود. بعضی دیگر گفته‌اند: «بَرِيَّةٌ از بَرِيْتُ الْقَلَمِ " [قلم را تراشیدم] گرفته شده است و از آنجا که مخلوقات از نظر شکل و قامت، به فرمان الهی به صورتهای مختلف درمی‌آیند، گویی مانند قلمهایی هستند که در کارگاه آفرینش تراشیده میشوند، بدین جهت به آنها "بَرِيَّةٌ" گفته شده است.»

خداوند متعال در این آیه برای بهترین مخلوقات، دو صفت ذکر فرموده است: «ایمان به خدا»، «عمل صالح».

تفسیر آیه «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در مدارک معتبر شیعه و سنی

روایات فراوانی در کتابهای شیعه و سنی وجود دارد که رسول خدا، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و شیعیان او را «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» معرفی فرموده است.

علّامه سید هاشم بحرانی، در غایه المرام در این زمینه، یازده حدیث از طریق اهل تسنّن و هفت حدیث از طریق شیعه نقل کرده است.

(۱) طبری، از مفسّران اهل تسنّن، در تفسیر خود از ابو جارود نقل میکند که از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه: (أُولَئِكَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) پرسیدم، حضرت فرمود: «رسول خدا فرمود: ای علی! تو و شیعیانت خیر البریّه هستید.»

(۲) جابر بن عبدالله انصاری میگوید: هنگامی که آیه «خیر البریّه» نازل شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به علی (علیه السلام) کرد و فرمود:

«هُم أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ تَرُدُّ عَلَيَّ وَ شِيعَتُكَ رَاضِينَ مَرْضِيَّينَ.»

«منظور از "خیر البریّه" تو و شیعیانت هستید و در روز قیامت بر من وارد میشوید در حالی که خدا از شما راضی است و شما هم از خداوند خشنود هستید.»

(۳) از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«رسول خدا در حالی که من او را به سینه چسبانده بودم از دنیا رحلت نمود، فرمود: "ای علی! آیا قول خداوند تعالی: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) را نشنیده‌ای؟ آنها شیعیان تو هستند، وعدهگاه من و شما در کنار حوض کوثر است."»

. الکشف و البیان، ج ۲، ص ۱۲۵، به نقل از: أسد الغابۃ، ج ۴، ص ۲۵؛ مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۲؛ تفسیر طبری، ج ۹، ص ۴۰.

. دلائل الصّدق، ج ۴، ص ۳۹۸.

. سوره بینه، آیه ۷.

. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۵۹، پاورقی ش ۱.

. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۷۱.

آیا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا افضل است؟

آلوسی، مفسّر اهل تسنّن در اینباره میگوید:

«اگر منظور از "خیر البریّه" علی (علیه السلام) است، لازم می‌آید که او از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بالاتر و برتر باشد، چون آیه مطلق است و مفهومش این است که مصداق آن از همه انسانها بالاتر است.»

پاسخ: اولاً: طبق آیه مباحله و برخی از احادیث، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نفس رسول خدا است و بین این دو جدایی نیست تا آیه دلالت بر برتری حضرت علی (علیه السلام) بر رسول خدا داشته باشد.

ثانیاً: برای «خیر البریّه» شدن، قرآن دو صفت بیان کرده است که یکی از آن دو صفت ایمان به خدا و رسول اوست، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاطر ایمان به خدا و رسول به مقام «خیر البریّه» رسیده است.

ثالثاً: طبق برخی از روایات که اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، آیه به بهترین مخلوق بعد از رسول خدا اشاره دارد؛ همانگونه که حَسْكَانی در شواهد التّنزیل نقل کرده است: «قَالَ جَابِرٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ أَوْلَيْكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) فَكَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) إِذْ أَقْبَلَ قَالَ أَصِيحَابُ مُحَمَّدٍ قَدْ أَتَاكُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)؛ «جابر میگوید: پس از آنکه خداوند آیه "خیر البریه" را نازل کرد، هر گاه مسلمانان علی (علیه السلام) را میدیدند، میگفتند: بهترین مخلوق خدا، پس از رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) آمد.»

امیر مؤمنان (علیه السلام) بهترین بندگان

در بسیاری از متون حدیثی عامه، روایات مستندی از رسول خدا نقل شده است به این معنا که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برترین مخلوقات و بهترین افراد بشر است.

مُتَّقِي هِنْدِي در کنز العمال از رسول خدا نقل میکند که فرمود:

«عَلِيٌّ (عليه السلام) خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ»؛

«علی (علیه السلام) بهترین افراد بشر است، هر که امتناع ورزد کافر شده است.»

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد از رسول خدا نقل میکند که فرمود:

«مَنْ لَمْ يَقُلْ عَلِيٌّ (عليه السلام) خَيْرُ النَّاسِ فَقَدْ كَفَرَ.»

«هر که نگوید علی (علیه السلام) بهترین مردم است، به تحقیق کافر شده است.»

قاضی ابوبکر بن الطیب در مناقب الأئمة از رسول خدا نقل میکند که فرمود: «خَيْرُ مَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ بَعْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).» «پس از من بهترین کسی که روی زمین راه میرود، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

نتیجه

طبق آیه «خیر البریه» و روایات بسیاری که از شیعه و اهل تسنن در تفسیر آن، نقل شده، بهترین مردم پس از پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) و آله و سلم) حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است. و بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که همواره بهترین مردم باید امام و رهبر باشد. در نتیجه، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که بهترین مردم است باید امام باشد.

. شواهد التّنزيل، ج ۲، ص ۴۶۵.

. شواهد التّنزيل، ج ۲، ص ۴۵۹.

. روح المعانی، ج ۱۵، ص ۴۳۳.

. شواهد التّنزيل، ج ۲، ص ۴۶۷.

. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۵، ح ۳۳۰۴۵.

. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۹۲، ش ۱۲۳۴.

«شیعه» کیست؟

واژه «شیعه» در لغت در دو معنا به کار رفته است:

۱. موافقت و هماهنگی دو فرد یا دو گروه در عقیده یا عملی، بدون اینکه یکی تابع دیگری باشد؛ چنانکه در لسان العرب آمده است: «شیعه جماعتی را گویند که بر امری اجتماع کنند. پس هر قومی را که بر امری اجتماع کنند شیعه نامند.»

۲. متابعت و پیروی از دیگری؛ چنانکه در قاموس المحيط آمده است: «شیعه رجل، اتباع و انصار اوست.»

شیعه در اصطلاح به کسی اطلاق میشود که بخصوص از علی (علیه السلام) پیروی کرده و به امامت و خلافت او بر اساس وصیت و تصریح پیامبر به صورت آشکار و نهان معتقد است و باور دارد که امامت هرگز از فرزندان او بیرون نمی‌رود. دانشمندان شیعه و بسیاری از اهل تسنن معتقدند که لفظ «شیعه» توسط رسول خدا و در زمان آن حضرت، درباره پیروان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بهکار برده شده است. از آن جمله میتوان موارد زیر را برشمرد:

پیامبر خدا به علی (علیه السلام) فرمود:

«أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ»؛

«تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود.»

پیامبر خدا فرمود:

«شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ هُمْ شِيعَتِي.»

«شفاعت من برای ائمت مخصوص کسانی است که اهل بیت من را دوست دارند و آنها شیعیان و پیروان من هستند.»

رسول خدا فرمود:

«عَلَيَّ (علیه السلام) وَ شِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

«علی و شیعیان او فائزان و نجات یافتگان در روز قیامت هستند.»

۱۱-آیه «هدایت»

اشاره

(إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) .

«[ای پیامبر!] تو فقط بیمدهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.»

تفسیر آیه «هدایت» در مدارک معتبر شیعه و سنی

دانشمندان و عالمان شیعه و اهل تسنن روایاتی در تفسیر این آیه نقل کرده‌اند که دلالت دارد بر این که «مُنْذِر» و بیمدهنده این امت، رسول خدا و «هادی» آنان، امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است. علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام به هفت طریق از اهل سنت و به بیست و سه طریق از شیعه روایات مربوط به این موضوع را نقل کرده است.

۱. احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۲۱۲.

۲. ر.ک: دفاع از تشیع، ج ۱، ص ۳۵.

۳. الملل و النحل، ج ۱، ص ۴۷.

۴. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۴۶.

۶. ینابیع المودة، ص ۲۵۷.

۷. سوره رعد، آیه ۷.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هدایتگر همه عالمیان

(۱) فخر رازی، از مفسران اهل تسنن، از ابن عباس نقل میکند:

«لَمَّا نَزَلَتْ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ فَقَالَ: أَنَا الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ عَلَى مِنْكَبِ عَلِيٍّ (عليه السلام)، فَقَالَ: أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي.»

«هنگامی که آیه (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ...) نازل شد، پیامبر خدا دست بر سینه خود نهاد و فرمود: "من بیمدهنده این امّت، و برای هر قومی هدایتگری است." سپس دست بر شانه علی (علیه السلام) نهاد و فرمود: "ای علی! تو هادی و هدایتگر هستی؛ هدایت شدگان به وسیله تو بعد از من هدایت میشوند.»

(۲) امام محمد باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ (عليه السلام) ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ.»

«در این آیه "مُنْذِر" و هشدار دهنده، رسول خدا است و برای هر زمانی راهنما و هدایتگری از ما اهل بیت است که مردم را به آنچه پیغمبر خدا آورده است راهنمایی کند. راهنما بعد از پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم)، علی (علیه السلام) و بعد از آن حضرت جانشینان او یکی پس از دیگری هستند.»

نقد و بررسی کلام فخر رازی در تفسیر آیه «هدایت»

فخر رازی، از مفسران بزرگ اهل تسنن، در تفسیر آیه، سه قول نقل میکند:

اول: این که «مُنْذِر» و «هادی» هر دو به یک معنا است. بنابر این، مفهوم آیه چنین است: «ای پیامبر! تو فقط انذار دهنده و هدایت کننده هر قوم هستی.»

دوم: انذار کننده، پیامبر خدا و هدایت کننده، خداوند است.

سوم: انذار کننده، پیامبر اسلام و هدایت کننده، علی (علیه السلام) است؛ زیرا ابن عباس میگوید: پیامبر خدا دست مبارکش را به سینه خود گذارد و فرمود: «أَنَا الْمُنْذِرُ»، سپس دست خود را بر شانه علی (علیه السلام) قرار داد و فرمود: «أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ! بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي»؛ «تو هدایتکنندهای ای علی! و بهوسیله تو بعد از من هدایت شوندگان هدایت میشوند.»

این تفسیرهای سهگانه را بعضی دیگر از مفسران اهل تسنن نیز نقل کردهاند و عدهای از آنان اصرار دارند که تفسیر آیه یکی از دو تفسیر اول است؛ زیرا تفسیر سوم با فکر آمیخته با تعصب آنها مناسب نیست.

این در حالی است که تفسیر اول به یقین با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا اگر بنا بود هر دو وصف برای پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) باشد، باید بفرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ هَادٍ لِّكُلِّ قَوْمٍ»، و به تعبیر دیگر، نباید «لِّكُلِّ قَوْمٍ» که جار و مجرور است مقدم بر «هادی» شود و اگر مقدم شود باید بر هر دو وصف مقدم گردد و گفته شود: «إِنَّمَا أَنْتَ لِّكُلِّ قَوْمٍ مُنْذِرٌ وَ هَادٍ.»

کوتاه سخن این که، هیچ وجهی برای مقدم شدن «لِّكُلِّ قَوْمٍ» بر یکی از دو وصف و تأخیر از دیگری به نظر نمیرسد؛ یا باید بر هر دو مقدم شود و یا از هر دو به تأخیر بیفتد (دَقَّتْ کَنید).

تفسیر دوم نیز بسیار نامأنوس و نامناسب است؛ زیرا در هادی بودن خدا شک و تردیدی نیست که نیاز به بیان داشته باشد. به علاوه، ظاهر این جمله آن است که در هر عصر و زمانی هدایتگر خاصی است، در حالی که خداوند یگانه و یکتا است، و این یگانگی با تعددی که از جمله «لِّكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» استفاده میشود، سازگار نیست.

بنابر این، تنها تفسیری که برای آیه قابل قبول است، این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) «انذار کننده» است و برای هر قوم در عصر و زمان «هدایت‌گری» است. -----

ر.ک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۸۸؛ تفسیر کبیر، ج ۱۹، ص ۱۴؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹؛ کفایه الطالب، ص ۱۰۹؛ الفصول المهمه، ص ۵.

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۶۸، ح ۵۰؛ کافی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۵۹.

۱۲- آیه «سابقون»

اشاره

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ).
«و پیشگامان پیشگامند، آنها مقربانند! در باغهای پُر نعمت بهشت [جای دارند].»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در آیه «سابقون»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) :
«السَّبَقُ ثَلَاثَةٌ: فَالسَّابِقُ إِلَى مُوسَى (عليه السلام) يُوشَعَ بْنِ نُونٍ، وَ السَّابِقُ إِلَى عِيسَى (عليه السلام) صَاحِبُ يَسَ، وَ السَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله و سلم) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام).»
رسول خدا فرمود :

«سبقت گیرندگان [به دین خدا] سه نفرند: ۱- یوشع بن نون در آیین حضرت موسی (علیه السلام)؛ ۲- صاحب یاسین در آیین حضرت عیسی (علیه السلام)؛ ۳- و حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) در دین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).»
عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ) ، نَزَلَتْ فِي حَزَقِيلَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبِ النَّجَارِ الَّذِي ذَكَرَ فِي «يَس» وَ عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) وَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ سَابِقٌ أُمَّتُهُ وَ عَلِي (عليه السلام) أَفْضَلُهُمْ سَبَقًا.
ابن عباس میگوید: آیه (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ) ، درباره «حزقیل»، مؤمن آل فرعون، و «حبیب نجار» که در سوره یاسین به او اشاره شده، و علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نازل شده است و هریک از ایشان برترین افراد امت خود هستند و علی (علیه السلام) در پیشی گرفتن در ایمان به خدا از همه ایشان برتر و بالاتر است.
علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام در تفسیر آیه «سابقون»، سه حدیث از طریق اهل تسنن و سه حدیث از طریق شیعه نقل نموده است.

وجوه دلالت آیه «سابقون» بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

آیه شریفه دلالت دارد بر این که خلافت و امامت اختصاص به حضرت مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دارد. وجوه این دلالت به شرح زیر است :

اولاً: خداوند خبر داده است که آن حضرت پیش از همه به خدا و پیغمبر ایمان آورد، و کسی در این خصوص بر ایشان سبقت نگرفت و چون به کلمه (السَّابِقُونَ) توصیف شده است، میرساند که علی (علیه السلام) در تمام موارد و از جمله مقام خلافت و پیشوایی مسلمانان بعد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جلوتر از سایر مسلمانان است. بنابر این، اگر کسی چنین فرد سبقتگیرنده و پیشقدم در تمام شؤون اسلامی را در احراز مقام خلافت پشت سر بگذارد و دیگری را که در ایمان به خدا و رسول او

مسبوق بوده و چنین افتخاراتی نداشته است بر وی مقدّم بدارد، در حقیقت، قول خداوند را رد کرده است. ثانیاً: خداوند خبر میدهد که علی (علیه السلام) و آن کس که از همه سبقت گرفت از همه به خدا نزدیکتر است: (أَوْلَيْكَ الْمُقَرَّبُونَ)، و چون آن سابقین در اسلام همان مقربین در گاه خداوند هستند، لذا خدا آنها را بر افرادی که بعد از آنها اسلام آوردند مقدّم داشته است. بنابر این، مقدّم شدن افراد مسبوق بر ایشان و تصاحب منصب خلافت به معنی نزدیک کردن دور و دور کردن نزدیک است که عقلاً باطل است؛ زیرا امکان ندارد که محمول، موضوع را نفی کند.

. پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۴ - ۴۵.

. سوره واقعه، آیات ۱۰ - ۱۲.

. صواعق المحرقة، ص ۱۲۳؛ فردوس الدیلمی، ج ۲، ص ۴۲۱، ح ۳۸۶۶؛ معجم طبرانی، ج ۱۱، ص ۷۷، ح ۱۱۵۲.

. روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۱۵۴؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۱۱۸.

سبقت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فضیلتها

در روایات بسیاری که در کتابهای اهل تسنّن آمده، به سبقت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خیرات و حسنات اشاره شده است، از آن جمله :

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی بود که اسلام را پذیرفت.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین مؤمن به خدا و رسول او بود.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که رسول خدا را در قیامت ملاقات میکند.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی که با گفتار و آیین رسول خدا را تصدیق نمود.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که وارد بهشت میشود.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که در قیامت با رسول خدا مصافحه میکند.»

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اولین کسی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در کنار حوض کوثر ملاقات میکند.»

۱۳-آیه «صادقین»

اشاره

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با صادقان و راستگویان باشید.»

تفسیر آیه «صادقین» در مدارک معتبر شیعه و سنی

بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی بیان کرده‌اند که آیه صادقین درباره ائمه اطهار : نازل شده است.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام این روایات را به هفت طریق از اهل تسنّن و ده طریق از شیعه نقل کرده است.

حاکم حسکانی از عبدالله بن عمر نقل کرده که میگوید :

« (اتَّقُوا اللَّهَ) قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِأَجْمَعِهِمْ أَنْ يَخَافُوا اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: (وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) يَعْنِي مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ. »

«منظور از (اتَّقُوا اللَّهَ)، یعنی خداوند تمام اصحاب محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) را امر کرده که از خدا بترسند. آنگاه به آنان فرمود: (وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)، یعنی با محمد و اهلیت او همراه باشید.»

. ر.ک: فروغ هدایت، ص ۲۸۸.

. ارجح المطالب، ص ۴۵.

. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۳، ص ۲۵۶.

. ترجمه الإمام علی، ج ۳، ص ۱۲۲.

. شرح نهج البلاغه، (ابن ابی‌الحدید) ج ۳، ص ۲۵۹.

. کشف، ج ۳، ص ۲۳.

. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۵۳.

. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

. سوره توبه، آیه ۱۱۹.

. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۳۵۷.

معنا و مفهوم «صدق و صادقین»

از هر کار پسندیده‌ای که در ظاهر و باطن، خوب و پسندیده باشد به «صدق» تعبیر میشود و موصوف آن به کلمه صدق اضافه میشود.

«صادقین» جمع «صادق»، اسم فاعل یا صفت مشبهه صدق است، و با توجه به این که واژه «صادقین» مطلق است، اختصاص به گفتار ندارد، بلکه بر اساس آیات و روایات، راستگویی، عمل صالح، کردار نیک و ... میتواند مصداق واژه صدق باشد.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) «صدیق اکبر»

در بسیاری از مدارک اهل تسنن وارد شده که حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) فرمود:

«أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتِرٌ»؛ «من صدیق اکبر هستم و پس از من کسی این جمله را نگوید مگر اینکه دروغگو و تهمتزننده است.»

با این وجود، دشمنان مکتب اهلیت: در مقابل این سخن حضرت، جعل حدیث کرده و ابوبکر را «صدیق» نامیده‌اند.

قاسم بن معاویه میگوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: در حدیثی که مردم در معراج رسول خدا روایت کرده‌اند آمده است که آن حضرت در شب معراج دید بر عرش خدا نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَبُو بَكْرٍ الصَّدِيقُ.» حضرت فرمود: «سبحان الله! همه چیز را تغییر دادند، حتی این حدیث را؟»

مراد از «صادقین» فقط اهلیت: هستند

در احادیث نقل شده که آیه صادقین، اختصاص به ائمه معصومین : دارد که در اینجا به ذکر دو مورد آن میپردازیم :

سلمان میگوید: خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم که آیه «صادقین» نازل شد، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدم: آیا صادقین عامّ است یا افراد خاصّی منظور است؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خطاب آیه عامّ است و مخاطب، همه مردم هستند، ولی "صادقین" خاصّ هستند و آن مخصوص برادر م علی (علیه السلام) و جانشینان من تا روز قیامت است.»

بُرید بن معاویه عجل میگوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره قول خداوند: «از خدا بترسید و با راستگویان باشید» سؤال کردم؟ حضرت فرمود: «إِنَّا نَعْنِي؛ خداوند [از این آیه] فقط ما را قصد کرده است.»

آنچه دلالت دارد که «صادقین» در آیه شریفه، اختصاص به ائمه معصومین : از دودمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد و همه راستگویان مراد نیست، گذشته از روایات مستفیضی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، این است که اگر مقصود از «صدق و راستگویی»، صدق و راستگویی به طور مطلق بود که شامل هر مرتبه آن باشد و از هر شخص با ایمانی انتظار برود و منظور از «صادقین» هم معنی عامّ آن بود که یکی از مراتب راستگویی را دارا باشد، لازم بود که در آیه شریفه، به جای لفظ «مَعَ»، کلمه «مِنْ» به کار رود؛ زیرا هر مؤمنی باید از دروغ اجتناب ورزد و از راستگویان باشد.

پس این که به جای کلمه «مِنْ» در آیه شریفه، «مَعَ» به کار رفته است، می‌رساند که منظور مرتبه خاصّی از راستی است و راستگویان افراد معینی هستند.

این مرتبه خاصّ مرتبه کاملی است که دارندگان آن شایستگی میابند که سایر مؤمنین از آنها پیروی کنند. این مرتبه کامل صداقت و راستی، چیزی جز عصمت و طهارت نیست، که با داشتن آن، در گفتار و کردار دروغ راه پیدا نمی‌کند. میدانیم که در میان امت اسلام، کسانی که خداوند آنها را پاک نموده و پلیدی را از آنان دور ساخته است، به نصّ آیه تطهیر و اتفاق تمام مسلمانان، اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند.

پس اگر «صادقین» در آیه شریفه غیر از ائمه معصومین : باشند، طبق آیه مزبور باید ائمه معصومین، از افراد غیر معصوم که دروغ و لو از روی نادانی و اشتباه در آنان راه پیدا میکند، پیروی نمایند. در صورتی که این کار در پیشگاه عقل قبیح است. بنابر این، مسلمّ است که منظور از «صادقین» راستگویان پاک‌رشتی هستند که دارای تمام مراتب راستی در گفتار و کردار باشند و این معانی جز بر اهلیت پیغمبر که خداوند پلیدیها را از آنان دور ساخته و پاک و پاکیزه نموده است، صادق نیست. امام رضا (علیه السلام) نیز به همین مطلب اشاره نموده و می‌فرماید: «منظور امامان هستند که در طاعت خدا سخت راستگو می‌باشند.»

دلیل بر این که اهلیت عصمت، پیشوایان مسلمین هستند، چنان که حضرت رضا (علیه السلام) در روایت یادآوری فرموده است، این است که خداوند سبحان بعد از این که به تمام افراد با ایمان دستور می‌دهد که پرهیزکار باشند و از خدا بترسند، امر میکند که با راستگویان باشند. بودن با راستگویان نیز جز با قرار گرفتن در تحت فرمان آنها و دوری از نافرمانی آنان، تحقق پیدا نمی‌کند. معنی امامت و پیشوایی مسلمین هم چیزی جز وجوب پیروی امام بر مأموم از جانب خدا نیست، بلکه درباره معنی امامت تعبیری از این بهتر نیست که خداوند به مؤمنین امر کند با امام باشند؛ زیرا حقیقت پیروی، عبارت از پیروی نسبت به پیشوای خود و جدا نگشتن از او است.

. مفردات قرآن، ج ۱، ص ۴۷۹.

. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۱؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۰۷؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۳۱؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۱۲.

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۷، به نقل از: فرائد السمطين.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۶۳، ح ۴۷۸۸.

۱۴-آیه «صلوات»

اشاره

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا).

«خدا و فرشتگان بر پیامبر درود میفرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود بفرستید و [سلام گوید و] کاملاً تسلیم [فرمان او] باشید.»

تفسیر آیه «صلوات» در مدارک معتبر شیعه و سنی

محمّد بن اسماعیل بخاری، از محدّثین بزرگ اهل تسنّن، در صحیح خود از عبدالرحمن بن ابی‌لیلی نقل میکند که گفت: «لَقِيتُ كَعْبُ بْنَ عُجْرَةَ فَقَالَ: أَلَا أُهْدِي لَكَ هَدِيَّةً سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَأَهْدِيهَا لِي. فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

کعب بن عُجره مرا ملاقات نمود و گفت: آیا میخواهی مطلبی را که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم به تو هدیه کنم؟ ابن ابی‌لیلی گفت: بله، آن را به من هدیه کن! کعب گفت: از پیغمبر خدا پرسیدم: ای رسول خدا! چگونه بر شما اهل بیت درود بفرستیم؟ چون خداوند به ما امر کرده که بر تو درود بفرستیم.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بگوئید: خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و خاندان او صلوات فرستادی، که به راستی تو ستودنی و بزرگوار هستی.»

روایات و احادیث شیعه و سنی در مورد کیفیت صلوات فرستادن بر پیامبر و خاندان او:، بیشتر از آن است که برای احدی جای تردید باقی بگذارد. علامه سیدهاشم بحرانی در غایه المرام در ذیل آیه صلوات، بیست و سه حدیث از طریق اهلتسنن و نوزده حدیث از طریق شیعه نقل نموده است.

معنای «صلوات» در روایات

از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) درباره صلوات فرستادن خدا، فرشتگان و مؤمنان در آیه (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) سؤال شد، حضرت فرمود:

«صَلَاةُ اللَّهِ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ، وَ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ تَزَكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ.»

«صلوات فرستادن خداوند، رحمتی از جانب اوست، صلوات فرشتگان ستایشی از جانب آنان نسبت به رسول خدا و صلوات مؤمنان دعایی است از آنها برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم).»

. فروغ هدایت، ص ۹۰ - ۹۱.

. سوره احزاب، آیه ۵۶.

. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۵۴، به نقل از: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۶؛ سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۹۰.

کیفیت صلوات بر رسول خدا

از روایات فریقین (شیعه و سنی) استفاده میشود کیفیت صلوات، درود فرستادن بر پیامبر و آل او است.

ابن عباس میگوید: به پیامبر عرض کردیم: «کیفیت سلام کردن بر تو را دانستیم، حال چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟» فرمود:

«بگویند: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.»

آل محمد: در آیه «صلوات» چه کسانیاند؟

در بسیاری از روایات شیعه و سنی نقل شده که مقصود از آل محمد و اهل بیت، امامان معصوم و جانشینان دوازدهگانه رسول خدا هستند.

احادیث و روایات در ذیل آیه «تطهیر»، معنا و مصداق «اهل‌بیت» را به روشنی و تفصیل بیان کرده‌اند

آثار و برکات صلوات

اشاره

برای صلوات آثار و برکات فراوانی ذکر شده است. برخی از آن آثار که در روایات به آنها تصریح شده، به قرار زیر است

۱) موجب صلوات خدا

پیامبر خدا فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا.»

«هر که بر من یک صلوات بفرستد، خداوند در برابر آن، ده درود بر او میفرستد.»

۲) موجب صلوات فرشتگان

پیامبر خدا فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَفَرَسَتْهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْثِرْ.»

«هر که بر من صلوات فرستد، خداوند و فرشتگان بر او صلوات میفرستند. حال، هر که می‌خواهد کم بگوید و هر که می‌خواهد بسیار بگوید.»

(۳) موجب آمرزش گناهان

امام رضا (علیه السلام) فرمود :

«مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا.»

«هر که توانایی پاک کردن گناهانش را ندارد، بر محمد و خاندان او بسیار صلوات بفرستد؛ زیرا صلوات بر محمد و آل او همه گناهان را از بین میبرد.»

. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۹۵، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۱۵۶؛ غایة المرام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۷.

. احقاق الحق، ج ۹، ص ۵۸۴، به نقل از: جامع البیان، ج ۲۲، ص ۴۳؛ تفسیر القرآن (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۱۱۸؛ القول البدیع، ص ۲۸؛ الاعلام (نمیری)، ص ۲۵.

. کنز العمال، ج ۷، ص ۷۰۰، ش ۲۰۹۹۸.

. کافی، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۷؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۹۴، باب ۳۴، ح ۹۰۹۲.

. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۹۴، باب ۳۴، ح ۹۰۹۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۵۲؛ أمالی صدوق، ص ۷۳، مجلس ۱۷، ح ۴.

(۴) موجب برآورده شدن حاجات

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«مَنْ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،" قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.»

«هر که سه بار بگوید: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،" خداوند حاجتش را برآورده میسازد.»

(۵) موجب زدوده شدن نفاق

پیامبر خدا فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَاعِلِي أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ.»

«صلوات فرستادن بر من و اهلیت من، نفاق و دورویی را از بین میبرد.»

(۶) نور روز قیامت

پیامبر خدا میفرماید: «أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَنُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَنُورٌ فِي الْجَنَّةِ.»

«بسیار بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات فرستادن بر من، نور در قبر و نور بر صراط و نور در بهشت است.»

همانگونه که از مدارک معتبر شیعه و سنی نقل شد، صلوات باید همانگونه که ائمه اطهار: فرموده‌اند، گفته شود. و همانطور که صلوات کامل آثار و برکات بسیار زیادی دارد، صلوات ناقص نیز موجب سخط و عذاب الهی میشود، چنانچه پیامبر خدا فرمود:

«هر کس بر من صلوات بفرستد و بر خاندانم صلوات نفرستد، بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال راه به مشام میرسد، استشمام نمیکند.»

فصل سوم

نور اول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
«لَيْلَهُ أُسْرِى بِي إِلَى السَّمَاءِ كُلَّمَنِي رَبِّى جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، قُلْتُ: لَبَّيْكَ رَبِّ وَ سَيَعْدِيكَ، قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) حُجَّتِي بَعْدَكَ عَلَى خَلْقِي وَإِمَامُ أَهْلِ طَاعَتِي مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ عَصَانِي فَأَنْصِبْهُ عَلَمًا لِمَتِّكَ يَهْتَدُونَ بِهِ بَعْدَكَ.»
رسول خدا فرمود :

«شبی که به سوی آسمانها سیر داده شدم و به معراج رفتم، خداوند با من سخن گفت و فرمود: "ای محمد! گفتی: خداوند! لبیک و سعدیک، خداوند فرمود: "علی (علیه السلام) حجت من است بعد از تو بر خلقم و امام کسانی است که بر من اطاعت میکنند، هر کس او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر کس او را عصیان کند، نافرمانی مرا انجام داده است. پس تو او را نشانه برای امت خود قرار بده تا بعد از تو [مردم] به وسیله او هدایت شوند.»

نور دوم

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ : قَالَ :
«نَزَلَ جِبْرِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَأُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ: «إِنِّي خَلَقْتُ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَمَا فِيهِنَّ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَمَنْ عَلَيْهِنَّ وَمَا خَلَقْتُ مَوْضِعًا أَغْظَمَ مِنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي هُنَاكَ مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ثُمَّ لَقِيتَنِي جَا حِدًا لَوْلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) لَأَكْبَبْتُهُ فِي سَقَرٍ.»
امام جعفر صادق، از پدرش، از پدرانش : نقل کرده است :
«جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و گفت: "ای محمد! خداوند سلام میرساند و میفرماید: من هفت آسمان و آنچه را که در آنها هستند و هفت زمین و همه مخلوقات که روی آن هستند را خلق کردم، ولی مکانی بزرگتر از رُکن و مقام نیافریدم. اگر بندهام مرا در همان رُکن و مقام، از اول خلقت آسمانها و زمین تاکنون بخواند ولی در حالی مرا ملاقات کند که منکر ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) باشد، هر آینه او را در درون آتش جهنم میاندازم.»

.....
۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۷، ح ۵۷۵۴.
۲. کافی، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۳، باب ۳۴، ح ۹۰۸۹.
۳. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۶۴، ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳۲.
۴. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۱۵۰.
۵. جواهر السیئه، باب الثانی عشر ص ۴۵۵، ح ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۴۰؛ أمالی صدوق، ص ۴۷۹، مجلس ۷۲، ح ۲۷؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۱۸۲.

نور سوم

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) مَا خَلَقْتُ النَّارَ.»

رسول خدا فرمود: «خداوند به من وحی کرد: اگر همه مردم روی زمین بر ولایت علی (علیه السلام) اجتماع میکردند و ولایت او را میپذیرفتند، من آتش جهنم را خلق نمینمودم.»

نور چهارم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ وَيُؤْمِنُونَ بِكَ وَبِأَهْلِ بَيْتِكَ بِالْجَنَّةِ فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدِي جَزَاءَ الْحُسْنَى وَسَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ.»

رسول خدا فرمود:

«جبرئیل بر من نازل شد و گفت: خداوند سلام میرساند و میفرماید: "ای محمد! به مؤمنانی که عمل صالح انجام میدهند و به تو و اهلیت تو ایمان میآورند، بهشت را مرده بده؛ زیرا برای آنها نزد من پاداش خوبی هست و به زودی آنها را داخل بهشت خواهم نمود."»

نور پنجم

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: «هَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا (عليه السلام)

مَا كَانَ لِفاطمةَ (عليها السلام) كُفُوٌ مِنْ وُلْدِ آدَمَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ.»

از رسول خدا نقل شده که فرمود: «جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند متعال میفرماید: "اگر علی (علیه السلام) را خلق نمیکردم، برای فاطمه (علیها السلام) همتایی از فرزندان آدم و نسلهای آنها نبود."»

نور ششم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَمَّا أُشِيرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى نُودِيتُ: يَا مُحَمَّدُ اسْتَوَصِ بِعَلِيٍّ (عليه السلام) خَيْرَ آفَائِهِ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامُ

الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

رسول خدا فرمود: «وقتی که به سوی آسمانها سیر داده شدم و به سدره المنتهی رسیدم، از جانب خداوند ندا آمد: "ای محمد، درباره علی (علیه السلام) به مردم توصیه خیر کن، چون او آقای مسلمانان و امام متقیان و رهبر سفیدرویان (شیعیان) در روز قیامت است.»

نور هفتم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَمَّا أُشِيرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ كُنْتُ مِنْ رَبِّي كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَذْنِي فَأَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي مَا أَوْحَى ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اقْرَأْ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ، فَمَا سَمِيتُ بِهَذَا أَحَدًا قَبْلَهُ وَلَا أَسْمَى بِهِ أَحَدًا بَعْدَهُ.»

رسول خدا فرمود:

«وقتی که به سوی آسمانها سیر داده شدم و به معراج رفتم، فاصله من با خداوند، مانند دو کمان یا کمتر از آن بود. خداوند آنچه را که باید به من وحی کند، وحی فرمود. سپس فرمود: "ای محمد، به علی بن ابیطالب امیر مؤمنان، سلام برسان". پس من هیچ کس را قبل از او "امیرالمؤمنین" نخواندم و بعد از او هم، این لقب را به کسی نخواهم داد.»

. جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عشر، ص ۴۵۷، ح ۴۳؛ أُمَالِي صدوق، ص ۴۸۴، مجلس ۷۳، ح ۱۲؛ وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۳۱۱، باب ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷، ح ۳.

. جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عشر، ص ۴۶۷، ح ۵۳؛ أُمَالِي صدوق، ص ۶۵۷، مجلس ۹۴، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۴۷، ح ۴. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۷، ح ۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳، ح ۶۴، باب ۲۱؛ جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عشر، ص ۴۸۲، ح ۶۵.

. جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عشر، ص ۴۹۷، ح ۷۹؛ فصول المهمَّة، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۵۵۳، باب ۱۰۱. أُمَالِي شیخ مفید، ص ۱۷۳، مجلس ۲۵، ح ۳؛ جواهر السَّیِّئَةِ، باب الثَّانِي عشر، ص ۵۱۵، ح ۹۳؛ بشاره المصطفی، ص ۱۰۲؛ أُمَالِي طوسی، ص ۱۹۳، مجلس ۸، ح ۳۲۸.

نور هشتم

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، عَنْ جَبْرِئِيلَ، عَنْ مِيكَائِيلَ، عَنْ إِسْرَافِيلَ، عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ قَالَ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي وَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ أَنْبِيَاءَ وَاصْطَفَيْتُ مِنَ الْكُلِّ مُحَمَّدًا وَجَعَلْتُهُ حَبِيبًا وَصَفِيًّا وَبَعَثْتُهُ إِلَى خَلْقِي وَاصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا وَآيَدْتُهُ بِهِ وَجَعَلْتُهُ أَمِينِي وَآمِرِي وَخَلِيفَتِي عَلَى خَلْقِي وَوَلِيِّي عَلَى عِبَادِي يُبَيِّنُ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرُ فِيهِمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهَادِيَ عَنِ الضَّلَالَةِ وَبَابِي الَّذِي مِنْهُ أُوتِي وَبَيَّتِي الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي وَحَضِرِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَتْهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَوَجْهِي الَّذِي مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرِفْ عَنْهُ وَجْهِي وَحُجَّتِي عَلَى أَهْلِ سَمَوَاتِي وَأَرْضِي وَعَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَيْنَهُنَّ مَنْ خَلَقِي فَلَا أَقْبِلُ عَمَلٍ عَامِلٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ تَبَوُّهِ أَحْمَدَ (صلى الله عليه وآله وسلم) رَسُولِي وَيَدِي الْمَبْسُوطَةِ فِي عِبَادِي بِعِزَّتِي خَلَقْتُ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ إِنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَخْرَحْتُهُ عَنْ نَارِي وَأَدْخَلْتُهُ جَنَّتِي وَلَا يَغْدِلُ عَنْ وَلَايَتِهِ إِلَّا مَنْ أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ نَارِي.»

رسول خدا، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از خداوند متعال نقل فرموده که حضرت حق فرمود:

«من خدایی هستم که هیچ خدایی جز من نیست. من همه مخلوقات را با قدرت خود خلق کردم، و از میان آنها انبیا را اختیار کردم، و از میان همه انبیا، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را برانگیختم و او را دوست، انتخاب شده و راضی شده قرار دادم و او را بر خلقم مبعوث کردم، و علی (علیه السلام) را جانشین او قرار دادم، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به کمک علی (علیه السلام) تأیید نمودم و علی (علیه السلام) را امین، امیر و خلیفه خود بر خلقم قرار دادم و او ولی من بر بندگان است، تا کتاب مرا برای آنان بیان کند و حکم مرا در بین آنها اجرا کند. من علی (علیه السلام) را نشانه هدایت از گمراهی قرار دادم و او را دری قرار دادم که هر کس میخواهد به سوی من بیاید باید از آن در، وارد شود، و او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش جهنم در امان است، و علی (علیه السلام) در و قلعه محکم من است که هر کس به آن پناه برد، از بدیهای دنیا و آخرت او را حفظ میکنم. علی (علیه السلام) وجه من است که هر کس به سوی او توجه کند، روی خود را از او برنمیگردانم. علی (علیه السلام) حجت من بر اهل آسمانها و زمین و مابین آنهاست. پس من عمل کسی را قبول نمیکنم، مگر با اقرار به ولایت او همراه با نبوت احمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرستادام، و علی (علیه السلام) دست گشاده من در بین بندگان. به عزت و جلالم سوگند، هر که ولایت علی

(علیه السلام) را قبول کند او را از آتش جهنم دور میکنم و وارد بهشت مینمایم، و هر که از ولایت علی (علیه السلام) عدول کند و ولایتش را قبول نکند، من او را دشمن میدارم و داخل جهنم مینمایم.»

نور نهم

وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ عَنِ الرَّبِّ الْعَلِيِّ أَنَّهُ يَقُولُ :
«لَوْلَا عَلِيٌّ (علیه السلام) مَا خَلَقْتُ جَنَّتِي.»

ابن عباس از یک حدیث قدسی از جانب خداوند متعال نقل کرده که پروردگار بلندمرتبه فرمود: «اگر علی (علیه السلام) نبود، بهشت را خلق نمیکردم.»

. جواهر السَّيِّئَةِ، باب الثَّانِي عَشَرَ، ص ۵۱۶؛ أمالی طوسی، ص ۲۹۵، مجلس ۱۱، ح ۵۷۸؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۰، ص ۳۹۸، ح ۱۲۲۵۲؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۰.

. جواهر السَّيِّئَةِ، باب الثَّانِي عَشَرَ، ص ۵۳۱، ح ۱۱۳؛ أمالی صدوق، ص ۲۲۲، مجلس ۳۹، ح ۱۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۹، باب ۳۱، ح ۱۹۱.

. جواهر السَّيِّئَةِ، باب الثَّانِي عَشَرَ، ص ۵۳۶، ح ۱۱۷.

نور دهم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَدَعَنِي جِبْرِئِيلُ فَقُلْتُ: حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ أَفَى مِثْلِ هَذَا الْمَقَامِ تُفَارِقُنِي؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي لَا أَجُوزُ هَذَا الْمَوْضِعَ فَتَخْتَرِقُ أَجْنَحَتِي ثُمَّ زُجَّ بِي فِي الثُّورِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعِيَّةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا وَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا ثُمَّ أَطَّلَعْتُ ثَانِيًا فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ وَوَارِثَ عِلْمِكَ وَالْإِمَامَ بَعْدَكَ وَأَخْرَجُ مِنْ أَصْلَابِكُمَا الذُّرِّيَّةَ الطَّاهِرَةَ وَالْإِئِمَّةَ الْمُعْصُومِينَ خُرَّانَ عِلْمِي فَلَوْلَاكُمْ لَمَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ، يَا مُحَمَّدُ، تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ. فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ، اِرْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَبَازَا أَنْوَارُ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى وَبَنِي جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالحُجَّةَ يَتْلُو بَيْنَهُمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ وَمَنْ هَذَا؟ فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ هُمُ الْإِئِمَّةُ بَعْدَكَ الْمُطَهَّرُونَ مِنْ صُلْبِكَ وَهَذَا الْحُجَّةُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.»

رسول خدا فرمود :

«وقتی به آسمانها عروج داده شدم، جایی رسیدم که جبرئیل میخواست مرا ترک کند، گفتم: دوست من! مرا در چنین جایگاهی تنها میگذاری؟ جبرئیل عرضه داشت: من نمیتوانم از این مقام بالاتر بروم، چون اگر بالا بروم بالهایم میسوزد.

سپس نوری مرا احاطه کرد. پس خداوند بر من وحی فرمود: "ای محمد! همانا من از همه بندگان روی زمینم آگاه شدم. از میان آنها تو را انتخاب نموده، و پیامبر قرار دادم. پس بار دوم هم که به زمین نگاه کردم، از میان همه مردم روی زمین، علی (علیه السلام) را انتخاب نموده، و او را جانشین تو قرار دادم و او بعد از تو امام و وارث علم تو است.

و از صُلب شما دو نفر، نسلهای پاکی را بیرون میآورم که آنها امامان معصوم و وارثان علم من هستند.

اگر وجود شما دو نفر نبود، من نه دنیا را خلق میکردم، نه آخرت را و نه بهشت را و نه جهنم را. ای محمد! میخواهی آن فرزندان

را بینی "؟گفتم: بلی، ای پروردگار! خطاب آمد که سرت را بلند کن. من سرم را بلند کردم. در آن هنگام، نور علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی: را دیدم، و حجت (علیه السلام) که در بین همه آنان مانند ستارهای درخشان نورافشانی مینمود. عرضه داشتم: خدایا! اینها چه کسانی هستند (و چه مقامی دارند) و این نور، کیست؟ ندا آمد: "ای محمد! اینان امامان پاک بعد از تو هستند و از صُلب تو و علی (علیه السلام) بیرون می‌آیند و این نور، [مهدی (علیه السلام)] حجت من است که زمین را پر از عدل و داد میکند و قلب مؤمنان را شفا میبخشد."

نور یازدهم

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: هَلْ يَنْفَعُنِي حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؟ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «حَتَّى أَسْأَلَ جِبْرِئِيلَ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: حَتَّى أَسْأَلَ إِسْرَافِيلَ فَارْتَفَعَ جِبْرِئِيلُ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: أُنَاجِي رَبَّ الْعِزَّةِ فَأَوْحِي اللَّهُ إِلَيَّ إِسْرَافِيلُ: قُلْ لِّجِبْرِئِيلَ: يَفْرَأُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي حَيْثُ شِئْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْكَ حَيْثُ أَنْتَ مِنِّي وَ مُجِئُوا عَلَيَّ مِنْهُ حَيْثُ عَلَيَّ مِنْكَ».

از ابن عباس نقل شده که گفت: مردی خدمت رسول خدا رسید و عرض کرد: آیا محبت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) برای من منفعتی دارد؟ رسول خدا فرمود:

«از جبرئیل سؤال میکنم و جوابت را میدهم.» در همان هنگام، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سؤال را از جبرئیل پرسید. جبرئیل گفت: باید از اسرافیل سؤال کنم. پس جبرئیل به آسمان رفت و آن سؤال را از اسرافیل پرسید. اسرافیل گفت: باید با پروردگار عزیز، مناجات کنم. آنگاه خداوند متعال به او وحی فرمود: "بگو به جبرئیل که بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سلام برساند و بگوید: خداوند میفرماید: تو نسبت به من آنگونه هستی که من میخواهم و من و علی نسبت به تو آنگونه‌ایم که تو نسبت به من هستی و مقام محبین علی نسبت به او همانند مقام علی نسبت به تو است."

. جواهر السَّيِّئَةِ، باب الثانی عشر، ص ۵۴۸، ح ۱۲۷؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ کفایه الأثر، ص ۷۲.
 . جواهر السَّيِّئَةِ، باب الثانی عشر، ص ۵۹۱، ح ۱۳؛ مأه منقبة، المنقبة العشرون، ص ۴۳؛ غایة المرام، ص ۵۸۵، ح ۷۶.

نور دوازدهم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَيْلَةُ أُسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ صِرْتُ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ؟ قُلْتُ: يَا رَبُّ أَنْتَ أَعْلَمُ. فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: أَنَا أَعْلَمُ وَ لَكِنْ أُرِيدُ أَنْ أَسْمِعَهُ مِنْ فَيْكِ، فَقُلْتُ: ابْنُ عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ: أَنْ التَّيْتُ فَالْتَفْتُ فَإِذَا بِعَلِيِّ (عليه السلام) وَقَفَّ مَعِيَ وَ قَدْ خُرِقَتْ حُجُبُ السَّمَاوَاتِ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَقَفَّ رَافِعٌ رَأْسُهُ يَسْمَعُ مَا يَقُولُ فَخَرَزْتُ لِلَّهِ تَعَالَى سَاجِدًا».

رسول خدا فرمود:

«آن شب که به آسمانها سیر داده شدم و به نزدیکترین مرتبه قُرب پروردگار نایل گردیدم، از جانب خدا به من خطاب شد: "ای محمد! محبوبترین مخلوقات من نزد تو کیست؟" عرض کردم: خدایا! تو دانایتر هستی. خداوند فرمود: "من دانایترم، ولی میخواهم از

زبان تو بشنوم." عرض کردم: پسر عمویم علی بن ابیطالب (علیهما السلام). خداوند عزوجل به من وحی فرمود: "نگاه کن!" همین که التفات کردم، دیدم علی (علیه السلام) کنار من ایستاده و همه حجابهای آسمانها پاره شده و سر خود را بلند کرده و گفتوگوی ما را گوش میکند. سپس بر خاک افتاده و برای خدا سجده کردم.»

نور سیزدهم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
«لَقَدْ أَسْرَى بِي رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ مَا أَوْحَى وَكَلَّمَنِي فَكَانَ مِمَّا كَلَّمَنِي بِهِ أَنْ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ الْأَوَّلُ وَ عَلِيُّ الْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.
فَقُلْتُ: يَا رَبِّ أَلَيْسَ ذَلِكَ أَنْتَ؟ ثُمَّ فَسَّرَ سُبْحَانَهُ بَعْدَ تَوْصِيفِ نَفْسِهِ قَالَ عَلِيُّ الْأَوَّلُ أَيْ أَوَّلُ مَنْ أَخَذَ مِيثَاقِي مِنَ الْأَيْمَةِ، وَ عَلِيُّ الْآخِرُ أَيْ آخِرُ مَنْ أَقْبَضَ رُوحَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ، وَهُوَ الدَّائِيَةُ الَّتِي يُكَلِّمُهُمْ يَا مُحَمَّدُ، عَلِيُّ الظَّاهِرِ أَظْهَرُ عَلَيْهِ جَمِيعَ مَا أَوْحَيْتُهُ إِلَيْكَ لَيْسَ أَنْ تَكْتُمَ مِنْهُ شَيْئًا يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ الْبَاطِنِ أَبْطَنَتْهُ سِرِّي الَّذِي أَسْرَرْتُهُ إِلَيْكَ فَلَيْسَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ سِرٌّ دُونَهُ، يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ عَلِيمٌ بِكُلِّ مَا خَلَقْتُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ.»
رسول خدا فرمود :

«هنگامی که خدا مرا به آسمانها سیر داد و از پشت حجاب با من گفتوگو کرد، قسمتی از کلمات خداوند این بود که فرمود: "ای محمد! علی اول است، علی آخر و ظاهر و باطن است و او به هر چیزی علم دارد".
عرض کردم: خداوند! آیا این اوصاف تو نیست؟ آنگاه خداوند بعد از توصیف خودش این جملات را برایم تفسیر کرد و فرمود: "علی اول است؛ یعنی اول کسی است از امامان که از او ميثاق گرفتیم. علی آخر است؛ یعنی آخر کسی است که او را قبض روح میکنم و او جنبندهای است که با مردم تکلم خواهد کرد. ای محمد! علی ظاهر است؛ یعنی همه آنچه را که به تو از طریق وحی گفتم برای او ظاهر کردم. ای محمد! علی باطن است؛ یعنی آن سری است که تو را از آن باخبر کردم و تو پنهان کردی، در باطن علی هم قرار دادم و او در نهان دارد، پس هیچ سری بین من و تو نیست که او نداند. ای محمد! علی به آنچه از حلال یا حرام آفریده‌ام عالم است و آن را میداند.»

. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۸۳، ح ۳۷.

. القطرة، ج ۱، ص ۱۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۷، ح ۸۲؛ بصائر الدرجات، ص ۵۱۴، ح ۳۶.

نور چهاردهم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
«أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) حُجِّتِي عَلَى خَلْقِي وَ دَيَانُ دِينِي، أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَيَدْعُونَ إِلَى سَبِيلِي بِهِمْ أَذْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ عِبَادِي وَإِمَائِي وَبِهِمْ أُنْزِلَ رَحْمَتِي.»
رسول خدا فرمود :

«جبرئیل از جانب خداوند به من خبر داد: "علی بن ابیطالب (علیهما السلام) حجت من بر مخلوقات و حکم کننده بر طبق دینم میباشد. از نسل او امامانی خارج میکنم که به امر من قیام کرده و به راه من [مردم را] فرامیخوانند، و به خاطر ایشان عذاب را از بندگان و کنیزانم دور میکنم و به برکت ایشان رحمت را نازل مینمایم."»

فصل چهارم

اشاره

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ) ؛
«در این [کتاب] تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد.»

چرا باید نسبت به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) معرفت داشت؟

(۱) معرفت و محبت امام (علیه السلام) منشأ همه برکات

معرفت و محبت اهل بیت: اساس همه خوبیها و نیکیهاست و خداوند متعال هرگاه بخواهد تمام خیرات و مبرات را به بندهای عنایت کند، محبت و معرفت اهل بیت: را در قلب او جای میدهد؛ همانگونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این مطلب تصریح نمودهاوند: «مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي - وَوَلَايَ - تِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ» ؛ «خداوند بر هر کس با معرفت اهل بیت من و ولایت آنان منت گذارد، تمام نیکیها را برایش گرد آورده است.»

(۲) معرفت به خداوند بدون معرفت به امام (علیه السلام) ممکن نیست

بندگی و اطاعت از خداوند فقط از طریق امامشناسی صورت میپذیرد؛ لذا نمیتوان پذیرفت که شخصی ادعای معرفت خدا را داشته باشد اما نسبت به ائمه اطهار: بیتفاوت باشد. کسی که مطیع خداوند است باید پیامبرش را به پیامبری و امامش را به امامت قبول داشته باشد و اگر در این امر تردید کند، در حقیقت، در خداشناسی تردید کرده است. ابوحمزه ثمالی در حدیث بسیار زیبایی میگوید: امام محمد باقر (علیه السلام) به من فرمود:

«همانا کسی بندگی خداوند را میکند که نسبت به او معرفت داشته باشد، ولی آن که اهل معرفت خداوند نیست، او را گمراهانه میپرستد.»

عرض کردم: «معرفت خدا چیست؟» فرمود:

«همانا معرفت خداوند، تصدیق او و پیامبر گرامیاش و دوستی با حضرت علی (علیه السلام) و پذیرفتن امامت او و امامت ائمه هدی: و یزاری جستن از دشمنان ایشان است.»

(۳) هیچ عملی بدون معرفت امام (علیه السلام) پذیرفته نیست

اساس و پایه همه اعمال، محبت و معرفت به خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ همانگونه که امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «برای هر چیزی پایه و اساسی است و اساس اسلام محبت و معرفت ما اهل بیت است.»

خداوند متعال شرط قبولی اعمال را معرفت و محبت اهل بیت قرار داده و هیچ عملی با فضیلتتر از معرفت نیست، و اگر کسی عملی مانند نماز بهجا آورد، ولی معرفت و ولایت اهل بیت: را قبول نداشته باشد، آن عمل هیچ فایدهای برای او ندارد و مانند آن است که اصلاً نماز نخوانده است؛ همانطور که اگر کسی بدون وضو نماز گذارد، آن عمل در واقع نماز نیست (لا صَلَوةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ) ؛ بنابر این، روح و اساس همه اعمال، قبول ولایت و داشتن معرفت نسبت به ائمه هدی: است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از احادیث مربوط به معراج خود فرمودند:

«شبی که من به سوی پروردگار جلیل سیر داده شدم و به معراج رفتم، خداوند به من چنین وحی فرمود: "ای محمد! اگر کسی از بندگان من آن قدر مرا عبادت کند تا آن که قطع‌ه‌قطعه شود و همچون مَشْکِ پوسیده گردد و سپس در حالی که منکر ولایت شماست نزد من بیاید، از او نمی‌گذرم تا آن که به ولایت و معرفت شما اعتراف نماید.»»

در روایات بسیاری ذکر شده است که اگر بنده‌ای در بین صفا و مروه، هزار سال خداوند را عبادت کند، آنگاه هزار سال دیگر و پس از آن نیز هزار سال دیگر، تا آن که همچون مَشْکِ پوسیده شود، اما محبت اهل بیت : را نداشته باشد، خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند.

از بهر علی به نصّ ارباب عقول کفوی نبود به غیر زهرای بتول

گر عمر دو صد نوح، خدایت بخشد

بی‌عشق علی عبادت نیست قبول

خلاصه این که، ارزش و مقام هر کسی به اندازه معرفت او به خداوند متعال و ائمه اطهار : است. در حدیث بسیار زیبایی، اُسْطوره علم و معرفت، امیر بیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ»؛ «ارزش و منزلت هر کس به اندازه معرفت اوست.»

امام محمد باقر (علیه السلام) در تبیین معنای «معرفت» می‌فرماید :

«فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ وَبِالدَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ.»

«همانا معرفت عبارت است از فهم روایت، و مؤمن از طریق فهم روایات، تا بلندترین درجات ایمان بالا می‌رود.»

پس بهجاست که قبل از هر سخنی، در محضر خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) بنشینیم و به فضایل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) از زبان آن بزرگوار گوش فرادهیم. به امید آنکه به درجات بالای معرفت و ایمان دست یابیم.

علی را قدر پیغمبر شناسد که هر کس خویش را بهتر شناسد

. اُمالی صدوق، ص ۵۴۴، مجلس ۸۱، ح ۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶، باب ۳۱، ح ۲۰۸.

. سوره ق، آیه ۳۷.

. بشاره المصطفی، ص ۱۷۶.

. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۱.

چهارده حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در عظمت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

حدیث اول: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وصی و جانشین رسول خدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ، يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ، يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَحُجَّتُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي، لَقَدْ سَعَدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ.»

رسول خدا فرمودند: «ای علی! تو برادر منی و من برادر توام. ای علی! تو از منی و من از توام. ای علی! تو وصی و جانشین منی و پس از من حجت خدا بر ائمتن خواهی بود. کسی که تو را دوست بدارد سعادت‌مند و کسی که با تو دشمنی کند شقی و بدبخت است.»

حدیث دوم: معرفت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا عَلِيُّ! مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ، وَمَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ، وَمَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا.» رسول خدا فرمودند :

«ای علی! خدا را جز من و تو کسی نشناخته، و مرا جز خدا و تو کسی نشناخته و تو را جز خدا و من کسی نشناخته است.»

. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۰۰، ح ۶۷.

. مجمع البیان، ذیل آیه ۲۳ سوره شوری.

. معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۳.

. معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۴.

. أمالی صدوق، ص ۳۶۰، مجلس ۵۷، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۰۲، ح ۲۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۶۶، ح ۲۷۱.

. تأویل الآیات، ص ۱۴۵ و ۲۲۷.

حدیث سوم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ، وَلِيَّكَ وَلِيٌّ وَلِيَّيَّ وَلِيُّ اللَّهِ، وَعِدُّوكَ عِدُّوِيَّ وَعِدُّوِيَّ عِدُّوُ اللَّهِ، يَا عَلِيُّ! أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَكَ، يَا عَلِيُّ! لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَنْتَ ذُو قَرْيَتَيْهَا، يَا عَلِيُّ أَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكَ وَعَرَفْتَهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكَ وَأَنْكَرْتَهُ.»

رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! تو از منی و من از تو هستم، دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست، و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست. ای علی! من با کسی که با تو در جنگ است در جنگم، و با کسی که با تو از در آشتی و صلح درآید، در صلح هستم. ای علی! برای تو در بهشت گنجی خواهد بود و تو صاحب اختیار آن هستی. ای علی! تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی، و جز کسی که تو را شناخته و تو نیز او را بشناسی و جز کسی که منکر تو باشد و تو نیز او را نپذیری وارد دوزخ نمیشود.»

حدیث چهارم: دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کافر است

رَوَى النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام):

«يَا عَلِيُّ! لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خُبْتُ وَلَادَتُهُ وَلَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ...»

از رسول خدا نقل شده که به حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) فرمود :

«ای علی! تنها کسی تو را دوست میدارد که ولادتش پاک باشد و دشمن تو کسی است که ولادتش خبیث و ناپاک باشد، و دوست نمیدارد تو را مگر مؤمن و با تو دشمنی نمیکند مگر کسی که کافر است.»

حدیث پنجم: اشتیاق ملائکه به دیدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«يَا عَلِيُّ! يَخُفُّ مِنْ مِثْلِكَ وَالْمَلَائِكَةُ لَتَشْتَاقُ إِلَيْكَ وَالْجَنَّةُ لَكَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُنْصَبُ لِي مُتَبَّرٌ مِنْ نُورٍ وَلِإِبْرَاهِيمَ (عليهما السلام) مُتَبَّرٌ مِنْ نُورٍ وَلَكَ مُتَبَّرٌ مِنْ نُورٍ فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا وَإِذَا مُنَادِيًا يُنَادِي: بَخَّ بَخَّ مِنْ وَصِيِّ بَيْنَ حَبِيبٍ وَ خَلِيلٍ ثُمَّ أُوتِيَ بِمِفَاتِيحِ الْجَنَّةِ وَ

النَّارِ فَأَذْفَعُهَا إِلَيْكَ.»

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! بَهَبَه از کسی همچون تو که فرشتگان مشتاق تو هستند و بهشت برای توست. همانا زمانی که روز قیامت فرامیرسد، برای من منبری از نور میگذارند و برای ابراهیم (علیه السلام) نیز منبری از نور نصب میکنند و برای تو هم منبری از نور نصب میکنند و سپس ابراهیم (علیه السلام) بر منبر مینشیند. در این هنگام، نادای ندا میکند: بَهَبَه از وصیی که میان حبیب (حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)) و خلیل (حضرت ابراهیم (علیه السلام)) قرار گرفته است. سپس کلید بهشت و دوزخ را میآورند و من آن را به تو میدهم.»

حدیث ششم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، نخستین مسلمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا وَأَنْتَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا وَأَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى (عليهما السلام).»

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! تو نخستین کسی بودی که اسلام را پذیرفتی و نخستین کسی بودی که ایمان آوردی و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی (علیه السلام) هستی [و همانگونه که هارون جانشین موسی (علیهما السلام) بود، تو جانشین من هستی].»

. امالی مفید، ص ۲۱۳، ح ۴، م ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۰۶، باب ۸۴، ح ۲۵.

. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۶، ح ۵۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۱، ح ۸، باب ۲۳.

. احقاق الحق، ج ۴، ص ۱۰۱، به نقل از: مناقب المرتضویة، ص ۱۲۰.

. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۶۷؛ مناقب آل ابیطالب، ج ۲، ص ۶.

حدیث هفتم: زمین، مهریه همسر امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَجَعَلَ صِدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُغِضًا لَكَ مَشَى حَرَامًا.»

رسول خدا فرمودند :

«ای علی! همانا خداوند عزوجل حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به ازدواج تو درآورده و زمین را مهریه او قرار داده‌است. پس هر کس روی زمین راه برود، در حالی که دشمن تو باشد، [در زمین غصبی حرکت کرده و] قدم حرام برداشته است.»

حدیث هشتم: هدیه های خداوند به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام): «يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ أُعْطِيتَ ثَلَاثَةً لَمْ أُعْطَ (أَنَا).» قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أُعْطِيتُ؟» فَقَالَ: «أُعْطِيتَ صَهْرًا وَلَمْ أُعْطَ وَأُعْطِيتَ زَوْجَتَكَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَلَمْ أُعْطَ وَأُعْطِيتَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عليهما السلام) وَلَمْ أُعْطَ.»

رسول خدا به علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! سه چیز به تو داده شده که به من عطا نشده است.» گفتم: «ای پیامبر خدا! چه چیزهایی به من داده شده است؟» فرمود:

«برادری مانند من به تو داده شده که به من داده نشده است، و همسری چون حضرت فاطمه (علیهاالسلام) به تو عطا شده که به من عطا نشده است، و حسن و حسین (علیهما السلام) به تو داده شده که به من داده نشده است.»

حدیث نهم: مقام والای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در روز قیامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «يَا عَلِيُّ! لَيْسَ فِي الْقِيَامَةِ رَاكِبٌ غَيْرُنَا وَنَحْنُ أَرْبَعَةٌ. فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي فَمَنْ هُمْ؟ قَالَ: «أَنَا عَلَى دَابَّةِ اللَّهِ الْبُرَاقِ وَأَخِي صَالِحٌ (عليه السلام) عَلَى نَاقَةِ اللَّهِ الَّتِي عُقِرَتْ وَعَمَى حَمْرُهُ (عليه السلام) عَلَى نَاقَتِي الْغَضْبَاءِ وَأَخِي عَلِيُّ (عليه السلام) عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوَقِ الْجَنَّةِ يَبْدُو لَوَاءِ الْحَمِيدِ، يُنَادِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ الْأَدْمِيُّونَ: مَا هَذَا إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ حَامِلٌ عَرْشٍ، فَيَجِئُهُمْ مَلَكٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَا مَعْشَرَ الْأَدْمِيِّينَ لَيْسَ هَذَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا حَامِلٌ عَرْشٍ، هَذَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).»
 رسول خدا فرمودند :

«ای علی! روز قیامت کسی جز ما چهار تن سواره نیست.» مردی از انصار برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، این چهار تن چه کسانی هستند؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من بر بُراق سوارم، و برادرم حضرت صالح (علیه السلام) بر ناقهای که آن را کشتند و عمویم حمزه (علیه السلام) بر ناقه من که غضباء نام دارد و برادرم علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بر ناقهای از ناقهای بهشت سوار است، در حالی که "پرچم حمد" در دست اوست و صدا میزند: "لا إله إلا الله، محمد رسول الله." پس آدمیان میگویند: "این کسی نیست جز فرشتهای مقرب یا پیامبری مرسل یا از ملائکه [حامل عرش]". در این میان، فرشتهای از درون عرش پاسخ میدهد: "ای گروه آدمیان! این نه فرشته مقرب است و نه پیغمبر مرسل و نه حامل عرش، بلکه این صدیق اکبر، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است."»

- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۷۰؛ نهج الحق، ص ۳۵۸.
 . بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۹، ح ۱؛ امالی طوسی، ص ۳۴۴، مجلس ۱۲، ح ۷۰۸.
 . بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۱۹، ح ۱۷۱؛ کفایه الاثر، ص ۱۰۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۸۹، باب ۳۱.

حدیث دهم: پیروی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، موجب رستگاری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) :
 «يَا عَلِيُّ! أَنَا وَأَنْتَ وَابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (عليهما السلام) وَ تِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَرْكَانُ الدِّينِ وَ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ مَنْ تَبَعَنَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا فَالَى النَّارِ.»
 رسول خدا به علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! من و تو و دو فرزندت حسن و حسین و نه تن از فرزندان امام حسین (علیه السلام)، همگی، پایههای دین و استوانههای اسلام هستیم. هر کس از ما پیروی کند، نجات مییابد، و هر کس از ما تخلف و سرپیچی کرد، در آتش است.»

حدیث یازدهم: سؤال از ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پس از مرگ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَجَعَلْتَهُ لَكَ فَمَنْ أَقْرَبُ بِذَلِكَ وَكَانَ يَعْتَقِدُهُ صَارَ إِلَى النَّعِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ.»
رسول خدا فرمودند :

«ای علی! نخستین چیزی که بنده پس از مرگش از آن سؤال میشود، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و به ولایت تو در چیزهایی که خدا و من برای تو قرار داده‌ایم. و هر که به این مطلب اقرار کند و معتقد باشد، به سوی نعیم جاودانه بهشت رهسپار میشود.»

حدیث دوازدهم: اثر عبادت بدون ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قَالَ :
«يَا عَلِيُّ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشْمَ رائِحَةُ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا.»
رسول خدا فرمود :

«ای علی! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که حضرت نوح (علیه السلام) در میان قومش عمر کرد، خدا را عبادت کند و به اندازه کوه اُحُد طلا داشته باشد و آن را در راه خدا انفاق کند، و عمرش به قدری طولانی شود که هزار سال با پای پیاده حج انجام دهد و سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود ولی ای علی ولایت تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید و داخل آن نخواهد شد.»

حدیث سیزدهم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند سوره توحید در قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) :
«يَا عَلِيُّ! إِنَّ فِيكَ مَثَلًا مِنْ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَقَدْ قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَقَدْ قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ، يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ ثَلَاثِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ ثُلُثِي هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَكَ بِلِسَانِهِ وَ نَصَرَكَ بِسَيْفِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ.»
رسول خدا فرمودند :

«ای علی! همانا در تو شباهتی از "قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" وجود دارد؛ زیرا کسی که یکبار سوره توحید را بخواند، یک سوم قرآن را خوانده و کسی که آن را دوبار بخواند، دو سوم قرآن را خوانده و کسی که آن را سهبار بخواند گویا تمام قرآن را خوانده است. ای علی! هر کس تو را به قلب دوست بدارد، پاداش یک سوم این امت را خواهد داشت، و هر کس تو را در دل و زبان دوست بدارد، برای او پاداش دو سوم این امت خواهد بود، و هر کس تو را در دل و قلب دوست بدارد و با زبان و شمشیرش یاری کند، پاداش تمام این امت را خواهد داشت.»

۱. اُمالی مفید، ص ۲۱۷، ح ۴، مجلس ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۷۱، ح ۹۳؛ بشاره المصطفی، ص ۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۰، ح ۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۸، باب ۳۵.

۳. مناقب آل ابيطالب، ج ۳، ص ۱۹۸؛ بشاره المصطفی، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۴، ح ۵۳.

۴. تأویل الآيات، ص ۸۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۸۸، ح ۸۳.

حدیث چهاردهم: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانند عیسی بن مریم (علیهما السلام)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا عَلِيُّ! مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ (عليهما السلام) اِفْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلَاثَ فِرَقٍ، فِرْقَةٌ مُؤْمِنُونَ وَهُمْ الْخَوَارِيُّونَ وَفِرْقَةٌ عَادُوهُ وَهُمْ الْيَهُودُ وَفِرْقَةٌ غَلَوَا فِيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الْإِيمَانِ وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْرُقُ فِيكَ ثَلَاثَ فِرَقٍ، فِفِرْقَةٌ شَيَعَتُكَ وَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَفِرْقَةٌ عَدُوُّكَ وَهُمْ الشَّاكُونَ وَفِرْقَةٌ تَغْلُو فِيكَ وَهُمْ الْجَاهِلُونَ وَأَنْتَ فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ وَشَيَعَتُكَ وَمُحِبُّ شَيَعَتِكَ، عَدُوُّكَ وَالْغَالِي فِي النَّارِ.»

رسول خدا فرمود :

«ای علی! مثل تود در میان ائمتّم، مثل مسیح عیسی بن مریم (علیهما السلام) است که قوم او سه فرقه شدند: فرقه‌ای ایمان آوردند که همانا خواریون بودند، و فرقه‌ای با او دشمنی کردند که یهود بودند، و فرقه‌ای درباره او غلو نمودند و از دایره ایمان خارج شدند. ائمت من نیز به زودی در مورد تو سه فرقه خواهند شد: فرقه‌ای شیعیان تو هستند که ایمان آورده‌اند، و فرقه‌ای دشمنان تو هستند که اهل شک و تردیدند، و فرقه‌ای درباره تو غلو میکنند که اهل انکار خواهند بود. ای علی! تو و پیروانت و دوستداران شیعیانت، همه، در بهشت خواهید بود، و دشمنان تو و غلوکنندگان در مورد تو در دوزخ خواهند بود.»

معرفی امیرمؤمنان (علیه السلام) در کلام آخرین پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم)

در این ضمیمه به پارهای از احادیث در فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از زبان رسول خدا در کتب اهل تسنن می‌پردازیم.

۱ - «عَلِيُّ (علیه السلام) أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.»

«علی (علیه السلام) ، نخستین مؤمن است.»

۲ - «عَلِيُّ (علیه السلام) أَعْلَمُ النَّاسِ عِلْمًا.»

«علی (علیه السلام) ، داناترین مردم است.»

۳ - «عَلِيُّ (علیه السلام) أَفْضَلُ النَّاسِ حِلْمًا.»

«علی (علیه السلام) ، بردبارترین مردم است.»

۴ - «عَلِيُّ (علیه السلام) صَاحِبُ حَوْضِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

«علی (علیه السلام) ، صاحب اختیار حوض من (کوثر) در روز قیامت است.»

۵ - «عَلِيُّ (علیه السلام) حُجَّهُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

«علی (علیه السلام) ، حجّت خدا در روز قیامت است.»

۶ - «عَلِيُّ (علیه السلام) أَفْضَلُ أُمَّتِي عِنْدَ اللَّهِ.»

«علی (علیه السلام) ، برترین افراد ائمت من، نزد خدا است.»

۷ - «عَلِيُّ (علیه السلام) خَيْرُ النَّاسِ.»

«علی (علیه السلام) بهترین مردم است.»

۸ - «عَلِيُّ (علیه السلام) أَفْضَلُ رِجَالِ الْعَالَمِينَ.»

«علی (علیه السلام) ، برترین مردان عالم است.»

۹ - «عَلِيُّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ.»

«علی (علیه السلام) از من است و من از علی (علیه السلام) هستم.»

۱۰ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) مِنِّي كَنَفْسِي.»

«علی (علیه السلام) نسبت به من همچون خود من است.»

۱۱ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ.»

«علی (علیه السلام) ، محبوبترین مردم نزد من است.»

۱۲ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ.»

«علی (علیه السلام) ، سرور اوصیاست.»

۱۳ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

«علی (علیه السلام) ، جانشین رسول خدا در دنیا و آخرت است.»

۱۴ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي.»

«علی (علیه السلام) ، جانشین من در میان امتم است.»

۱۵ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ.»

«علی (علیه السلام) با حق است و حق با علی (علیه السلام) است.»

۱۶ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.»

«علی (علیه السلام) ، امیرمؤمنان است.»

۱۷ - «عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ.»

«علی (علیه السلام) ، ولی خداست.»

۱۸ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) خَاتَمُ الْوَصِيِّينَ.»

«علی (علیه السلام) ، خاتم اوصیاست.»

۱۹ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) أَتَقَى النَّاسَ.»

«علی (علیه السلام) ، پرهیزکارترین مردم است.»

۲۰ - «عَلِيٌّ (علیه السلام) أَمِينِي.»

«علی (علیه السلام) ، امین و مورد اطمینان من است.»

. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵، ح ۴؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۳۱۷، ح ۳۱۸؛ مأه منقبه، ص ۱۸، منقبه الثامنة و الأربعون؛ احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۱۳.

. ر.ک: احقاق الحق، ج ۴.

فصل پنجم

منقبت اول

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (علیه السلام) :

«إِنَّ كُلَّ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ وَكُلَّ مَا فِي الْفَاتِحَةِ فِي "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" وَكُلَّ مَا فِي الْبَاءِ وَكُلَّ مَا فِي الْبَاءِ فِي النُّقْطَةِ

وَ أَنَا نُقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرمایند :

«تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد میباشد، و تمام آنچه در سوره حمد است در "بسم الله الرحمن الرحيم" جمع شده، و آنچه در بسم الله است در "باء" آن است، و تمام آنچه در "باء" جمع شده در نقطه آن است، و من نقطه زیر باء هستم.»

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود :

«علم آنچه بوده و خواهد بود در قرآن است، و علم تمام قرآن در سوره فاتحه است، و علم تمام سوره فاتحه در بسم الله است، و علم تمام بسم الله در حرف باء آن است، و من نقطه زیر باء هستم.»

. القطره، ج ۱، ص ۱۱۹.

منقبت دوم

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ :

«إِنَّ لِلَّهِ بَلَدَهُ خَلْفَ الْمَغْرِبِ يُقَالُ لَهَا جَابَلْقَا، وَ فِي جَابَلْقَا سَبْعُونَ أَلْفَ أُمَّةٍ لَيْسَ مِنْهَا أُمَّةٌ إِلَّا مِثْلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَمَا عَصَوْا اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ، فَمَا يَعْمَلُونَ عَمَلًا وَلَا يَقُولُونَ قَوْلًا إِلَّا الدُّعَاءَ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْبَرَاءَةَ مِنْهُمَا وَ الْوِلَايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم).»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرمایند :

«خداوند متعال را شهری است در پشت مغرب که به آن جابلقا گفته میشود، که در آن هفتاد هزار امتاند که همگی مثل این امت هستند که اینان حتی به اندازه یک چشم برهم زدن نافرمانی خدا را نکرده‌اند. هیچ کاری انجام نمیدهند و هیچ سخنی نمیگویند جز نفرین بر دو نفر اول و بیزاری جستن از آن دو، و اظهار ولایت و دوستی به خاندان رسول خدا.»

منقبت سوم

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟ فَقَالَ :

«أَصْبَحْتُ وَ أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ أَنَا وَصِيَّ خَيْرِ الْبَشَرِ وَ أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ وَ أَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَ أَنَا عَيْنُ اللَّهِ، وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا أَمِينُ اللَّهِ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، بِنَا عَبْدِ اللَّهِ، وَ نَحْنُ خُزَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، وَ أَنَا أَحْيَى وَ أَمِيتٌ وَ أَنَا حَيٌّ لَا يَمُوتُ.»

فَتَعَجَّبَ الْأَعْرَابِيُّ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ (عليه السلام) :

«أَنَا الْأَوَّلُ، أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم)، وَ أَنَا الْآخِرُ، آخِرُ مَنْ نَظَرَ فِيهِ لَمَّا كَانَ فِي لَحْدِهِ، وَ أَنَا الظَّاهِرُ، ظَاهِرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَنَا الْبَاطِنُ، بَاطِنُ مِنَ الْعِلْمِ، وَ أَنَا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، فَإِنِّي عَلِيمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، أَخْبَرَ اللَّهُ بِهِ نَبِيَّهُ فَأَخْبَرَنِي بِهِ، فَأَمَّا عَيْنُ اللَّهِ، فَأَنَا عَيْنُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكَافِرَةِ، وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ، ف(أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) وَ مَنْ فَرَّطَ فِي فَقَدْ فَرَّطَ فِي اللَّهِ، وَ لَمْ يَجْزُ

لِنَبِيِّ بُيُوتَةٍ حَتَّى يَأْخُذَ خَاتَمًا مِنْ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله و سلم) فَلِذَلِكَ سَمِيَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، مُحَمَّدٌ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ أَنَا خُزَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا عَلَّمَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) بِقَوْلٍ صَادِقٍ.

وَ أَنَا أَحْيَى، أَحْيَى سَيِّمَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم)، وَ أَنَا أَمِيتٌ، أَمِيتُ الْبِدْعَةِ، وَ أَنَا حَيٌّ لَا-أَمُوتُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ).»

از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرسیده شد: چگونه صبح کردی؟ حضرت فرمود:

«صبح کردم در حالی که صدیق اکبر و فاروق اعظم و وصی بهترین انسانها هستم. من اول و آخر و ظاهر و باطن هستم. من دانای همه چیزها، چشم خدا، و جنب خدا، و امین خدا بر پیامبرانم. به وسیله ما خداوند بندگی و عبادت شد. ما در روی زمین و آسمانها گنجینه‌دار خدا هستیم. من زنده میکنم و میمیرانم و من زندهای هستم که نمی‌میرم.»

اعرابی از بیان امیرمؤمنان (علیه السلام) شگفتزده شد، حضرت فرمود:

«من اول هستم؛ یعنی من اولین کسی هستم که به پیامبر ایمان آوردم. من آخر هستم؛ یعنی آخرین کسی هستم که در لحد قبر به آن حضرت نظر کردم. من ظاهر هستم؛ یعنی ظاهرکننده اسلامم. من باطنم؛ یعنی سینهام پر از علم و دانش است. و به همه چیز علم دارم؛ یعنی عالمم به هر چیزی که خدا به پیامبرش خبر داده است و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را به من اطلاع داده است. اما من چشم خدا هستم؛ یعنی ناظر او بر مؤمنان و کافران هستم. اما من جنب الله هستم"، مبدا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهیایی که در اطاعت فرمان خدا کردم، "هر کس درباره [ولایت] من کوتاهی کند، درباره خداوند متعال کوتاهی کرده است. و به هیچ پیامبری اجازه نبوت داده نشد مگر این که مهربی از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) داشته باشد و به همین جهت خاتم النبیین نام گرفت. محمد سید انبیا است و من سید اوصیا هستم. و ما گنجینه‌داران خدا در روی زمین و آسمان هستیم. ما دانستیم آنچه را رسول خدا به گفتار صحیح و صادق خود به ما آموخت. و من زنده‌ام؛ یعنی زنده میکنم سنت پیامبر را. و من میمیرانم؛ یعنی میمیرانم بدعت را. و من زندهای هستم که نمی‌میرم؛ برای اینکه خداوند میفرماید: "هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود از روزیهای او بهرهمند میشوند."»

. بحارالأنوار، ج ۵۴، ص ۳۲۹، ح ۱۱؛ بصائر الدرجات، ص ۴۹۰، باب ۱۴، ح ۱.

. سوره زمر، آیه ۵۶.

. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

. مناقب آل ابیطالب، ج ۲، ص ۳۸۵؛ بحارالأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مصباح البلاغة، ج ۳، ص ۲۶۰.

منقبت چهارم

قَالَ سُلَيْمُ بْنُ قَيْسٍ (رضی الله عنه): سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) فَقَالَ لَهُ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْقَبَةٍ لَكَ، قَالَ:

«مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ؟»

قَالَ: وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ؟ قَالَ:

«(أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ)، قَالَ: «أَنَا الشَّاهِدُ

مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم).

وَقَوْلُهُ: (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِيًّا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) د آبینی و بینکم و من عنده علم الكتاب، إِيَّايَ عَنِ بَيْتِهِ عِنْدَهُ عِلْمُ

الْكِتَابِ، فَلَمْ يَدْعُ

شَيْئًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ إِلَّا ذَكَرَهُ.

مِثْلَ قَوْلِهِ: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، وَقَوْلُهُ: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) وَ غَيْرَ ذَلِكَ.

قَالَ: قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْقَبَةٍ لَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)؟ فَقَالَ:

«نَضْبُهُ إِيَّايَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَقَامَ لِي بِالْوَلَايَةِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَقَوْلُهُ: "أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي." ...»

سلیم بن قیس میگوید: مردی خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و در حالی که من هم می‌شنیدم عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! بالاترین منقبت خود را به من خبر بده.

فرمود: «آنچه خداوند در کتابش درباره من نازل کرده است؟» عرض کرد: خداوند درباره تو چه نازل کرده است؟

حضرت فرمود: «کلام خداوند که میفرماید: "آیا آن کس که دلیل آشکاری از جانب پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهی از سوی او میباشد، "من شاهد نسبت به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم.

و کلام خداوند که میفرماید: "آنها که کافر شدند میگویند: تو پیامبر نیستی! بگو: کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب [و آگاهی بر قرآن] نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!" او خداوند از "کسی که علم کتاب نزد اوست، "مرا قصد کرده است. و هیچ آیه‌ای نازل نکرده مگر اینکه مرا نیز یاد فرموده است.

و مثل کلام خداوند: "سرپرست و ولی شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی هستند که نماز بهپا داشتند و به فقیران در حال رکوع زکات میدهند، "و کلام خداوند متعال که میفرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبران خدا و اولوا الامر [اوصیای پیامبر] را!"

سلیم میگوید: عرض کردم: بالاترین منقبت و فضیلت خود را از جانب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر دهید. حضرت فرمود:

«منصوب کردن آن حضرت مرا در غدیر خم، که به امر خدای تبارک و تعالی ولایت را از جانب او برایم اقامه نمود، و دیگر سخن او که فرمود: "منزلت تو نسبت به من همانند منزلت هارون نسبت به موسی (علیه السلام) است، جز اینکه پیامبری بعد از من نیست.»

. سوره هود، آیه ۱۷.

. سوره رعد، آیه ۴۳.

. سوره مائده، آیه ۵۵.

. سوره نساء، آیه ۵۹.

. إحتجاج، ج ۱، ص ۱۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱، ح ۲.

منقبت پنجم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) :

«مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ، لِمُحِبِّينَا أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَلِمُبْغِضِينَا أَفْوَاجٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «هر که به [ولایت] ما چنگ بزند، به ما ملحق میشود، و هر کس به جز راه ما به راه دیگری برود، [در فتنه‌ها و بلاها] غرق میشود، و برای دوستان ما فوج‌هایی از رحمت خدا و برای دشمنان ما فوج‌هایی از خشم و غضب الهی است.»

منقبت ششم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) :

«مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَشْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنَّا بِلسَانِهِ وَلَا يَدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَ يَدِهِ، فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَلَا يَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«هر کس ما را با قلب دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنان ما بجنگد، در بهشت همدرجه ما خواهد بود. و هر که ما را به قلب دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنان ما جنگ نکند، از این مقام درجهای پایینتر است. و هر که ما را به قلب دوست بدارد، ولی با زبان و دست خود ما را یاری نکند، او هم با ما در بهشت است. و هر که با قلب خود ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضد ما یاری کند، همراه با دشمنان ما در آتش جهنم است. و هر که ما را با قلب دشمن دارد، ولی با زبان و دست خود بر ضد ما یاری کند پس او هم در آتش دوزخ است.»

منقبت هفتم

رَوَى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَالَ يَوْمَآ عَلَى مَنَبَرٍ مَسْجِدِ الْبُصَيْرَةِ: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي». فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ وَقَالَ لَهُ: أَيْنَ جَبْرِئِيلُ الْآنَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ وَنَظَرَ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَقَالَ (علیه السلام): «أَنْتَ جَبْرِئِيلُ». فَطَارَ وَشَقَّ سَقْفَ الْمَسْجِدِ فَصَاحَ النَّاسُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ أَنَّهُ جَبْرِئِيلُ؟

فَقَالَ (علیه السلام): «لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ خَرَقَ نَظْرِي أَطْبَاقَ السَّمَوَاتِ حَتَّى الْعَرْشِ وَالْكُرْسِيِّ فَمَا رَأَيْتُهُ، وَنَظَرْتُ الْأَرْضَ كُلَّهَا فَلَمْ أَرَهُ، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ جَبْرِئِيلُ.»

نقل شده که روزی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر بالای منبر مسجد بصره فرمود: «از من پرسید قبل از آن که مرا از دست بدهید.» مردی از میان جمعیت برخاست و گفت: «ای امیر مؤمنان! جبرئیل همانکون کجاست؟» حضرت علی (علیه السلام) نگاهی به سوی آسمان نمود، آنگاه به سمت چپ و راست نگاه کرد و فرمود: «تو جبرئیل هستی.» در این هنگام، آن شخص به پرواز درآمد و سقف مسجد را شکافت و رفت. مردم فریاد "الله اکبر" سرداده و گفتند: «ای امیر مؤمنان! از کجا فهمیدی که او جبرئیل است؟» امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «وقتی به آسمان نگاه کردم، تمام طبقه‌های آسمان را تا عرش دیدم، ولی او را نیافتم، آنگاه به تمام اطراف زمین نگرستم و او را ندیدم، پس فهمیدم که او جبرئیل است.»

. خصال، ج ۲، ص ۶۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۸۸، باب ۴، ح ۳۹.

. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۶ و ج ۲۷، ص ۸۸؛ تحف العقول، ص ۱۱۸.

. القطره، ج ۲، ص ۲۲۵؛ انوار التعمیته، ج ۱، ص ۳۲؛ الفضائل (شاذان بن جبرئیل)، ص ۹۸.

منقبت هشتم

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى مَنَبَرِ الْكُوفَةِ:

«أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَصِيٌّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَأَنَا إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَقَائِدُ الْمُتَّقِينَ وَزَوْجُ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ أَنَا الْمُتَحَنَّنُ بِالْيَمِينِ وَالْمُعَفَّرُ لِلْجَبِينِ أَنَا الَّذِي هَاجَرْتُ الْهَجْرَتَيْنِ وَبَايَعْتُ الْبَيْعَتَيْنِ، أَنَا صَاحِبُ بَدْرٍ وَحُنَيْنٍ وَأَنَا الصَّارِبُ بِالسَّيْفَيْنِ وَالْحَامِلُ عَلَى فَرْسَيْنِ وَأَنَا وَارِثُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْعَالَمِينَ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَهْلُ مَوَالِنِي مَرْحُومُونَ وَأَهْلُ عِدَاوَتِي مَلْعُونُونَ وَلَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَثِيرَآ مَا يَقُولُ يَا عَلِيُّ حُبُّكَ تَقْوَى وَبُغْضُكَ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَأَنَا بَيْتٌ

الْحِكْمَةُ وَأَنْتَ مُفْتَاخُهُ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحْيِي وَيُغْضِضُكَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) روزی بر بالای منبر کوفه فرمود:

«منم سید اوصیا، و جانشین سید انبیا. منم امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و ولی مؤمنان و شوهر سیده زنان جهانیان. منم آنکه انگشتر به دست راست کنم و پیشانی به خاک نهم. منم که دو هجرت کردم و دو بیعت نمودم. منم صاحب بدر و حنین. منم زنده با دو تیغ و جنگنده بر دو اسب. منم وارث علوم اولین و حجت خدا بر جهانیان پس از پیغمبران و محمد بن عبدالله خاتم انبیا (صلی الله علیه و آله و سلم). دوستدارانم مورد رحمت خدا و دشمنانم مشمول لعنت خدا میباشند. حبیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار میفرمود: "ای علی! دوستی تو تقوا و ایمان، و دشمنی با تو کفر است و نفاق. منم خانه حکمت و تویی کلید آن. دورغ میگوید آن که گمان میبرد مرا دوست دارد و با تو دشمن است."»

منقبت نهم

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام):

«يَا سَلْمَانُ! الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ لَنَا حَقَّ مَعْرِفَتِنَا وَ أَنْكَرَ فَضْلَنَا، يَا سَلْمَانُ! أَيُّمَا أَفْضَلُ، مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) أَوْ سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ (عليهما السلام)؟»

قَالَ سَلْمَانُ: «بَلْ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) أَفْضَلُ».

فَقَالَ (عليه السلام): «يَا سَلْمَانُ! فَهَذَا آصِفُ بْنُ بَرْخِيَا قَدَرَأْنُ يَحْمِلُ عَرْشَ بَلْقَيْسَ مِنْ فَارِسَ إِلَى سَبَأَ فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ وَ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ وَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَضْعَافَ ذَلِكَ وَ عِنْدِي أَلْفُ كِتَابٍ، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى شَيْثِ بْنِ آدَمَ (عليهما السلام) خَمْسِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى إِدْرِيسَ (عليه السلام) ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) عَشْرِينَ صَحِيفَةً وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ. فَقُلْتُ: صَدَقْتَ يَا سَيِّدِي.»

فَقَالَ الْإِمَامُ (عليه السلام):

«[إِلْعَلِّمْ] يَا سَلْمَانُ! إِنَّ الشَّاكَّ فِي أُمُورِنَا وَ عُلُومِنَا كَالْمُسْتَهْزِئِ فِي مَعْرِفَتِنَا وَ حَقُوقِنَا وَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ وَ لَا يَتَنَا فِي كِتَابِهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ وَ بَيَّنَّ مَا أَوْجَبَ الْعَمَلَ بِهِ وَ هُوَ مَكْشُوفٌ.»

سلمان فارسی میگوید که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به من فرمود:

«ای سلمان! بدبختی و تمام بدبختی بر آن کس که حق معرفت ما را نشناسد و فضایل ما را انکار کند. ای سلمان! کدامیک برتر است: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یا سلیمان بن داود؟» عرض کردم: بلکه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برتر و بالاتر است.»

سپس فرمود: «آصف بن برخیا کسی بود که قدرت داشت در یک چشم برهم زدن، تخت بلقیس را از فارس به سبأ حمل کند، در حالی که نزد او مقداری از علم کتاب بود. همانا چگونه من نتوانم چندین برابر او انجام دهم، در حالی که نزد من یک هزار کتاب است. خداوند از آسمان، بر شیت پسر آدم پنجاه صحیفه و بر ادريس پیامبر سی صحیفه، بر ابراهیم خلیل بیست صحیفه و تورات و انجیل و زبور و فرقان را فرستاده است.»

عرض کردم: «راست فرمودی ای مولای من.»

سپس فرمود: «بدان ای سلمان! همانا شک کننده در کارها و علوم ما، مانند کسی است که معرفت و حقوق ما را مسخره میکند. و همانا خداوند متعال در قرآن ولایت ما را واجب کرده است و در آن جا بیان فرموده آنچه را واجب است عمل کردن به آن و آن آشکار است و بر کسی پوشیده نیست.»

. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۴۱، باب ۹۰، ح ۱۲؛ أمالی صدوق، ص ۲۵، مجلس ۷، ح ۲؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۱؛ بشارة المصطفی، ص ۱۵۵.

. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۹، ح ۱۰؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ تأویل الآیات، ص ۲۴۴.

منقبت دهم

فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ الْمَشْهُورِ «بِالنُّورَانِيَّةِ»: «يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ!» قَالَا: لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ! قَالَ: «كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله و سلم) نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ النُّورَ أَنْ يُشَقَّ فَقَالَ لِلنَّصَفِ: كُنْ مُحَمَّدًا، وَ قَالَ لِلنَّصَفِ كُنْ عَلِيًّا (عليه السلام)، فَمِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا يُودَى عَنِّي إِلَّا عَلِيٌّ وَ قَدْ وَجَّهَ أَبَا بَكْرٍ بِنِزَاءَةٍ إِلَى مَكَّةَ فَتَزَلَّ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! قَالَ لَبَّيْكَ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُؤَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنْكَ فَوَجَّهَنِي فِي اسْتِزْدَادِ أَبِيكَ فَرَدَّدَتْهُ فَوَجِدَ فِي نَفْسِهِ وَ قَالَ: يَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: لَا وَ لَكِنْ لَا يُودَى إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ.

يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ!» قَالَا: لَبَّيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ (عليه السلام): «مَنْ لَا يَصِلُحُ لِحَمَلِ صَحِيفَةٍ يُؤَدِّيَهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) كَيْفَ يَصِلُحُ لِلْإِمَامِيَّةِ؟ يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ! فَأَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) كُنَّا نُورًا وَاحِدًا صَارَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفَى، وَ صِرْتُ أَنَا وَصِيَّهُ الْمُرْتَضَى، وَ صَارَ مُحَمَّدٌ النَّاطِقُ وَ صِرْتُ أَنَا الصَّامِتُ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ فِي كُلِّ عَصِيرٍ مِنَ الْأَعْصَارِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ نَاطِقٌ وَ صَامِتٌ. يَا سَلْمَانَ! صَارَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله و سلم) الْمُنْذِرُ وَ صِرْتُ أَنَا الْهَادِي وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)، فَرَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) الْمُنْذِرُ وَ أَنَا الْهَادِي.»

در حدیثی که به حدیث «نورانیّت» مشهور است، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به سلمان و جندب فرمودند: «ای سلمان و ای جُندب!» عرض کردند: بلی، ای امیرمؤمنان! رحمت و درود خدا بر شما باد! فرمود:

«من و محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) یک نور از نور خدا بودیم، آنگاه خداوند به آن نور فرمود دو قسمت گردد، به نیمی از آن فرمود: محمد باش، و به نصف دیگر آن فرمود: علی باش؛ لذا رسول خدا فرموده است: علی از من است و من از علی هستم، و دین مرا ادا نمیکند از طرف من مگر علی (علیه السلام).

و هنگامی که ابوبکر را برای برائت از مشرکین [و ابلاغ سوره برائت] به طرف مکه فرستاده بود، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: "ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است آن را خودت و یا شخصی از خودت ابلاغ کند،" مرا به دنبال ابوبکر فرستاد تا او را برگردانم. او به رسول خدا عرض کرد: آیا درباره من چیزی نازل شده است؟ فرمود: "نه، ولی این کار را انجام نمیدهد مگر من یا علی (علیه السلام)".

ای سلمان و ای جُندب! کسی که شایستگی ندارد دستوری را از طرف رسول خدا ابلاغ کند، چگونه صلاحیت امامت و پیشوایی مردم را دارد؟

ای سلمان و ای جُندب! پس من و رسول خدا یک نور بودیم، سپس او محمد مصطفی شد و من وصی او علی مرتضی شدم، محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) سخنگو و ناطق گردید و من ساکت، و در هر زمانی باید یکی ناطق و دیگری صامت باشد.

ای سلمان! محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) بیمدهنده گردید و من هدایتکننده و این همان فرمایش خداوند است: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) مراد از "مُنْذِر" در این آیه رسول خدا و مقصود از "هادی" من هستم.

. سوره رعد، آیه ۷.

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ح ۱

منقبت یازدهم

قال أمير المؤمنين (عليه السلام) :

«ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْوَعَكِ وَالْإِشْقَامِ وَشَوَاسِ الرَّيْبِ وَحُبُّنَا رِضَى الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«یاد و ذکر ما اهل بیت، شفای از تب و دیگر بیماریها و باعث از بین رفتن وسوسه‌های شیطانی است، و دوستی ما سبب خشنودی خداوند تبارک و تعالی است.»

منقبت دوازدهم

عَنْ أمير المؤمنين (عليه السلام) قَالَ :

«حَدَّثَنِي أَخِي وَحَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ :

"مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَيْهِ، غَيْرُ مُعْرِضٍ عَنْهُ فَلْيَتَوَالَكْ يَا عَلِيُّ.

وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُ فَلْيَتَوَالِ ابْنُكَ الْحَسَنَ (عليه السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَا خَوْفَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَالِ ابْنُكَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ مَحَا اللَّهُ ذُنُوبَهُ عَنْهُ فَلْيَتَوَالِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام)، فَإِنَّهُ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ قَرِيرُ الْعَيْنِ فَلْيَتَوَالِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيُعْطِيَهُ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَلْيَتَوَالِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَوَالِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الْكَاظمَ (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ ضَاحِكٌ فَلْيَتَوَالِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ رُفِعَتْ دَرَجَاتُهُ وَبُدِّلَتْ سَيِّئَاتُهُ حَسَنَاتٍ فَلْيَتَوَالِ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْجَوَادَ (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيَحَاسِبَهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ عَدْنٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ فَلْيَتَوَالِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيَتَوَالِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَشْكَرِيَّ (عليهما السلام).

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ كَمُلَ إِيمَانُهُ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُتَنْظِرَ (عليهما السلام) هَؤُلَاءِ أَيْمَةُ الْهُدَى وَأَعْلَامُ التَّقَى مَنْ أَحَبَّهُمْ وَتَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ." "

حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)، از پدران خود، از امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نقل میکند که فرمود :

«برادر و حبیبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

هر کس میخواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که به او توجه داشته باشد و از او روی نگرداند، باید ای علی تو را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد، خداوند را ملاقات کند در حالی که از او راضی باشد، باید فرزندان حسن (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که هیچ ترسی نداشته باشد، باید فرزندت حسین (علیه السلام) را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که گناهانش از بین رفته باشد، باید علی بن الحسین (علیهما السلام) را دوست بدارد؛ زیرا او از کسانی است که خداوند درباره آنها فرموده: (سِیْمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ الشُّجُودِ)؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجدهها نمایان است.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که چشمش روشن است، باید محمد بن علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که نامه عملش را به دست راستش بدهند، باید جعفر بن محمد (علیهما السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که پاک و پاکیزه باشد، باید موسی بن جعفر (علیهما السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که شاد و خندان است، پس باید علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که گناهانش تبدیل به حسنات شده باشد، باید محمد بن علی (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که حسابرسی او آسان باشد و داخل بهشتی شود که عرض آن به اندازه آسمانها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده، باید امام هادی (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد، باید حسن بن علی (علیه السلام) را دوست بدارد.

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که با ایمان کامل و اسلام نیکو باشد، پس حجه بن الحسن (علیهما السلام) را دوست بدارد.

ایشان پیشوایان هدایت و راهنمای تقوا هستند، هر که آنها را دوست بدارد، من از جانب خداوند بهشت را برای او ضامن میشوم." -----

. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۱۰، باب ۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۸، باب ۲۳؛ محاسنبرقی، ج ۱، ص ۶۲، باب ۸۳، ح ۱۰۷.
 . سوره فتح، آیه ۲۹.

. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۰۷، ح ۸۰، باب ۴.

منقبت سیزدهم

قال أمير المؤمنين (عليه السلام) :

«كَانَ لِي عَشْرٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ بَعْدِي. قَالَ لِي: " يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْزِلِي وَمَنْزِلُكَ فِي الْجَنَّةِ مَتَوَاجِهَيْنِ كَمَنْزِلِ الْأَخَوَيْنِ وَأَنْتَ الْوَصِيُّ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ وَأَنْتَ الْوَزِيرُ وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ وَوَلِيُّكَ وَلِيِّي وَوَلِيِّي وَلِيُّ اللَّهِ. »

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«من از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ده خصلت دارم که به هیچ کس پیش از من و بعد از من داده نشده است. پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: "ای علی! تو برادر من در دنیا و آخرت هستی و تو نزدیکترین کس برای من در موقف روز قیامت هستی. منزل من و تو در بهشت مانند دو برادر، روبه‌روی هم است. و تو وصی و دوست و وزیر من هستی. دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست. دوست تو دوست من و دوست من دوست خداست."»

منقبت چهاردهم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) :
 «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنَا خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ وَ أَنَا بَابُ اللَّهِ وَ أَنَا خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَ أَنَا الْمُؤْتَمَنُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ وَ أَنَا إِمَامُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ خَيْرِ الْخَلِيقَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (صلی الله علیه و آله و سلم) .»
 امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :
 «منم حجّت خدا، خلیفه خدا و باب خدا. منم گنجینه علم الهی و امانتدار سرّ خدا. منم امام خلق پس از بهترین مردم، حضرت محمد، پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) .»

. خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۷؛ أمالی صدوق، مجلس ۱۸، ح ۸، ص ۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۳۷، باب ۹۰.
 . بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۳۵، باب ۹۰؛ أمالی صدوق، مجلس ۹، ح ۹، ص ۳۵؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۰۱.

فصل ششم

اشاره

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)
 «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند؛ هر چند کافران ناخشنود باشند.»
 حضرت علی مرتضی (علیه السلام)؛ آفتاب عالم‌آرا
 فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چونان خورشید تابناکی است که نور آن مشرق و مغرب عالم را پُر کرده است؛ آنچنان که حتی دشمنان هم به فضایل و مناقب او اقرار کرده و در برابر عظمت او سر تعظیم فرو آورده‌اند.
 شافعی، از پیشوایان اهل تسنن، درباره آن حضرت می‌گوید :
 «اگر مرتضی علی (علیه السلام) حقیقت حال و باطن امر خویش را ظاهر سازد، مردم کافر میشوند؛ زیرا همه به شبه‌خدایی نزد او به سجده می‌افتند. از فضل و منقبت وی همین بس که درباره او بعضی شک کرده‌اند که آیا از خداست یا از خلق.»
 ابن ابی‌الحدید معتزلی، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، درباره عظمت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌گوید :
 «چه بگویم درباره مردی که دوستان و دشمنانش همگی به فضل او اقرار کرده‌اند و نتوانسته‌اند منقبتی از مناقب او را انکار و یا فضیلتی از فضایل او را پنهان کنند.

تو میدانی که بنیامیه در شرق و غرب عالم بر حکومت اسلام تسلط یافتند و با تمام دسیسه‌های شیطانیشان در خاموش نمودن نور آن حضرت و نسبت دادن دروغین عیبه و کارهایی که موجبات سرزنش را برای او فراهم می‌آورد، درباره وی کوشیدند و او را در بالای همه منابر سب و دشنام میدادند و ثناگویان او را تهدید مینمودند، بلکه آنان را حبس نموده و به کشتار آنان پرداختند و از هر

حدیثی که دربردارنده فضیلتی برای او باشد و یا مقام او را بالا برد، جلوگیری کردند و ممنوع نمودند که نام کسی را علی بگذارند. با این همه، همواره مقام و عظمت او در میان مردم آنچنان بالا رفت، که چونان مُشکی که روی آن را بپوشانند عطرش بیشتر پخش میشد و هر قدر پردپوشی از آن به عمل آوردند بیشتر منتشر گردید. او مانند خورشیدی است که با کفِ دستها نمیتوان آن را از دیده‌ها پنهان ساخت.»

با این که دشمنان تلاش داشتند فضایل و مناقب آن بزرگوار را کتمان کنند، ولی هیبت، صلابت، شجاعت، شهادت، عفت، حکمت، علم، عدالت و عظمت آن حضرت چنان آنان را مجذوب خود کرده بود که حتی مخالفان و بیگانگان نیز به مقامات عالی و کمالات انسانی آن بزرگوار اقرار نموده‌اند.

از امام شافعی سؤال کردند: درباره علی بن ابیطالب (علیهما السلام) چه سخنی می‌گویید؟ گفت: «چه بگویم درباره کسی که دوستانش از ترس و دشمنانش از روی حسد و کینه، فضایل او را مخفی کردند. با این حال، درباره او به قدری فضایل روایت شده که مابین آسمانها و زمینها را پُر کرده است.»

ما در این بخش به بیان قسمتی از فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از زبان دشمنان و مخالفان می‌پردازیم. هرگز حدیث وصل تو کوتاه نمیشود این گفتوگوی تا به قیامت مسلسل است

سخن اول

عَنْ أَبِيبَكْرِ بْنِ أَبِيقُحَافَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ :
 «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) مَلَائِكَةً يَسْبُحُونَ وَيُقَدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَمُحِبِّي وَلَدِهِ.»
 ابوبکر می‌گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌فرمود:
 «همانا خداوند متعال از نور صورت حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) فرشتگانی آفرید که خدا را تسبیح و تقدیس میکنند و ثواب آن را برای دوستان علی (علیه السلام) و دوستان فرزندان او مینویسند.»
 عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَلِمُحِبِّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»
 آنس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل میکند که فرمود:
 «خداوند متعال از نور صورت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) هفتاد هزار ملک خلق فرمود که برای او و دوستانش، تا روز قیامت استغفار میکنند.»

. سوره توبه، آیه ۳۲.

. امام علی علیه السلام، خورشید بیغروب، ص ۲۷۰.

. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۱، ص ۱۶ س آخر.

. کشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۳.

. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۲۵، باب ۹۲؛ مقتل الحسین علیه السلام (خوارزمی)، ج ۱، ص ۹۷؛ مأه منقبة، ص ۱۴۸، المنقبة الثمانون.

سخن دوم

عَنْ أَبِيبَكْرِ بْنِ أَبِيقُحَافَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ :

«إِنَّ عَلَى الصَّرَاطِ لَعَقَبَةً لَا يَجُوزُهَا أَحَدٌ إِلَّا بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام).»

ابوبکر میگوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که میفرمود:

«به درستی که بر پُل صراط گردنهای است که احدی از آن عبور نمیکند مگر با جواز عبور از علی بن ابیطالب (علیهما السلام).»

سخن سوم

قال أبو بكر: أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِعَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ:

«عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنْ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ بَعْدِي.»

ابوبکر میگوید: ای مردم! بر شما باد به دوستی و پیروی از علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، پس همانا شنیدم از رسول خدا (صلی

الله علیه و آله و سلم) که میفرمود:

«علی (علیه السلام) بعد از من بهترین کسی است که خورشید بر او تابیده و غروب نموده است.»

سخن چهارم

عمر بن خطاب میگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ.»

«اگر همه مردم بر دوستی علی بن ابیطالب (علیهما السلام) اجتماع میکردند، خداوند آتش را خلق نمیکرد.»

سخن پنجم

ابن عساکر با ذکر دو سند و دیگران با اسناد مختلف نقل کرده‌اند که در دوران حکومت عمر بن الخطاب، دو نفر مرد نزد او رفتند

و از تعداد طلاق کنیز (که مانع رجوع میشود) از وی سؤال کردند. عمر از جا برخاست و همراه آنها نزد حلقهای از مردان که در

مسجد نشسته بودند رفت و بالای سر مردی اصلع ایستاد و گفت: «ای اصلع نظر تو درباره طلاق کنیز چیست؟»

آن مرد سر بلند کرد و دو بار با اشاره به دو انگشت سبابه و وسطی پاسخ داد. عمر هم به آن دو مرد گفت: «با دو مرتبه طلاق

نمیتوان به کنیز رجوع کرد.» پس یکی از آنها گفت: «سبحان الله! ما آمده‌ایم از تو که امیرمؤمنان هستی نظرخواهی و سؤال کنیم، و

تو سراغ این مرد رفتی و از وی سؤال کردی و او هم بدون آن که با تو حرف بزند با اشاره انگشتانش پاسخ داد و تو به این

جوابگویی راضی شدی!» عمر گفت: «آیا شناختید که او کیست؟» گفتند: «نه.»

گفت: «این علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است، گواهی میدهم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود:

"لَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضَ بَيْنَ (السَّبْعِ) وَضَعْنِ فِي كَفِّ مِيزَانٍ وَوَضَعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كَفِّ مِيزَانٍ لَرَجَحَ بِهَا إِيْمَانُ عَلِيٍّ (علیه

السلام)."

"اگر طبقات هفتگانه آسمان و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهند و ایمان علی (علیه السلام) را در کفه دیگر، پس ایمان علی

(علیه السلام) برتری و سنگینی کند."

. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۵، باب ۸۷؛ ماء منقبة، ص ۴۲، المنقبة التاسعة عشر؛ مدينة المعاجز، ج ۳، ص ۳۶، ح ۷۰۰؛ ارجح

المطالب، ص ۴۶۳ و ۵۲۵.

. احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۱۶۱، به نقل از: مناقب العشرة، ص ۱۷؛ وسيلة المآل، ص ۱۲۲؛ مناقبعلی، ص ۴۵؛ وسیلة النجاة، ص ۱۳۵؛

۸۷. احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۵۰، به نقل از: لسان المیزان، ج ۶، ص ۸۷.

۸۸. احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۵۱، حدیث الرابع، به نقل از: ینابیع المودّة، ص ۲۵۱.

۸۹. اُضْلَع کسی است که موی جلوی سر یا پیشانی او ریخته شده باشد.

سخن ششم

عمر بن خطاب میگوید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: «لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا وَالرِّيَاضُ أَقْلَامًا وَالْإِنْسُ كُتُبًا وَالْجَنُّ حُسَابًا مَا أَحْصُوا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ.»
«اگر دریاها مرکب و رویدنیها [از جمله درختان] قلم و انسانها نویسندگان و جنیان همه حسابگر شوند، نمیتوانند فضایل تو را حساب کنند و به شمارش درآورند، ای ابالحسن!»

سخن هفتم

عمر بن خطاب میگوید: «لَقَدْ أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) ثَلَاثُ خِصَالٍ لَّأَن تَكُونَ لِي خِصْلَةً مِنْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ حُمْرُ النَّعَمِ.» قِيلَ: «وَمَا هُنَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟»
قَالَ: «تَزَوُّجِهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ سُكْنَاهُ الْمَسْجِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)، يُحِلُّ لَهُ فِيهِ مَا يُحِلُّ لَهُ وَالزَّايَةُ يَوْمَ خَيْبَرٍ.»

«سه خصلت به علی بن ابیطالب (علیهما السلام) اعطا گردیده است که اگر یکی از آنها به من داده میشد، در نزد من از شتران سرخموی محبوبتر بود (که در آن زمان بسیار زیبا و ارزشمند بودند).» به او گفته شد: «آن سه چیز کدام است، ای امیرالمؤمنین؟»
عمر گفت: «۱- همسری فاطمه زهرا دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ ۲- سکونت او با پیامبر در مسجد و حلال شدن برای وی، آنچه را که بر پیامبر حلال بود، همانند آزادی رفت و آمد و توقف در مسجد؛ ۳- پرچمداری او در جنگ خیبر [که پیروزی مسلمانان را بر یهودیان خیبر به همراه داشت و سبب افتخار و سرافرازی علی (علیه السلام) گردید].»

سخن هشتم

ابوبکر گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) [گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش حضرتش رسید] فرمود:
«آیا میدانید نخله [صیحانی] چه گفت؟»

ما گفتیم: «خدا و رسولش بدان آگاهتر باشند.» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«صَاحَتْ: "هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ وَصِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام)".»

«درخت خرمای صیحانی فریاد زد: این محمد رسول الله و وصیش علی بن ابیطالب است (علیهما السلام).»

۹۰. امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، به نقل از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۶۴ - ۳۶۵ به شماره‌های ۸۷۱ - ۸۷۲.

۹۱. احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۶۱۰، به نقل از: مودّة القربى، مودّة پنجم، ص ۵۵؛ ینابیع المودّة، ص ۲۴۹.

۹۲. احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۶۸، به نقل از: تاریخ الخلفاء، ص ۶۶؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵؛ مجمع

الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ تلخیص المستدرک المطبوع بذیلا المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵.

۹۳. امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، ص ۳۰، به نقل از مناقب علی، ج ۱، ص ۱۵۱.

سخن نهم

از عمر بن خطاب نقل شده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز جنگ خیبر فرمود: «لَا عَظِيْنَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا- يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ، كَرَّارَ غَيْرِ فَرَارٍ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ مِيكَائِيْلُ عَنْ يَسَارِهِ.» فَبَاتَ الْمُسْلِمُونَ كُلُّهُمْ يَسْتَشْرِفُونَ لَذَلِكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ: «أَيْنَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؟» قَالُوا: «أَرَمَدُ الْعَيْنِ.» قَالَ: «أَتُونِي بِهِ.» فَلَمَّا أَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «أَدْنُ مِنِّي.» فَدَنَا مِنْهُ فَتَقَلَّ فِي عَيْنَيْهِ وَ مَسَّحَهُمَا بِيَدِهِ فَقَامَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ كَأَنَّهُ لَمْ يَزُْمْدْ وَ أَعْطَاهُ الرَّايَةَ فَقَتَلَ مَرْحَبَ وَ أَخَذَ مَدِيْنَةَ خَيْبَرَ.

«فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش هم او را دوست دارند. او بسیار به دشمن حمله میبرد، نه این که فرار کند. خداوند به وسیله او پیروزی عنایت فرماید. جبرئیل طرف راستش باشد و میکائیل سمت چپش.»

پس مسلمانان شب را گذراندند، در حالی که آرزوی تشرّف بدین مقام و مأموریت را در سر میپروراندند.

چون صبح شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «علی بن ابیطالب (علیهما السلام) کجاست؟» گفتند: «او دچار چشم درد شده است.»

پیامبر فرمود: «وی را بیاورید.» پس هنگامی که حضرتش را آوردند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «نزدیک من بیا.» و چون نزدیک پیامبر شد به آب دهان، چشمانش را مسح نمود. در این هنگام، علی (علیه السلام) با دیدگان سالم از جا برخاست آنچنان که گویا سابقه چشم‌درد نداشته است. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم را به او داد، او هم مَرْحَبَ (جنگجوی بزرگ یهود) را کشت و خیبر را فتح نمود.

سخن دهم

محبّ الدّین طبری در روایتی نقل نموده که عمر در حال طواف بود و علی (علیه السلام) هم در جلوی او مشغول طواف بود که مردی به عمر گفت: «ای امیرالمؤمنین! حقّ مرا از علی بن ابیطالب بگیر.»

عمر گفت: «حقّ تو از چه قرار است؟» آن مرد گفت: «بر چشم من سیلی زد.»

پس عمر قدری توقّف نمود تا علی (علیه السلام) به وی ملحق شد و به او گفت: «ای ابوالحسن! آیا تو به چشم این مرد سیلی زده‌ای؟» علی (علیه السلام) فرمود: «آری.»

عمر گفت: «به چه علّت؟» علی (علیه السلام) فرمود: «رَأَيْتُهُ يَتَيَّمَلُ حُرْمَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الطَّوَافِ؛ دیدم او در حال طواف به ناموس مؤمنین چشمچرانی میکند.»

عمر گفت: «أَحْسَنْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؛ کار خوبی کردی ای ابوالحسن.»

آنگاه رو به آن مرد کرد و گفت: «وَقَعْتَ عَلَيْكَ عَيْنٌ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ؛ چشمی از چشمان الهی تو را دیده و بر تو سیلی زد. پس حقّی به گردن علی (علیه السلام) نداری که من از او مطالبه کنم.»

سخن یازدهم

عمر بن خطاب میگوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که میفرمود:

«فَضْلُ عَلِيٍّ (علیه السلام) عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ وَ فَضْلُ عَلِيٍّ (علیه السلام) عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ لَيْلَةٍ

الْقَدَرِ عَلَى سَائِرِ اللَّيَالِي وَفَضْلُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَفَضْلِ الْجُمُعَةِ عَلَى سَائِرِ الْأَيَّامِ، فَطُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِهِ وَصِدَّقَ بِوَلَايَتِهِ وَالْوَيْلُ لِمَنْ جَحَدَهُ وَجَحَدَ حَقَّهُ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُنِيلَهُ شَيْئًا مِنْ رَوْحِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا تَنَالُهُ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم).

«برتری علی (علیه السلام) بر این امت مانند برتری ماه رمضان بر ماههای دیگر است. برتری علی (علیه السلام) بر این امت همچون برتری شب قدر بر شبهای دیگر است. برتری علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بر این امت مانند برتری روز جمعه بر روزهای دیگر است. و خوشا به حال کسی که به وی ایمان آورد و ولایتش را تصدیق کند، و وای بر کسی که منکر حق او شود، و بر عهده خداست که در روز قیامت چنین کسی را از رحمت خود برخوردار نسازد و شفاعت حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) به وی نرسد.»

. احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۶۹، به نقل از: المناقب (خوارزمی)، ص ۱۰۲؛ نفحات اللاهوت (کرکی)، ص ۹۱؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۹۷۵؛ منتخب كنز العمال المطبوع بهامش المسند، ج ۵، ص ۴۵.

. امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، به نقل از: الرِّیاضُ النَّصْرَةُ، ج ۲، ص ۱۴۵.

. احقاق الحق، ج ۵، ص ۷۰، به نقل از: دُرُ بحر المناقب، ص ۱۰۷؛ الاربعین (ایبالفوارس)، ص ۱۴.

سخن دوازدهم

معاویه از دشمنان سرسخت علی (علیه السلام)، روزی در کنار پسرش یزید و مشاورش عمرو عاص بود که شخصی بر آنها وارد شد و هدیه نفیسی به او اهدا کرد. معاویه به آن دو نفر گفت: هر یک از ما یک بیت شعر در شأن علی (علیه السلام) بگوییم، هر که شعرش از نظر ظاهر و معنی جالبتر و زیباتر بود، صاحب این هدیه باشد.

یزید و عمرو عاص پیشنهاد او را پذیرفتند، ابتدا معاویه گفت:

خَيْرُ الْوَرَى مِنْ بَعْدِ أَحْمَدَ خَيْرٌ وَالنَّاسُ أَرْضٌ وَالْوَصِيُّ سَمَاءٌ

یعنی: «بهترین موجودات پس از پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم)، علی (علیه السلام) است. انسانها در مقایسه با آن حضرت چون زمین هستند و آن وصی پیامبر چون آسمان.»

عمرو عاص گفت:

هَذَا الَّذِي شَهِدَ الْعَدُوُّ بِفَضْلِهِ وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ

یعنی: «علی (علیه السلام) کسی است که دشمن به فضیلت و آقایی او گواهی میدهد، کمال فضیلت آن است که دشمنان به آن گواهی دهند.»

یزید گفت:

كَمَلِيحَةٍ شَهِدَتْ بِهَا ضَرَائُهَا وَالْحُسْنُ مَا شَهِدَتْ بِهِ ضُرَاءُ

یعنی: «او مانند نمکینی است که حسودان برای برتریش گواهی داده‌اند و حُسن و خوبی در واقع آن است که حسودان به وجود آن شهادت دهند.»

شعر عمرو عاص از نظر شیدایی عبارت، برنده تشخیص داده شد و آن هدیه نفیس نصیب او گردید.

سخن سیزدهم

از شافعی، پیشوای فقهی فرقه شافعی، نقل کرده‌اند که گفته است :

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَضْلِ إِنَّكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

«ای خاندان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، محبت به شما، از سوی خداوند واجب شده است، که خداوند آن را در قرآن ذکر فرموده است.

در عظمت فضیلت شما کفایت میکند که هر شخصی بر شما صلوات نفرستد، نماز او قبول نخواهد شد.»

و در شعر دیگری میگوید :

لَوْ أَنَّ الْمُتَرْضَى أَبَدَى مَحَلَّهُ لَصَارَ النَّاسُ طُرَا سَجَدَا لَهُ
كَفَى فِي فَضْلِ مَوْلَانَا عَلَيَّ وَقُورُ الشَّكِّ فِيهِ أَنَّهُ اللَّهُ
وَمَاتَ الشَّافِعِيُّ وَلَيْسَ يَدْرِي عَلَيَّ رَبُّهُ أَمْ رَبُّهُ اللَّهُ

«اگر مقام و منزلت علی (علیه السلام) آشکار میشد و مردم آن حضرت را میشناختند، همه در مقابلش به سجده میافتادند.

و در فضیلت مولایمان علی (علیه السلام) همین بس، که در مورد خدا بودن او شک وجود است.

و شافعی در حالی مُرد که ندانست و نفهمید که علی (علیه السلام) خدای اوست یا الله خدای اوست.»

. پُرستارترین آسمان، به نقل از: پنندهای جاویدان، ج ۳، ص ۱۴.

. ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۴۳۴، ش ۱۹۷.

. مناقب مرتضوی (صالح کشفی حنفی)، ص ۱۵.

سخن چهاردهم

عمر بن عبدالعزیز میگوید :

«پدرم فرماندار مدینه و از گویندگان توانا و سخنسرایان نیرومند بود و خطبه نماز را با کمال فصاحت و بلاغت ایراد میکرد، ولی از آنجا که طبق بخشنامه حکومت شام، ناچار بود در میان خطبه نماز، علی (علیه السلام) و خاندان او را لعن کند، هنگامی که سخن به این مرحله میرسید، ناگهان، در بیان خود دچار لکنت میشد و چهره او دگرگون میگشت و سلاست سخن را از دست میداد. من از پدرم علت را پرسیدم، گفت: "اگر آنچه را که من از علی (علیه السلام) میدانم، دیگران نیز میدانستند، کسی از ما پیروی نمیکرد و من با توجه به مقام منیع علی به او ناسزا میگویم؛ زیرا برای حفظ موقعیت آل مروان ناچارم چنین کنم."»

فصل هفتم

اشاره

«خداوند بزرگ، هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که این روز را عید گرفت و عظمت و مقام آن را شناخت.» امام صادق (علیه السلام)

پیشینه تاریخی روز عید غدیر

- ۱- در این روز، خداوند توبه حضرت آدم (علیه السلام) را پذیرفت.
- ۲- در این روز، حضرت شیث، وصی حضرت آدم (علیه السلام) شد.
- ۳- در این روز، خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) را از آتش نجات داد.
- ۴- در این روز، حضرت سلیمان (علیه السلام) از مردم بر جانشینی آصف بن برخیا گواهی گرفت.
- ۵- در این روز، حضرت موسی (علیه السلام) بر جادوگران پیروزی یافت.
- ۶- در این روز، حضرت موسی (علیه السلام) هارون را وصی خویش قرار داد.
- ۷- در این روز، حضرت موسی (علیه السلام) یوشع بن نون را به خلافت و جانشینی خویش برگزید.
- ۸- در این روز، حضرت عیسی (علیه السلام) اعلان کرد که شمعون الصفا وصی من است.
- ۹- در این روز، کشتی نوح (علیه السلام) بر کوه جودی قرار گرفت.

عظمت غدیر در کلام معصومین :

غدیر در کلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) وصیت فرمود که این روز را عید بگیرد و فرمود: «پیامبران هم چنین میکردند و به جانشینان خود وصیت میکردند که این روز را عید بگیرند.»

غدیر در کلام حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

- . فروغ ولایت (سبحانی)، ص ۳۵، به نقل از: شرح نهج البلاغه (ابن ابیالحدید)، ج ۱۳، ص ۲۲۱.
- . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۵، ح ۱۳۸۰۵.
- . عوالم العلوم، ج ۱۵ / ۳، ص ۳۰۹.
- . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۵، ح ۱۳۸۰۵.
- . بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.
- . همان.
- . إقبال الاعمال، ص ۴۶۶.
- . بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.
- . بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۴.
- . همان، ج ۴۵، ص ۲۰۲، ح ۴.
- . عوالم العلوم ج ۱۵ / ۳ ص ۲۰۸.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در سالی که عید غدیر با روز جمعه همزمان شد، خطبهای ایراد فرمودند و مطالب بسیار مهمی درباره عید غدیر فرمودند. از جمله فرمودند :

«وَيَوْمَ الْبَيَانِ عَنْ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ وَيَوْمَ دَحْرِ الشَّيْطَانِ وَيَوْمَ الْبُرْهَانِ. (هَذَا يَوْمُ الْفَضْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ) .»

«امروز، روز بیان حقایق ایمان و روز رانده شدن شیطان و روز دلیل استوار و برهان است». امروز، همان روز جدایی (حق از باطل)

است که آن را تکذیب می‌کردید!"

غدیر در کلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) در روزهای پایانی عمر خود، هنگامی که عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت آن حضرت آمدند و گفتند: «ای بانوی بزرگ! اگر ابوالحسن این مطالب را قبل از بیعت با اهل سقیفه برای ما میگفت، هرگز با دیگری به جای او بیعت نمی‌کردیم»، فرمود:

«از من دور شوید که عذری از شما پذیرفته نیست... فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِإِخِيْدِ بَعْدِ غَدِيرِ حُمٍّ مِنْ حُجَّهِ وَلَا عُذْرٍ؛ بعد از روز غدیر خم، خداوند هیچ دلیل و عذری برای احدى باقی نگذاشته است.»

غدیر در کلام امام حسن مجتبی (علیه السلام)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روزی بر فراز منبر رفتند و فرمودند: «وَقَدْ رَأَوْا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) نَصَبَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ وَأَمَرَهُمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْهُمْ الْغَائِبَ.»

«این امت، پدرم را رها کردند و با غیر او بیعت کردند، در حالی که خودشان دیدند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پدرم را در روز غدیر خم منصوب فرمود و به آنان دستور داد حاضرانشان به غایبان خبر دهند.»

غدیر در کلام امام حسین (علیه السلام)

حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) یک سال پیش از مرگ معاویه، در موسم حج در منی، بیش از هفتصد نفر، که حدود دو‌یست نفرشان از اصحاب پیامبر بودند، را در خیمه خود جمع کرد و در خطابه‌ای بر جنایات معاویه و فضایل پدرش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آنان اقرار گرفت. از جمله فرمود:

«أُنْشِدُكُمْ اللَّهَ! اَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ فَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ وَقَالَ: لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ؟»

قالوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ.

«شما را به خدا قسم میدهم آیا میدانید که پیامبر در روز غدیر او را منصوب کرد و ولایت را برای او اعلام نمود و فرمود: باید حاضرین به غایبین خبر دهند؟» همه جمعیت گفتند: «آری، به خدا قسم!»

غدیر در کلام امام سجاد (علیه السلام)

هنگامی که از حضرت سجاد (علیه السلام) پرسیدند: «معنای کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چیست که فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ"، "؟ فرمود:

«أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَهُ؛ به مردم خبر داد که علی بن ابیطالب (علیهما السلام) امام بعد از اوست.»

. سوره صافات، آیه ۲۱.

. مصباح کفعمی، ص ۶۹۸؛ مصباح المتهجد، ص ۷۵۵.

. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶۱.

. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۶۲، ح ۱۲؛ أمالی طوسی، مجلس ۲۰، ص ۵۵۹، ح ۱۱۷۳.

. کتاب سلیم، ص ۷۹۱، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۸۲، باب ۱۷.

. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۷، ح ۱۳۹.

غدير در کلام امام محمد باقر (عليه السلام)

آبان بن تغلب از امام محمد باقر (عليه السلام) پرسید: «معنای کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چیست که فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ". "؟ حضرت فرمود:

«يَا أَبَا سَعِيدٍ! تَسْأَلُ عَنْ مِثْلِ هَذَا؟! أَعَلَمْهُمْ أَنَّهُ يَقُومُ فِيهِمْ مَقَامُهُ.»

«آیا چنین مطلبی جای سؤال دارد؟ آن حضرت به مردم فهمانید که جانشین او خواهد بود.»

غدير در کلام امام جعفر صادق (عليه السلام)

امام صادق (عليه السلام) پس از نقل واقعه غدیر، آیه (يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)؛ «آنها نعمت خدا را میشناسند سپس آن را انکار میکنند»، تلاوت کرد و فرمود:

«يَعْرِفُونَهَا يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَ يُنْكِرُونَهَا يَوْمَ السَّقِيفَةِ.»

«در روز غدیر آن نعمت (ولایت) را میشناسند و در روز سقیفه آن را انکار میکنند.»

غدير در کلام امام کاظم (عليه السلام)

زمانی که هارون، حضرت کاظم (عليه السلام) را احضار کرد و مسائلی را از جمله درباره ولایت اهل بیت: از ایشان پرسید، حضرت فرمودند:

«ما میگوییم ولایت همه خلایق با ماست... ما این ادعا را از کلام پیامبر در غدیر خم داریم که فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ.»

غدير در کلام امام رضا (عليه السلام)

امام رضا (عليه السلام) حدیث غدیر را با سند متصل، از پدرش موسی بن جعفر، از امام صادق، از امام باقر، از امام سجّاد، از امام حسین، از امیرالمؤمنین:، از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کردند که فرمود:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ.»

«هر که من مولای او بودهام، علی (عليه السلام) مولای اوست. خدایا! دوست بدار آن که او را دوست بدارد، و دشمن بدار آن را که با وی دشمنی کند، و خوار کن هر که او را خوار کند و یاری کن هر که او را یاری کند.»

غدير در کلام امام عسکری (عليه السلام)

حسن بن ظریف به امام عسکری (عليه السلام) نامه‌ای نوشت و معنای «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ» را سؤال کرد. حضرت در جواب او فرمودند:

«أَرَادَ بِذَلِكَ أَنْ يَجْعَلَهُ عَلَمًا يُعْرَفُ بِهِ حِزْبُ اللَّهِ عِنْدَ الْفُرْقَةِ.»

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میخواست با این کلام او را علامت و نشانهای قرار دهد که هنگام تفرقه و اختلافات، حزب

خداوند با او شناخته شوند.»

مدارک و اسناد متن خطبه غدیر

بسیاری از بزرگان و دانشمندان اسلامی، خطبه غدیر را نقل کرده و این میراث بزرگ را به نسلهای بعدی رسانده‌اند، از جمله آنان میتوان به دانشمندان زیر اشاره نمود:

- علامه ابن فثال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه. ق) در: روضه الواعظین، جلد اول، صفحه ۸۹.
- شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه. ق) در: الاحتجاج، جلد اول، صفحه ۵۶.
- سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه. ق) در: الإقبال، صفحه ۴۵۴.
- علامه شیخ حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق) در: اثبات الهداء، جلد دوم، صفحه ۱۱۴ و جلد سوم، صفحه ۵۵۸.
- علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ه. ق) در: بحار الأنوار، جلد ۳۷، صفحه ۲۰۱.
- علامه سیدهاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه. ق) در: کشف المهم، صفحه ۱۹۰.
- علامه علی بن یوسف حلّی (متوفای قرن ۸ هجری) در: العُدّة القویّه، صفحه ۱۶۹.
- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام).

-
- . اثبات الهداء، ج ۳، ص ۳۷، ح ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۲۳، ح ۹۷.
 - . سورة نحل، آیه ۸۳.
 - . جامع الأخبار، ص ۱۱، فصل الخامس؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۳۶.
 - . بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۴۷.
 - . اثبات الهداء، ج ۳، ص ۱۰۷، ح ۴۲۵؛ عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۸۳، و ص ۵۹، ح ۲۲۷.
 - . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۲۳، ح ۹۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۱۴۵، ح ۶۰۶؛ كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۲۳.

تحلیل و بررسی معنای حدیث غدیر

منظور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از بیان جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»، چیزی جز تعیین خلافت و جانشینی حضرت علی (علیه السلام) نبوده است. آنان که با حرفهای بیاساس از این فرمان الهی سرپیچند و میپندارند معانی «مولی» در کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، «دوست»، «یاور»... است، به معنای دقیق و حقیقی سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) توجه نداشته و می‌خواهند بر پندار نادرست خویش تعصّب ورزند. با کمی تأمل در خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر پی می‌بریم که غدیر، فقط یک واقعه و رویداد تاریخی نیست. غدیر، روزی است که خداوند به وسیله آن دین خود را کامل کرد. غدیر، روز آشکار شدن حقیقت، روز بیان حقایق ایمان و روز منصوب شدن امیرمؤمنان (علیه السلام) به خلافت و جانشینی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امر الهی است.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با جمله معروف و مشهور خود در روز غدیر، نه فقط امامت، خلافت و وصایت حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، بلکه ولایت مطلقه الهیه آن حضرت را برای عالمیان بیان فرموده است. به این مطلب در روایات نیز اشاره شده است؛ همانگونه که سلمان در غدیر خم از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: ولایت علی (علیه السلام) همانند کدام ولایت است؟ حضرت فرمود: «ولایت او همچون ولایت من است. هر کس را که من نسبت به او از خودش بیشتر اختیار دارم،

علی هم نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر است.»

ما در اینجا با استفاده از قرینه‌هایی که در خطبه غدیر وجود دارد روشن خواهیم نمود که منظور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از حدیث غدیر، تعیین خلیفه بلافصل بعد از خود بوده است.

قراین اثبات ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در حدیث غدیر

قرینه اول

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز سخن خویش فرمود: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ آیا من سزاوارتر به شما از خودتان نیستم؟» همگان پاسخ دادند: «خدا و رسولش آگاهتر است.» سپس فرمود: «خداوند ولی و صاحب اختیار من است و من نیز ولی و صاحب اختیار مؤمنان هستم.» آنگاه بلافاصله این جمله را فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ.» اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث غدیر، معنایی دیگر غیر از معنایی که در مقدمه سخن خود «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» برای کلمه «مولى» منظور داشته، اراده فرموده بود، رشته ارتباط فرمایش آن حضرت گسیخته میگردید و قسمتی از آن با قسمت دیگر بیارتباط میگشت و سخن آن جناب از مرز فصاحت و بلاغت خارج میشد، در حالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از بلیغترین کسانی است که به زبان عربی سخن گفته است. بنابر این، جز اعتراف به ارتباط اجزای سخن پیامبر راهی نداریم.

بر همین اساس، از مقدمه سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این خطبه درمیابیم که آن حضرت خواسته است همان ولایت و رهبری و صاحب اختیاری خودش را بر مؤمنین که همه حاضران بدان اعتراف و اقرار نمودند، برای حضرت علی (علیه السلام) ثابت کند، لذا ولّی بودن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از همان سنخ مولا بودن خدا و پیامبر است و آن چیزی جز ولایت و رهبری حضرت علی (علیه السلام) نیست.

سبط ابن جوزی، از دانشمندان اهل تسنن، پس از آنکه ده معنی برای کلمه «مولى» برمیشمرد و معنای «اولی» را معنای دهم بیان میکند، میگوید:

«مراد از کلمه "مولى" در حدیث غدیر همان اطاعت مخصوص است که این همان معنی دهم (یعنی اولی) است و معنای حدیث اینچنین میشود که هر کس من اولی بر او از خودش هستم، پس علی هم بر او اولی است.»

فرازی از دعای عید غدیر: شکر خدای را که کمال دینش و تمام نعمتش را همراه با ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد.

عوالم العلوم، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۶۱.

قرینه دوم

بنابر قول جمع زیادی از علمای شیعه و سنی، آیه شریفه «(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ)» ای

پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً به مردم برسان و اگر انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده‌ای»، درباره واقعه غدیر خم نازل شده است.

این خطاب مؤکد که خداوند میفرماید: «اگر ابلاغ نکنی در حقیقت رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای»، قطعاً مربوط به ابلاغ حکمی از احکام شرعی نیست؛ زیرا سابقه ندارد که خداوند در مورد ابلاغ حکمی از احکام شرعی، حتی نماز و روزه و جهاد، چنین تأکید و تهدیدی کرده باشد، چه رسد به احکام دیگر.

واقعاً این چه امر مهم و خطیری است که اگر پیامبر آن را انجام ندهد، آن همه رنج و سختی که در راه رسالت دین خدا در مدت بیست و سه سال، چه در مکه و چه در مدینه، به جان خویش خرید، جملگی از بین خواهد رفت. آیا عقل سلیم جز این حکم میکند که این امر باید تداوم بخش رسالت نبوی و ضامن بقای آن باشد که همان ولایت و پیشوایی امت اسلام است؟

قرینه سوم

در بسیاری از منابع شیعه و سنی آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در دنباله حدیث فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَهُ؛ خدایا! دوستدار علی (علیه السلام) را دوست بدار و با دشمن او دشمنی کن.» این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خود، دلیل روشنی است بر آن که مقصود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از معنای کلمه «مولی» چیزی جز ولایت و رهبری نبوده است؛ چرا که لازمه سخن حضرت، با توجه به عام و فراگیر بودن محتوای آن که فرامکانی و فرازمانی است آن است که حضرت علی (علیه السلام) در هر زمان و هر مکان موصوف به عصمت و مصون از هر گناه و خطا باشد و جز بر محور حق و حقیقت عمل نکند. در غیر این صورت، یعنی در صورتی که حضرت علی (علیه السلام) در معرض گناه و اشتباه قرار گیرد، لازم است که بر او اعتراض شود و به خاطر عمل نادرستش از او اعراض و دوری شود، در حالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور عام و بدون استثنا کردن زمان و مکان فرموده است: «پروردگارا! دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را.» بر این اساس، کسی که دارای چنین مقامی باشد، واجب است که امام بر حق باشد؛ چرا که امامت کسی که پایتتر از اوست بر طبق موازین استدلالی قبیح و ناروا است. پس باید گفت که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جز معنای امامت و رهبری از کلمه «مولی» چیز دیگری اراده نفرموده است.

. تذکره الخواص، ص ۲۵.

. سوره مائده، آیه ۶۷.

. ر.ک: الغدير، ج ۱، ص ۴۲۳.

قرینه چهارم

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز خطبه خویش فرمودند: «به سرای آخرت فراخوانده شده‌ام و نزدیک است دعوت حق را لبیک بگویم و به جهان آخرت بروم...»

از این سخن این حقیقت معلوم میشود که از وظایف تبلیغی آن حضرت موضوع مهمی باقی است که نگرانند مبدا رحلتشان فرارسد و آن را اعلام نکرده باشند. باید گفت که انتظار طبیعی مردم که این خبر سنگین و اندوهبار و اضطراب‌آور را میشنیدند آن بوده که پیامبر تکلیف آنان را برای زمان پس از ارتحالشان روشن کند. از درایت و عطف پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به امت نیز انتظاری غیر از تعیین تکلیف آینده نمی‌رود.

با توجه به این مطالب، آیا پیغمبر جز معنای ولایت و رهبری، معنای دیگری از کلمه «مولی» اراده کرده بود؟

قرینه پنجم

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از بیان حدیث فرمودند: «أَلَا فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ؛ حاضران به غایبان اطلاع دهند.» آیا با این تأکید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، که حاضران این خبر را به غایبان ابلاغ کنند، میتوان گفت که منظور آن حضرت، فقط دوستی حضرت علی (علیه السلام) بوده است؟ دوستی حضرت علی (علیه السلام) و سایر مؤمنان چیز پنهانی نبوده است. این مسأله پیش از این نیز بر اساس آیات قرآن مجید برای هر فردی روشن و ظاهر بوده است؛ چنانکه در قرآن میخوانیم: «مؤمنان با هم برادرند» و «مؤمنان نباید کافران را به سرپرستی خود برگزینند، که هر که چنین کند، هیچ رابطهای با خدا ندارد.»

آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انبوه جمعیت را در آن گرمای سوزان جمع کرد تا مطالب آشکار و بدیهی را بازگو کند؟ آیا مسلمانان وضعیت خویش را نسبت به دوستی با حضرت علی (علیه السلام) نمیدانستند؟ بتردید، مقصود اصلی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از این امر، آنهم با چنان تأکید و اصراری که به گوش همگان برسد، چیزی جز ولایت و پیشوایی حضرت علی (علیه السلام) نبوده است.

قرینه ششم

از قرینههای دیگر، اشعار حسان بن ثابت است که در همان روز و همان جا بلافاصله پس از خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست و پس از کسب اجازه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اشعاری سرود. از آن جمله گفت:

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ وَإِنِّي رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَهَادِيًا
فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ فَكُونُوا لَهُ أَتْبَاعَ صِدْقٍ مُوَالِيًا

«پیامبر فرمود: یا علی! برخیز! خشنودم که تو بعد از من امام و هادی باشی. پس هر که من مولای او هستم، این (علی علیه السلام) مولای اوست. ای مردم! فرمانبردار و پیرو راستین او باشید.»

این اشعار را حسان در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سرود و خواند، پس اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی غیر از ولایت و رهبری از معنای کلمه «مولی» لحاظ کرده بود، حتماً هنگامی که حسان در شعر خود از فهم و درک خویش به عنوان پیشوا و رهبر تعبیر کرد، به او اعتراض مینمودند و جلوی خطایش را میگرفتند؛ چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای هدایت انسانها آمده است و باید جلوی انحرافات و کجرویها را بگیرد.

اما میبینیم که نه تنها رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به این تعبیر حسان نسبت به امیر مؤمنان (علیه السلام) اعتراض نکردند، بلکه او را تأیید و تشویق نمودند و فرمودند: «ای حسان! تا زمانی که با زبانت ما را یاری مینمایی، روح القدس یاریت کند.»

۱. الغدير، ج ۱، ص ۳۴.

همان، ج ۱، ص ۳۵.

سوره حجرات، آیه ۱۰.

سوره آل عمران، آیه ۲۸.

الغدير، ج ۲، ص ۶۳.

تذكرة الخواص، ص ۳۲؛ كفاية الطالب، ص ۶۴.

قرینه هفتم

پس از آن که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حدیث غدیر را بیان فرمودند، به مسلمانان دستور دادند که به حضرت علی (علیه السلام) به خاطر این مقام و منصب تبریک و تهنیت گویند.

مردم گروه گروه به خدمت آن حضرت میرسیدند و با ایشان بیعت میکردند و به آن حضرت تبریک میگفتند. این مراسم سه روز به طول

انجامید. بیان این نکته ضروری است که خود این تهنیت و بیعت کردن، دلالت بر این معنی میکند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از کلمه «مولی» جز خلافت و رهبری، چیز دیگری در نظر نداشته و آنچه معمول بوده است برای امر خلافت بیعت میگرفتند.

ابوبکر و عمر نیز قبل از همه پیش آمدند و گفتند: «بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا بَنَیْ أَبِیْطَالِبٍ! أَصْبَحْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ آفرین بر تو ای پسر ایطالب که مولای همه مؤمنان مرد و زن شدی.» تعبیر «أَصْبَحْتَ» که آن دو گفتند،

حکایت از رُخ دادن یک رویداد جدید است که پیش از آن برای حضرت علی (علیه السلام) نبوده است.

اگر کلمه «مولی» را به معنای دوست بگیریم، در آن صورت، بدین معنا خواهد بود: «از این پس حضرت علی (علیه السلام) دوست همه مؤمنان زن و مرد شده است»، در حالی که قبلاً آیاتی نظیر: «مؤمنان دوستان یکدیگرند.» و یا

«مؤمنان برادر یکدیگرند»، نازل نشده بود، و این معنی، بهویژه در مورد

حضرت علی (علیه السلام) که سرآمد مؤمنان بود، یک مسأله محقق و قطعی بود و دیگر یک امر جدید به حساب نمیآمد تا ابوبکر و عمر اینگونه به آن حضرت تبریک بگویند.

همچنین باید افزود که از شأن و منزلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دور است که این واضحات و بدیهیات را در آن هنگامه حساس و نفسگیر برای مردم بیان کند و به خاطر آن، مردم را در آن گرمای سوزان بایستاند.

قرینه هشتم

در تفاسیر فراوانی از عالمان شیعه و سنی آمده است که شأن نزول آیه

شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛ «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»، واقعه غدیر خم بوده است.

حال، این سؤال مطرح میشود که این چه امر خطیر و مهمی بوده است که با ابلاغ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن روز، خدا دین خویش را کامل کرد و نعمتش را بر مردم به حد تمام رسانید؟

اگر بگوییم این امر مهم، دوستی و یاری حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، که با لحاظ کردن آیات و روایات، قبل از آن ثابت گردیده بود. دیگر آن که، بسیاری از اصحاب و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از آن رویداد حضرت علی (علیه السلام) را دوست میداشتند. پس دیگر چه جای آن بود که روز غدیر خم دین خدا کامل و نعمتش تمام شود؟

لذا باید گفت که این امر چیزی نیست جز تعیین پیشوایی و رهبری امت اسلامی پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا تکلیف بقای دستاوردهای رسالت نبوی مشخص گردد. آری، بدین وسیله است که نعمت خداوند بر مردم تمام و کامل میشود. در حقیقت، بدون این امر، دین و رسالت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کامل نمیگردید؛ چرا که هیچ تضمینی برای حفظ آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از حیات ایشان وجود نمیداشت. از همینروست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نزول این آیه فرمودند: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) مِنْ بَعْدِي؛ الله اکبر که دین خود را کامل و نعمت خویش را تمام کرد و از رسالت من و ولایت حضرت علی (علیه السلام) پس از

من راضی و خشنود شد.» بر این پایه، با توجه به واضح بودن این کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و نیز لفظ «من بعدی»، جای شک و تردید برای کسی باقی نمی‌ماند که معنای سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، خلافت و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بوده است؛ چرا که هر معنایی غیر از ولایت و رهبری برای این کلام تصوّر نماییم، معنا و مفهوم کلام اشتباه خواهد بود و در آن صورت باید بگوییم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسلمانان را امر کرد که بعد از خودش حضرت علی (علیه السلام) را دوست داشته باشند و او را یاری نمایند و این مستلزم آن است که در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دوستی و یاری حضرت علی (علیه السلام) واجب نبوده است!

همچنین اگر «مولی» را در حدیث به معنی محبت و نصرت بگیریم، سیاق کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) واژگون می‌گردد و به جای آن که مایه مباهات و فخر باشد، یک نوع نقص و ضعف محسوب می‌شود.

. الغدير، ج ۱، ص ۵۰۸.

. همان، ج ۱، ص ۶۵۸.

. همان، ج ۱، ص ۵۰۸ تا ۵۲۸، نام شصت تن از علمای اهل تسنن را بیان نموده که جریان تهنیتو تبریک ابوبکر و عمر را نقل کرده‌اند.

. سوره توبه، آیه: ۷۱ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ».

. سوره حجرات، آیه: ۱۰ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».

. ر.ک: الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۵۹.

. سوره مائده، آیه ۳.

قرینه نهم

بزرگان اهل تسنن در کتابهای خود آورده‌اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر، عمامه مخصوص خود را که «سحاب» نام داشت بر سر مبارک حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) گذاشتند.

این حرکت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) معنای خاصی دارد؛ زیرا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «الْعِمَامُ، تِيجَانُ الْعَرَبِ؛ عِمَامَتُهَا تَاجُهَايَ عَرَبِ هَسْتَنْد.»

مرتضی حنفی زبیدی در کتاب تاج العروس می‌گوید: «عمامه در فرهنگ عرب مانند تاجهای پادشاهان است؛ چرا که بیشتر اعراب در بیابانها و صحراها سربرهنه‌اند و یا نوعی پوشش غیر از عمامه بر سر دارند، لذا عمامه در میان آنها کم است. در جایی دیگر آمده است: عَمَمَ (عمامه بر سر او

نهاد) به معنی سَوْد (سروری یافت)، است. پس همانگونه که در زبان فارسی گفته می‌شود: «تاج گذاری کرد»، در زبان عربی گفته می‌شود: «عمامه بر سر نهاد».

بنابر این، این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن روز عمامه خویش را بر سر حضرت علی (علیه السلام) گذاشت، اشاره به این است که آن حضرت به مقام خلافت نایل شده است و پیامبر پس از خود ولایت و حکومت بر مردم را به ایشان سپرده است

قرینه دهم

نزول آیه شریفه (سَلِّ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ)؛ «کسی از خدا عذابی

حتمی خواست»، به قول مفسران شیعه و سنی، در مورد واقعه غدیر خم و درباره شخصی به نام «حارث بن نعمان فهري» بوده است. همینکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم در برابر مسلمانانی که از مراسم حج برگشتند، حدیث شریف غدیر را بیان نمودند، خبر آن در همه شهرها پخش شد. پس از این رویداد، حارث بن نعمان فهري، پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: «ای محمد! از طرف پروردگار به ما دستور دادی تا به وحدانیت خدا شهادت دهیم و این که تو فرستاده اویی، ما هم قبول کردیم. دستور دادی نماز بگزاریم و زکات دهیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز پذیرفتیم و انجام دادیم. حال، به این مقدار راضی نشدی تا این که دست پسر عمویت را بلند کردی و او را بر ما برتری دادی؟ و گفتی "هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست"، این سخن را از خودت گفتی یا از خدا؟»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «به آن که جانم در دست اوست و جز او معبودی نیست سوگند میخورم که این فرمان از سوی پروردگار است.»

حارث برگشت و گفت: «خدایا! اگر این که محمد میگوید حق است، از آسمان سنگی بر من بینداز و یا به عذابی دردناک گرفتارم کن.» حارث اندک زمانی حرکت نکرده بود که عذاب الهی بر سرش فرو ریخت و در دم هلاک شد و آیه مذکور نازل شد. حال، شما قضاوت کنید؛ اگر مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از حدیث غدیر، محبت یا یآوری امام علی (علیه السلام) بود، این چنین مورد اعتراض این شخص متعصب و جاهل قرار می‌گرفت؟

آری، این همان ولایت مطلقهای بود که کافران قریش درباره خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدان ایمان نیاوردند، تا این که معجزات فراوان یا نبردهای پی در پی روی داد. علی بعد احمد به نص جلی بود بر تمام خلائق ولی چنین گفت سالار پیغمبران علی از من است و منم از علی

. الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۵۹.

. ر.ک: الغدير: ۱ / ۵۳۹.

. جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۹۳؛ النهایة، ج ۱، ص ۱۹۹.

. تاج العروس، ج ۲، ص ۱۲.

. همان، ج ۸، ص ۴۱۰.

. سوره معارج، آیه ۱.

. علامه امینی در کتاب الغدير، ج ۱، ص ۴۶۰ تا ۴۷۱، نام ۳۱ نفر از بزرگان اهل تسنن را برشمردهاست که این مطالب را در آثار خود آورده‌اند.

فرازهایی از خطبه غدیر

اشاره

همانگونه که پیشتر گفتیم، خطبه عظیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر به تفصیل در کتب معتبر حدیثی شیعه و سنی نقل شده است. آن حضرت در فرازهایی از سخنان خود، فضیلت‌های امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان پاک او را بیان

فرموده که در این بخش، ما چهارده فراز آن را بیان خواهیم کرد.

فراز اول

«فَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).»

«خداوند به من چنین وحی کرده است: "بسم الله الرحمن الرحيم، ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان". درباره علی (علیه السلام)، یعنی خلافت علی بن ابیطالب" و اگر انجام ندهی رسالت او را نرساندهای و خداوند تو را از [آشر] مردم حفظ میکند.»

فراز دوم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَلُّوهُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا (علیه السلام) وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).»

«ای مردم! علی (علیه السلام) را [بر دیگران] فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من جمع کرده است و هر علمی را که آموختهام در امام متقین جمع نموده‌ام، و هیچ علمی نیست مگر آن که آن را به علی (علیه السلام) آموختهام. اوست امام مبین که خداوند در سوره یاسین ذکر کرده است ("وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)؛ و همه چیز را در امام آشکار جمع کردیم.»

. طرائف، ص ۳۲۰.

. ر.ک: قطره‌های از دریای غدیر، ص ۶۸.

. برای مشاهده نسخه‌های جامع از خطبه غدیر، به اسرار غدیر، مراجعه شود.

. سوره مائده، آیه ۶۷.

. سوره یس، آیه ۱۲.

فراز سوم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ وَلَا تَسْتَكْبِرُوا مِنْ وَلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمِيَّةٌ لَائِمٌ، أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ لَمْ يَشَيْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ، وَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ، أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ، أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ.»

«ای مردم! از او (علی (علیه السلام)) به سوی دیگری گمراه نشوید و از او روی برمگردانید و از ولایت او سر باز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل میکند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی مینماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده‌های او را مانع نمیشود.

او (علی (علیه السلام)) نخستین کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچ کس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت. اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد. اوست که با پیامبر خدا بود، در حالی که هیچ کس از مردان همراه او خدا

را عبادت نمیکرد؛ اولین مردم در نماز گزاردن و نخستین کسی است که با من خدا را عبادت کرد. از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد، او هم در حالی که جاننش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.»

فراز چهارم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهِ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تُكَرَّ أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.»

«ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه‌اش را نمیپذیرد و او را نمیبخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت و تا آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از این که با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.»

فراز پنجم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ، أَلَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ خَبَرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: "مَنْ عَادَى عَلِيًّا (عليه السلام) وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي (وَلَتَنْظُرُنَّ نَفْسٌ مَا قَدَمْتُ لِيْغِدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ) أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزَلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا (إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)."»

«ای مردم! علی (علیه السلام) را برتری دهید که همانا او برترین مردم بعد از من از هر مرد و زن است تا آن هنگام که خداوند رزق و روزی را نازل میکند و خلق باقی هستند. ملعون است، ملعون است، مورد غضب است، مورد غضب است کسی که این گفتار را رد کند و با آن موافق نباشد.

بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و میگوید: "هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد. و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است. "از خدا بترسید که با علی (علیه السلام) مخالفت کنید، و در نتیجه، قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد. خداوند از آنچه انجام میدهید آگاه است."»

فراز ششم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْأَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ)»

«.

«ای مردم! خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس آنان که به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند اقتدا نکنند، تا روز قیامت و در پیشگاه خداوند عَزَّوَجَلَّ، اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود، مجازاتشان تخفیف نمییابد، و به آنها مهلت داده نمیشود.»

. سوره حشر، آیه ۱۸.

. سوره آل عمران، آیه ۸۸.

فراز هفتم

«أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا (عليه السلام) إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا (عليه السلام) إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ وَفِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا عَلِيٌّ (عليه السلام) الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.»

«بدانید که با علی (علیه السلام) دشمنی نمی‌کند مگر شقی، و با علی (علیه السلام) دوستی نمی‌کند مگر باتقوا، و به او ایمان نمی‌آورد مگر مؤمن مخلص. به خدا سوگند سوره "والعصر" درباره علی (علیه السلام) نازل شده است: "قسم به عصر، همانا که انسان در زیان است" مگر علی بن ابیطالب (علیهما السلام) که ایمان آورد و به حق و صبر راضی شد.»

فراز هشتم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) الْبَشِيرُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) هَادٍ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَصِيٌّ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) الْإِمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي وَ الْإِئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدَهُ، أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ.»

«ای مردم! بدانید که من نذیر و ترسانندهام و علی بشارت دهنده است. ای مردم! بدانید که من منذر و برحذر دارندهام و علی (علیه السلام) هدایت کننده است. ای مردم! من پیامبرم و علی (علیه السلام) جانشین من است. ای مردم! بدانید که من پیامبرم و علی (علیه السلام) امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند، بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او به وجود می‌آیند.»

فراز نهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لَدَ أَوْ لَمْ يُؤْلَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

«ای مردم! من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می‌سپارم. و آنچه را مأمور به ابلاغش بودم [به شما] رساندم تا حجت باشد بر حاضر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند و به دنیا آمده‌اند یا نیامده‌اند. پس [این پیام را] حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.»

فراز دهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَاَنِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ نَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ، فَعَلِمَ أَمْرُهُ وَ النَّهْيُ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا وَ صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمُ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.»

«ای مردم! خداوند مرا امر و نهی نموده است، و من هم به امر الهی علی (علیه السلام) را امر و نهی نمودهام و علم امر و نهی نزد اوست. پس امر او را گوش دهید تا سالم و سلامت بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید، و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید، و به سوی مقصد و مراد او بروید، و راههای بیگانه شما را از راه او منحرف نکند.»

فراز یازدهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَعَرَّفَتْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ)، وَقُلْتُ: لَنْ تُضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

«ای مردم! قرآن به شما می‌شناساند که امامان بعد از حضرت علی (علیه السلام) فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند، آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید: "او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسلهای بعد از خود قرار داد،" و من نیز به شما گفتم: اگر به آن دو [قرآن و اهل بیت] تمسک کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.»

. سوره عصر، آیات ۱ - ۲.

. سوره زخرف، آیه ۲۸.

فراز دوازدهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُخْصِيَ بِهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوا».

«ای مردم! فضایل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نزد خداوند که آن را در قرآن نازل کرده بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم. پس هر کس درباره آنها به شما خبر داد و معرفت آن را داشت، او را تصدیق کنید.»

فراز سیزدهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَبَائِعُ اللَّهِ وَبَايَعُونِي وَبَايَعَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً، يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَيَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).»

«ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت نمایید و با علی امیرمؤمنان و حسن و حسین و امامان از [نسل] ایشان در دنیا و آخرت، به عنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدر کنندگان (بیعت شکنان) را هلاک میکند و وفاداران را مورد رحمت قرار می‌دهد. پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است. و آن کس که نسبت به عهده‌ای که با خدا بسته وفا کند، خداوند به او اجر عظیمی عنایت می‌فرماید.»

فراز چهاردهم

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا، مَعَاشِرَ النَّاسِ! السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاةِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا».

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

«ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند، به رستگاری بزرگ دست یافته است. ای مردم! کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایتش و سلام به او به عنوان "امیرالمؤمنین"، سبقت بگیرند، آنان رستگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود. ای مردم! سخنی بگویید که به خاطر آن خداوند از شما راضی شود، و اگر شما و همه کسانی که در زمین هستند کافر شوند به خدا ضرری نمی‌رسانند.»

خدایا! مردان و زنان مؤمن را پیامرز و بر کافران غضب نما، و حمد و سپاس مخصوص خداوند عالم است.»

آداب و اعمال عید غدیر

اشاره

غدیر، روز خشنودی خداوند رحمان، روز آزمایش بندگان، روز رانده شدن شیطان، روز پذیرفته شدن اعمال شیعیان، روز ریزش گناهان، روز آسایش مؤمنان، روز ناامید شدن کافران، روز منصوب شدن امیرمؤمنان به جانشینی خاتم پیامبران و روز عید اهل بیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد.

برای این روز، آداب و سنت‌های ویژه و ثواب‌های عظیم بیان شده است، که به مقداری از آنها اشاره می‌کنیم.

فضیلت روزه داری

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :

«ثواب روزه روز غدیر، برابر با روزه عمر دنیا است، اگر انسان به اندازه عمر دنیا زنده بماند و پیوسته روزه بگیرد، ثواب آن معادل ثواب روزه عید غدیر است. روزه روز غدیر نزد خدا برابر با ثواب یکصد حج و یکصد عمره قبول شده است...»

. سوره فتح، آیه ۱۰.

. تهذیب، ج ۳، ص ۱۴۳؛ بحارالأنوار، ج ۹۵، ص ۳۲۱، ح ۶؛ جامع الأخبار، ص ۸۱؛ عُدَدُ الْقَوَیَّةِ، ص ۱۶۶.

فضیلت افطاری دادن

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«کسی که روز عید غدیر، به یک مؤمن افطاری دهد، گویا یک میلیون نفر از پیامبران، شهیدان و صدیقان را افطاری داده است.»

فضیلت اطعام دادن

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «کسی که مؤمنی را [روز غدیر] طعام دهد، مانند کسی است که همه پیامبران و صدیقان را طعام داده باشد.»

فضیلت دیدار با مؤمنان

امام رضا (علیه السلام) فرمود :

«هر که در روز غدیر، به دیدار مؤمنی رود، خداوند متعال، هفتاد هزار نور در قبرش داخل می‌کند و قبرش را وسعت میبخشد و هر روز هفتاد هزار فرشته به زیارت قبر او می‌آیند و به او مژده بهشت می‌دهند.»

فضیلت صلوات فرستادن

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «این روز (غدیر)، روز بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد است.»

فضیلت نماز و عبادت

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند :
«نیم ساعت قبل از ظهر برای تشکر از خداوند، دو رکعت نماز بخوان؛ در هر رکعت سوره حمد ده مرتبه، سوره توحید ده مرتبه، سوره قدر ده مرتبه، و آیه الكرسی ده مرتبه. هر کس این نماز را بخواند، خداوند ثواب صد هزار حج و صد هزار عمره به او عطا فرماید، و هر حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خدا درخواست کند، خداوند به آسانی برمیآورد.»

فضیلت یزاری از دشمنان اهل بیت

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :
«در این روز بسیار این جمله را بگو: "اللَّهُمَّ الْعَنْ الْجَاهِلِينَ وَالنَّاسِئِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُكْذِبِينَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ؛ "یعنی: "خدایا! منکران و عهدشکنان و تغییردهندگان و تبدیلمکنندگان سنت خدا و تکذیب کنندگان روز قیامت، از اولین و آخرین را لعنت فرما."»

فضیلت عید گرفتن

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «هر کس این روز (غدیر) را عید بگیرد، خداوند مال او را زیاد میکند.»

فضیلت عیدی دادن

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «انفاق کردن یک درهم در روز (غدیر) برابر با یک میلیون درهم است.»

آداب تبریک گفتن

امام رضا (علیه السلام) فرمود :
«روز غدیر، روز تهنیت و تبریک گفتن است و بعضی از شما به بعضی دیگر تبریک بگویند، و هر گاه مؤمنی با برادرش ملاقات کرد، بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْمَةِ.»

. مصباح کفعمی، ص ۷۰۰.

. إقبال الأعمال، ص ۴۶۵.

. همان، ص ۴۶۵.

. عوالم العلوم، ۱۵ / ۳، ص ۲۲۳.

. عوالم العلوم، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۱۴.

. همان، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۱۷.

. همان، ج ۱۵ / ۳، ص ۲۲۳.

. تهذیب، ج ۳، ص ۱۴۴.

آداب عقد برادری

سزاوار است در این روز، مؤمن دست راست خود را در دست راست برادر مؤمن خود بگذارد و بگوید :

«وَاخْتِئِكَ فِي اللَّهِ وَصَافِيَّتِكَ فِي اللَّهِ وَصَافِحَتِكَ فِي اللَّهِ وَعَاهِدْتُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيَائَهُ وَالْأَيْمَةَ الْمُعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى أَنْيِّ إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالشَّفَاعَةِ وَأُذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَأَنْتَ مَعِي.»

«با تو در راه خدا برادری و باصفایی مینمایم و دست میدهم، و با خدا و ملائکهاش و رسولان و انبیائش و امامان معصوم : پیمان میندم که اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و به من اجازه ورود به بهشت داده شد، وارد نشوم مگر آنکه تو نیز همراه من باشی.»

آنگاه برادر دیگر در جواب او بگوید: «قبول کردم»، و سپس بگوید :

«أَسْقِطُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالدُّعَاءَ وَالزِّيَارَةَ؛ همه حقوق برادری را به جز شفاعت و دعا و زیارت از تو ساقط کردم.»

فصل هشتم

اشاره

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...).

«بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب میکنند و آنها را همچون خدا دوست میدارند، امّا آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودشان) شدیدتر است.»

کیمیای محبت

محبت عبارت است از احساس میل نسبت به چیزی که برای انسان لذتبخش است. محبت، طرفه اکسیری است که مس وجود عاشق را به طلای ناب تبدیل میکند.

محبت نوری است که انسان را از ظلمتهای دنیا میرهاند و به حقیقت نور که الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ میرساند.

محبت، باران رحمتی است که بر وجود عاشق میبارد و به واسطه رَحْمَةُ اللَّهِ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ به او وسعت میبخشد.

محبت چون آب زلال و گوارایی است که سینه تغذیده عاشق را صفا میدهد و به حیاتِ جاودانه وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ میرساند.

محبت به خدا و اولیای او اساس همه خوبیهاست و آدمی را از تری به تریا، از زمین به سیما، از ادنی به اعلی، از فقر به غنی، از یأس به رجا، از عصیان به غفران، از سَخَطُ به رضوان، از کفر به ایمان و از شقاوت به سعادت میرساند.

امیر بیان امیرمؤمنان (علیه السلام) در عظمت این اکسیر اعظم میفرماید: «محبت خدا آتشی است که بر چیزی نمیگذرد مگر این که آن میسوزد، و نور خدا بر چیزی نمیتابد مگر این که آن را روشنایی میبخشد، و از زیر ابر پُرباران خدایی چیزی عبور نمیکند مگر این که آن را به برکت خود میپوشانند، و نسیم الهی بر چیزی نمیوزد مگر این که آن را به حرکت درمیآورد، و آب الهی به هر چیزی حیات میدهد، و از زمین آفریدگار هر چیزی میروید. پس هر که خدا را دوست بدارد، خداوند به او همه چیز میدهد؛ از مال و ملک.»

قبل از شناخت آثار محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، لازم است گذری کوتاه به عوامل و موانع محبت داشته باشیم.

. إقبال الأعمال، ص ۴۶۴.

. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷۹.

. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۳، ح ۲۳.

عوامل محبت

الف) انجام کارهای نیک

ابوذر میگوید به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم: [چرا] انسان کاری را میکند و مردم بر اثر آن، او را دوست میدارند؟ فرمود: «این مژدگانی دنیایی مؤمن است.»

ب) خوش گمانی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که به مردم خوشگمان گردد، دوستی آنان را به دست میآورد.»

ج) خوش رفتاری

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که خوشرفتاری پیشه کند، دوستانش فراوان شوند.»

د) گشاده رویی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «گشاده رویی، عامل دوستی و محبت است.»

ه) اظهار دوستی

امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمود: «یکی از اعراب قبیله بنیتمیم نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و به ایشان گفت: مرا سفارشی کن. از جمله سفارشهای ایشان به او این بود: "با مردم اظهار دوستی کن، تا دوستت بدارند."»

و) وفاداری

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «وفاداری، عامل الفت گرفتن [مردم با شخص] است.»

ز) انصاف

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «شخص باانصاف، یاران و دوستان بسیاری دارد.»

ح) کرامت

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «شخص کریم و بزرگوار، نزد خداوند، خرم و پایاداش، و نزد مردم، محبوب و باشکوه است.»

(ط) بخشندگی

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «سخاوت و بخشندگی دوستی را در دلها میکارَد.»

(ی) نیکی کردن به مردم

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که بسیار نیکی کند، برادرانش دوستش خواهند داشت.»

(ک) صله رحم

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «صله رحم، سبب دوستی میشود.»

(ل) هدیه دادن

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید: «هدیه دادن، دوستی و محبت به بار میآورد، برادری را تازه میسازد و کینه را میزداید.»

. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۱۲، ح ۴۲۲۵.

. غرر الحکم، ح ۵۳۳۱.

. همان، ح ۹۷۹۹.

. همان، ح ۹۹۳۷.

. کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱.

. غرر الحکم، ح ۹۹۵۸.

. همان، ح ۹۱۰۰.

. غرر الحکم، ح ۸۸۲۰.

. همان، ح ۸۵۲۱.

. همان، ح ۸۸۱۲.

. همان، ح ۹۳۰۹.

. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۱۸۳.

(م) سجده کردن میان اذان و اقامه

امام جعفر صادق (علیه السلام) میفرماید: «امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به یارانش میفرمود: هر که میان اذان و اقامه سجده کند و بگوید: "رَبِّ لَكَ سَجَدْتُ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِيلًا"، خداوند متعال میگوید: ای ملائکه من! به عزت و جلالم سوگند که محبت او را در دلهای مؤمنان، و شکوه او را در دلهای منافقان، خواهم نهاد.»

موانع محبت

الف) بدخویی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که بدخو شود، دوست و رفیقش نایاب گردند.»

ب) پریشانی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «پریشانی، خویها را زشت میکند و دوستان را میپراکند.»

ج) تکبر داشتن

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که با برادران بزرگی و تکبر داشته باشد، هیچ شخصی با او صمیمی نخواهد شد.»

د) کینه توزی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هیچ کینه‌توزی را دوستی نیست.»

ه) حسادت

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «حسود را دوستی نیست.»

و) گناه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هرگز دو دوست از یکدیگر جدا نشده‌اند، مگر بر اثر گناهی که از یکی از آنان سرزده است.»

ز) بی انصافی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که بی‌انصافی کند، کسی با او دوست نشود.»

ح) فریب دادن

امام جعفر صادق (علیه السلام) میفرماید: «مردم را فریب مده که بیدوست میمانی.»
همه عوامل و موانع محبت منحصر در آنچه گفته شد نیست، بلکه این موارد از مهمترین علل و موانع محبت هستند.
سخن خود را در این بخش با نقل حدیثی بسیار زیبا از امام رضا (علیه السلام) به پایان میبریم. آن حضرت فرمود:
«زندانان به یوسف (علیه السلام) گفت: "من تو را دوست دارم". یوسف (علیه السلام) پاسخ داد: "هر بلایی که به من رسیده، از دوستی است! عموهام مرا دوست میداشت، لذا مرا دزدید، پدرم مرا دوست میداشت، در نتیجه، برادرانم به من حسادت کردند، و زن عزیز [مصر] مرا دوست میداشت، پس به زندانم افکند."»

. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۵۲، ح ۴۸؛ فلاح السائل، ص ۱۵۲.

. غرر الحکم، ح ۵۷۱۶.

- . همان، ح ۸۲۲۲.
 . همان، ح ۹۶۰۵.
 . همان، ح ۶۷۸۵.
 . همان، ح ۶۸۴۸.
 . مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۵۳۵۷.
 . غرر الحکم، ح ۹۱۲۱.
 . مشکاه الأنوار، ص ۱۰۴؛ کافی، ج ۲، ص ۶۵۱.
 . تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۴.

چهارده اثر از آثار دشمنی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

۱- دوستی و دشمنی برای خدا

الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) قَالَ :
 «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ: أَيُّنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ، قَالَ: فَيَقُومُ عُتْقُ مِنَ النَّاسِ فَيُقَالُ لَهُمْ: إِذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. قَالَ: فَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: إِلَى أَيُّنَ؟ فَيَقُولُونَ: إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: فَأَيُّ ضَرْبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ؟ فَيَقُولُونَ: نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: وَأَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟ قَالُوا: كُنَّا نَحِبُّ فِي اللَّهِ وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.»
 امام سجّاد (علیه السلام) فرمود :

«هنگامی که خدای عزوجل همه مردم از اولین و آخرین را [در قیامت] جمع میکند، منادی با صوتی که همه مردم بشنوند، ندا میکند: "دوستی کنان در راه خدا کجا هستند؟" گروهی از مردم برمیخیزند، به آنها گفته میشود: "بدون حساب وارد بهشت شوید."

فرشتگان با آنها ملاقات میکنند و میگویند: "به کجا میروید؟" گویند: "بدون حساب به سوی بهشت میرویم." ملائکه گویند: "شما جزء چه گروهی از مردم هستید؟" گویند: "ما دوستیکنان در راه خداییم." ملائکه میگویند: "اعمال شما چه بوده است؟" گویند: "برای خدا دوستی میکردیم و در راه خدا دشمنی میورزیدیم." ملائکه میگویند: "چه خوب است پاداش کسانی که اهل عمل هستند."

۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ستون اسلام است

حُبُّ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَسَاسُ الْإِسْلَامِ
 قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):
 «يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْإِسْلَامَ عَرْيَانٌ، لِبَاسُهُ التَّقْوَى، وَرِيَاشُهُ الْهُدَى، وَزِينَتُهُ الْخِيَاءُ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ، وَمَلَائِكَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي.»
 امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود :

«ای علی! اسلام [به منزله پیکری] برهنه است که لباس آن تقوا، و اثاث خانهاش هدایت، و زیورش حیا، و ستونش پارسایی، و قوامش عمل صالح است و بنیاد اسلام، دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من است.»

۳- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه حلال زادگی

حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) عَلَامَةُ طَيْبِ الْوِلَادَةِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلِدِهِ، فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وَلادَتُهُ.»
 وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعَمِ.» قَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا أَوَّلُ النَّعَمِ؟» قَالَ: «طَيْبُ الْوِلَادَةِ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلِدُهُ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «ای علی! هر که مرا و تو را و امامان از نسل تو را دوست بدارد، پس خداوند را بر حلالزادگی و پاک بودن ولادت سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد مگر حلالزاده، و ما را دشمن ندارد مگر حرامزاده.»
 و در روایت دیگر فرمود :
 «ای اباذر! هر که ما اهل بیت را دوست بدارد، پس خداوند را بر اولین نعمت سپاس گوید.» ابوذر پرسید: «ای رسول خدا! اولین نعمت کدام است؟» فرمود: «حلالزادگی؛ ما را دوست نمیدارد مگر کسی که حلالزاده باشد.»

. وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۱۶، ص ۱۶۷، باب ۱۵؛ کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۱۹؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۶۴، باب ۳۴، ح ۳۳۶.
 . كنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۵، ح ۳۴۲۰۶.
 . بشاره المصطفى، ص ۱۷۷؛ معانی الأخبار، ص ۱۶۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، باب ۵.
 . امالی طوسی، ص ۴۴۵، ح ۱۰۱۸، مجلس ۱۶؛ كشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۰۱؛ بحار الأنوار،

۴- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه ایمان

حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) عَلَامَةُ الْإِيمَانِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيٍّ (علیه السلام) :
 «حُبُّكَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ نِفَاقٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُحِبُّكَ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ مُبْغِضُكَ.»
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود :
 «دوستی با تو نشانه ایمان و دشمنی با تو نشانه نفاق است، و دوستدار تو اولین کسی است که وارد بهشت میشود، و دشمن تو اولین کسی که داخل دوزخ میشود.»

۵- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مؤمن است

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَهُوَ مُؤْمِنٌ

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ذاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ :

«مَعاشِرَ أَصْحَابِي! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَأْمُرُكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) وَالاِقْتِدَاءِ بِهِ، فَهُوَ وَثِيكُكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي، لَا تُخَالِفُوهُ فَتَكْفُرُوا، وَلَا تُفَارِقُوهُ فَتَضِلُّوا.

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلَمًا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالتَّفَاقِ، فَمَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ مُنَافِقًا، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَصِيًّا، وَمَنَارَ الْهُدَى بَعْدِي فَهُوَ مُوضِعُ سِرِّي، وَعَيْنُهُ عَلَمِي، وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا ظَالِمِيهِ مِنْ أُمَّتِي.»
رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) روزی خطاب به اصحابش فرمود :

«ای گروه اصحاب من! همانا خداوند شما را به ولایت علی بن ابیطالب (عليهما السلام) و پیروی از او دستور میدهد که پس از من او امام و پیشوای شماست. او را مخالفت نکنید تا کافر نشوید و از او جدا نشوید تا گمراه نگردید.

همانا خداوند علی (عليه السلام) را علامت جدایی نفاق و ایمان قرار داده است؛ هر که او را دوست بدارد مؤمن است و هر کس با او دشمنی کند منافق است. به درستی که خداوند متعال، علی (عليه السلام) را جانشین من و جایگاه نور هدایت بعد از من قرار داده است. او جایگاه سر من و گنجینه علم من است. او خلیفه بعد از من در خاندانم میباشد. من به خداوند متعال از ظالمان اَمتم به وی شکایت میکنم.»

۶- محبت امیرمؤمنان علی (عليه السلام) میزان سنجش اعمال

حُبُّ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِيزَانُ الْأَعْمَالِ

... فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ (رضی الله عنه) : فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي. فَقَالَ :

«عَلَيْكَ بِمَوَدَّةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) وَهُوَ يَقُولُ: اَعْلَمْ فَمَنْ مَاتَ عَلَى وَلَايَتِهِ قَبِلَ عَمَلُهُ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَتِهِ لَا يُقْبَلُ مِنْ عَمَلِهِ شَيْءٌ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ....»

ابن عباس میگوید: به رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) عرض کردم: توصیه‌های به من بفرما! حضرت فرمود :

«بر تو باد به دوستی با علی بن ابیطالب (عليهما السلام). سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، خداوند هیچ حسنهای را از بنده قبول نمیکند، تا این که از محبت علی بن ابیطالب (عليهما السلام) از او سؤال میکند. و هر که بر ولایت آن حضرت بمیرد خداوند اعمال گذشته او را میپذیرد، و اگر محبت آن حضرت را نداشته باشد خداوند هیچ یک از اعمال او را نمیپذیرد و دستور میدهد که او را در آتش اندازند.»

ج ۲۷، ص ۱۵۰، باب ۵.

. احقاق الحق، ج ۷، ص ۲۴۷، به نقل از: فصول المهمّة، ص ۱۰۹؛ نور الابصار، ص ۷۴؛ أرجح المطالب، ص ۵۱۴.

. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۹۷، باب ۶۱، ح ۱۵؛ معالم الزلفی، ج ۱، ص ۱۰۲، باب ۳۰، ح ۷؛ أمالی صدوق، ص ۲۸۴، مجلس ۴۷، ح ۱۹.

۷- سؤال از محبت امیرمؤمنان علی (عليه السلام) در قیامت

يُسْئَلُ عَنْ حُبِّ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَوْمَ الْقِيَامَةِ

عَنْ أَبِي بَرزَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُشَالَ عَنْ أَرْبَعَةٍ: عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، عَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ». فَقِيلَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟» فَضَرَبَ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَدَهُ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ (عليه السلام).

ابوبرزّه نقل میکند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«[در روز قیامت] هیچ بندهای قدم از جای برنمیدارد تا این که درباره چهار چیز از او سؤال میشود: از جسمش که در چه راهی آن را فرسوده کرده است، از عمرش که در چه راهی صرف کرده است، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده است، و از محبت ما اهل بیت». عرض کرد: ای رسول خدا! نشانه دوست داشتن شما چیست؟ حضرت دست خود را بر شانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) زد.

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْهُ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«أَوَّلُ مَا يُشَالُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

و در روایت دیگر، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«نخستین چیزی که درباره آن از بنده سؤال میشود، محبت نسبت به ما اهل بیت است».

در روایاتی معتبر از فریقین در تفسیر آیه ۸ سوره تکاثر: (ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّعِيمَ) «سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که داشتهاید بازپرسی خواهید شد»، نقل شده که منظور از «نعیم»، محبت و دوستی اهل بیت است.

۸- دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) برترین اعمال

حُبُّ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

عَنْ أَبِي عَلَقْمَةَ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الصُّبْحَ، ثُمَّ لَتَفَتْ إِلَيْنَا فَقَالَ:

«مَعَاشِرَ أَصْحَابِي! رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَمِّي حَمْزَةَ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَأَخِي جَعْفَرُ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَبَيْنَ أَيْدِيهِمَا طَبَقٌ مِنْ نَبَقٍ فَأَكَلَا- سَاعِيَهُ ثُمَّ تَحَوَّلَ النَّبَقُ عَنَّا فَأَكَلَا مِنْهُ فَتَحَوَّلَ الْعَبُّ رُطْبًا فَأَكَلَا سَاعِيَهُ، فَدَنَوْتُ مِنْهُمَا فَقُلْتُ: يَا أَبَيَّ أَنْتُمَا، أَيُّ الْأَعْمَالِ وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ؟ قَالَا: فَدَيْنَاكَ بِالْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ، وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ: الصَّلَاةَ عَلَيْكَ، وَسَقَى الْمَاءِ وَحُبَّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)».

ایعلقمه غلام بنی‌هاشم میگوید: نماز صبح را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بهجای آوردیم، بعد از آن، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به طرف ما توجه نمود و فرمود:

«ای گروه یاران من! دیشب در خواب دیدم که عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابیطالب در جایی نشسته‌اند و در مقابل ایشان طبقی از "کنار" قرار داده‌اند. زمانی از آن خوردند، سپس آنها تبدیل به انگور شد. زمانی از آن نیز تناول کردند، آن انگور تبدیل به رطب شد. از آن نیز مدتی تناول کردند، پس نزدیک آن دو رفتم و گفتم: پدر و مادرم فدای شما! چه اعمالی را شما بهتر یافتید؟ گفتند: پدران و مادران ما فدای تو باد! همانا ما بافضیلتترین اعمال را صلوات فرستادن بر تو و آب دادن [به تشنگان] و دوستی علی بن ابیطالب (علیهما السلام) یافتیم».

در روایات آمده که برترین اعمال و بالاترین عبادات، محبت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار است؛ همانطور که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةً، وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ».

«همانا بالای هر عبادتی، عبادتی است و محبت به ما اهل بیت، برترین عبادات است».

ر.ک: مناقب (خوارزمی)، ص ۷۷؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۴۶؛ مناقب المرتضویة، ص ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۸، ح ۱، و ج ۳۶، ص ۷۹؛ آمالی صدوق، ص ۳۹، ح ۹، مجلس ۱۰؛ خصال، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱۲۵.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۵۸.

ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۶؛ تأویل الآیات، ص ۸۱۶؛ آمالی طوسی، ص ۲۷۲، ح ۵۱۰، مجلس ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، باب ۲۹.

مناقب (خوارزمی)، ص ۷۴، ح ۵۳؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج

۹- دوستی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فریضای الهی است

حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) فَرِيضَةٌ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «جَاءَنِي جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِوَرْقَةٍ آسٍ خَضْرَاءَ مَكْتُوبٌ فِيهَا بَيَاضٌ: إِنِّي افْتَرَضْتُ مَحَبَّةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) عَلَى خَلْقِي عَامَّةً، فَبَلَّغْتُهُمْ ذَلِكَ عَنِّي.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«جبرئیل با ورقهای سبز که در آن، این نوشته سفید رنگ بود، از سوی خدا نزد من آمد:" به دوستی که دوستی علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را بر همه مخلوقاتم واجب گردانیدم، پس این پیام مرا به همه آنان برسان.»

۱۰- محبت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، راه رهایی از خطرات

يَنْفَعُ حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) فِي مَوَاطِنٍ عَظِيمَةٍ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاءِ، وَفِي الْقَبْرِ وَعِنْدَ النُّشُورِ وَعِنْدَ الْكِتَابِ وَعِنْدَ الْحِسَابِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ وَعِنْدَ الصَّرَاطِ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) میفرماید:

«محبت من و اهل بیت من در هفت جایگاه که ترس و وحشت آن زیاد است سود میبخشد: ۱- هنگام مرگ؛ ۲- در میان قبر؛ ۳- هنگام رستاخیز؛ ۴- زمانی که نامه اعمال را به دست انسانها میدهند؛ ۵- هنگام محاسبه اعمال؛ ۶- در نزد میزان؛ ۷- هنگام عبور از صراط.»

در روایات معتبره از اهل بیت: نقل شده که محبت اهل بیت: در مکانهای عظیم و هولناک انسان را نجات میدهد و او را به جایگاه صدق نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بیت: میرساند؛ همچنان که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«هر که من و اهل بیت را دوست داشته باشد، ما و او مانند این دو [حضرت انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد] خواهیم بود.»

و دوستی حقیقی اهل بیت: اکسیری است که در وجود هر که قرار گیرد، تمام خیرات دنیا و آخرت را برای او جمع میکند و اگر گناهکار باشد، او را از مهلکه گناهان رهایی میدهد و وجودش را نورانی میگرداند. در روایتی از پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نقل شده که فرمود:

«هر که دوست دارد خداوند متعال تمام خیرها را برای او جمع کند، پس باید بعد از من ولایت علی (علیه السلام) و فرزندان او را بپذیرد و با دشمنان او دشمنی کند.»

۵، ص ۳۳۱؛ باب ۳۱؛ ح ۶۰۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹، ح ۶۱، و ج ۳۹، ص ۲۷۴.

. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۱، ح ۴۸.

. مناقب (خوارزمی)، ص ۶۶، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۵؛ أمالی طوسی، ص ۶۱۹، ح ۱۲۷۶، مجلس ۲۹؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۹۹.

. أمالی صدوق، ص ۱۰، ح ۳، مجلس ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۵۸، ح ۳؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۷۱؛ خصال، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۴۹.

. کفایه الاثر، ص ۳۵.

۱۱- دوستدار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تمام ایمان را داراست

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیه السلام) فَقَدْ أَدْرَكَ الْإِيمَانَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ سُورَةِ "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ"، فَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَقَدْ قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَقَدْ قَرَأَ ثُلُثَيِ الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثًا فَقَدْ خَتَمَ الْقُرْآنَ. فَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ فَقَدْ كَمَلَ ثُلُثُ الْإِيمَانِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ فَقَدْ كَمَلَ لَهُ ثُلُثَا الْإِيمَانِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ يَدِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ يَا عَلِيُّ لَوْ أَحَبَّكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَحَبَّتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ لَكَ لَمَّا عُذِبَ أَحَدٌ بِالنَّارِ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود :

«ای اباالحسن! مثل تو در امتم مثل سوره توحید است؛ هر که یک بار آن را بخواند، یک سوم قرآن را خوانده؛ و هر که دوبار بخواند، دو سوم قرآن را خوانده؛ و هر که سه مرتبه بخواند، همه قرآن را قرائت کرده است. [ای علی! هر که تو را به زبانش دوست بدارد، یک سوم ایمان را دارد؛ و هر که به زبان و دلش تو را دوست بدارد، دو سوم ایمان را داراست؛ و هر که به زبان و دل دوست بدارد و با دستش تو را یاری کند، ایمانش کامل است. سوگند به آن که مرا به حق فرستاده، ای علی! اگر همه اهل زمین تو را دوست میداشتند آن گونه که اهل آسمان دوست دارند، خداوند احدی را به آتش جهنم عذاب نمیکرد.»

۱۲- محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بهترین نیکبختی است

حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) حَسَنَةٌ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ أَيْطَالِبٍ (عليهما السلام) حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ مَعَ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَبُغْضُ سَيِّئَةٍ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ وَلَوْ أَدَّى الْفَرَائِضَ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :

«محبت حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) حسنه‌ای است که با انجام فرایض، هیچ گناهی به او ضرر نمیرساند، و دشمنی با علی (علیه السلام)، گناهی است که هیچ حسنه‌ای با آن فایده ندارد، اگر چه همه فرایض نیز انجام داده شود.»

علامه سید هاشم بحرانی در کتاب ارزشمند معالم الزلفی، جلد دوم، باب ۸۱، در تفسیر آیه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمُتُونَ * وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْلَمُونَ)؛ «کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند

داشت و آنان از وحشت آن روز در امانند. و آنها که کار بدی انجام دهند، با صورت در آتش افکنده میشوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل میکردید خواهید داشت؟»، یازده روایت نقل فرموده است که منظور از «حَسَنَه» در آیه شریفه، معرفت و ولایت و محبت اهل بیت : و منظور از «سَيِّئَه»، بغض و دشمنی با اهل بیت : است.

. بشاره المصطفی، ص ۱۵۰.

. أمالی صدوق، ص ۳۳، ح ۵، مجلس ۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۷۰، ح ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۷۹۸؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۸۰؛ معانی الأخبار، ص ۲۳۴، ح ۱؛ مناقب آل ابیطالب، ج ۳، ص ۱۹۹.

. غرر الأخبار، ص ۴۹.

. سوره نمل، آیات ۸۹ - ۹۰.

۱۳- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، دوستان خود را میشناسد

مَعْرِفَةُ عَلِيٍّ (علیه السلام) أَوْلِيَاءَهُ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) :

«أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَهُوَ مَعَ أَصْحَابِهِ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَنَا وَاللَّهِ أُحِبُّكَ وَآتَوَّلَاكَ، وَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) : كَذَبْتَ، قَالَ بَلَى وَاللَّهِ إِنِّي أُحِبُّكَ وَآتَوَّلَاكَ فَكَرَّرَ ثَلَاثًا، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) : كَذَبْتَ، مَا أَنْتَ كَمَا قُلْتَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفَى عَامٌ ثُمَّ عَرَضَ عَلَيْنَا الْمُحِبَّ لَنَا، فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رُوحَكَ فِيمَنْ عَرَضَ، فَأَيْنَ كُنْتَ؟ فَسَكَتَ الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ وَلَمْ يُرَاجِعْهُ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) : «كَانَ فِي النَّارِ».

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :

«مردی خدمت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آمد، در حالی که آن حضرت همراه اصحابشان بودند. بر آن حضرت سلام کرد و گفت : "به خدا سوگند، من ولایت و محبت تو را دارم". امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود : "دروغ میگویى". مرد گفت : "به خدا سوگند، من ولایت و محبت تو را دارم". و تا سه بار [این جمله را] تکرار کرد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود : "دروغ میگویى، اینطور که میگویى نیستی، همانا خداوند روحهای همه مردم را دو هزار سال پیش از بدنهایشان آفرید و آنگاه دوستان ما را بر ما عرضه کرد، به خدا سوگند! من روح تو را در زمره کسانی که به ما عرضه شده ندیدم، پس تو کجا بودی ؟" آنگاه مرد ساکت شد و جوابی نگفت.» و در روایت دیگر است که امام صادق (علیه السلام) فرمود : «او در آتش است.»

۱۴- آثار و برکات دوستی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دنیا و آخرت

آثَارُ حُبِّ عَلِيٍّ (علیه السلام) فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ : سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیهما السلام) فَغَضِبَ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَقَالَ :

«مَا بَالُ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنَزَلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ كَمَنَزَلَتِي وَمَقَامٌ كَمَقَامِي إِلَّا الثُّبُوءَ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیه السلام) فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَاهُ بِالْجَنَّةِ.

[فِي بَشَارَةِ الْمُصْطَفَى (صلی الله علیه و آله و سلم) أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیه السلام) تَقَبَّلَ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ دُعَاؤُهُ].

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ يَمِينِهِ وَحَاسَبَهُ حِسَابَ الْأَنْبِيَاءِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكَوْثَرِ وَيَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) يَهْوُوَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَعْطَاهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ بِكُلِّ عِزٍّ فِي بَدَنِهِ حَوْرَاءَ وَشَفَعَهُ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ حَدِيقَةٌ فِي الْجَنَّةِ.

أَلَا- وَمَنْ عَرَفَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَأَحَبَّهُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ، كَمَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَدَفَعَ عَنْهُ الْأَهْوَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَنَوْرَ قَبْرِهِ وَفَسَحَهُ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عَامًا وَبَيَّضَ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

أَلَا- وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصَّادِقِينَ وَالشَّهِدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَآمَنَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الصَّاحَةِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ حَسَنَاتِهِ وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَثْبَتَ اللَّهُ الْحُكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَفَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَبَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَحَمَلَهُ عَرْشِهِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: أَنْ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَئْذِنِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكِرَامَةِ، وَأَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) مَرَّ عَلَى الصُّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ، وَلَمْ يَرِ صُعُوبَةً.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَبَرَاءَةً مِنَ النَّفَاقِ وَجَوَازًا عَلَى الصُّرَاطِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) لَا يُنْشَرُ لَهُ دِيوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَقِيلَ لَهُ: أُدْخِلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصُّرَاطِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ: صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَزَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَقَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ: مَاتَ كَافِرًا.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ: مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَكُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ.»

ابن عمر میگوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره علی بن ابیطالب (علیهما السلام) سؤال کردیم، پس آن حضرت غضبناک شد و فرمود:

«چه میشود گروهی را که کسی را یاد میکنند که منزلت او نزد خداوند مانند منزلت من، و مقام او مانند مقام من است، به جز نبوت. آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که مرا دوست بدارد خداوند از او راضی است، و هر کس خدا از او راضی شود بهشت او را کفایت میکند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند نماز و روزه و قیام او را قبول میکند و دعایش را مستجاب میگرداند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، فرشتگان برای او استغفار میکنند و درهای بهشت برای او باز شده و بدون حساب از هر دری که بخواهد، داخل میشود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند نامه اعمال او را به دست راستش میدهد و حسابرسی او مانند

حسابرسی پیامبران : است.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، از دنیا خارج نمیشود تا این که از آب حوض کوثر بیاشامد و از میوه‌های درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند سختی جان کندن را برای او آسان میگرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار میدهد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگهای بدن او، حوریهای در بهشت به او عطا میفرماید و شفاعت او را در مورد هشتاد نفر از خانواده‌اش میپذیرد و به تعداد هر مویی که در بدن او باشد، شهری در بهشت به او عنایت میفرماید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را بشناسد و او را دوست بدارد، خداوند ملک الموت را به سوی او میفرستد آنگونه که به سوی پیامبران : میفرستد، و اضطراب و نگرانی منکر و نکیر را از او دور میکند و قبر او را نورانی میکند و به اندازه راه هفتاد سال قبرش را وسعت میدهد، و صورتش در روز قیامت سفید و نورانی میشود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند او را در سایه عرش خود همراه با صدیقین و شهدا و صالحین قرار میدهد و او را از وحشت روز قیامت ایمن میدارد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند کارهای نیک او را قبول میکند و از گناهانش صرف نظر مینماید و در بهشت رفیق حضرت حمزه سیدالشهدا خواهد بود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلبش استوار و بر زبانش گفتار درست جاری میکند و درهای رحمت را برای او باز مینماید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، در زمین، اسیر خدا نامیده میشود و خداوند به وجود او بر فرشتگان و حاملان عرش، مباهات و افتخار میکند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، ملکی از زیر عرش او را ندا میدهد: ای بنده خدا! اعمالت را از سر بگیر، زیرا خداوند همه گناهانت را بخشید.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، در روز قیامت در حالی وارد میشود که صورتش مانند ماه کامل و تمام، میدرخشد.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند بر سر او تاجی از کرامت میگذارد، و لباس عزّت بر او میپوشاند. آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، مانند برق جهنده از روی پل صراط عبور میکند و سختی پل صراط را نمیبیند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند رهایی از آتش جهنّم و دوری از نفاق را برای او مینویسد و جواز عبور از پل صراط و اماننامه عذاب الهی به او داده میشود.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، پرونده اعمالی برای او باز نمیشود و برای او میزان اعمالی نصب نمیگردد و به او گفته میشود: بدون حساب وارد بهشت شو.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، از [سختی و نگرانی] حساب و میزان و صراط در امان است.

آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد : بمیرد، فرشتگان با او مصافحه میکنند و ارواح همه انبیا به زیارت او میآیند و خداوند تعالی همه حاجات او را برآورده میکند.

آگاه باشید! هر کس با بغض و دشمنی آل محمد: بمیرد، کافر از دنیا رفته است.
آگاه باشید! هر کس با محبت آل محمد: بمیرد، با ایمان از دنیا رفته و من بهشت را برای او ضمانت میکنم.»

. کافی، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۱؛ بصائر الدرجات، ص ۸۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۳۸، ح ۱۵.
. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۱۴، ح ۸۹؛ مأه منقبة، ص ۶۴، المنقبة السابعة و الثلاثون؛ فضائل الشیعة، ص ۳، ح ۱؛ بشاره المصطفی، ص ۳۶؛ تأویل الآیات، ص ۸۲۴.

فصل نهم

اشاره

(أَمْ يَخْشُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)
«یا اینکه نسبت به مردم (یعنی پیامبر و خاندانش) و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد میورزند؟»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین مظلوم دوران

حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) تنها مولودی است که در خانه کعبه به دنیا آمد، و قبل از او هیچ فرزندی در درون خانه خدا متولد نشده است.

اول کسی است که نامش از جانب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به دستور خداوند، «علی» انتخاب شد و هیچکس قبل از او بر این اسم، نامگذاری نشده بود.

اول کسی است که در کودکی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد و گفتار آن حضرت را تصدیق نمود.
تنها کسی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر در بین جمعیتی بیش از یکصد و بیست هزار نفر، دست او را بالا برد و فرمود: «هر کس من مولای اویم، این علی مولای اوست.»

اول کسی است که در کنار حوض کوثر بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد میشود و شیعیان و دوستانش را از آن حوض، سیراب میکند.

و اوست اول مظلوم عالم. آنچه خداوند متعال از فضیلتها به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عطا فرموده است، موجب شد که بسیاری بر آن حضرت حسادت بورزند و با او دشمنی کنند، که زبان را قدرت گفتن و قلم را یارای نوشتن آن همه ظلمها و ستمها نیست.
همچنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «به اندازه ریگهای بیابان به من ظلم شده است.»
در این مقدمه به چند مورد از ظلمهایی که به آن حضرت شده اشاره میکنیم

. سوره نساء، آیه ۵۴.

به آتش کشیدن کتابهای فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

ذهبی، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، در اینباره چنین نقل میکند:
عایشه میگوید: پدرم (ابوبکر) پانصد حدیث از احادیث پیامبر را در کتابی جمع کرده بود، آنها را به من سپرده بود، پس شب تا به

صبح در بسترش آرام نداشت. چون صبح شد آن احادیث را از من گرفت، آنگاه آتش طلبید و همه را به آتش سوزانید. گفتم: «چرا احادیث را سوزاندی؟» گفت: «ترسیدم بمیرم و این احادیث نزد تو بماند، در حالی که من به راویان آنها اعتماد نموده و از آنان نقل حدیث کرده‌ام، اما حقیقت آن نبوده که آنان برای من روایت نموده‌اند...»

پیشگیری از نقل فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

شیخ مفید، از علمای بزرگ شیعه، در بیان مظلومیت امیر مؤمنان میگوید: «زمامداران ستمکار، کسانی را که از آن حضرت به نیکی یاد میکردند، به زیر شلاق می‌گرفتند و حتی به خاطر آن، گردنشان را میزدند و مردم را به اعلام بیزاری از وی و امیداشتند. رسم بر آن شده بود که به هیچ شکل از علی (علیه السلام) به خوبی یاد نشود، چه برسد به این که از فضایل او یاد شود یا مناقب او گزارش گردد و یا درباره حقایق او استدلالی صورت گیرد.»

جلوگیری از نامگذاری به «علی»

از ابوعباس درباره علی بن ابیطالب نقل شده که وی در هنگام نماز ظهر، عبدالله بن عباس را ندید، به یاران خود گفت: «چرا ابن عباس نیامده است؟»

گفتند: «بچه‌دار شده است.» هنگامی که علی (علیه السلام) نماز را خواند، فرمود: «نزد ابن عباس برویم.» آنگاه نزد وی رفت و به وی تبریک گفت و فرمود: «خداوند بخشاینده را شکر می‌گذارم. خداوند در آنچه به تو داده است برای تو برکت قرار دهد. نامش را چه گذاشته‌ای؟»

ابن عباس گفت: «آیا رواست که من قبل از شما وی را نامگذاری کنم؟»

ابن عباس، بچه را خواست و نزد علی (علیه السلام) آورد، علی (علیه السلام) بچه را گرفت و کام وی را برداشت و برایش دعا کرد، سپس او را به ابن عباس برگرداند و فرمود: «آن را بگیر ای پدر پادشاهان! او را "علی" نامیدم و کنیه‌اش را "ابوالحسن" قرار دادم.» هنگامی که معاویه به قدرت رسید، به ابن عباس گفت: «حق گذاشتن [نام و کنیه علی را بر فرزندان] ندارید، من این [فرزند] را "ابومحمد" کنیه دادم.» و عادت بر همین جاری گشت.

علی بن جهم بن یدر بن محمد بن مسعود بن اسد بن ادینه ساجی (شاعر روزگار متوکل)، مشهور به بدگویی بود و از علی (علیه السلام) و اهل بیت بسیار عیبجویی میکرد.

گفته‌اند که وی پدرش را به خاطر آن که او را «علی» نامیده بود، لعن میکرد.

. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸۵.

. محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید، در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد به دنیا آمد و در سال ۴۱۳ هجری از دنیا رفت، بنابر نقل شیخ طوسی، شاگرد برجسته شیخ مفید، وی بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب تألیف نموده که مهمترین آنها، المقنعه، الکلام فی دلائل القرآن، الإفصاح، الأمالی، الإرشاد و الاختصاص میباشد.

. إرشاد، ج ۱، ص ۳۱۱.

. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۰۶، ح ۶۳۱۲، به نقل از: الکامل، ج ۲، ص ۷۵۶.

گسترش مخالفت و بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

معاویه جار زد که تعهّد [حکومت] را از کسی که حدیثی از فضایل علی (علیه السلام) را نقل کند، برداشته است؛ بهگونه‌ای که عبدالله بن شداد لثی گفت: «دوست داشتم مرا رها میکردند که یک روز تا شب فضایل علی بن ابیطالب (علیهما السلام) را نقل کنم و آنگاه گردنم زده میشد.»

شرایط، چنان بود که اگر محدّثی در موضوع «فقه» حدیث نقل میکرد، یا حدیثی درباره «مبارزات» علی (علیه السلام) [میاورد، میگفت: «مردی از قریش گفت»] او جرأت نمیکرد نام علی (علیه السلام) را بیاورد.

عبدالرحمان بن ابیللی [هنگامی که حدیثی را از زبان علی (علیه السلام) نقل میکرد] میگفت: «یکی از یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم نقل کرد.» و حسن بصری میگفت: «ابوزینب گفت.»

از عبدالله بن فائد و سُحَیم بن حفص نقل شده که: معاویه به مغیره بن شعبه نوشت: «بدگویی به علی و تحقیر وی را آشکار کن.» و اقدی نقل میکند: عمر بن ثابت سوار میشد و در روستاهای شام میچرخید و هر گاه وارد روستایی میشد، مردم آن روستا را جمع میکرد و میگفت: «ای مردم! علی بن ابیطالب (علیهما السلام) مردی منافق بود، او قصد داشت در شب عقبه، پیامبر خدا را [از مرکبش] سرنگون کند، او را لعن کنید!»

مردم آن روستا نیز علی (علیه السلام) را لعن میکردند، سپس، وی به روستایی دیگر میرفت و همین کار را انجام میداد.

بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر فراز منبرها

دشنام گویی و بدگویی به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بیش از چهل سال به عنوان یک سنت رواج یافت و بر روی منبرها و در بین همه جوامع اسلامی در زمان معاویه و کارگزارانش به اجرا درآمد، تا جایی که ابن ابیالحدید سنی معتزلی از عباس بن بکّار ضَبّی روایت کرده است که ابوبکر هُذَلّی از زُهری برایم نقل کرد که ابن عتیّاس به معاویه گفت: «آیا از بدگویی این مرد (علی علیه السلام) دست نمیکشی؟» معاویه پاسخ داد: «به این کار، همچنان ادامه خواهم داد تا کوچکترها با کینه او پرورش یابند و بزرگترها با آن پیر گردند...»

مورّخین و دانشمندان اهل تسنّن، از جمله زمخشری در ربیع الابرار، نقل کرده‌اند در زمان بنیامیه در بیش از هفتاد هزار منبر در کشورها و مناطق اسلامی، به پیروی از معاویه بر علی بن ابیطالب (علیهما السلام) سبّ میکردند و دشنام میدادند.

. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۰۷، ح ۶۳۱۳، به نقل از: لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰، شماره ۵۵۸.

. همان، ج ۱۱، ص ۴۰۲، ح ۶۳۰۲، به نقل از: مناقب آل ابیطالب، ج ۲، ص ۳۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۸، ح ۱۲.

. أنساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۳، ش ۷۵.

. دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۴۲۰، ح ۶۳۳۰، به نقل از: الغارات، ج ۲، ص ۵۸۱؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابیالحدید)، ج ۴، ص ۱۰۳.

. شرح نهج البلاغه (ابن ابیالحدید)، ج ۱۳، ص ۲۲۲.

. الغدير، ج ۲، ص ۱۵۹.

چهارده اثر از آثار دشمنی با حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

اشاره

با مطالعه تاریخ اسلام به این مطلب میرسیم که گروهی خفاش‌صفت، کورکورانه از هوای نفس خود پیروی کرده و در ظلمت جهل خویش مانده، و به دشمنی و مخالفت با نور خدا حضرت علی مرتضی (علیه السلام) برخاسته‌اند. ما در این بخش به چهارده اثر از آثار دشمنی با حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره خواهیم کرد.

۱- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمن خدا و رسول است

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) :
 «مَنْ أَحْبَبَنِي فَلْيُحِبِّ عَلِيًّا (علیه السلام)، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ أَذْخَلَهُ النَّارَ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هر کس مرا دوست بدارد باید علی (علیه السلام) را نیز دوست بدارد، و هر کس علی (علیه السلام) را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است، و هر کس مرا دشمن بدارد خدا را دشمن داشته، و هر کس خدا را دشمن بدارد خداوند او را وارد آتش جهنم میکند.»

۲- بوی بهشت به مشام دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نمیرسد

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) لَمْ يَشْمِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) :
 «يَا عَلِيُّ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَدِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ، لَمْ يَشْمِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا.»
 رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ای علی! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که نوح (علیه السلام) در میان قومش عمر کرد، خدا را عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق نماید و عمرش آن قدر طولانی شود که هزار سال با پای پیاده حج بگذارد و سپس بین کوه صفا و مروه مظلومانه کشته شود، ولی ای علی تو را قبول نداشته باشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید و داخل آن نخواهد شد.»

۳- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به مرگ جاهلی می‌میرد

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً
 قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام) :
 «إِنَّ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله و سلم) أَخَذَ بِيَدِي ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: مَنْ مَاتَ وَهُوَ يُبْغِضُكَ فَمِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ، يُحَاسِبُ بِمَا عَمِلَ فِي الْإِسْلَامِ، وَمَنْ عَاشَ بَعْدَكَ وَهُوَ يُحِبُّكَ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِيمَانِ كُلُّهَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَغَرَبَتْ حَتَّى يَرِدَ عَلَى الْحَوْضِ.»
 امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود :

«روزی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دستم را گرفت و فرمود: هر که بمیرد در حالی که با تو دشمنی داشته باشد به مرگ جاهلی مرده است و به آنچه در دوران اسلام انجام داده، مؤاخذه خواهد شد. و هر که پس از تو زندگی کند و دوستت

بدارد، خداوند تا زمانی که خورشید طلوع و غروب میکند، آرامش و ایمان را بر وی تمام میکند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شود.»

۴- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آتش است

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) فَهُوَ فِي النَّارِ
 قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام): «مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَلَا يَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ.»
 امیرمؤمنان (علیه السلام) میفرماید: «هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما اقدام نماید، همراه دشمنان ما وارد آتش میشود. و کسی که ما را به قلبش دشمن بدارد و با زبانش علیه ما اقدام کند در آتش جهنم است. و کسی که با قلبش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما کاری نکند، باز هم در آتش جهنم جای دارد.»

. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۴؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳، ح ۶۹۸۸.
 . بشاره المصطفی، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۴، ح ۵۳؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۶۷، ح ۴۰.
 . احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۳۱۱؛ امالی مفید، ص ۱۲۰، م ۱۴، ح ۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۲، ح ۸۸۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۰۹، ح ۵۳.
 . خصال، ج ۲، ص ۶۲۹، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۸۹، ح ۳۹، باب ۴.

۵- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در پایینترین درجه جهنم است

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) فَهُوَ فِي أَسْفَلِ دَرَكِ النَّارِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ، فَأَعْلَى الدَّرَجَةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَفِي أَسْفَلِ الدَّرَكِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَفِي الدَّرَكِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَفِي الدَّرَكِ الثَّالِثَةِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ.»
 رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:
 «در بهشت سه درجه است و جهنم سه طبقه دارد؛ بالاترین درجه بهشت برای کسی است که در دل، ما را دوست بدارد و با زبان و دستش ما را یاری رساند. در درجه دوم بهشت کسی جای دارد که در دل ما را دوست بدارد و با زبانش ما را یاری رساند. و در درجه سوم کسی جای دارد که در دل ما را دوست بدارد.

و در پایینترین طبقه جهنم کسی جای میگیرد که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش علیه ما یاری رساند. در طبقه دوم جهنم کسی جای میگیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبانش به زیان ما کار کند. و در طبقه سوم جهنم کسی جای میگیرد که در دلش ما را دشمن بدارد.»

۶- هر که با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دشمنی کند، منافق است

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) فَهُوَ مُنَافِقٌ

عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ لِعَلِيِّ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضُكَ وَلَوْ نُثِرَتْ الدَّنَائِيرُ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحْبَبَكَ، يَا عَلِيُّ! لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ.»

ابوذر میگوید: شنیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (عليه السلام) میفرمود:

«خداوند [در عالم آلت] از مؤمنان بر محبت تو و از منافق بر بغض تو پیمان گرفته است.

و اگر بینی مؤمن را قطع کنی با تو دشمنی نمیکند، و اگر دنیا را به پای منافق بریزی باز هم دوست نخواهد داشت. ای علی! تو را دوست ندارد مگر مؤمن و با تو دشمنی نمیکند مگر منافق.»

۷- دشمن امیرمؤمنان علی (عليه السلام) کور و نابینا محشور میشود

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ:

«أَحِبُّوا عَلِيًّا (عليه السلام) لِحُبِّي وَأَكْرِمُوهُ لِكِرَامَتِي، وَاللَّهِ مَا قُلْتُ لَكُمْ هَذَا مِنْ قَبْلِي وَلَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِذَلِكَ. يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ! مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) مِنْ بَعْدِي حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى لَيْسَ لَهُ حُجَّةٌ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) خطاب به مهاجران و انصار فرمود:

«علی (عليه السلام) را به خاطر محبت به من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی بدارید. به خدا سوگند، این مطلب را از جانب خود نگفتم، بلکه خداوند متعال مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است.

ای جماعت عرب! هر کس پس از من علی (عليه السلام) را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را نابینا محشور میکند و حجتی نخواهد داشت.»

. بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۹۳، ح ۵۳، باب ۴؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۶، باب ۲۱.

. شرف المصطفی صلی الله علیه و آله، ج ۵، ص ۵۱۲؛ تاریخ دمشق (ترجمه الإمام علی علیها السلام)، ج ۴۲، ص ۲۷۷.

. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۵۲۳؛ احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۳۳۱.

۸- دشمن امیرمؤمنان علی (عليه السلام) دشمن خدا و رسول اوست

عَدُوٌّ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَدُوٌّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«وَلَيْتَكَ وَلَيْتِي، وَلَيْتِي وَلَيْتُ اللَّهِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ.»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (عليه السلام) فرمود:

«دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.»

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْهُ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَلَيْتِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَلَيْتَاللهِ وَعَدُوٌّ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَدُوُّ اللَّهِ.»

و در حدیث دیگری فرمود:

«دوست علی (عليه السلام) دوست خداست و دشمن علی (عليه السلام) دشمن خداست.»

۹- دشمن امیرمؤمنان علی (عليه السلام) در جهنم افکنده میشود

عَدُوٌّ عَلَيَّ (علیه السلام) فِي الْقُرْآنِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِي وَلِعَلِّي بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام): أَذْخِلَا الْجَنَّةَ مَنْ أَحَبَّكُمَا وَأَذْخِلَا النَّارَ مَنْ أَبْغَضَكُمَا؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ)».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«خداوند در روز قیامت به من و علی بن ابیطالب (علیهما السلام) میفرماید: هر که شما دو نفر را دوست داشته وارد بهشت کنید، و هر که با شما دو بزرگوار دشمنی کرده است وارد جهنم کنید، و این معنای سخن خداوند متعال است که میفرماید: "هر کافر متکبر و لجوج را در آتش جهنم افکنید."»

۱۰- دوستی و دشمنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سبب قبولی اعمال

الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ سَبَبُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ

قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام):

«لَوْ صُمْتُ النَّهَارَ وَلَا أَفْطَرُ وَلَا صَلَّيْتُ اللَّيْلَ لَا أَفْطَرُ وَأَنْفَقْتُ مَالِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِلْقًا عِلْقًا، ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةٌ لِأَوْلِيَائِهِ وَلَا بُغْضَةٌ لِأَعْدَائِهِ مَا نَفَعَنِي ذَلِكَ شَيْئًا».

امام محمد باقر (علیه السلام) میفرماید:

«اگر تمام روزها را روزه بگیرم و شبها را یکسره نماز بخوانم و همه اموال خود را در راه خدا انفاق کنم، اما محبت دوستان خدا و دشمنی دشمنان خدا در قلبم نباشد، این اعمال کمترین سودی برایم نخواهد داشت.»

در این روایت صریحاً بیان شده است که محبت و ولایت اهل بیت: میزان سنجش اعمال و سبب قبولی افعال بندگان است، و هیچ عملی بدون ولایت آنها پذیرفته نیست.

و در بسیاری از روایات معتبر از شیعه و سنی نقل شده که شرط قبولی اعمال، محبت و ولایت ائمه اطهار: و اقرار به امامت آن بزرگواران و همچنین براءت و بیزاری از دشمنان ایشان است.

یکی از زیباترین آنها روایتی است که در آن چنین نقل شده است: روزی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مسجد کوفه رفتند، در حالی که قبر در خدمت حضرت بود. در این هنگام، چشم قبر به مردی افتاد که در حال نماز خواندن بود، به حضرت عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مردی که زیباتر از این شخص نماز بخواند، ندیده‌ام!

حضرت فرمود: «ساکت باش ای قبر! به خدا سوگند، اگر کسی به ولایت ما اهل بیت یقین پیدا کند از کسی که هزار سال عبادت کند بالاتر است. و اگر شخصی خداوند را هزار سال عبادت کند، عبادتش پذیرفته نمیشود مگر آنکه ولایت ما را بشناسد [و بپذیرد]. و اگر شخصی خدا را هزار سال عبادت کند و عبادت هفتاد و دو پیغمبر را انجام دهد، خداوند قبول نخواهد کرد مگر آنکه ما را بشناسد [و ولایت ما را بپذیرد]. و اگر ولایت ما را قبول نکند، خداوند او را با صورت به آتش جهنم خواهد افکند.»

۱. أمالی مفید، ص ۲۱۳، مجلس ۲۴، ح ۴؛ خصال، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۵۳؛ بشاره المصطفی، ص ۲۱۶.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۵؛ أمالی صدوق، ص ۸۹، مجلس ۲۰، ح ۱؛ بشاره المصطفی، ص ۱۹.

۳. سوره ق، آیه ۲۴.

۴. إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۵؛ بشاره المصطفی، ص ۱۴۴؛ أمالی طوسی، ص ۲۹۰، مجلس ۱۱، ح ۵۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۹.

۱۹۶؛ احقاق الحق، ج ۶، ص ۲۱۰؛ غایه المرام، ج ۴، ص ۱۶۵.

. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۱.

۱۱- دشمنی با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نشانه پلیدی ولادت

بُغْضُ عَلِيٍّ (علیه السلام) عَلَامَةُ حُبِّ الْوَلَادَةِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم):

«يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى طِبِّ مَوْلِدِهِ، فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وَلَادَتُهُ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ای علی! هر که من و تو را و امامان از نسل تو را دوست بدارد، پس باید خداوند را به خاطر حلالزادگی خود سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد مگر حلالزاده و ما را دشمن ندارد مگر حرامزاده.»

۱۲- محبوبترین اعمال، دوستی و دشمنی در راه خدا

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم):

«أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى (علیه السلام): هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ؟ قَالَ: إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ وَ صُمْتُ وَ تَصَدَّقْتُ وَ ذَكَرْتُ لَكَ.

فَقَالَ: إِنَّ الصَّلَاةَ لَكَ بُزْهَانٌ وَ الصَّوْمَ جُنَّةٌ وَ الصَّدَقَةَ ظِلٌّ وَ الذِّكْرَ نُورٌ، فَأَيُّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي؟ فَقَالَ مُوسَى (علیه السلام): ذُلْنِي عَلَى عَمَلٍ هُوَ لَكَ.

فَقَالَ: يَا مُوسَى! هَلْ وَائْتِ لِي وَلِيًّا وَ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؟! فَعَلِمَ مُوسَى (علیه السلام) أَنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ.»

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود:

«خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) وحی کرد: آیا هرگز برای من عملی انجام داده‌ای؟ حضرت موسی (علیه السلام) پاسخ داد: خدایا! برای نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام، صدقه داده‌ام، و ذکر تو را گفتم.

خداوند متعال فرمود: نماز برای برهان و راهنماست، روزه سپر است، صدقه سایه سرت [در روز قیامت] است و یاد من برای تو نور است. [اینها همه برای خودت بوده است] پس برای من چه عملی بهجا آورده‌ای؟

حضرت موسی (علیه السلام) گفت: مرا به کاری که برای توست راهنمایی کن. خداوند متعال فرمود: ای موسی! آیا هرگز با یکی از دوستانم دوستی کرده‌ای و آیا با یکی از دشمنانم، دشمنی ابراز نموده‌ای؟

پس حضرت موسی (علیه السلام) فهمید که محبوبترین عمل، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست.»

. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲۷۳، باب ۲۷.

. أُمَالِي صَدُوق، ص ۴۵۷، مجلس ۷۲، ح ۱۴؛ معانی الأخبار، ص ۱۶۱، ح ۳؛ بشارة المصطفی، ص ۱۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶، ح ۵؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴۱، ح ۳.

. جامع الأخبار، ص ۱۲۸، فصل ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۴، ح ۱۳۹۷۵؛ الدعوات، فصل الثانی، ص ۲۸، ح ۵۰.

۱۳- دشمن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ناامید از رحمت الهی

مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (علیه السلام) آيِسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیه السلام) قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَاسْتَجَابَ دُعَاءَهُ.
 أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیه السلام) أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِزٍّ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ.
 أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ : أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصَّرَاطِ.
 أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ : فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ.
 أَلَا وَمَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ : جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آيِسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.»
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند متعال نماز و روزه و قیام او را قبول فرماید و دعایش را مستجاب گرداند.

آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد، خداوند متعال به تعداد رگهای بدنش، شهری در بهشت به او عطا فرماید.
 آگاه باشید! هر کس علی (علیه السلام) را دوست بدارد از حساب و میزان و صراط ایمن است.
 آگاه باشید! هر کس بر محبت آل محمد : بمیرد، من بهشت را [همراه همنشینی] با انبیا برای او ضمانت میکنم.
 آگاه باشید! هر کس بر بغض و دشمنی آل محمد : بمیرد، روز قیامت در حالی محشور میگردد که بین دو چشمانش نوشته شده:
 این شخص از رحمت خدا ناامید است.»

۱۴- دشمنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کجایند؟!

أَيُّنَ الْمُبْغِضُونَ لِعَلِيٍّ (علیه السلام)
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْجَبَ لَكَ بِذَلِكَ مِنَ الْفَضَائِلِ وَالثَّوَابِ مَا لَا يَعْرِفُهُ غَيْرُهُ، يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيُّنَ مُحِبُّوا عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؟ فَيَقُومُ قَوْمٌ مِنَ الصَّالِحِينَ، فَيَقَالُ لَهُمْ: خُذُوا بِأَيْدِي مَنْ شِئْتُمْ مِنْ عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ فَأَدْخِلُوهُمْ الْجَنَّةَ، فَأَقْلُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يَنْجُو بِشَفَاعَتِهِ مِنْ أَهْلِ [تِلْكَ] الْعَرَصَاتِ أَلْفَ أَلْفِ رَجُلٍ. ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: أَيُّنَ الْبُقِيَّةِ مِنْ مُحِبِّي عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؟ فَيَقُومُ قَوْمٌ مُقْتَصِدُونَ، فَيَقَالُ لَهُمْ: تَمْنُوا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا شِئْتُمْ فَيَتَمَنَوْنَ فَيَفْعَلُ بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ] مَا تَمَنَّى ثُمَّ يُضَعَّفُ لَهُ مِائَةُ أَلْفٍ ضِعْفٍ.
 ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: أَيُّنَ الْبُقِيَّةِ مِنْ مُحِبِّي عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)، فَيَقُومُ قَوْمٌ ظَالِمُونَ لَأَنْفُسِهِمْ مُعْتَدُونَ عَلَيْهَا، فَيَقَالُ: أَيُّنَ الْمُبْغِضُونَ لِعَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)؟ فَيُؤْتَى بِهِمْ جَمٌّ غَفِيرٌ وَعِدَدٌ كَثِيرٌ، فَيَقَالُ: أَلَا نَجْعَلُ كُلَّ أَلْفٍ مِنْ هَؤُلَاءِ فِدَاءً لِوَاحِدٍ مِنْ مُحِبِّي عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ، فَيَنْجِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُحِبِّيكَ وَيَجْعَلُ أَعْدَاءَكَ فِدَاءَهُمْ.»
 ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «هَذَا الْأَفْضَلُ الْأَكْرَمُ، مُحِبُّهُ مُحِبُّ اللَّهِ وَ[مُحِبُّ] رَسُولِهِ، وَ[مُبْغِضُهُ] مُبْغِضُ اللَّهِ وَ[مُبْغِضُ] رَسُولِهِ هُمْ خِيَارُ خَلْقِ اللَّهِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) .»
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) خطاب به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود :

«ای ابالحسن! خداوند به خاطر آن فداکاری که انجام دادی به اندازه‌های پاداش و ثواب به تو عطا میفرماید که هیچ کس جز او نمیداند. هنگامی که روز قیامت فرامیرسد، فریادکننده‌های فریاد میزنند: "دوستان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) کجا هستند؟" گروهی از صالحین و نیکوکاران بهپا خیزند، به آنها گفته میشود: "از این عرصات قیامت دست هر که را میخواهید بگیرید،" و وارد بهشت کنید و کمترین تعدادی که به شفاعت یک نفر از این صالحین نجات پیدا میکند و وارد بهشت میشود، یک میلیون نفر میباشد.

سپس آن نداکننده فریاد میزنند: "بقیه دوستان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) کجایند؟" پس گروهی میانه [که هم حسنات دارند هم سیئات] برخیزند، به آنها گفته میشود: "آنچه میخواهید از خداوند عزوجل درخواست کنید،" پس به هر یک از آنها آنچه را که درخواست کند، عطا مینماید و سپس آن را صد هزار برابر میکند.

بار دیگر آن نداکننده فریاد میزنند: "بقیه دوستان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) کجایند؟" پس گروهی که با گناه کردن به خود ظلم کرده‌اند برمیخیزند، سپس گفته میشود: "دشمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) کجایند؟" جمعیت بسیار زیادی برمیخیزند، ندا میرسد: "هر هزار نفر از اینها را در مقابل یک نفر از دوستان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) قرار دهید [و اعمال خوب و حسنات آنها را برای دوستان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) بنویسید]، و دوستان حضرت را از آتش نجات داده و وارد بهشت کنید." پس خداوند عزوجل دوستان تو را نجات میدهد و دشمنان تو را فدای آنها میکند.»

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«مقام علی (علیه السلام) برتر و والاتر از اینها است. هر که تو را دوست بدارد خدا و رسولش را دوست داشته، و آنکه با تو دشمنی کند با خدا و رسولش دشمنی نموده است، و ایشان برترین خلق خدا از امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند.»

. ماء منقبه، ص ۱۷۰، المنقبه الخامسة و التسعون؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۲۰، ح ۱۰۰؛ فرائد السَّمِطین، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۷۲، ح ۵۱؛ احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۶۱؛ کشفالیقین، ص ۲۲۷.

فصل دهم

اشاره

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده میدهد که قطعاً آنان را جانشین خود در زمین قرار دهد، همانگونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیشوای پیامبران

خداوند علم اسماء را به آدم (علیه السلام) آموخت: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ)، و او را خلیفه خود در زمین نامید: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً).

ابراهیم (علیه السلام) را خلیل درگاه خود قرار داد: (وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)، و آتش نمرود را برای او گلستان نمود: (يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا).

اسماعیل (علیه السلام) را در کتاب خود ستود و او را «صادق الوعد» نامید: (وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقُ الْوَعْدِ).

یوسف (علیه السلام) را صدیق: (يُوسُفُ أَثِيهَا الصَّدِيقُ) نامید و تمام حسن و زیبایی را به او عنایت فرمود.
دعای زکریا (علیه السلام): (رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً) را اجابت فرمود و او را به یحیی (علیه السلام) بشارت داد.
یحیی (علیه السلام) را در کودکی به پیامبری مبعوث نمود: (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابُ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا) ، و وجود او را موجب برکت قرار داد: (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) .

حکمت را به لقمان (علیه السلام) عطا فرمود: (وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ) .
کتابی آسمانی برای داود (علیه السلام) فرستاد: (وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا) ، و فرزندی چون سلیمان (علیه السلام) به او هبه فرمود: (وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ) .

پادشاهی و ملک عظیم را به سلیمان (علیه السلام) عطا فرمود: (هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَبْغِي لِأَحَدٍ) ، و جن و انس و پرندگان را مطیع او ساخت: (وَحَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ) .
ید بیضاء را به موسی (علیه السلام) عنایت کرد: (وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءً) ، و او را همکلام خویش قرار داد: (وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا) .

عیسی (علیه السلام) را از روح خود آفرید: (فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا) ، و روح القدس را به یاری او فرستاد: (وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ) .
و همه آنچه که خداوند متعال به صد و بیست و چهار هزار پیامبر خود عنایت کرده است، همه را به امام پیامبران حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) عطا فرمود و تمامی صفات پیامبران را در او جمع نمود. همانگونه که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هر که میخواهد به آدم در حلمش، به نوح در فهمش، به موسی در مناجاتش، به ادریس در کمالش، به یوسف در جمالش، به ابراهیم در خلیل بودنش و به یحیی در زهدش نگاه کند، پس به سیمای علی بن ابیطالب (علیه السلام) بنگرد.»

. سوره نور، آیه ۵۵.

[چهارده حکایت در رابطه با پیامبران و امیرمؤمنان علی (علیه السلام)]

اشاره

ما نیز در این بخش به چهارده مورد از حکایتهای پیامبران : با امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره میکنیم.

حکایت اول

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليهما السلام) قَالَ :
«لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عَلَى الْغَرَقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْغَرَقَ وَلَمَّا رُمِيَ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) فِي النَّارِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ اللَّهُ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَإِنَّ مُوسَى (عليه السلام) لَمَّا ضَرَبَ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَهُ اللَّهُ يَبَسًا وَإِنَّ عِيسَى (عليه السلام) لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَبَّى مِنَ الْقَتْلِ فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یاور پیامبران :

امام رضا (علیه السلام) فرمودند :

«هنگامی که حضرت نوح (علیه السلام) نزدیک به غرق شدن بود، خداوند را به حقّ ما اهل بیت خواند، پس خداوند بالای غرق

شدن را از او دور نمود.

هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آتش افکنده شد، خداوند را به حقّ ما خواند، پس خداوند آتش را بر او سرد و سلامت نمود.

هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) عصا را به دریا زد تا راه عبور بگشاید، خداوند را به حقّ ما خواند، پس خداوند آب دریا را برای او خشک گردانید.

هنگامی که یهودیان قصد کشتن حضرت عیسی (علیه السلام) را نمودند، خداوند را به حقّ ما خواند، لذا از کشته شدن نجات یافت و خداوند او را به سوی خود بالا برد.

حکایت دوم

عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام):

«... يَا مُفَضَّلُ! وَاللَّهِ مَا اسْتَوْجَبَ آدَمَ (عليه السلام) أَنْ يَخْلُقَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَيَنْفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ إِلَّا بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَمَا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى (عليه السلام) تَكْلِيمًا إِلَّا بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَلَا أَقَامَ اللَّهُ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام) آيَةً لِلْعَالَمِينَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِعَلِيٍّ (عليه السلام)».

تکمیل نبوت پیامبران، به ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

مُفَضَّل میگوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) به من فرمود:

«ای مُفَضَّل! به خدا سوگند، آدم (علیه السلام) لیاقت پیدا نکرد که خداوند او را به دست خود بیافریند و از روح خود در او بدمد، مگر به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام). و خداوند حضرت موسی (علیه السلام) را هم صحبت خود قرار نداد، مگر به خاطر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام). و خداوند عیسی (علیه السلام) را نشانه برای عالمیان قرار نداد، مگر به جهت این که [در مقابل ولایت] امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کوچکی و تواضع نمود.»

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۵، ح ۷؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۳، ح ۸۸۵۳؛ قصص الأنبياء (راوندی)، ص ۱۰۵، ح ۹۹.

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۹۴، باب ۶، ح ۵۶؛ إختصاص، ص ۲۵۰.

حکایت سوم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: «لَمَّا أُلْقِيَ يُوسُفُ (عليه السلام) فِي الْبُجْبِ نَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ مَا تَصْنَعُ هَاهُنَا؟ مَنْ طَرَحَكَ فِي هَذَا الْبُجْبِ؟ فَقَالَ: إِخْوَتِي لَمَنْزِلَتِي مِنْ أَبِي حَسَدُونِي وَلِذَلِكَ فِي هَذَا الْبُجْبِ طَرَحُونِي. فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: أَتَحِبُّ أَنْ تُخْرَجَ مِنْ هَذَا الْبُجْبِ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ إِلَى إِلَهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: فَإِنَّ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ يَقُولُ لَكَ قُلْ: اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَانُ يَدْبِعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُوالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَخْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَخْتَسِبُ.

فَدَعَا يُوسُفَ (عليه السلام)، فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْبُجْبِ يَوْمِئِذٍ فَرْجًا وَمِنْ كَيْدِ الْمَرْأَةِ مَخْرَجًا وَأَتَاهُ مُلْكٌ مِصْرٍ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَخْتَسِبُ.»

نجات یوسف (علیه السلام) به خاطر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هنگامی که حضرت یوسف (علیه السلام) را در درون چاه افکندند، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: "ای پسر! اینجا چه میکنی؟ چه

کسی تو را درون این چاه افکنده است؟" یوسف (علیه السلام) گفت: "برادرانم به خاطر محبتی که پدرم نسبت به من داشت، بر من حسد ورزیدند و مرا در چاه افکندند".

پس جبرئیل گفت: "آیا دوست میداری از این چاه خارج شوی؟" گفت: "این را واگذار میکنم به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب". جبرئیل گفت: "پس بدان که خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب به تو میگوید که بگو:

خداوند! من از تو که سزاوار حمد و ستایشی و خدایی جز تو نیست و نعمت دهنده و آفریدگار آسمانها و زمین و صاحب جلال و اکرامی میخواهم که بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای کار من گشایش و رهایی قرار بده و روزی مرا از طریقی که گمان میروود و از طریقی که گمان نمیروود عطا فرما".

پس یوسف آن دعا را خواند، آن گاه خداوند همان روز او را از چاه نجات داد و از حيله آن زن (همسر عزیز مصر) رها کرد و حکومت مصر را از راه بیگمان به او ارزانی داشت.

حکایت چهارم

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ انْتَهَى بِي الْمَسِيرُ مَعَ جِبْرِئِيلَ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَرَأَيْتُ بَيْتًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ فَقَالَ لِي جِبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله وسلم)! هَذَا هُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِخَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ، قُمْ يَا مُحَمَّدُ فَصَلِّ إِلَيْهِ». قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى اجْتَمَعَ جَمِيعُ الرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ: فَصَفَّيَهُمْ جِبْرِئِيلُ وَرَأَى صَفًّا فَصَفَّيْتُ بِهِمْ فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنَ الصَّلَاةِ أَتَانِي آتٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ سَلِ الرُّسُلَ عَلَى مَاذَا أَرْسَلْتَهُمْ مِنْ قَبْلِكَ، فَقُلْتُ: مَعَاشِرَ الرُّسُلِ! عَلَى مَاذَا بَعَثْتُمْ رَبِّي قَبْلِي؟ فَقَالَتِ الرُّسُلُ: عَلَى وَلايَتِكَ وَوَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَسْئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)».

پیامبران ابلاغ کننده ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

ابن عباس میگوید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند، همین که همراه جبرئیل از آسمان چهارم گذشتیم، خانهای دیدم که از یاقوت قرمز بود، پس جبرئیل به من گفت: "ای محمد! این بیت المعمور است که خداوند متعال آن را خلق نموده پنجاه هزار سال قبل از آن که آسمانها و زمینها را خلق کند آفریده است. ای محمد بهیچ خیز و به سوی او نماز گزار".

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «سپس خداوند تعالی امر فرمود تا همه رسولان و انبیا گرد آمدند، پس جبرئیل همه آنها را در پشت سر من در یک صف نظم داد، پس با آنها نماز گزاردم. آنگاه که از نماز فارغ شدم، پیامی از جانب پروردگارم به من رسید، به من گفت: "ای محمد! پروردگارت سلامت میفرساند و میفرماید: از پیامبران سؤال کن که به چه منظور آنها را قبل از تو فرستادم". پس گفتم: "ای فرستادگان خدا! به چه منظور خداوند شما را قبل از من برانگیخت؟" گفتند: "خداوند ما را برای ابلاغ ولایت تو و ولایت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) برانگیخت و گفتار خداوند که میفرماید: "ای پیامبر! از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس،" اشاره به همین مطلب است».

۹. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۶؛ در المنثور، ج ۴، ص ۹.

۱۰. سوره زخرف، آیه ۴۵.

۱۱. مأة منقبة، المنقبة الثانية و الثمانون، ص ۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۰۷، ح ۶۹؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۵۵؛ تأویل الآيات، ص

حکایت پنجم

رَوَى أَضْحَابُ التَّوَارِيخِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَانَ جَالِسًا وَعِنْدَهُ جُنَى يَشِيءُ لَهُ عَنْ قَضَايَا مُشْكِلَةٍ فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) تَصَاعَرَ الْجُنَى حَتَّى صَارَ كَالْعَصْفُورِ ثُمَّ قَالَ: «أَجِزْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ» فَقَالَ: «مِمَّنْ؟» قَالَ: «مِنْ هَذَا الْفَتَى الْمُقْبِلِ»

فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «وَمَا ذَاكَ؟» فَقَالَ الْجُنَى: «أَتَيْتُ سَفِينَةَ نُوحٍ لَأَغْرِقَهَا يَوْمَ الطُّوفَانِ فَلَمَّا تَنَاوَلْتُهَا ضَرَبَنِي هَذَا فَقَطَعَ يَدِي» ثُمَّ أَخْرَجَ يَدَهُ مَقْطُوعَةً، فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «هُوَ ذَلِكَ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، ناجی حضرت نوح (علیه السلام)

روزی رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نشسته بودند و یکی از جنها نزد آن حضرت بود و از قضایای مشکل از رسول خدا سؤال میکرد، در این هنگام، امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شد. وقتی آن جن، حضرت را دید، کوچک شد تا اندازه یک گنجشک درآمد و به رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) عرضه داشت: «ای رسول خدا! مرا پناه بده!» رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و آله و سلم فرمود: «از چه کسی؟» عرضه داشت: «از این جوانی که در مقابل ماست.» پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «چرا تو را از این جوان پنهان کنم؟» جواب داد: «هنگامی که من به کشتی نوح (علیه السلام) آمدم و خواستم آن را در روز طوفان، غرق کنم، وقتی آن را گرفتم، این جوان آمد و دستم را قطع کرد.» سپس دست قطع شده خود را به رسول خدا نشان داد، رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «آری، این همان جوان است.»

حکایت ششم

عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ:

«أَتَى يَهُودِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يُحَدِّثُ النَّظَرَ إِلَيْهِ. فَقَالَ: مَا حَاجَّتُكَ يَا يَهُودِيٌّ؟

قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ أُمِّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليهما السلام) الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْعَصَا وَ فَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَ أَظْلَهُ بِالْغَمَامِ؟

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبِيدِ أَنْ يُرَكِّي نَفْسَهُ وَ لَكِنِّي أَقُولُ: إِنَّ آدَمَ (عليه السلام) لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي؛ فَغَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ.

وَ إِنَّ نُوحًا (عليه السلام) لَمَّا رَكِبَ السَّفِينَةَ وَ خَافَ الْغَرَقَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ؛ فَجَاءَهُ اللَّهُ مِنْهُ.

وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا؛ فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا.

وَ إِنَّ مُوسَى (عليه السلام) لَمَّا أُلْقِيَ عَصَاهُ وَ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمْتَنَنِي؛ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى).

يَا يَهُودِيٌّ! إِنَّ مُوسَى (عليه السلام) لَوْ أَدْرَكَنِي ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَ بَيَّوْتِي مَا نَفَعَهُ إِيمَانُهُ شَيْئًا وَ لَا نَفَعَتْهُ الثُّبُوءُ، يَا يَهُودِيٌّ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمُهَدِيٍّ (عليه السلام) إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ»

افضلیت امیرمؤمنان و فرزندان او بر پیامبران

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

. مشارق الأنوار، ص ۱۳۲؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۸۱.
 . سوره طه، آیه ۶۸.

«یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و در مقابل آن حضرت که قرار گرفت، خیره‌خیره به ایشان نگاه کرد. رسول خدا به او فرمود: "ای یهودی! چه کاری با من داری و حاجت تو چیست؟" عرض کرد: "میخواهم سؤال کنم آیا تو افضل هستی یا موسی بن عمران (علیهما السلام) که خداوند با او تکلم کرده و تورات را بر او نازل نمود و عصا به او مرحمت کرد و دریا را برایش شکافت و دستور داد ابرها بر او سایه افکنند؟" پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: "شایسته نیست کسی از خودش تعریف کند، ولی در جواب تو میگویم: وقتی حضرت آدم (علیه السلام) آن خطا را مرتکب شد، برای توبه کردن چنین گفت: خداوند! از تو میخواهم که به حق محمد و آل محمد گناه مرا بیامیزی؛ و خدا او را آمرزید. وقتی حضرت نوح (علیه السلام) در میان کشتی از غرق شدن ترسید، گفت: خداوند! از تو درخواست میکنم به حق محمد و آل محمد مرا از غرق شدن نجات دهی؛ و خداوند او را نجات داد. وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) به آتش افکنده شد، گفت: خداوند! از تو درخواست میکنم به حق محمد و آل محمد مرا از این آتش نجات بخشی؛ و خداوند آتش را بر او سرد و بیآزار قرار داد. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) عصا را رها کرد و در وجود خود ترسی احساس نمود، گفت: خداوند! از تو درخواست میکنم به حق محمد و آل محمد مرا ایمن گردانی و از وحشت رها سازی؛ خداوند تبارک و تعالی فرمود: (لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى)؛ ترس زیرا تو برتر هستی. ای یهودی! اگر موسی (علیه السلام) مرا درک کند و سپس به من و نبوت من ایمان نیاورد، هرگز ایمانش برای او نفعی ندارد و از نبوتش سودی نمیرد. ای یهودی! مهدی (علیه السلام) از ذریه و نسل من است که وقت ظهورش، عیسی بن مریم (علیهما السلام) از آسمان برای یاری او حاضر میشود و هنگام نماز او را مقدم میدارد و به او اقتدا میکند.»

حکایت هفتم

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):
 «مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي.»
 قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرِئِيلُ؟»
 فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفُضَّلَ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ، وَلِلْإِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّائُنَا وَخُدَّامُ مُحِبِّينَا، يَا عَلِيُّ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا.
 يَا عَلِيُّ! لَوْلَا- نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا- حَوَاءَ، وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ وَكَيْفَ لَا تَكُونُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ؟ لَإِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَرْوَاحَنَا، فَأَنْطَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهِدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اشْتَعِظَمَتْ أَمْرُنَا فَسَبَّحْنَا لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَا خَلَقَ مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ مُنَزَّهٌ عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتْ

الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتِهِ عَنْ صِفَاتِنَا.

فَلَمَّا شَاهَدُوا أَعْظَمَ شَأْنًا، هَلَّلْنَا لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَا عَبِيدٌ وَلَسْنَا بِإِلَهِهِ يَجِبُ أَنْ نَعْبُدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّنَا كَبَرْنَا لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَنَالَ عِظَمَ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ، فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ، فَقُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ لَا حَوْلَ لَنَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْجَبَهُ لَنَا مِنْ فَرْضِ الطَّاعِيَةِ، قُلْنَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَسْتَحِقُّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِهِ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَمْجِيدِهِ وَتَمَجِيدِهِ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعْنَا صُلْبَهُ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَإِكْرَامًا وَكَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُبُودِيَّةً وَلِأَدَمَ إِكْرَامًا وَطَاعِيَّةً، لِيَكُونَنَا فِي صُلْبِهِ فَكَيْفَ لَا نَكُونُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ وَقَدْ سَجَدُوا لِأَدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ...

آفرینش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) قبل از آدم (علیه السلام)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«خداوند نیافریده خلقی که بهتر از من باشد، و نزد او گرامیتر از من باشد.»

علی (علیه السلام) فرمود: عرض کردم: «یا رسول الله! تو برتری یا جبرئیل؟» پیامبر فرمود: «خدای تبارک و تعالی پیغمبران مرسل خود را بر فرشتگان مقرب برتری داده و مرا بر همه پیغمبران و رسولان برتری داده و پس از من ای علی! برتری از آن تو و امامان بعد از توست؛ زیرا فرشتگان، خادمین ما و خادمان دوستان ما هستند.

ای علی! کسانی که عرش را حمل میکنند و کسانی که اطراف آنها هستند، به واسطه ولایت ما حمد الهی را بهجا میآورند و برای کسانی که مؤمن هستند طلب آمرزش میکنند.

ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم، و آسمان و زمین را نمیآفرید. و چگونه برتر از ملائکه نباشیم، در حالی که در معرفت پروردگارمان و تسبیح و تهلیل و تقدیس او بر آنها سبقت گرفتاریم؛ زیرا خداوند اولین چیزی را که خلق فرمود، ارواح ما بود، و او ما را به توحید و تمجید خود، گویا ساخت.

سپس ملائکه را آفرید و آنان چون ارواح ما را در حالی که نور واحدی بود مشاهده نمودند، امر (ولایت) ما را بزرگ شمردند. پس ما تسبیح خدا را گفتیم تا ملائکه بدانند که ما مخلوق خدا هستیم و او از صفات ما منزّه است. بعد از آن، ملائکه نیز تسبیح او را گفتند و او را از صفات ما تنزیه کردند. و چون بزرگی مقام و شأن ما را مشاهده کردند، تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که هیچ معبودی جز خدا نیست و بدانند ما بندگانی هستیم و نه خدایانی که با او یا در کنار او پرستیده شویم، و ملائکه گفتند: "لا اله الا الله." و هنگامی که بزرگی منزلت و جایگاه ما را مشاهده کردند، تکبیر خدا گفتیم تا ملائکه بدانند که خدا بزرگتر از آن است که در دسترس باشد و جایگاه او بزرگ و عظیم است. و هنگامی که آن عزت و قدرتی را که خدا به ما داده است مشاهده کردند، ما گفتیم: لا حول ولا قوه الا بالله، تا فرشتگان بدانند که برای ما هیچ قدرت و قوتی نیست مگر به واسطه خدا، و ملائکه گفتند: "لا حول ولا قوه الا بالله." و هنگامی که مشاهده کردند آن نعمتی را که خدا بر ما ارزانی داشته و طاعت ما را واجب شمرده، گفتیم: "الحمد لله،" تا به ملائکه بیاموزیم آنچه را خداوند از حمد ما بر نعمتهایش سزاوار است، ملائکه هم گفتند: "الحمد لله." پس ملائکه به وسیله ما به شناخت توحید خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او راهنمایی شدند. سپس خدای متعال آدم را آفرید و نور ما را در صُلب او قرار دارد و به ملائکه دستور داد برای تعظیم و احترام ما به او سجده کنند؛ و سجده آنها برای خدا بندگی و برای آدم، احترام و طاعت بود؛ و این برای آن بود که ما در صُلب او بودیم. چگونه ما از ملائکه بهتر نباشیم با آن که همه آنها برای آدم سجده کردند...»

. اُمالی صدوق، ص ۲۱۸، مجلس ۳۹، ح ۴؛ تأویل الآیات، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۶۶، ح ۷۲؛ احتجاج، ج ۱، ص ۴۷؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۰، ح ۸۸۴۶؛ جامع الأخبار، الفصل الرابع، ص ۸.

حکایت هشتم

عَنْ سَلِمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَمُحَمَّدُ بْنُ حَنْفِيَّةٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَبِيبَكْرٍ وَعَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ جُلُوسًا عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِمَنْزِلِهِ لَمَّا بُويعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ. فَقَالَ لَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ (عليه السلام): «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ سَلِيمَانَ سَيَسْأَلُ رَبَّهُ مُلْكًا لَا يَتَّبِعُنِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِهِ فَأَعْطَاهُ ذَلِكَ، فَهَلْ مَلَكَتَ مِمَّا مَلَكَتَ سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ؟ (عليهما السلام)»

فَقَالَ (عليه السلام): «وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، إِنَّ سَلِيمَانَ بْنُ دَاوُدَ (عليهما السلام) سَأَلَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ الْمُلْكَ فَأَعْطَاهُ وَإِنَّ أَبَاكَ مَلَكَ مَا لَمْ يَمْلِكْهُ بَعْدَ جَدِّكَ رَسُولُ اللَّهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ بَعْدَهُ.»

فَقَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام): «نُرِيدُ أَنْ تُرِينَا مِمَّا فَضَّلَكَ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْكِرَامَةِ.» فَقَالَ (عليه السلام): «أَفْعَلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.» فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَتَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِدَعَوَاتٍ لَمْ يَفْهَمْهَا أَحَدٌ، ثُمَّ أَوْمَأَ يَدِهِ إِلَى جَهَةِ الْمَغْرِبِ فَمَا كَانَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ جَاءَتْ سَحَابَةٌ فَوَقَفَتْ عَلَى الدَّارِ وَإِذَا بِجَانِبِهَا سَحَابَةٌ أُخْرَى. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «أَيُّهَا السَّحَابَةُ اهْبِطِي بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى فَهَبْطِي وَهِيَ تَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ خَلِيفَتُهُ وَوَصِيُّهُ مِنْ شَكِّ فَيْكَ فَقَدْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِ النِّجَاةِ.» قَالَ: ثُمَّ انْبَسَطَتِ السَّحَابَةُ عَلَى الْأَرْضِ كَأَنَّهَا بِسَاطٌ مَبْسُوطٌ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «إِجْلِسُوا عَلَى الْعِمَامَةِ فَجَلَسْنَا وَآخَذْنَا مَوَاضِعَنَا فَأَشَارَ إِلَى السَّحَابَةِ الْأُخْرَى فَهَبْطَتْ وَهِيَ تَقُولُ كَمَقَالَةِ الْأُولَى وَجَلَسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَيْهَا مُفْرَدَةً ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ وَأَشَارَ إِلَيْهَا بِالْمَسِيرِ نَحْوَ الْمَغْرِبِ وَإِذَا بِالرَّيْحِ قَدْ دَخَلَتْ تَحْتَ السَّحَابَتَيْنِ فَرَفَعَتْهُمَا رَفْعًا رَفِيقًا، فَتَمَايَلَتْ نَحْوَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَإِذَا بِهِ عَلَى كُرْسِيِّ وَالنُّورُ يَسْطَعُ مِنْ وَجْهِهِ يَكَادُ يَخْطِفُ الْأَبْصَارَ.»

فَقَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام): يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِنَّ سَلِيمَانَ بْنَ دَاوُدَ (عليهما السلام) كَانَ مُطَاعًا بِخَاتَمِهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِهَذَا يُطَاعُ؟

فَقَالَ (عليه السلام): أَنَا عَيْنُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، أَنَا لِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ، أَنَا نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، أَنَا بَابُ اللَّهِ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَتُجِبُونَ أَنْ أُرِيكُمْ خَاتَمَ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ (عليهما السلام)؟ قُلْنَا: نَعَمْ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ إِلَى جَنْبِهِ فَأَخْرَجَ خَاتَمًا مِنْ ذَهَبٍ فَضَّهُ مِنْ يَاقُوتَةٍ حُمْرَاءَ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ».

خاتم سلیمان (علیه السلام) نزد امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

از سلمان فارسی روایت شده که گفت: من و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و محمد بن حنفیه و محمد بن ابیبکر و عمار بن یاسر و مقداد بن اسود کندی نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودیم زمانی که با عمر بن خطاب بیعت شده بود.

امام حسن (علیه السلام) به پدر بزرگوارش عرض کرد: «ای امیرمؤمنان! همانا سلیمان بن داود (علیهما السلام) از خداوند متعال ملک و سلطنتی درخواست کرد که هیچ کس بعد از او آن ملک را نداشته باشد، پس خداوند آن ملک را به او عطا فرمود. آیا از آن چیزهایی که خداوند به سلیمان داده به شما هم عطا فرموده است؟»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پاسخ دادند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و مردم را آفرید، همانا سلیمان (علیه السلام) از خداوند خواست و خداوند نیز به او داد، [آمین] همانا خداوند تبارک و تعالی به پدرت ملکی عطا فرموده که بعد و قبل از جدت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ کس صاحب آن نیست.»

پس امام حسن (علیه السلام) عرضه داشت: «دوست داریم به ما نشان بدهی، از آن کرامت‌های که خداوند به وسیله آنها تو را برتری داده است.» امیرالمؤمنین فرمود: «انجام میدهم ان شاء الله.»

سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) برخاست و وضو گرفت و دو رکعت نماز به جای آورد و خدای عزوجل را با دعایی که هیچ کس مفهوم آن را نمیدانست دعا کردند، سپس به طرف مغرب اشاره نمودند. تکه ابری از طرف مغرب بالای منزل حضرت آمد و بعد از آن، تکه ابر دیگری به دنبال آن آمد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به آن ابر فرمود: «ای ابر! به اذن خدا، پایین بیا.» پس به اذن خدا تکه ابر اولی پایین آمد، در حالی که میگفت: «شهادت میدهم که خدایی جز الله نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده اوست و همانا تو جانشین و وصی او هستی و هر که به تو شک کند، همانا از راه راست و نجات، گمراه خواهد شد.» سپس تکه ابر مانند فرش بر زمین پهن شد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «روی ابر سوار شوید.» ما نیز سوار شدیم. سپس به ابر دوم اشاره فرمود، آن هم پایین آمد و همان کلماتی را که ابر اولی گفته بود، او نیز اقرار کرد، سپس حضرت تنهایی بر آن سوار شدند و کلماتی فرمودند و اشاره فرمود ابر را که به طرف مغرب برود، ناگهان باد زیر آن دو ابر آمد و آنها را بالا برد. ابری که بر آن سوار شده بودیم به طرف ابری که امیرمؤمنان (علیه السلام) سوار شده بودند تمایل پیدا کرد و نزدیک شد. ناگهان حضرت را بر روی کرسی از نور دیدیم، در حالی که از جمال آن حضرت نوری ساطع بود که چشمها را به خود خیره میکرد.

پس امام حسن (علیه السلام) عرضه داشت: «ای امیرمؤمنان! همانا سلیمان بن داود (علیهما السلام) به واسطه انگشترش اطاعت میشد، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به چه وسیله اطاعت میشود؟» حضرت فرمود: «من چشم خداوند در زمین هستم. من زبان گویای خداوند در بین مخلوقات میباشم. من نور خدایم؛ نوری که خاموش نمیشود. من باب خدایم؛ بابی که از آن وارد میشوند [و به خدا تقرب پیدا میکنند]، و حجت خدا بر بندگان میباشم.»

سپس فرمود: «آیا دوست دارید انگشتر سلیمان (علیه السلام) را ببینید؟» گفتیم: «آری.» حضرت دست مبارک خود را در گریبان فرو برد و انگشتری بیرون آورد از طلا که نگین آن، یاقوت سرخی بود که روی آن «محمد» و «علی» نوشته شده بود.

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۳۵، ح ۱؛ تأویل الآیات، ص ۸۳۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، باب ۷.
بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۳، ح ۵؛ مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۵۵، و ص ۵۴۹، ح ۳۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۶۷۵، ح ۶۷۸۸.

حکایت نهم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) قَالَ :
«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ عَرْشِ : "أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ؟" فَيَقُومُ دَاوُدُ النَّبِيُّ (عليه السلام) . فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : "لَسْنَا بِإِيَّاكَ أَرْضَنَا وَإِنْ كُنْتَ لِلَّهِ تَعَالَى خَلِيفَةً".
ثُمَّ يُنَادِي ثَانِيَةً : "أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ؟" فَيَقُومُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ ! هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَعَلَّقْ بِحَبْلِهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ

يَسْتَضِيءُ نُّورَهُ وَلِيَتَّبِعُهُ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّاتِ" قَالَ: «فَيَقُومُ النَّاسُ الَّذِينَ قَدْ تَعَلَّقُوا بِحَبْلِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَتَّبِعُونَهُ إِلَى الْجَنَّةِ. ثُمَّ يَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ: أَلَا مَنْ اتَّبَعَنِي بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْنِي إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ، فَحِينَئِذٍ تَبْرَأُ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤْنَا مِنْكَ كَذَلِكَ يُرِيدُهُمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ».

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اولین جانشین خدا در زمین

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند :

«چون روز قیامت فرا رسد، منادی از میان عرش ندا میدهد که: "خلیفه خدا در زمین کجاست؟" در این هنگام، داود پیامبر دعوت حق را لبیک میگوید و برمیخیزد. از ناحیه خداوند ندا داده میشود که ما تو را اراده نکردیم، هرچند تو نیز خلیفه خدا هستی. بار دوم ندا رسد: خلیفه خدا در زمین کجاست؟ پس امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (علیهما السلام) برمیخیزد. از جانب خدا ندا میرسد: "ای مخلوقات! این علی بن ابیطالب (علیهما السلام) خلیفه خدا در زمین و حجتش بر بندگان اوست. پس هر که در دنیا به ریسمان [ولایت] او آویخته، امروز نیز به ریسمان او بیاویزد تا از نور او روشنی گیرد و به دنبال او به درجات بالای بهشت راه یابد." پس گروهی از مردم که در دنیا به ریسمان ولایت او آویخته بودند، بلند میشوند و به دنبال آن حضرت به بهشت میروند. سپس از جانب خداوند ندا میرسد: "آگاه باشید! هر کس در دنیا به پیشوایی اقتدا کند، امروز نیز به هر جا او را ببرد، راهی شود." در این هنگام، پیروان میگویند: "کاش بار دیگر به دنیا برمیگشتیم تا از آنها (پیشوایان گمراه) بیزاری جوییم، آنچنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند." خداوند این چنین اعمال آنان را به صورت حسرتزایی به آنان نشان میدهد، و هرگز از آتش [دوزخ] خارج نخواهند شد.»

. سوره بقره، آیات ۱۶۶ - ۱۶۷.

. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳ ح ۴؛ أمالی مفید، ص ۲۸۵، مجلس ۳۴، ح ۳؛ أمالی طوسی، ص ۶۳، مجلس ۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۷۵۱؛ تأویل الآیات، ص ۸۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۴۸۵.

حکایت دهم

عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي عَاصِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ لِي: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْخَلَائِقَ كَانَ نُوحٌ (عليه السلام) أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى بِهِ فَيُقَالُ لَهُ: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيُقَالُ لَهُ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (عليهما السلام) قَالَ: فَيَخْرُجُ نُوحٌ (عليه السلام) فَيَتَخَطَّى النَّاسَ حَتَّى يَجِيءَ إِلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَهُوَ عَلَى كَثِيبِ الْمِسْكِ وَمَعَهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا)، فَيَقُولُ نُوحٌ (عليه السلام) لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَأَلَنِي هَلْ بَلَغْتَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَقُلْتُ: مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَيَقُولُ: يَا جَعْفَرُ! يَا حَمْزَةُ! إِذْهَبَا وَاشْهَدَا لَهُ إِنَّهُ قَدْ بَلَغَ.»

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «فَجَعَفَرُ وَحَمْزَةُ هُمَا الشَّاهِدَانِ لِلْأَنْبِيَاءِ: بِمَا بَلَغُوا.» فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَعَلَيْكَ (عليه السلام) أَيْنَ هُوَ؟ فَقَالَ: «هُوَ أَعْظَمُ مَنَزَلَةً مِنْ ذَلِكَ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) شاهد رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در قیامت

یوسف بن ابوسعید میگوید: روزی نزد امام جعفر صادق (علیه السلام) بودم، به من فرمود :

«هنگامی که قیامت برپا میشود و خداوند همه مخلوقات را جمع میکند، نخستین کسی را که صدا میزنند، حضرت نوح (علیه السلام) است. به او گفته میشود: "آیا دین الهی را به مردم رسانده‌ای؟" میگوید: "بلی". به او گفته میشود: "چه کسی به این عمل تو شهادت و گواهی میدهد؟" میگوید: "محمد بن عبدالله (علیهما السلام)" سپس در طلب حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به راه میافتد و مردم را کنار میزنند و از بین آنها عبور میکند تا خود را به آن حضرت میرساند، در حالی که حضرت بر روی منبری از مشک نشسته است و علی (علیه السلام) در کنار اوست. و این همان کلام خداوند متعال است: "هنگامی که او را از نزدیک میبینند، صورت کافران زشت و سیاه میگردد".

حضرت نوح (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه میدارد: "خداوند متعال از من سؤال کرده است آیا پیام و فرامین الهی را به مردم رساندی؟" گفتیم: بلی، فرمود: چه کسی شاهد تو است؟ عرض کردم: حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم). در این هنگام، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جعفر بن ابیطالب و حمزه میفرماید: بروید و شهادت بدهید که نوح (علیه السلام) وظیفه خود را انجام داده است.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «پس جعفر و حمزه دو شاهدند برای پیامبران که ابلاغ رسالت نموده‌اند.» عرض کردم: «فدای شما شوم، پس علی (علیه السلام) کجاست و چه میکند؟» حضرت فرمود: «مقام و مرتبه او بالاتر از اینهاست.»

حکایت یازدهم

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرَّضَا (علیه السلام) قَالَ: إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكْرَمَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِإِسْجَادِ مَلَائِكَتِهِ لَهُ وَبِإِدْخَالِ الْجَنَّةِ، قَالَ فِي نَفْسِهِ: هَلْ خَلَقَ اللَّهُ بَشَرًا هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي؟

فَنَادَاهُ اللَّهُ: اِرْزُقْ رَأْسَكَ يَا آدَمُ! وَانْظُرْ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ آدَمُ فَنَظَرَ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَزَوْجُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَقَالَ آدَمُ (علیه السلام): يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ اللَّهُ: هَؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِي، وَلَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأَخْرِجَكَ مِنْ جَوَارِي...»

دیدن آدم (علیه السلام) نور امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را در عرش

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم (علیه السلام) را به وسیله سجده نمودن ملائکه بر او و داخل کردن او به بهشت کرامت بخشید، آدم (علیه السلام) با خود گفت: آیا خداوند بشری را برتر از من خلق فرموده است؟ پس خداوند او را ندا کرد: "ای آدم! سرت را بلند کن و به ساق عرش نظر بیفکن". پس آدم (علیه السلام) سرش را بلند کرده و به پایه عرش الهی نگاه کرد، دید بر آن نوشته شده: "لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین و همسرش فاطمه (علیهما السلام) سرور زنان عالم و دو فرزندش حسن و حسین (علیهما السلام) آقای جوانان اهل بهشت".

آدم (علیه السلام) عرض کرد: "خداوندا اینها کیستند؟" خطاب آمد: "اینها از نسل تو هستند و از تو و از همه مخلوقات برتر و بهترند، اگر ایشان نبودند، تو را نمیآفریدم و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمیکردم. پس مبدا که بر آنان به نظر حسد نگاه کنی که در آن صورت تو را از جوار خودم بیرون میرانم.»

. سوره ملک، آیه ۲۷.

. کافی، ج ۸، ص ۲۶۷، ح ۳۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۸۲، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۴۵، ح ۱۰۹۲۵.

. جواهر السیئة، ص ۲۵۲، الباب الثانی عشر؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۴، ح ۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۶؛ ح ۶۷؛

بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳، ح ۱۵.

حکایت دوازدهم

عَنْ أَبِي عَقَالٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، سَيَّالَ أَبُو عَقَالٍ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ سَيَّدُ الْمُشْلِمِينَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ تَظُنُّ يَا أَبَا عَقَالٍ؟» فَقَالَ: آدَمُ. فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «هَهُنَا مَنْ أَفْضَلُ مِنْ آدَمَ». فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَيْسَ اللَّهُ خَلَقَهُ بِيَدِهِ، وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَزَوَّجَهُ حَوَاءَ أَمَتِهِ وَأَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ؟ فَمَنْ يَكُونُ أَفْضَلَ مِنْهُ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ». فَقَالَ: شِيثٌ؟ فَقَالَ: «أَفْضَلُ مِنْ شِيثٍ». فَقَالَ: إِدْرِيسُ؟ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ إِدْرِيسٍ وَنُوحٌ». فَقَالَ: هُودٌ؟ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ هُودٍ وَصَالِحٌ وَلُوطٌ». فَقَالَ: مُوسَى وَهَارُونُ؟ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ مُوسَى وَهَارُونِ». قَالَ: فَإِبْرَاهِيمُ أَذْنِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ». قَالَ: فَيَعْقُوبُ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ يَعْقُوبَ وَيُوسُفَ». قَالَ: فِدَاؤُدُ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ». قَالَ: فَأَيُّوبُ أَذْنِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ أَيُّوبَ وَيُونُسَ». قَالَ: زَكَرِيَّا أَذْنِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ زَكَرِيَّا وَيَحْيَى». قَالَ: فَالْيَسَعَ أَذْنِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنَ الْيَسَعَ وَذِي الْكَفَلِ». قَالَ: فَعِيسَى أَذْنِ. قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَفْضَلُ مِنْ عِيسَى».

قَالَ أَبُو عَقَالٍ: مَا عَلِمْتُ مَنْ هُوَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَلَكٌ مُقَرَّبٌ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ: «مُكَلَّمُكَ، يَا أَبَا عَقَالٍ [يَغْنِي نَفْسَهُ]». فَقَالَ أَبُو عَقَالٍ: سَوَّرْتَنِي وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم): «أَزِيدُكَ يَا أَبَا عَقَالٍ؟» قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِعْلَمْ يَا أَبَا عَقَالٍ، أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ ثَلَاثُمِائَةٌ وَثَلَاثَةُ عَشَرَ نَبِيًّا، أَوْ جَعَلُوا فِي كَفَّةٍ وَصَاحِبُكَ فِي كَفَّةٍ لَرَجَعَ عَلَيْهِمْ».

فَقُلْتُ: مَلَأْتَنِي سُرُورًا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَكَ؟ فَذَكَرَ لَهُ نَفَرًا مِنْ قُرَيْشٍ، ثُمَّ قَالَ: «ابْنِ أَبِيطَالِبٍ». فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيُّهُمْ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟ قَالَ: «عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ». فَقُلْتُ: لِمَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): «خَلَقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ قَالَ: يَا أَبَا عَقَالٍ! فَضَّلْ عَلِيًّا عَلَى سَائِرِ النَّاسِ كَفَضْلِ جِبْرِئِيلَ عَلَى سَائِرِ الْمَلَائِكَةِ». ثُمَّ قَالَ الْكُنْجِيُّ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ عَالٍ.

برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر مردم، مانند برتری جبرئیل بر فرشتگان

از ابیعقال روایت شده که از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) پرسید: «ای رسول خدا! سرور مسلمانان کیست؟» فرمود: «به نظر تو کیست؟» گفت: «آدم». حضرت فرمود: «در اینجا کسی هست که از آدم برتر است». گفت: «ای رسول خدا! مگر نه این است که آدم را خداوند با دست خود آفرید و از روح خود در او دمید و کنیز خود حوا را به همسری او درآورد و او را در بهشت جای داد؟ پس چه کسی میتواند از او برتر باشد؟» حضرت فرمود: «کسی هست که خداوند او را [بر همه عالمیان] برتری داده است». گفت: «شیث است؟» فرمود: «برتر از شیث است». گفت: «ادریس است؟» حضرت فرمود: «از ادریس و نوح برتر است». گفت: «هود است؟» حضرت فرمود: «از هود و صالح و لوط برتر است». گفت: «هارون و موسی هستند؟» حضرت فرمود: «از هارون و موسی برتر است». گفت: «ابراهیم است؟» فرمود: «از ابراهیم و اسماعیل و اسحاق برتر است». گفت: «پس یعقوب است؟» فرمود: «از یعقوب و یوسف برتر است». گفت: «پس داود است؟» فرمود: «از داود و سلیمان برتر است». گفت: «ایوب است؟» فرمود: «از ایوب و یونس برتر است». گفت: «زکریا است؟» فرمود: «از زکریا و یحیی برتر است». گفت: «یسع است؟» فرمود: «از یسع و ذیالکفل برتر است». گفت: «پس عیسی است؟» حضرت فرمود: «از عیسی برتر است».

ابوعقال گفت: «ای رسول خدا! من نمیدانم او کیست؟ آیا ملک مقرب است؟» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «همین کسی است که اکنون با تو سخن میگوید یعنی خود پیامبر اکرم.»

ابوعقال گفت: «ای رسول خدا! به خدا سوگند مرا شاد نمودی.» حضرت فرمود: «آیا بیشتر بگویم؟» گفت: «آری.» حضرت فرمود: «بدان که پیامبران و رسولان الهی سیصد و سیزده نفرند، اگر همه آنها را در یک کفه ترازو قرار دهند و صاحب تو را در کفه دیگر، کفه صاحب تو بر آنان برتری دارد.»

ابوعقال گفت: «سرور و شادی مرا زیاد کردی ای رسول خدا، اما برترین مردم پس از شما کیست؟» حضرت چند نفر از قریش را نام برد، سپس فرمود: «فرزند ابیطالب.»

گفتم: «ای رسول خدا! کدامین آنها نزد تو محبوبترند؟» فرمود: «علی بن ابیطالب (علیهما السلام).» گفتم: «به چه دلیل؟» فرمود: «من و علی از یک نور خلق شدیم»، تا آنجا که فرمود: «ای ابوعقال! برتری علی (علیه السلام) بر سایر مردم، مثل برتری جبرئیل بر سایر فرشتگان است.»

گنجی شافعی میگوید: «این حدیثی حسن و با سند عالی است.»

.الإمام علی ابیطالب علیه السلام (رحمانی همدانی)، ص ۳۲۹، ح ۱۰، به نقل از: کفایه الطالب، ص ۳۱۶.

حکایت سیزدهم

استمداد حضرت سلیمان (علیه السلام) از امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۶ م) هنگامی که عده‌ای از سربازان انگلیسی در چند کیلومتری بیت المقدس مشغول سنگرگیری و حمله بودند، در دهکده کوچکی به نام «اونتره» یک لوح نقره‌ای پیدا کردند که حاشیه‌اش به جواهرات گرانبها مرصع، و در وسطش خطوطی به حروف طلایی نگارش یافته بود.

هنگامی که آن را نزد فرمانده خود «میجرای این گریندل» بردند، هر چه کوشید نتوانست از آن چیزی بفهمد، ولی دریافت که این نوشته به زبان اجنبی بسیار قدیمی است.

بالاخره این لوح، به وسیله وی دست به دست گردید تا به دست فرماندهان ارتش انگلیس «لیفتونانت» و «گلدستون» رسید، و ایشان هم آن را به دست باستانشناسان انگلستان سپردند.

پس از پایان جنگ (۱۹۱۸ م) درباره لوح مذکور به تحقیق و بررسی پرداختند و کمیته‌ای تشکیل دادند که اساتید شناخت زبانهای باستانی انگلستان، آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی در آن عضو بودند.

پس از چند ماه بررسی و تحقیق، در سوم ژانویه ۱۹۲۰ م، معلوم شد که این لوح مقدسی است به نام «لوح سلیمانی»، و سخنانی از حضرت سلیمان (علیه السلام) در بردارد که به الفاظ عبرانی قدیم نگارش یافته است.

ما اکنون خود الفاظ لوح را با ترجمه‌اش در اینجا می‌آوریم.

ترجمه لوح سلیمانی :

الله

احمدایی (علی)

باهتول (بتول)

حاسن (حسن) حاسین (حسین)

یاه احمد! مقذا = ای احمد! به فریادم رس.

یاه ایلی! انصطاه = یا علی! مرا مدد فرمای.

یاه باهتول! اکاشئی = ای بتول! نظر مرحمت فرمای.

یاه حاسن! اضو مظع = ای حسن! کرم فرمای.

یاه حاسین! بارفو = یا حسین! خوشی بخش.

امو سلیمان صوه عئخب زالهلاذ اقتا = این سلیمان اکنون به این پنج بزرگوار استغاثه میکند.

بذت الله کم ایلی = و «علی» قدرت الله است.

اعضای کمیته چون بر مضمون نوشته لوح مقدس اطلاع یافتند، هر یک با دیده تعجب به دیگری نگریستند و انگشت حیرت به دندان گزیدند و پس از تبادل نظر، قرار بر این شد که لوح در موزه سلطنتی بریتانیا گذاشته شود.

اما چون این خبر به اسقف اعظم انگلستان (pohsiB droL) رسید، فرمان محرمانه‌ای به کمیته نوشت که خلاصه‌اش این است: «اگر این لوح در موزه گذاشته شود و در دیدگاه مردم قرار گیرد، اساس مسیحیت متزلزل خواهد شد، و سرانجام خود مسیحیان، جنازه مسیحیت را بر دوش بلند نموده، در قبر فراموشی دفن خواهند کرد، لذا بهتر آن است که لوح مذکور، در رازخانه کلیسای انگلستان گذارده شود و جز اسقف و اهل سر، کسی آن را نبیند.»

برای کسب اطلاع بیشتر در اینباره، مراجعه شود به: کتاب lufrednoW malsI fo seirotS، صفحه ۲۴۹، چاپ لندن. کسانی که این لوح را دیدند و بینشی داشتند، گرایشی عجیب به اسلام پیدا کردند و همان وقت بین دو نفر از دانشمندان به نام «ولیم» و «تامس» پیرامون لوح گفتگو‌هایی شد که به اسلام آوردن هر دو انجامید. سپس ولیم، نام خود را به «کرم حسین» و تامس، به «فضل حسین» تغییر دادند.

برای اطلاع بیشتر در این زمینه، مراجعه شود به: مجله الاسلام، دهلی، فوریه ۱۹۲۷ م، و مسلم کرانیکل، لندن، ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶ م.

. حافظ ابو عبد الله، محمد بن یوسف گنجی شافعی، در سال ۶۵۸ از دنیا رفت. از مهمترین آثار وی: البیان فی أخبار صاحب الزمان علیه السلام، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام میباشد.

حکایت چهاردهم

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و کشتی حضرت نوح (علیه السلام)

در ژوئیه ۱۹۵۱ میلادی، گروهی از دانشمندان معدنشناس روسی، برای اکتشاف معدن، مشغول زمینکاوی بودند که ناگهان به تخته چوبهایی پوسیده برخوردند و پس از کاوش بیشتر معلوم شد که در آنجا چوبهای بسیاری در زیر زمین وجود دارد که گذشت زمان، آنها را کهنه و پوسیده ساخته است. آنان دریافتند که باید این چوبها غیر عادی و مشتمل بر راز نهفته‌ای باشد.

این بود که با دقت کامل، زمین را شکافتند، و در نتیجه، تخته چوبهای پوسیده و چیزهای دیگری از آنجا درآوردند و در آن میان تخته چوب مستطیلی یافتند که همه را به حیرت انداخت؛ زیرا در اثر گذشت زمان، کهنگی و پوسیدگی به تمام چوبها راه یافته بود، جز این تخته که چهارده اینچ طول، و ده اینچ عرض داشت و حروفی چند بر آن منقش بود.

دولت روس، برای تحقیق و بررسی درباره این تخته چوب، در ۲۷ فوریه ۱۹۵۳ میلادی، کمیته‌ای تشکیل داد که اعضای آن، باستانشناسان و استادان شناخت زبانهای عتیق بودند و ما اکنون نام و عنوان آنها را در اینجا می‌آوریم:

۱- سولی نوف، استاد دانشگاه مسکو (بخش زبانها).

۲- ایفاهان خینوا، استاد شناخت زبانهای باستانی در دانشکده رچاینا.

۳- میثانن لوفارتگ، رییس اداره باستانشناسی.

۴- تانمول گورت، استاد زبانها در دانشکده کیفزو.

۵- دی راکن، عتیقه‌شناس و استاد دانشگاه لنین.

۶- ایم احمد کولاد، ناظم اداره تحقیق زتکومن.

۷- میجر کولتوف، ناظر دفتر تحقیقات دانشکده استالین.

بالاخره پس از هشت ماه تحقیق و کاوش، اسرار آن تخته چوب برای کمیته کشف گردید و معلوم شد که این تخته چوب از کشتی حضرت نوح (علیه السلام) است که برای تیمن و مددخواهی چیزهایی بر آن نوشته و بر کشتی نصب شده است.

در وسط تخته، یک تصویر پنجه نمایی وجود داشت که عبارتی چند به زبان سامانی بر آن نگاشته بود و اکنون آن تخته را در دیدگاه خوانندگان محترم قرار میدهیم تا تصویر و نوشته‌ها را چنان که در زمان حضرت نوح (علیه السلام) بود، مشاهده کنند :
از راست به چپ خوانده میشود :

کمیته تحقیق، پس از هشت ماه فکر و دقت و زحمت، نوشته مذکور را خواندند و به حروف روسی درآوردند، بدین صورت :
حروف بالای پنجه :

حروف وسط پنجه :

حروف اطراف پنجه از راست به چپ :

حروف زیر پنجه :

سپس استاد زبان باستانشناس بریتانیا skam .F .N .RM، الفاظ مذکور را به انگلیسی چنین ترجمه کرد :
your holybodies: O. My god My Helper. Keep My Hand with Mercy And with
.Mohamad. Alia. shabbar. shabbir. Fatema
.They All Are Biggests And Honou rables
.The world Established For Them
.Help Me By Their Names
.you can Refrm to Right

ای خدای من! ای مددکار من!

به لطف و مرحمت خود و به طفیل ذوات مقدّس :

محمّد، ایلیا، شبر، شبیر و فاطمه:]، دست مرا بگیر.

این پنج نور مقدّس از همه باعظمتتر و واجب الاحترام هستند و تمام دنیا برای آنان برپا شده است.

پروردگارا! به واسطه نامشان، مرا مدد فرمای.

تو میتوانی همه را به راه راست هدایت نمایی.

. رساله علی و پیامبران، ص ۲۱.

اشاره

(یا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا)
 «از زکریّا! ما تو را به فرزندی بشارت میدهم که نامش "یحیی" است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم.»

. رساله علی و پیامبران، ص ۳۵.

. سوره مریم، آیه ۷.

آثار و برکات نام زیبای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه اطهار

انتخاب نام خوب برای فرزندان، یکی از حقوق دینی آنان است که بر عهده والدین می‌باشد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

«يَا عَلِيُّ! حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسُنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.»

«ای علی! از حقوقی که فرزند بر پدر دارد این است که نام خوبی برای او انتخاب کند و او را نیکو تربیت کند و به کارهای خوب بگمارد.»

و امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «اولین نیکی پدر به فرزند خود این است که او را به نام نیک نامگذاری کند؛ پس باید اسم خوبی را برای فرزند خود انتخاب کنید.»

برای نامهای نیک، به‌ویژه نامهای نورانی ائمه اطهار: آثار فراوانی ذکر شده است که به چند نمونه آنها اشاره میکنیم:

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«هر خانهای که در آن شخصی به نام "محمد" باشد، اهل آن خانه، صبح و شام در خیر و خوشی هستند.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادٍ مُنَادٍ أَلَا لِيَقُمْ كُلُّ مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ فَلْيَدْخُلِ الْجَنَّةَ لِكِرَامَتِهِ سَمِيَّهُ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله و سلم).»

«هنگامی که قیامت برپا میشود، منادی ندا میدهد: آگاه باشید! هر کس که نامش "محمد" است، قیام کند و به احترام و بزرگی همنام بودن با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد بهشت شود.»

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

«در منزلی که نام "محمد" احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله "و از زنان" فاطمه "باشد، هیچگاه فقر راه نخواهد یافت.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«همیشه برکات خداوند بر اهل خانهای که یک نام از نامهای پیامبران الهی در آن باشد، نازل خواهد گشت.»

در روایت است که: «در روز قیامت افرادی را می‌آورند که اسمهای آنها "محمد" است. خداوند متعال به آنها می‌فرماید: شما که نامتان "محمد" بود، حیا نکردید و از گناه دست برنداشتید، اما من از این که همنام حبیبم هستید، شرم دارم شما را عذاب کنم.»

شخصی خدمت امام جعفر صادق (علیه السلام) عرضه داشت: مدتی از ازدواجم می‌گذرد، ولی بچه‌دار نمی‌شویم. امام (علیه السلام) به او فرمود: «پس از آمیزش این دعا را بخوان: "اللَّهُمَّ إِنِّ رَزَقْتَنِي وَلَدًا سَمِيَّتُهُ مُحَمَّدٌ آ"؛ خدایا! اگر فرزندی به من عطا فرمودی، او را محمد مینامم، [خداوند به تو فرزندی عنایت خواهد کرد. آن شخص، دستور امام را انجام داد، خداوند نیز به او پسری روزی

فرمود.

- . من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۱.
- . تهذیب، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۱۴۷۵.
- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۳۱، ح ۲۷.
- . وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۵، ح ۲۷۳۹۳، باب ۲۴.
- . بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱، ح ۲۵.
- . مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۹، ح ۱۷۷۵۱.
- . همان، ج ۱۵، ص ۱۳۰، ح ۱۷۷۵۷.
- . وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۷۷، ح ۲۷۳۴۸، باب ۱۴.

آثار و برکات نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر درهای بهشت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«هنگامی که وارد بهشت شدم، مشاهده کردم که بر درب آن با طلا نوشته شده بود: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى مُجِيبِهِمْ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.»

«خدایی جز الله نیست، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حبیب خدا، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) ولی خدا، و فاطمه (علیها السلام) کنیز خدا و حسن و حسین (علیهما السلام) برگزیدگان خدا هستند و رحمت خدا بر دوستانشان و لعنت او بر دشمنانشان باد.»

نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر روی خورشید

عبدالله بن مسعود میگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «همانا خورشید دو طرف دارد که یکی از آنها برای آسمانها نورافشانی میکند و طرف دیگرش اهل زمین را روشن میکند و بر هر دو روی آن چیزی نوشته شده است.» سپس حضرت فرمود: «آیا میدانید بر آنها چه نوشته شده است؟» عرض کردیم: «خدا و رسول او بهتر میدانند.» حضرت فرمود: «بر آن طرفی که به سوی اهل آسمان است نوشته شده است: "اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ،" و بر طرفی که برای اهل زمین نورافشانی میکند، نوشته شده است: "عَلِيُّ نُورِ الْأَرْضِينَ."»

نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بر بال جبرئیل

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«روزی جبرئیل امین نزد من آمد و بالهایش را باز کرده در حالی که روی یکی از بالهایش "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ،" و بر بال دیگرش "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلِيُّ الْوَصِيِّ" نوشته شده بود.»

نام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در آسمانها

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«شبی که مرا به آسمانها بالا بردند، هیچ دری و پردهای و درختی و برگی و میوه‌ای ندیدم، مگر این که بر روی آن نوشته شده بود: "علی علی،" و همانا نام علی (علیه السلام) بر هر چیزی [در آسمانها] نوشته شده بود.»

نام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ، اسم اعظم الهی

روزی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در راهی میگذشت، یک نفر یهودی از اهل خیر با حضرت همراه شد. در بین راه به درّهای که در آن آب زیادی جمع شده بود رسیدند. یهودی فوراً پارچهای را که نخ‌ی یا پشمی بود به خود پیچید و روی آب به راه افتاد، مقداری که رفت، علی (علیه السلام) را صدا زد و گفت : «اگر آنچه را من میدانم، تو میدانستی، از آب عبور میکردی همان طور که من عبور کردم.» امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او فرمود: «قدری توقّف کن.» سپس اشارهای فرمود، فوراً آب مُنجمد شد، و روی آن به راه افتاد. یهودی که چنین دید، خود را بر روی قدمهای علی (علیه السلام) انداخت و عرض کرد: «ای جوانمرد! چه چیزی گفتی که آب را به سنگ تبدیل کردی؟»

حضرت فرمود: «تو چه چیزی گفتی که بر روی آب عبور کردی؟» عرض کرد: «من خدا را به اسم اعظم او خواندم.» حضرت فرمود: «اسم اعظم خدا چیست؟» عرض کرد: «اسم جانشین حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم).» حضرت فرمود: «من همان جانشین حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم.» یهودی به مقام آن حضرت اعتراف کرد و اسلام آورد.

. بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۳، ح ۶؛ مأة منقبه، المنقبه الرابع والخمسون؛ احقاق الحق، ج ۲۲، ص ۲۶۲.

. بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۹، ح ۲۱؛ مأة منقبه، ص ۷۷، المنقبه الخامسة والأربعون؛ مدينة المعاجز، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۶۳۱.

. بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۹، ح ۱۹؛ غایة المرام، ج ۲، ص ۱۴۹؛ كشف الغمّة، ج ۱، ص ۲۹۷؛ كشفالیقین، ص ۱۰.

. مشارق الأنوار، ص ۲۳۶.

. مشارق الأنوار، ص ۲۷۱.

نامهای قرآنی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

اشاره

اسمهای بسیاری در قرآن از زبان معصومین : برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ذکر شده و در این زمینه، کتابهای متعددی نگارش یافته است که از جمله آنها میتوان به کتاب ارزشمند لَوَامِعُ التَّوَرَاتِیَّةِ، نوشته علامه بحرانی اشاره کرد که به یک هزار و صد و پنجاه و چهار اسم از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قرآن اشاره نموده است. همچنین علامه دیلمی در کتاب غُررُ الْأَخْبَارِ به یکصد اسم حضرت در قرآن کریم، اشاره نموده است، که در این مختصر، مجال بیان آنها نیست، ولی از باب «مَا لَا يُدْرِكُ كُلُّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ»، به مختصری از آنها اشاره میکنیم.

۱ - منفق

الْمُنْفِقُ: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) ؛ «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار انفاق میکنند.»

ابن عباس در تفسیر این آیه میگوید: علی (علیه السلام) چهار درهم داشت، درمی از آن را روز، درهم دیگری را شب، درهم سومی را پنهانی و چهارمین درهم را به صورت آشکار در راه خدا انفاق نمود. آنگاه این آیه در شأن او نازل شد

۲- حسنه

الْحَسَنَةُ: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ)؛ «کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن

خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز (قیامت) در امان خواهند بود.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«منظور از "حسنه"، "ولایت علی (علیه السلام) است.»

۳- صالح المؤمنین

صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ)؛ «و اگر بر ضد او دست هم دهید

[کاری از پیش نخواهید برد]؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.»

ابن عباس میگوید: منظور از «صالح المؤمنین»، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.

۴- جنب الله

جَنْبُ اللَّهِ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْبَ رَبِّي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)؛ «این که روز رستاخیز کسی بگوید: "افسوس بر من،" به خاطر

کوتاهی کردن در مورد جنب خدا.»

حضرت امام ابیالحسن (علیه السلام) فرمود:

«منظور از "جنب الله"، "امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۵- شاهد

الشَّاهِد: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ)؛ «آیا کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن

شاهدی از سوی او میباشد.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من دلیل و برهان از سوی پروردگار هستم و علی (علیه السلام) شاهد و گواه از سوی من است.»

ابومحمد، حسن بن ابیالحسن دیلمی، از علمای قرن هشتم هجری است. بنابر نقل سید محسن‌امین در اعیان الشیعه، وفات او در سال ۸۴۱ هجری بوده است و از جمله تألیفات او میتوان به: ارشاد القلوب، غرر الأخبار، و اعلام الدین اشاره کرد.

سوره بقره، آیه ۲۷۴.

. سوره نمل، آیه ۸۹.

. سوره تحریم، آیه ۴.

. سوره زمر، آیه ۵۶.

. سوره هود، آیه ۱۷.

۶- مؤمن

المُؤْمِن: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ)؛ «آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که فاسق است؟ نه، هرگز این دو با هم برابر نیستند.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

«مراد از "مؤمن"، در آیه شریفه، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

۷- علی

الْعَلِي: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ)؛ «و او در ام کتاب [لوح محفوظ] نزد ما بلندمرتبه و استوار است.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«منظور از "عَلِيَّ حَكِيمٌ"، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۸- نور

النُّور: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)؛ «دلیل روشنی از جانب پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «برهان و دلیل، "رسول خدا، و منظور از "نور مبین"، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

۹- عروۃ الوثقی

الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى)؛ «در

واقع، به دستگیره محکم الهی چنگ زده.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: «منظور از "عروۃ الوثقی"، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و امامان از فرزندان آن حضرت است.»

۱۰- احسان

الْإِحْسَان: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى)؛ «خدا به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان میدهد.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

«منظور از "عدل"، شهادت به یگانگی خداوند متعال و این که حضرت محمد فرستاده اوست، و منظور از "احسان"، ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) و پذیرش اطاعت آن دو بزرگوار است.»

۱۱- رحمت

الرَّحْمَةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ)؛ «هر کس را بخواهد [و شایسته بدانند] در رحمت [وسیع] خود وارد میکند.»
امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، همان رحمت خدا بر بندگان است؛ هر که ولایت او را بپذیرد، نجات یابد و از مقربان گردد و کسی که ولایت او را نپذیرد، از هلاک شوندگان خواهد شد.»

. سوره سجده، آیه ۱۸.

. سوره زخرف، آیه ۴.

. سوره نساء، آیه ۱۷۴.

. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

. سوره نحل، آیه ۹۰.

. سوره انسان، آیه ۳۱.

۱۲- کلمه تامة

الْكَلِمَةُ التَّامَّةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا)؛ «و کلمه پروردگار تو با صدق و عدل به حد تمام رسید.»
امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«همانا امام در شکم مادر میشنود، وقتی از مادر متولد میشود، بر بازوی راستش نوشته شده: "وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا."»

۱۳- حق الیقین

الْحَقُّ الْيَقِينُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ)؛ «و آن یقین خالص است.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) میفرماید:

«مقصود از "حق الیقین"، همان ولایت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است؛ کسی که آن را تکذیب کند، در حسرت خواهد بود و در واقع "حق الیقین" را تکذیب نموده که ولایت آن حضرت واجب است.»

۱۴- انسان

الْإِنْسَانُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ)؛
«خدای رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید.»

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «منظور از "انسان"، "امیرمؤمنان علی (علیه السلام)" است که خداوند متعال همه آنچه مردم به آن احتیاج دارند را به حضرتش آموخت.»

۱۵ - سَلَم

السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً) ؛
«ای کسانی که ایمان آوردید! همگی در صلح و آشتی درآید!»
امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود :

«منظور از "سَلَم"، "ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)" و ولایت امامان از فرزندان آن حضرت است، پس همگی به ولایت آنان روی آورید و آن را انکار نکنید.»

۱۶ - يَمِين

الْيَمِينُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ) ؛ «و اما اگر از اصحاب یمن باشد.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «منظور از "یمن"، "امیرمؤمنان (علیه السلام)" و "اصحاب یمن"، "همان شیعیان آن حضرت هستند.»

۱۷ - اِيْمَان

الْإِيْمَانُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ) ؛ «و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد.»
امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود :
«منظور از "ایمان"، "علی بن ابیطالب (علیهما السلام)" است.»

. سوره انعام، آیه ۱۱۵.

. سوره حاقه، آیه ۵۱.

. سوره رحمن، آیات ۱ - ۳.

. سوره بقره، آیه ۲۰۸.

. سوره واقعه، آیه ۹۰.

. سوره مائده، آیه ۵.

۱۸ - کَلِمَةُ تَقْوَا

كَلِمَةُ التَّقْوَى: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَأَلْزَمْنَاهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا) ؛ «و آنان را به حقیقت تقوا ملزم نمود و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند.»

امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه فرمود :

«[منظور از " کلمه التقوی] همان ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۱۹ - حق

الحَقُّ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (قُلْ إِنْ رَبِّي يَفْزِدُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْعُيُوبِ) ؛

«بگو: پروردگار من حق را [بر دل پیامبران خود] میافکند، که او دانای غیبا [و اسرار نهان] است.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «[منظور از " حق " در آیه شریفه] امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و پیشوایان از فرزندان آن حضرت هستند.»

۲۰ - امام

الإِمَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ) ؛ [به یاد

آوريد] روزی که ما همه گروهها را با پیشوایانشان دعوت میکنیم.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«این آیه در شأن علی بن ابیطالب (علیهما السلام) و فرزندان او نازل شده است.»

۲۱ - امانت

الْأَمَانَةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا) ؛

«خداوند به شما فرمان میدهد که امانتها را به صاحبانش برسانید.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود :

«سوگند به خدا، " امانت، " همان ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است.»

۲۲ - هدی

الْهُدَى: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ) ؛ «و اینکه ما

هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم.»

۲۳ - تجاره

التَّجَارَةُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ) ؛ «ای کسانی که ایمان آوردهاید! آیا

شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی میبخشد؟»

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود :

«منم آن تجارت بزرگ سودآوری که به وسیله آن از عذاب دردناک خدای متعال رهایی میابید؛ تجارتی که خداوند در قرآن به

آن راهنمایی و اشاره فرموده است.»

- . سوره سبأ، آیه ۴۸.
- . سوره اسراء، آیه ۷۱.
- . سوره فتح، آیه ۲۶.
- . سوره جن، آیه ۱۳.
- . سوره صف، آیه ۱۰.

چهارده اسم نورانی و آسمانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

نام اول: «علی (علیه السلام)»

(حم) * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ .

«حم * سوگند به کتاب مبین [و روشنگر] * که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، تا شما [آن را به خوبی] درک کنید * و آن در "ام الكتاب" (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است.»

عَلِيّ: فعل، بمعنی فاعل، از «علا يعلو» از ماده «عَلُو» است که به معنای رفعت و بلندی است. و الْعَلِيّ؛ یعنی: رفیع و والا. الْعُلُو: ضدّ واژه «سُفْل» است. «عُلُوّ» و «سُفْل» (بالایی و پائینی) صفتی منسوب به آنها است.

عُلُوّ به معنای ارتفاع و برافراستگی است؛ گاهی از علا- يعلو عَلُوّ آ است که اسمش «عال» میباشد. و گاهی از عَلِيّ يعلو علاء که اسمش «عَلِيّ» است. عَلِيّ بیشتر درباره اجسام و مکانها است.

در قرآن صفت «العَلِيّ» پنجبار با صفت «الكبير» آمده و دوبار با صفت «العظيم» و یکبار با صفت «الحكيم» به کار رفته و صفت «المتعال» یکبار ذکر شده است.

علی بن ابراهیم میگوید: «منظور از کلام خداوند: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ)؛ و او در ام الكتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است "امیرمؤمنان (علیه السلام) است که در سوره حمد در آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) ذکر شده است.»

عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) قَالَ: «هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ مَعْرِفَتُهُ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مِنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ) ، وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي أُمِّ الْكِتَابِ فِي قَوْلِهِ: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) .»

امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) فرمودند: «منظور، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و معرفت او است، و دلیل بر این که منظور این آیه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، این آیه است: "و آن در ام الكتاب نزد ما بلندپایه و استوار است " که امیرالمؤمنین در ام الكتاب (سوره حمد)، یعنی همان (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، ذکر شده است.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَقَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ) ، قَالَ: «هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) .»

شخصی از امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره آیه «و او در ام الكتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است» سؤال کرد، حضرت فرمود: «منظور، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.»

. سوره زخرف، آیه ۱-۴.

. مفردات قرآن، ماده «علا»، ص ۵۸۲. الْعُلُوّ: ضِدُّ السُّفْلِ وَالْعُلُوّ وَالسُّفْلُ الْمُنْسُوبُ إِلَيْهِمَا وَالْعُلُوّ: الِارْتِفَاعُ وَقَدْ عَلَا يَعْلُو عُلُوًّا وَ هُوَ

عَالٍ وَ عَلِيٍّ يَغْلِي عَلَاءَ فَهُوَ عَلِيٌّ فَعَلًا بِالْفَتْحِ فِي الْأَمْكِنَةِ وَالْأَجْسَامِ كَثُرَ.

. معانی الأخبار، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۴۵، ح ۹۵۶۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱، ح ۹۰.

. تأویل الآیات، ص ۵۲۷.

. سوره نبا، آیه ۴۰.

نام دوم: «أَبُوتَرَابٍ»

(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا).

«و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم، این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده میبندد، و کافر میگوید: "ای کاش خاک بودم [و گرفتار عذاب نمیشدم].»

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ عُبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ: «لِمَ كُنْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلِيًّا (عليه السلام) أَبَا تُرَابٍ؟» قَالَ: «لِأَنَّهُ صَاحِبُ الْأَرْضِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِهَا بَعْدَهُ وَ بِهِ بَقَاءُهَا وَ إِلَيْهِ سُكُونُهَا وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ: "إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ رَأَى الْكَافِرَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِشَيْعَتِهِ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنَ الثَّوَابِ وَ الزُّلْفَى وَ الْكَرَامَةِ، قَالَ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا، أَوْ مِنْ شَيْعَتِهِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا).»

عبایه بن ربیع میگوید: به عبدالله بن عباس گفتم: «به چه دلیلی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را ابوتراب نامید؟» گفت: «به خاطر این که علی (علیه السلام) صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن، پس از رسول خداست، و بقای زمین و آرامش آن به اوست، و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم میفرمود: "هنگامی که روز قیامت شود و شخص کافر، پاداش و نزدیکی و کرامتی را که خداوند متعال برای شیعیان علی (علیه السلام) آماده نموده، ببیند، گوید: ای کاش من ترابی بودم؛ یعنی کاش از شیعیان علی (ابوتراب) بودم. و این است معنای این آیه: و کافر گوید: ای کاش من تراب بودم."

وَفِي تَفْسِيرِ الْقُمِّيِّ: (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا)، أَوْ عَلَوِيًّا وَ ذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كُنِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبَا تُرَابٍ.

در تفسیر قمی میگوید: «و کافر میگوید: "ای کاش خاک بودم،" یعنی: علوی بودم؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امیرمؤمنان را ابوتراب نامید.»

عَنْ أَبِي بَصِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: «قَوْلُهُ تَعَالَى: (يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا)، يَعْنِي عَلَوِيًّا يُوَالِي أَبَا تُرَابٍ.»

ابیصیر از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل میکند که حضرت درباره آیه "روزی که آدمی آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده میبندد و کافر میگوید: ای کاش خاک بودم" فرمود: «یعنی روزی که کافر میگوید: ای کاش علوی بودم و ابوتراب (علیه السلام) را دوست میداشتم.»

نام سوم: «جَنْبُ اللَّهِ»

(أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ).

«مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهیایی که در "جَنْبِ خدا" کردم و از مسخرهکنندگان [آیات او] بودم.»

شیخ صدوق میفرماید: «جنب» در زبان عربی به معنای «اطاعت» است، گفته میشود: «این در جنب خدا ناچیز است؛ "یعنی" در برابر

اطاعت خداوند ناچیز است، "خداوند عزوجل که فرموده: «این که بگویند افسوس بر آنچه در جنب الله کوتاهی کردم»، یعنی در اطاعت خدا کوتاهی کردم.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّادٍ (عليه السلام) قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قَالَ (عليه السلام): «عَلَيَّ (عليه السلام) جَنْبُ اللَّهِ».

عبدالله بن سلیمان میگوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه شریفه (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) پرسیدم، فرمود: «علی (علیه السلام) جنب الله است».

عَنْ عَطَاءِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قَالَ: «قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا حَشْرَةُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

امام محمد باقر (علیه السلام) در مورد گفتار خداوند متعال: «مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهیایی که در مورد جنب الله کردم» فرمودند:

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «من جنب خدا هستم، و من موجب حسرت در روز قیامت میباشم [هر که ولایت مرا قبول نکند در قیامت دچار حسرت میشود]».

عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ السَّائِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ)، قَالَ: «جَنْبُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْآخِرِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ».

علی سائی میگوید: حضرت ابوالحسن (علیه السلام) درباره گفتار خداوند: «ای وای بر من که در مورد "جنب الله" کوتاهی کردم» فرمود:

«منظور از "جنب الله"، امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیه السلام) و همچنین آنهایی است که بعد از او از اوصیای الهی هستند که در جایگاه بلندی قرار دارند تا آن که این وصایت منتهی شود به آخرین ایشان (حضرت مهدی (علیه السلام)) و خدا بهتر میداند که بعد از آخرین وصی، چه خواهد شد».

الصَّادِقُ وَالبَّاقِرُ وَالسَّجَّادُ: فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالُوا: «جَنْبُ اللَّهِ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

امام صادق و امام باقر و امام سجّاد: در تفسیر آیه فرمودند:

«منظور از "جنب الله"، علی (علیه السلام) است و او در روز قیامت حجت خدا بر بندگانش خواهد بود».

. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۳، ح ۵۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۵۷۲، ح ۴؛ بشاره المصطفی، ص ۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۳۶؛ معانی الأخبار، ص ۱۲۰؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۶۰.

. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۷۱، ح ۱۹.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۶۲، ح ۱۰؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۳۶.

. سوره زمر، آیه ۵۶.

. بصائر الدرجات، ص ۶۲، باب ۳.

. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۷۱۹، ح ۸؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۵۰۹؛ بحار الأنوار،

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) .

«همگی به ریسمان خدا، چنگ بزنید و پراکنده نشوید.»

حبل: کلمه‌ای است که برای وصل یا هر چیزی که وسیله اتصال به چیزی است، استعاره گرفته شده است.

عَنْ ابْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا)، قَالَ:

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ.»

ابن یزید میگوید: از حضرت ابوالحسن (علیه السلام) درباره گفتار خداوند: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید» سؤال کردم، حضرت فرمود:

«ریسمان محکم خدا، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِذْ جَاءَ أَعْرَابِي فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَمِعْتُكَ تَقُولُ:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ)، فَمَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي نَعْتَصِمُ بِهِ؟ فَضَرَبَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَدَهُ فِي يَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَقَالَ:

«تَمَسَّكُوا بِهَذَا! فَهَذَا هُوَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ.»

از عبدالله بن عباس نقل شده که گوید: خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم که یک نفر اعرابی وارد شد و عرضه

داشت: «یا رسول الله! از شما شنیدیم که فرمودید: "همگی به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید،" منظور از حبل الله

چیست که ما به آن توسل و تمسک بجویم؟» رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست مبارک خود را بر دست علی (علیه

السلام) زد و فرمود:

«به این آقا تمسک جوید که او ریسمان محکم الهی است.»

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ:

«أَلْ مُحَمَّدٍ: هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرْنَا بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ، فَقَالَ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) .»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

«حبل الله و ریسمان محکم خداوند که مردم به توسل به آن امر شده‌اند، آل محمد میباشند؛ همانگونه که خداوند متعال در قرآن

فرموده: "و همگی به ریسمان محکم الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید."»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام):

«أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُ أَنْ يَعْتَصِمُوا بِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) .»

حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) فرمود:

«منم آن ریسمان استوار الهی که خداوند متعال، مخلوقات را به تمسک به آن فرمان داده، آنجا که فرموده است: "همگی به

ریسمان خدا چنگ بزنید."»

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا):

«نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) .»

امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) میفرماید:

«ما همان ریسمان خدای متعال هستیم که در قرآن فرموده: "همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید."»

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۱، ح ۳.

. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

. مفردات قرآن، ص ۲۱۷.

. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۲۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷.

. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۶۷۲، ح ۶؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۳۲؛ احقاق الحق، ج ۲۰، ص ۲۰۴.

نام پنجم: «فَضْلُ اللَّهِ»

(قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ).

«بگو که به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوید که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است!»

فَضْل: زیادت؛ راغب میگوید: «الفضل: الزيادة من الاقتصار». در مصباح گفته شده: «فَضْلٌ فَضْلًا»، یعنی: «زیادت یافت». «خُذَ الْفَضْلُ»؛ یعنی: «زیادت را بگیر». در قاموس آن را ضِدّ نقص گفته است.

هر گاه در آیات قرآن دَقْتُ شود، خواهیم دید که فَضْل به دو معنی به کار رفته:

۱- برتری؛ ۲- عطیه و احسان و رحمت.

اگر در معنای اول (برتری) بهکار رود ممکن است معنوی باشد، مثل: (فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ...)؛ «شما را بر ما برتری و فضیلتی نبود.» و

نیز مانند: (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا)؛ «و ما به داود از سوی خود

فضیلتی بزرگ بخشیدیم.»

و ممکن است مادی باشد، مثل: (وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ).

گاهی نیز در معنای دوم بهکار رفته است، مثل: (وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ «لیکن خدا صاحب احسان و رحمت است بر مردمان.»

راغب گوید: «هر عطیهای را که بر معطی لازم نیست فضل گویند، یعنی احسان و رحمت و عطایی که خدا بر بندگان میکند بر خداوند لازم نیست، بلکه از روی لطف و کرم میکند لذا به آن فضل گوئیم که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند.»

قال ابن عباس: (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)، فَالْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ بِرَحْمَتِهِ عَلَيَّ (علیه السلام).

ابن عباس در مورد کلام خداوند: «بگو [ای مؤمنان] باید فقط به فضل و رحمت خدا شاد باشید، که بهتر از هر چیزی است که جمعآوری کرده‌اید.» گفته است: منظور از فضل الهی، خاتم پیامبران و منظور از رحمت الهی علی (علیه السلام) است.

قال أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (علیه السلام): «(فَضْلُ اللَّهِ) رَسُولُ اللَّهِ وَ (رَحْمَتُهُ): عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.»

امام محمد باقر (علیه السلام) میفرماید: «منظور از "فضل الله"، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، و مقصود از "رحمت" علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است.»

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیهما السلام) وَ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیهما السلام) قَالَ: (لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ رَحْمَتُهُ) قَالَا: «فَضْلُ اللَّهِ "رَسُولُهُ"، وَ رَحْمَتُهُ "وَلَايَةُ الْأَئِمَّةِ":»

زراره از حضرت صادق (علیهما السلام) و حمران از حضرت ابی‌عبدالله (علیهما السلام) نقل میکند که آن دو بزرگوار در مورد این

آیه «اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود» فرمودند: «فَضْلُ الْهِی "رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و "رحمت خدا،" ولایت ائمه معصومین است.»

قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام):

"فَضْلُ اللَّهِ "الْإِقْرَارُ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) و "رَحْمَتُهُ "الْإِقْرَارُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام)."

«امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

«منظور از "فضل الله،" اقرار به نبوت و رسالت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، و "رحمته،" اقرار به ولایت علی (علیه السلام) است.»

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ: قُلْتُ: (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)، قَالَ:

«بِوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ: هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُ هَؤُلَاءِ مِنْ دُنْيَاهُمْ.»

محمد بن فضیل میگوید: از حضرت رضا (علیه السلام) در مورد آیه «بگو باید به فضل و رحمت خدا خوشحال باشید، که آن از هر چه جمعآوری نموده‌اید بهتر است» پرسیدم، فرمود:

«مؤمنان به ولایت محمد و آل محمد: خوشحال هستند که آن از هر چیزی که از دنیا جمعآوری نموده‌اند بهتر است.»

. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۵، ح ۹، باب ۳۱.

. الفضائل، ص ۸۳.

. العمدة، ص ۲۸۸، ح ۴۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۴، باب ۳۱، ح ۳؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۶۸؛ صواعق المحرقة، ص ۹۰؛ نور الأبصار، ص ۱۰۱.

. سوره یونس، آیه ۵۸.

. سوره اعراف، آیه ۳۹.

. سوره سبأ، آیه ۱۰.

. سوره نحل، آیه ۷۱.

نام ششم: «كَلِمَةُ اللَّهِ»

(وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ).

«و گفتار [و هدف] کافران را پایین قرار داد و سخن خدا بالا [و پیروز] است و خداوند عزیز و حکیم است.»

كَلِمَةُ: در شرح جامی آمده است: عَلَتْ این تسمیه آن است که کلمه و کلام در نفوس و اذهان اثر میکنند، مانند زخمها در اجسام. پس سخنان و کلمات انسان را از آن جهت کلمه و کلام گویند که به واسطه دلالت بر معانی خود در اذهان اثر میگذارند.

کلمه در قرآن به چند معنی آمده است:

۱ - لفظ و سخن: (يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ)،

(كَبُرَتْ كَلِمَةُ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ أَنْ يَقُولُوا إِلَّا كَذِبًا) که مراد کلام کفرآمیز

است.

۲ - حضرت عیسی (علیه السلام): (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ)، (إِنَّ اللَّهَ يُشِيرُكَ بِكَلِمَتِهِ مِنْهُ

اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى

ابْنُ مَرْيَمَ).

۳- وعده: (وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ). مراد از «کلمه» در اینجا چنان

که گفته‌اند، وعده است.

معنای «کلمات الله» در قرآن

خداوند متعال میفرماید: (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ).

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد و هفت دریا به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌پذیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است.»

سَأَلَ يَحْيَى بْنُ أَكْثَمَ أَبَا الْحَسَنِ الْعَالِمَ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ: (سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ) مَا هِيَ؟ فَقَالَ: «هِيَ عَيْنُ الْكِبْرِيتِ، وَ عَيْنُ الْيَمَنِ وَ عَيْنُ الْبَرْهُوتِ وَ عَيْنُ الطَّبْرِيتِ وَ حَمَّةُ مَاسِيدَانَ وَ حَمَّةُ اِفْرِيقِيَّةِ وَ عَيْنُ بَاحُورَانَ وَ نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ فَضَائِلُنَا وَ لَا تُسْتَقْصَى».

یحیی بن اکثم از امام عالم (علیه السلام) در مورد قول خداوند متعال: «[اگر] هفت دریا [مرکب شود]، اینها هم تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌پذیرد» سؤال کرد که: دریا‌های هفتگانه چیست و کلمات خدا کدام است؟ حضرت فرمود:

«دریا‌های هفتگانه، چشمه کبریت، چشمه یمن، چشمه برهوت، چشمه طبریّه، حمه ماسیدان، حمه افریقیه، و چشمه باحوران است، و "کلمات خداوند متعال" ما هستیم که فضایل و علوم ما درک نخواهد شد و پایان نمی‌پذیرد.»

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): «الْمُخَالَفُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) بَعْدِي كَافِرٌ وَ الْمُشْرِكُ بِهِ مُشْرِكٌ وَ الْمُحِبُّ لَهُ مُؤْمِنٌ وَ الْمُبْغِضُ لَهُ مُنَافِقٌ وَ الْمُقْتَفِي لِأَثَرِهِ لَاحِقٌ وَ الْمُحَارِبُ لَهُ مَارِقٌ وَ الرَّأْدُ عَلَيْهِ زَاهِقٌ عَلَى نُورِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ عَلَى سَيِّفِ اللَّهِ عَلَى أَغْدَائِهِ وَ وَارِثُ عِلْمِ أَنْبِيَائِهِ عَلَى كَلِمَةِ اللَّهِ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةِ أَغْدَائِهِ السُّفْلَى...»

ابن عباس میگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«مخالف علی بن ابیطالب (علیهما السلام) پس از من کافر است، و مشرک به او مشرک است. دوست او مؤمن است و دشمن او منافق. و پیرو دستورات او به حق می‌رسد، و جنگ کننده با او از دین خدا بیرون است، و رد کننده بر او نابود است. علی نور خداست در بلاد او، و حجت بر بندگان. علی شمشیر خداست بر دشمنانش، و وارث علم پیامبران اوست. علی کلمه برتر خداست و کلمه دشمنانش پایینتر است.»

. سوره بقره، آیه ۲۵۱.

. ر.ک: قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۸۲.

. روضه الواعظین، ص ۱۰۶؛ کفایه الطالب، ص ۲۳۷؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۶؛ ح ۴۹۲۱؛ تفسیر فرائد کوفی، ص ۱۷۹، ح ۲۳۱.

. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۷۸؛ تأویل الآیات، ص ۲۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۶ ذیل ح ۱۰.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۶۳، ح ۴۷.

. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۴، ذیل ح ۵.

. کافی، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۶۱، ح ۴۱.

. سوره توبه، آیه ۴۰.

. همان، آیه ۷۴.

. سوره کهف، آیه ۵.

. سوره نساء، آیه ۱۷۱.

. سوره آل عمران، آیه ۴۵.

. سوره یونس، آیه ۱۹.

. ر.ک: قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۴۰.

. سوره لقمان، آیه ۲۷.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۴، ح ۱؛ مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۰۱؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۴؛ تحف العقول، ج ۲، ص ۴۷۸.

. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۹۰، ح ۳؛ أمالی صدوق، ص ۱۱، مجلس ۳، ح ۶.

نام هفتم: «إمام مبین»

(وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

«و همه چیز را در "امام مبین" به شماره درآورده‌ایم.»

مبین: اسم فاعل از «أَبَانٌ يُبِينُ إِبَانَةً» است و مُبِينٌ: اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید (باب تفعیل) «بَيَّنَّ يُبَيِّنُ تَبْيِينًا» هر دو مشتق از ریشه «بین» و این ریشه بر دو معنای ضِدَّ هم (فراق، وصل) دلالت می‌کند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ : قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) ، قَامَ أَبُو بَكْرٌ وَعُمَرُ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هُوَ التَّوْرَةُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْإِنْجِيلُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْقُرْآنُ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ.»

امام محمد باقر (علیه السلام) از پدر بزرگوارش، از جد گرامیش امام حسین (علیه السلام) روایت نموده که فرمود :

«وقتی این آیه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد: "همه چیز را در امام مبین به شماره درآورده‌ایم،" ابوبکر و عمر از جایگاه خود برخاستند و گفتند: "ای پیامبر خدا! آیا امام مبین که همه چیز در آن آورده شده، تورات است؟" رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: "نه." گفتند: "پس انجیل است؟" فرمود: "نه." گفتند: "پس قرآن است؟" فرمود: "نه." در این هنگام، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وارد شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: "این همان امام مبین است که خداوند علم همه چیز را در او احصا فرموده است."»

عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَمَرَرْنَا بِوَادٍ مَمْلُوءٍ نَمْلًا فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! تَرَى يَكُونُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى يَعْلَمُ عَدَدَ هَذَا النَّمْلِ؟ قَالَ: «نَعَمْ يَا عَمَّارُ! أَنَا أَعْرِفُ رَجُلًا يَعْلَمُ عَدَدَهُ وَكَمْ فِيهِ ذَكَرٌ وَكَمْ فِيهِ أُنْثَى!» فَقُلْتُ: مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: «يَا عَمَّارُ! أَمَا قَرَأْتَ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)؟» فَقُلْتُ: بَلَى يَا مَوْلَايَ! فَقَالَ: «أَنَا ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.»

از عمار بن یاسر نقل شده که گوید: با امیرالمؤمنین (علیه السلام) همراه بودم تا به سرزمینی پُر از مورچه رسیدیم، من گفتم: «یا امیرالمؤمنین! آیا کسی عدد این مورچه‌ها را میداند؟» حضرت فرمود: «بلی، ای عمار! من مردی را میشناسم که عدد آنها را میداند، بلکه میداند چه تعداد آنها نر و چه مقدارشان مادّه‌اند!»

عبدار گوید: عرضه داشتیم: «آن مرد کیست؟» حضرت فرمود: «مگر در سوره "یس" نخوانده‌ای؟» ما همه چیز را در امام مبین به شماره در آوردیم؟» گفتیم: «بلی، ای مولای من!» حضرت فرمود: «آن امام مبین من هستم.»

عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقْرَأُ: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)، قَالَ: «فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)».

صالح بن سهل میگوید: شنیدم حضرت اباعبدالله (علیه السلام) هنگامی که این آیه را قرائت میکرد: «و ما همه چیز را در امام مبین به شماره در آوردیم» میفرمود: «این آیه در مورد امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است.»

. سوره یس، آیه ۱۲.

. صحاح اللغه، ج ۵، ص ۲۰۸۲.

. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۷، ح ۲؛ معانی الأخبار، ص ۹۵، ح ۱؛ احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۴۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۶۹، ح ۱۷.

. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۷۶، ح ۵۸؛ الروضة فی الفضائل، ص ۲۶؛ احقاق الحق، ج ۲۰، ص ۲۲۰.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۸، ح ۲۴.

نام هشتم: «وَجْهُ اللَّهِ»

(وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).

«مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر طرف روی کنید، به وجه خدا روی آورده‌اید که خدا بینا و داناست.»

وجه: در (لغت) به معنای عضوی از اعضای بدن (صورت) است... و چون صورت اولین عضوی است که از انسان به چشم میخورد و با شرافت‌ترین عضوی است که ظاهر بدن انسان است، به همین مناسبت، قسمت خارجی هر چیز را هم که مشرف به بیننده است «وجه» آن چیز گویند، مثلاً گفته میشود: وجه فلان چیز، وجه النهار؛ یعنی ابتدای روز.

«وجه» چیزی است که انسان به آن رو میکند و وجه هر چیز با همان چیز متناسب است.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ: لَا يَبْعِدُ اللَّهُ (عليه السلام): أَأَنْتُمْ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَنْتُمْ الزَّكَاةُ وَأَنْتُمْ الْحَجُّ؟ فَقَالَ:

«یا داوود! نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَنَحْنُ الزَّكَاةُ وَنَحْنُ الصَّيَامُ وَنَحْنُ الْحَجُّ وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ)، وَنَحْنُ الْآيَاتُ وَنَحْنُ الْبَيِّنَاتُ...»

داود بن کثیر میگوید: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: «آیا شما در قرآن نماز و زکات و حج هستید؟» حضرت فرمود:

«ای داود! ما در قرآن نماز، زکات، روزه، و حج و شهر حرام و کعبه و قبله و وجه خدا هستیم. خداوند متعال فرموده:» پس به هر طرف روی کنید به وجه خدا روی آورده‌اید، «ما آیات و بیّنات [الهی] هستیم...»

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): قَالَ: «نَحْنُ الْمَثَانِي الَّتِي أَعْطَاهَا اللَّهُ بَنِيْنَا (صلى الله عليه وآله وسلم) وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ نَتَقَلَّبُ فِي الْأَرْضِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ عَرَفْنَا مَنْ عَرَفْنَا وَجْهَنَا مَنْ جَهِلَنَا مَنْ عَرَفْنَا فَأَمَامَهُ الْيَقِينُ وَمَنْ جَهِلَنَا فَأَمَامَهُ السَّعِيرُ.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«ما» مثنائی "هستیم که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عطا فرموده، و ما وجه الله هستیم که روی زمین بین شما رفت و آمد میکنیم. میشناسد ما را آن کس که شناخته و جاهل است هر که ما را نشناسد، و هر که ما را بشناسد، یقین به او روی می‌آورد و هر که به حق ما جاهل باشد، آتش پیش رویش قرار میگیرد.»

عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ فِي قَوْلِهِ: (فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ)، قَالَ: «عَلَيَّ (عليه السلام)».

امام رضا (عليه السلام) در تفسیر کلام خداوند: «به هر طرف روی کنید، به وجه خدا روی آورده‌اید» فرمود: «منظور از "وجه الله"، علی (عليه السلام) است».

. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

. مفردات قرآن، ص ۸۵۵. أَضْلُ الْوَجْهِ الْجَارِحِ... وَلَمَّا كَانَ الْوَجْهُ أَوَّلَ مَا يُسْتَقْبَلُكَ وَأَشْرَفَ مَا فِيظَاهِرِ الْبَدَنِ اسْتُعْمِلَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ فِي أَشْرَفِهِ وَمَبْدِئِهِ فَقِيلَ: وَجْهُ كَذَا وَوَجْهُ النَّهَارِ.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۴، ح ۱؛ توحید، ص ۱۵۰، ح ۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۷.

. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۸.

. سوره مریم، آیه ۵۰.

نام نهم: «لسان صدق»

(وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا).

«و از رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنان نام نیک و مقام برجسته‌ای [در میان همه امتها] قرار دادیم».

عَنِ الزَّكَاكِيِّ الْعَشْكَرِيِّ (عليه السلام):

«(وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا)، یعنی لِابْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ «مِنْ رَحْمَتِنَا» رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، (وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا) یعنی أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)».

امام حسن عسکری (عليه السلام) در تفسیر این آیه: «و از رحمت خود به آنان عطا کردیم» فرمود: «یعنی ما به ابراهیم و اسحاق و یعقوب، از رحمت خود، رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) را عطا کردیم» و در تفسیر آیه: «و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای [در میان همه امتها] قرار دادیم» فرمود: «یعنی امیرالمؤمنین (عليه السلام)».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لَيْلَةُ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ حَمَلَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَى جَنَاحِهِ الْإِيْمَنِ فَقِيلَ لِي: مَنْ أَسِيَتْخَلَفْتَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ؟ فَقُلْتُ: خَيْرُ أَهْلِهَا لَهَا أَهْلًا: عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَحَبِيبِي وَصَهْرِي يَعْنِي ابْنَ عَمِّي، فَقِيلَ لِي: يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ لِي: أَحِبَّهُ وَ مَرُّ أَمَّتِكَ بِحُبِّهِ فَإِنِّي أَنَا الْعَلِيُّ الْأَعْلَى اسْتَقَقْتُ لَهُ مِنْ أَسْمَائِي إِسْمًا فَسَمَّيْتُهُ عَلِيًّا، فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: اقْرَأْ قُلْتُ: وَ مَا أَقْرَأُ؟ قَالَ: (وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا).

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«شبى که به آسمانها برده شدم و جبرئیل مرا بر روی بال راست خود قرار داده بود، از طرف خداوند به من خطاب شد: "چه کسی را جانشین خود در زمین قرار داده‌ای؟" گفتم: "بهترین اهل زمین، علی بن ابیطالب برادر، دوست، داماد و پسر عموی خویش را".

پس خطاب شد: "ای محمد! آیا او را دوست داری؟" گفتم: "آری، ای پروردگار عالمیان!" فرمود: "او را دوست بدار و امت خود را نیز امر کن که او را دوست بدارند؛ زیرا من علی اعلى هستم و نام او را از نام خودم برگزفتم و او را علی نامیدم". سپس جبرئیل بر من هبوط کرد و گفت: "خداوند به تو سلام میرساند و میفرماید: بخوان!" گفتم: "چه بخوانم؟" گفت: "این آیه را: [و از

رحمت خود به آنان عطا کردیم، و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای [در میان همه امتها] قرار دادیم».

عَنْ يُونسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) إِنَّ قَوْمًا طَالِبُونِي بِاسْمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقُلْتُ لَهُمْ مِنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا)، فَقَالَ: «صَدَقْتَ هُوَ كَذَا».

یونس بن عبدالرحمان خدمت امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: «بعضی از مردم می‌پرسند: نام علی (علیه السلام) در کجای قرآن آمده است؟ من در جواب می‌گویم: (وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا)، آیا این پاسخ، صحیح است؟» حضرت فرمود: «راست گفתי، مطلب همان طور است که تو می‌گویی.»

. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

. مفردات قرآن، ص ۸۵۵. أَضْلُ الْوَجْهِ الْجَارِحِ... وَلَمَّا كَانَ الْوَجْهُ أَوَّلَ مَا يُسْتَقْبَلُكَ وَاشْرَفَ مَا فِيظَاهِرِ الْبَدَنِ اسْتُعْمِلَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ فِي أَشْرَفِهِ وَ مَبْدِئِهِ فَقِيلَ: وَجْهُ كَذَا وَ وَجْهُ النَّهَارِ.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۴، ح ۱؛ توحید، ص ۱۵۰، ح ۶؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۷.

. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۸.

. سوره مریم، آیه ۵۰.

نام دهم: «باب حِطَّة»

(وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ) [به یاد آورید] وقتی که گفتیم: وارد این قریه (بیت المقدس) شوید و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید و از آن سجده‌کنان وارد شوید و بگویید: [خدایا!] گناهان ما را فرو ریز؛ تا از خطای شما درگذریم. حَطَّ، پایین آوردن چیزی است از بلندی.

واژه «حِطَّة» به معنای ریزش گناهان است و لازمه آن بخشودن و از بین رفتن است. این کلمه در دو آیه از قرآن آمده که هر دو درباره بنیاسرائیل است. یکی در سوره بقره، آیه ۵۸؛ و دیگری در سوره اعراف، آیه ۱۶۱. در هر دو آیه «حِطَّة» مرفوع و خبر مبتدای محذوف است. «حِطَّة» نکره است و باید مراد از آن فرود آمدن خاصی باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم):

«لِكُلِّ أُمَّةٍ صِدِّيقٌ وَ فَارُوقٌ وَ صِدِّيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ فَارُوقُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام)، إِنَّ عَلِيًّا سَفِينَةُ نَجَاتِهَا وَ بَابُ حِطَّتِهَا».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«در هر امتی صَدِّیق و فاروقی بوده است و صَدِّیق و فاروق این امت، علی بن ابیطالب است. علی (علیه السلام) کشتی نجات و باب آمرزش گناهان این امت است.»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم):

«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ».

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم):

«الْأُمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تَسْعُهُمْ قَائِمُهُمْ أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ

تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكٌ وَمَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند، نه نفر آنها از فرزندان حسین (علیه السلام) است که نهمین آنها قائم (علیه السلام) است. آگاه باشید! مثل آنها در میان شما، همچون کشتی نوح (علیه السلام) است که هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس از آن تخلف ورزد نابود شود، و مثل آنها همچون باب حِطَّة در میان بنی اسرائیل است.»

قَالَ عَلِيُّ (علیه السلام):

«نَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَهُوَ بَابُ السَّلَامِ، مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«ما باب حِطَّةٍ هستیم و آن باب سلام (و امتیت) است؛ هر که وارد آن شود نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد هلاک شود.»

قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام): «نَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ كُمْ.»

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ما باب حِطَّة [و وسیله آمرزش] شما هستیم.»

. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۹۳، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱۷.

. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۴۸۸.

. تأویل الآیات، ص ۲۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۵۷، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱۷، ح ۶۸۹۳.

. سوره بقره، آیه ۵۸.

. مفردات قرآن، ص ۲۴۲. الحِطُّ إِزْأَلُ الشَّيْءِ مِنْ عُلُو.

نام یازدهم: «صراط مستقیم»

(إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ).

«ما را به راه راست هدایت کن؛ راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی.»

«صراط»: برخی اصل این واژه را «سراط» (بلعیدن) دانسته‌اند، بنابر این، بزرگراه را از آن جهت صراط گفته‌اند که با فراخی و وضوحی که دارد، گویا سالک را در کام خود میکشد و او را پیش میبرد یا از آن جهت که سالک با پیمودن خود، گویا آن را میبلعد.

صاحب کتاب التحقیق میگوید: «الصِّراط، هو الطَّرِيقُ الواضح الواسع»؛ صراط به معنای راه روشن و وسیع است.

عن أبيبصير عن أبي عبد الله (علیه السلام) فی قوله: (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، قال: «هو الطَّرِيقُ، و معرفة الإمام».

عن حماد عن أبي عبد الله (علیه السلام) فی قوله: (الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، قال:

«هو أمير المؤمنين و معرفته، و الدليل على أنه أمير المؤمنين قوله: (وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَإِذْنًا لَعَلِّي حَكِيمٌ) و هو أمير المؤمنين (علیه السلام) فی أم الكتاب فی

قوله عز وجل (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ).

حماد بن عیسی گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) در معنای آیه (الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) فرمود:

«منظور، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و شناخت او است، و دلیل بر این مطلب، قول خداوند است:" و او در ام کتاب [لوح محفوظ] نزد ما بلندمرتبه و استوار است،" و منظور آن امیرالمؤمنین است که در ام کتاب (یعنی سوره حمد) نام او ذکر شده است.»

عن داود بن فرقد عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال:

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام).

داود بن فرقد گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«منظور از آیه "اهدنا الصراط المستقیم"، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.»

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الصِّرَاطِ، فَقَالَ: «هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ: صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعِيَّةُ، مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهُدَاهُ، مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا، زَلَّتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ.»

مفضل بن عمر گوید: از امام جعفر صادق (علیه السلام) پرسیدم: «صراط چیست؟» حضرت فرمود:

«راهی است برای شناختن خداوند؛ و صراط دو گونه است: ۱- صراط در دنیا؛ ۲- صراط در آخرت. اما صراط در دنیا، امام (علیه السلام) است که فرمانبرداری از او واجب است، هر که او را در دنیا شناخت و به گفتار و کردار او اقتدا نمود، در آخرت از صراط که پلی است به روی جهنم خواهد گذشت، و هر کس در دنیا، امام خود را نشناخت، هنگام عبور از پل صراط، قدمهایش میلغزد و در آتش جهنم میافتد.»

. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۱۲، ح ۴۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳، ح ۳۰؛ إثبات الهداء، ج ۳، ص ۱۳۶، ح ۵۶۳.

. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۴۰، ح ۲.

. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۹۳، ح ۱۲۳؛ کفایه الأثر، ص ۳۸.

. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶۱، ح ۱۱۳؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۲، ح ۴۶.

. سورة فاتحه، آیات ۶-۷.

. ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۹۱.

. التحقيق في كلمات القرآن الحكيم، ج ۶، ص ۲۴۶.

نام دوازدهم: «نَبَأُ عَظِيمٍ»

(عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ).

«آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال میکنند؟ از خبر بزرگ و پراهمیت! همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند.»

نَبَأٌ: چیزی است که دارای فایده بزرگ و مفید علم یا ظن باشد، به هر خبری، نَبَأٌ نمیگویند مگر این که این سه چیز (فایده بزرگ، علم، ظن) را در بر داشته باشد. خبری که آن را نَبَأٌ گویند سزاوار است از کذب عاری باشد؛ مثل خبر متواتر و خبر خدا و رسول او.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ)، قَالَ:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَا لِلَّهِ نَبَأٌ أَعْظَمُ مِنِّي وَمَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَقَدْ عَرِضَ فَضْلِي عَلَى الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ عَلَى اخْتِلَافِ أَلْسِنَتِهَا فَلَمْ تُقَرَّرْ بِفَضْلِي.»

امام رضا (علیه السلام) در مورد قول خداوند: «از چه چیز از یکدیگر میپرسند؟ از آن خبر بزرگ که درباره آن با هم اختلاف دارند» فرمود:

«امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرمود: هیچ خبری نزد خدا برتر از من و هیچ نشانه‌ای بزرگتر از من نیست و هنگامی که ولایت من بر امت‌های گذشته عرضه شد، آنها به فضل من اقرار نکردند.»

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ * الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) ، قَالَ :

«هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ فِيهِ خِلَافٌ».

ابان بن تغلب گفت: از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره سخن خداوند: «از چه چیزی میپرسند؟ از آن خبر بزرگ که در آن اختلاف دارند» پرسیدم، حضرت فرمود :

«خبر بزرگ، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است، چون درباره رسول خدا اختلافی نیست.»
رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ: أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) قَالَ :

«وَاللَّهِ أَنَا النَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ كُلًّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كُلًّا سَيَعْلَمُونَ حِينَ أَقْفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَقُولُ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ.»
اصبغ بن نباته میگوید: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «به خدا سوگند، من آن خبر بزرگی هستم که مردم در آن اختلاف میکنند، چنین نیست [که منکران پنداشت‌هاند]، به زودی خواهند دانست؛ و باز چنین نیست که آنها میپندارند، البته به زودی آگاه میشوند، هنگامی که من بین بهشت و جهنم میایستم و میگویم: این مال تو و این مال من.»
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «مَا لِلَّهِ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبَأٍ أَعْظَمُ مِنِّي وَلَقَدْ عُرِضَتْ وَلَايَتِي عَلَى الْأَمَمِ الْمَاضِيَةِ فَأَبَتْ أَنْ تَقْبَلَهَا.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود :

«برای خداوند نشانهای بزرگتر و خبری عظیمتر از من نیست. و ولایت من به امتهای پیشین عرضه شد، ولی آنان از پذیرش آن سر باز زدند.»

. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱، ح ۸۸.
. سوره زخرف، آیه ۴.

. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸؛ معانی الأخبار، ص ۳۲، ح ۳.
. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳، ج ۸۹، ص ۲۴۰، ح ۴۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴، ح ۲۵.
. معانی الأخبار، ص ۳۲، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱، ح ۳.
. سوره نبا، آیه ۱ - ۳.

. مفردات قرآن، ص ۷۸۸. النَّبَأُ: النَّبَأُ خَبْرٌ ذُو فَائِدَةٍ عَظِيمَةٍ يَحْصُلُ بِهِ عِلْمٌ أَوْ غَلِيَّةٌ ظَنٌّ وَلَا يُقَالُ لِلْخَبَرِ فِي الْأَصْلِ نَبَأٌ حَتَّى يَتَّضَعَ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الثَّلَاثَةِ، وَحَقُّ الْخَبَرِ الَّذِي يُقَالُ فِيهِ نَبَأٌ أَنْ يَتَّعَرَّعَ الْكُذْبُ كَالْتَوَاتُرِ وَخَبَرِ اللَّهِ تَعَالَى وَخَبَرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

نام سیزدهم: «حقّ الیقین»

(وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ) ؛ «و آن یقین خالص است.»

اصل «حقّ» به معنای مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است.

یقین : از نتایج و صفات علم و دانش است که از معرفت و درایت و دیگر معانی از این قبیل برتر و بالاتر است.

مراتب یقین

یقین دارای مراحل مختلفی است :

گاه از دلیل عقلی حاصل میشود، مثل این که دودی را از دور مشاهده میکنیم و از آن به وجود آتش یقین حاصل میشود، در حالی

که آتش را ندیده‌ایم؛ این را «علم یقین» گویند.

گاه نزدیکتر می‌رویم و شعله‌های آتش را با چشم می‌بینیم، در اینجا یقین محکمتر می‌شود و آن را «عین یقین» مینامند. گاه از این هم نزدیکتر می‌رویم و در مجاورت آتش یا داخل آتش قرار می‌گیریم و سوزش آن را با دست خود لمس می‌کنیم؛ مسلماً این مرحله بالاتری از یقین است که آن را «لَحَقَّ یَقِین» مینامند.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «وَأَن یَقِینَ خَالِصٌ اسْت» می‌فرماید: «وَلَا یُؤَیُّ عَلَیِّ بْنِ أَبِیطَالِبٍ (علیه السلام) فَمَنْ كَذَّبَ بِهَا كَانَتْ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ، كَانَ قَدْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ الِّی - قِینِ مِنْ وَجُوبِ وَلَا ی - تِه.» «منظور از "حقّ یقین"، ولایت حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است، پس هر که آن را تکذیب نماید، (روز قیامت) در حسرت و ندامت خواهد بود و حقیقتاً او "حقّ یقین" را تکذیب نموده که (قبول) ولایت آن بزرگوار (بر هر کسی) واجب است.»

- . بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱، ح ۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۹.
- . تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۰؛ تأویل الآیات الظّاهره، ص ۷۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲، ح ۴.
- . بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۴، ح ۶؛ تأویل الآیات الظّاهره، ص ۷۳۵.
- . بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱، ح ۳؛ غایه المرام، ج ۴، ص ۱۴، باب الزّابع و الأربعون.
- . سوره الحاقّه، آیه ۵۱.
- . مفردات قرآن، ص ۲۴۶.
- . همان، ص ۸۲۹.

نام چهاردهم: «نور مُبین»

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّ ۴۰۷
كُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا).

«ای مردمان! برای شما دلیل و برهان روشنی از جانب پروردگارتان آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.»
نور: راغب در معنای «نور» می‌گوید: «نور، روشنائی پراکنده‌ای است که به دیدن کمک می‌کند.»
نور در مقابل ظلمت است و دو ویژگی دارد: ۱- خودش ظاهر است؛ ۲- دیگران را ظاهر و آشکار می‌کند.
نور اولین مخلوق الهی است؛ همانگونه که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) [در پاسخ مرد شامی که از ایشان خواست وی را از اولین مخلوق الهی آگاه کند] فرمود: «اولین مخلوق الهی نور است.»
عَنِ الصّادِقِ (علیه السلام): «النُّورُ وَلَا یُؤَیُّ عَلَیِّ (علیه السلام).»
امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«منظور از "نور"، در آیه، ولایت علی (علیه السلام) است.»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّادٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)، قَالَ: «الْبُرْهَانُ "رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)" وَ "النُّورُ الْمُبِينُ" عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ.»
عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره گفتار خداوند متعال: «برای شما دلیل و برهان روشنی از جانب پروردگارتان آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم» سؤال کردم، حضرت فرمود:
«منظور از "برهان"، در آیه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، و منظور از "نور مُبین"، علی بن ابیطالب (علیهما السلام)

است.»

علی بن ابراهیم قمی میگوید: «مقصود از "نور"، امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و مقصود از "اعتصام"، چنگ زدن به ولایت آن حضرت و ولایت امامان پس از ایشان است.»

قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام) :

«كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُورَ آ وَاحِدٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ النَّورَ أَنْ يَشُقَّ فَقَالَ لِلنَّصِفِ: كُنْ مُحَمَّدًا، وَ قَالَ لِلنَّصِفِ: كُنْ عَلِيًّا.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :

«من و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یک نور بودیم که از نور خداوند عزوجل [خلق شدیم]، پس خداوند متعال به این نور امر فرمود که دو نیم شود، به نصف آن فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باش؛ و به نصف دیگر فرمود: علی (علیه السلام) باش.»

. القطرة، ج ۲.

. سورة نساء، آیه ۱۷۴.

. مفردات قرآن، ص ۸۲۷. «الضوء المنتشر الذي يعين على الأبصار.»

. مجمع البيان، ج ۴، ص ۳۸۹. «كيفية ظاهرة بنفسها مظهره لغيرها.»

. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۶.

. تفسير مجمع البيان، ج ۳، ص ۲۲۷؛ تفسير صافی، ج ۱، ص ۵۲۵؛ تفسير برهان، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۱۶.

. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۱۵۰؛ تفسير برهان، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۲.

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳.

فصل دوازدهم

اشاره

(يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَكِّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ) .

«[خدا] دانش و حکمت را به هر کس بخواهد [و شایسته بدانند] میدهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان [این حقایق را درک نمیکنند و] متذکر نمیگردند.»

نهج البلاغه

کتاب گرانقدر نهج البلاغه، که «أخ القرآن» لقب یافته، گلچینی از آثار کلامی امام الفصیحاء و البلغاء، حضرت علی مرتضی (علیه السلام) است. این کتاب شریف شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت از کلمات قصار آن بزرگوار است، که به وسیله علامه بزرگوار مرحوم سید رضی جمعآوری شده است.

مؤلف «نهج البلاغه»

عَلَّامَه ابوالحسن مُحَمَّد بن الحسین، معروف به «سید رضی» در سال ۳۵۹ هجری قمری، در یکی از خاندان علویان بغداد متولد شد. نسب او از طرف پدر با پنج واسطه به حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) و از جانب مادر با شش واسطه به امام زین العابدین (علیه السلام) می‌رسد.

نقل شده در ایام کودکی سید رضی و برادر بزرگترش، سید مرتضی، شیخ مفید، عالم بزرگ شیعه، شبی در خواب دید که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دست دو فرزند گرامی خود، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را گرفته نزد وی آوردند و فرمودند: «یا شَیْخُ! عَلَّمَهُمُ الْفِقْهَ؛ ای مرد بزرگ! علم فقه را به دو فرزندم بیاموز!»

فردای آن شب، مادر سید رضی و سید مرتضی که اتفاقاً «فاطمه» نام داشت، در حالی که دست کودکان خود، سید مرتضی و سید رضی را در دست گرفته بود، نزد شیخ مفید آمد و گفت: «ای شیخ! این دو کودک، فرزندان من هستند، آنها را نزد شما آورده‌ام تا علم فقه و احکام دین را به آنها بیاموزی!»

شیخ مفید از آن خواب و این تعبیر در شگفت ماند و گریست، سپس به احترام آنان از جای برخاست و به مادرشان سلام کرد و خواب خود را برای آنها نقل نمود. آنگاه با کمال اشتیاق، تعلیم و تربیت آنها را به عهده گرفت و در ارتقای آنان به مدارج عالیه علمی و عملی کوشید تا آنجا که از نوابغ روزگار و علمای نامی به شمار آمدند.

سید رضی، این دانشمند بلندقدر و نابغه شیعه، سرانجام در سال ۴۰۶ قمری در سن ۴۷ سالگی در بغداد وفات یافت.

. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

. ر.ک: در پیرامون نهج البلاغه.

. در پیرامون نهج البلاغه، ص ۲۱.

. ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۶۹۶ (فیض الاسلام)؛ و در نهج البلاغه با ترجمه دشتی، خطبه ۲۲۱.

عظمت «نهج البلاغه» از دیدگاه دانشمندان

اشاره

ابن ابی‌الحدید، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن و شارح نهج البلاغه، در شرح خطبه ۲۱۲ مینویسد:

«این خطبه از چنان عمق و محتوای بلیغ و مشکل و فصیحی برخوردار است که اگر کسی این فصل از نهج البلاغه را بررسی کند می‌فهمد که معاویه که گفت: "علی (علیه السلام) بلاغت را برای قریش بنیانگذاری کرده است،" درست گفته است.» وی سپس می‌گوید:

«اگر تمام فصیح‌های عرب در یک جا نشسته باشند و این خطبه علی بن ابیطالب (علیهما السلام) قرائت بشود، شایسته است که همه آنها سجده کنند. همانگونه که قرآن سوره‌هایی دارد که در آن سوره‌ها، آیاتی است که اگر آن آیات خوانده شود باید سجده کرد، علی بن ابیطالب (علیهما السلام) هم خطبه‌هایی دارد که یکی از آن خُطَب همین خطبه (۲۱۲) است. اگر این خطبه برای خردمندان فصیح و بلیغ و کارشناسان فصاحت و بلاغت تلاوت شود، آنان باید سجده کنند.»

ابن ابی‌الحدید سوگند یاد میکند و می‌گوید:

«به آن مبدئی که همه اُمّت‌ها بدان سوگند می‌خورند، قسم یاد میکنم که من این خطبه را از پنجاه سال قبل تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام و هر بار که می‌خواندم برای من تازگی داشت و مطلب جدید و موعظه تازه‌ای در قلب من ایجاد میکرد.»

سرچشمه ناب

هانری کُرن، محقق و شرقشناس معروف فرانسوی، میگوید :

«پس از قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام، نهج البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد. باید گفت [تأثیر] نهج البلاغه تنها به قلمرو حیات مذهبی تشیع محدود نیست، بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه میگیرد. از اینرو، باید نهج البلاغه را از مهم‌ترین سرچشمه‌هایی به شمار آورد که متفکران شیعه پیوسته از آن سیراب گشته‌اند.»

عالی‌ترین کتاب

بولس سَلامه، شاعر و نویسنده معروف مسیحی لبنانی، میگوید :

«کتاب مشهور نهج البلاغه، اثر جاودانه‌ای است که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابیطالب (علیهما السلام) وادار میسازد و هیچ کتابی جز قرآن بر آن برتری ندارد...»

امام خطیبان

جاحظ، ادیب و سخنشناس معروف، میگوید :

«علی بن ابیطالب کَرَمَ الله وَجْهَهُ ، پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از همگان فصیحتر و دانشمندتر و زاهدتر، و در رابطه حقّ سختگیر و پس از پیامبر اسلام، امام خطبای عرب به طور مطلق به شمار می‌رود.»

دو خطبه شگفت‌انگیز امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

اشاره

امام رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش روایت فرموده است :

«گروهی از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در انجمنی گرد آمده و به گفتوگوی علمی پرداخته بودند و بحث به جایگاه و نقش حروف در سخن گفتن رسید و این که کدام حرف از بین حروف الفبا نقش بیشتری در کلام دارد، به گونه‌ای که نبودن آن حرف، سخن گفتن را مشکل و یا مُختَل میگرداند.

نظر همه اصحاب به اتفاق آرا بر این شد که حرف «الف» بیشترین نقش را در کلام دارد. در این هنگام، امیر بیان، امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) بیدرنگ از آن میان برمیخیزد و بالبداهه خطبهای شگفت و زیبا بدون حرف «الف» ایراد مینماید، سپس خطبهای دیگر بدون بهره گرفتن از حروف نقطهدار بیان میفرماید.

فصاحت و بلاغت عجیب و شگفتانگیز خطبها از یک سو، و بیمقدمه و ارتجالی بودن آنها از سوی دیگر و مستند بودن تمامی مضامین آنها به قرآن کریم از دیگر سو، اعجاب همگان را برمی‌انگیزد و عجز و ناتوانی آنها را در هماوردی با وی آشکار میسازد که چگونه امام علی (علیه السلام) به رَغَم محدودیتی که از التزام به حذف حرف «الف» و یا حذف «حرف نقطهدار» برای حضرتش ایجاد میشود، خطبه‌هایی این چنین شگفت و زیبا و سرشار از فصاحت و بلاغت و لبریز از عرفان و حکمت ایراد مینماید.

شیوایی و رسایی خطبها در کنار دوری آنها از تصنع و تکلف، آسان اعجاب برانگیز است که انسان را بیاختیار به تحسین و امیدارد و موجب میشود هر ادیب و فرهیخته‌ای انگشت تعجب و شگفتی به دندان بفشارد.

در این مجال، بخشی از این دو خطبه را برای تیمن و تبرک می‌آوریم.

. حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، ص ۲۵-۲۷.

. در آستانه آفتاب، ص ۴۰.

. در آستانه آفتاب، ص ۴۱.

. همان، ص ۱۶.

خطبه بدون الف

«حَمَدُكَ مَنْ عَظَمْتَ مَنَّتَهُ، وَ سَبَّحْتَ نِعْمَتَهُ، وَ سَبَقَتْ غَضَبَهُ رَحْمَتُهُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ وَ نَفَذَتْ مَشِيَّتُهُ وَ بَلَغَتْ قَضِيَّتُهُ، حَمْدُكَ حَمْدٌ مُقَرَّرٌ بِرُبُوبِيَّتِهِ، مُتَخَصِّصٌ لِعِبَادِيَّتِهِ، مُتَفَضِّلٌ مِنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفٌ بِتَوْحِيدِهِ، مُسْتَعِيدٌ مِنْ وَعِيدِهِ، مُؤَمِّلٌ مِنْهُ مَغْفِرَةً تُنْجِيهِ يَوْمَ يُشْغَلُ عَنْ فَصْلِيلَتِهِ وَ نَسَهُ.

وَنَسَبَتَيْنِهِ وَنَسَبَتُهَا وَنَسَبَتُهُ بِهِ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ، وَشَهِدْتُ لَهُ شُهُودَ مُحْلَصٍ مُوقِنٍ، وَفَرَدْتُهِ تَفْرِيدَ مُؤْمِنٍ مُتَبَيِّنٍ، وَوَحَّدْتُهُ تَوْحِيدَ عَبْدٍ مُدْعِنٍ لَيْسَ لَهُ شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ، جَلَّ عَنْ مُشِيرٍ وَوَزِيرٍ، وَ ...

خطبه بدون نقطه

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلُ الْحَمْدِ وَمَأْوَاهُ وَلَهُ أَوْكَدُ الْحَمْدِ وَأَخْلَاهُ وَأَسْعَدُ الْحَمْدِ وَأَسْرَاهُ وَأَكْرَمُ الْحَمْدِ وَأَوْلَاهُ، الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَا وَالِدَ وَ
 سَيِّطُ الْمُلُوكِ وَأَعْدَاهَا وَأَهْلَكَ الْعُدَاةَ وَأَذْحَاهَا وَأَوْصَلَ الْمَكَارِمَ وَأَسِيرَاهَا وَسَمَكَ السَّمَاءَ وَعَلَّاها وَسَطَّحَ الْمِهَادَ وَطَحَاها
 وَوَطَّدَها وَدَحَاها وَمَيَّدَها وَسَوَّاهَا وَمَهَّدَها وَوَطَّاهَا وَأَعْطَاكُمْ مَاءَها وَمَرْعَاهَا وَأَخْكَمَ عِيْدَ الْأُمَمِ وَأَخْصَاهَا وَعَيَّدَلَ الْأَغْلَامَ وَ
 أَرْسَاهَا.

الْأَيْلَةُ الْأَوَّلُ لَا- مُعَادِلَ لَهُ وَلَا- رَادَّ لِحُكْمِهِ لَا- إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ السَّلَامُ الْمُصَوِّرُ الْعَلَمَاءُ الْحَاكِمُ الْوَدُودُ الْمُطَهِّرُ الطَّاهِرُ الْمُحَمَّدُ أَمْرُهُ،
الْمَعْمُورُ حَرَمُهُ الْمَأْمُولُ كَرَمُهُ.

عَلَّمَكُمْ كَلَامَهُ وَ أَرَاكُمْ أَغْلَامَهُ وَ حَصَلَ لَكُمْ أَحْكَامُهُ وَ حَلَّلَ حَلَالَهُ وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ، وَ حَمَلَ مُحَمَّدٌ آ (صلى الله عليه و آله و سلم) الرِّسَالَةَ، رَسُوْلُهُ الْمُكْرَمَ الْمُسَدَّدَ الطُّهْرَ الْمُطَهَّرَ...

چهارده حکمت از سخنان حکیمانه امیر مؤمنان

اشاره

در این بخش به ذکر چهارده حکمت از سخنان حکیمانه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از کتاب ارزشمند نهج البلاغه میپردازیم، و در ذیل هر سخن، روایاتی را در همان موضوع بیان میکنیم.

حکمت اول : «آئین دوستیابی در کلام امیر مؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ صَيَّعَ مِنْ طَفَرِهِ بِهِ مِنْهُمْ».

حضرت علی (علیه السلام) میفرماید :

«ناتوانترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد، و ناتوانتر از او کسی است که دوستی را پیدا کند و او را از دست بدهد.»

. خطبه‌های شگفت، ص ۲۹۸ - ۲۹۹.

. ر.ک: کفایه الطالب، ص ۳۹۳؛ فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۵۶؛ مصباح کفعمی، ص ۹۶۸؛ مصباحالبلاغه، ج ۱، ص ۲۷؛ مطالب السؤل، ص ۲۴۸؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابیالحدید)، ج ۱۹، ص ۱۴۰؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۰۹.

. ر.ک: نهج السعاده، ج ۱، ص ۱۰۹.

. نهج البلاغه، حکمت ۱۲.

انواع دوستی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «أَصْدِقَاءُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ؛ فَأَصْدِقَاؤُكَ: صَدِيقُكَ، وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَعَدَاؤُكَ: عَدَاؤُكَ: عَدُوُّكَ وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«دوستان و دشمنان تو سه دسته‌اند؛ اما دوستان [عبارتند از: دوست، دوستِ دوست، و دشمنِ دشمن؛ دشمنانت عبارتند از: دشمن، دشمنِ دوست، و دوستِ دشمن].»

حقوق دوستی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «تَحَبَّبْ إِلَى خَلِيلِكَ يُحِبِّبَكَ وَ أَكْرَمُهُ يُكْرِمُكَ وَ آثَرُهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤَثِّرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «به دوست ابراز دوستی کن تا دوستت بدارد، گرامیاش بدار تا گرامیات بدارد، و او را بر خود مقدم بدار، تا تو را بر خود و خانواده‌اش مقدم بدارد.»

محدوده دوستی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِذِلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ الْمَوَدَّةِ وَلَا تَبْدِلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَانِينَةِ وَ أَعْطِهِ كُلَّ الْمَوَاسَاءِ وَلَا تَفُضَّ إِلَيْهِ بِكُلِّ الْأَسْوَارِ؛ تُوفِّي الْحِكْمَةَ حَقَّهَا وَ الصَّدِيقَ وَاجِبَهُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«همه دوستی را نثار دوست کن، اما همه اعتمادات را نثارش مکن. از جان و مالت در راهش بگذر و با او همدردی کن، اما همه رازهایت را با او در میان مگذار. بدین ترتیب، حق حکمت را به تمامی ادا کرده‌ای و حقوق دوست را بهجا آورده‌ای.»

عوامل دوستی و راه نفوذ در دلها

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ أَحْسَنَ الْمُصَاحِبَةَ كَثُرَ أَصْحَابُهُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هر که خوشرفتاری پیشه کند، دوستانش فراوان شوند.»

الف) صله رَحِم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «صِلْهُ الرِّحِمَ تُوجِبِ الْمَحَبَّةَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «صله رحم، سبب دوستی میشود.»

ب) بخشش

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ بَدَلَ النَّوَالَ قَبْلَ السُّؤَالِ فَهُوَ الْكَرِيمُ الْمَحْبُوبُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر که پیش از آن که از او بخواهند، ببخشد، بزرگوار و محبوب خواهد شد.»

ج) گشاده‌رویی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْبُشْرُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «گشاده‌رویی، عامل دوستی است.»

. همان، حکمت ۲۹۵.

. غرر الحکم، ح ۹۶۷۴.

. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۵، ح ۲۹؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۳.

. غرر الحکم، ح ۹۷۹۹.

. همان، ح ۹۳۰۹.

. همان، ح ۸۵۱۱.

. غرر الحکم، ح ۴۳۴.

د) نیکی کردن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هر که بسیار نیکی کند، برادرانش دوستش خواهند داشت.»

حکمت دوم: «ارزش استغفار در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

وَ حَكِي عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ :

«كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَدُونُكُمْ الْآخَرُ فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ)».

امام محمد باقر (علیه السلام) [از پدرانش،] از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل میکند :

«دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خواهد بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید، اما امانی که برداشته شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و اما امان باقیمانده، استغفار کردن است، که خدای متعال به رسول خود فرمود: "ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد، و (نیز) تا استغفار میکنند، خدا عذابشان نمیکند.»

آثار و خواص استغفار

الف) وسعت در رزق

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «استغفار کردن، رزق را زیاد میکند.»

ب) محو کردن گناهان

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «الْإِسْتِغْفَارُ يَمْحُو الْأَوْزَارَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «استغفار، گناهان را پاک میکند.»

ج) بالاترین توسل

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «أَفْضَلُ التَّوَسُّلِ الْإِسْتِغْفَارُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «برترین توسل، استغفار است.»

د) موجب امیدواری

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ النَّجَاءُ وَهُوَ الْإِسْتِغْفَارُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «در شگفتم از کسی که ناامید است، در حالی که نجات و رستگاری با اوست و آن استغفار است.»

ه) بهترین عبادت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «خَيْرُ الْعِبَادَةِ الْإِسْتِغْفَارُ.»

. همان، ح ۸۸۱۲.

. سوره انفال، آیه ۳۳.

. نهج البلاغه، حکمت ۸۸؛ مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۲۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸۴، ح ۳۱.

. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷، باب ۱۵، ح ۴؛ خصال، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۲.

. غرر الحکم، ح ۳۸۲۰.

. غرر الحکم، ح ۳۸۲۵.

. همان، ح ۳۸۲۹.

. کافی، ج ۲، ص ۵۱۷.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) میفرماید: «بهترین عبادت، استغفار است.»

و) بهترین شفیع

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«هیچ یاری، نیرومندتر از استغفار نیست.»

رهاورد استغفار

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا: مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةُ، وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ، وَمَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ، وَمَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ، وَتَصِيدُكَ ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ فِي الدُّعَاءِ: (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)، وَقَالَ فِي الْإِسْتِغْفَارِ: (وَمَنْ يَعْمَلْ

سُوءًا أَوْ يَظْلِمَ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا)، وَقَالَ فِي

الشُّكْرِ: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)، وَقَالَ فِي التَّوْبَةِ: (إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ

لِّلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا).

حضرت علی (علیه السلام) میفرماید :

«هر که را چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد؛ هر که توفیق دعا کردن داشته باشد از اجابت، هر که توفیق توبه کردن پیدا

کند، از پذیرفته شدن، هر که توفیق استغفار داشته باشد، از آمرزش گناهان، و هر که توفیق شکرگزاری به او عطا شود از افزونی نعمت، محروم نمی‌ماند.

و این مطلب مورد تصدیق کتاب الهی است که در مورد دعا می‌فرماید: "مرا بخوانید تا خواسته‌های شما را اجابت کنم". در مورد استغفار می‌فرماید: "هر که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت". در مورد شکر می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود". و در مورد توبه می‌فرماید: "پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند سپس زود توبه میکنند، خداوند توبه چنین اشخاصی را می‌پذیرد، و خدا دانا و حکیم است".

حکمت سوم: «رزق و روزی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):
«يَا بَنَ آدَمَ! لَا تَحْصِلْ هَيْمَ يَوْمِكَ (عُمْرِكَ) الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ، فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ».

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت می‌افزا؛ زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد، خداوند روزی تو را خواهد رساند.»

. غرر الحکم، ح ۳۸۳۳.

. سوره مؤمن، آیه ۶۰.

. سوره نساء، آیه ۱۱۰.

. سوره ابراهیم، آیه ۷.

. سوره نساء، آیه ۱۷.

. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۷۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۶.

. همان، حکمت ۳۵۶.

قدرت خداوند در روزی رساندن

قِيلَ لَهُ (عليه السلام): لَوْ سُئِلَ عَلَى رَجُلٍ بَابُ بَيْتِهِ وَ تَرِكَ فِيهِ، مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ؟ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ».

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسیدند: اگر در خانه مردی را به رویش ببندند، رزق و روزی او از کجا خواهد آمد؟ حضرت فرمود:

«از آن جایی که مرگ او به سراغش می‌آید!»

اقسام رزق و روزی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «يَا بَنَ آدَمَ! الرَّزْقُ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ، فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَيِّئِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ! كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ، فَإِنْ تَكُنُ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ غَدٍ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ، وَإِنْ لَمْ تَكُنُ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِالْهَمِّ فِيمَا لَيْسَ لَكَ، وَلَنْ يَسْبِقُكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ، وَلَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ، وَلَنْ يُبْطِئَ عَنْكَ مَا قَدْ قُدِّرَ لَكَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«ای فرزند آدم! روزی دو گونه است: روزی که تو آن را بجویی، و روزی که تو را میجوید که اگر به سراغش نروی به سوی تو آید. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت قرار مده، که برطرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد، همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد و اگر از شمار عمرت نباشد، تو را با اندوه آن چه کار است، که هرگز جویندهای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد، و چیره شوندهای بر تو چیره نگردد، و آنچه برای تو مقدر گشته، بیکم و کاست به تو خواهد رسید.»

موجبات برکت در رزق و روزی

الف) خوشاخلاقی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«گنجهای رزق و روزی، در وسعت اخلاق [و خوشاخلاقی] است.»

ب) استغفار

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بسیار استغفار کنید تا روزی را جلب کنید.»

ج) نماز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِلْمَصَلَّى حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ...»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید:

«نماز از راههای بندگی در دین و دربردارنده رضای پروردگار است. و نماز راه و رسم انبیا است. و دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و روشنایی در شناختن حق و برکت در روزی همراه نماز گزار است.»

(د) صدقه

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «بَرَكَهُ الْمَالُ فِي الصَّدَقَةِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «برکت مال، در صدقه دادن است [یعنی صدقه دادن سبب افزونی مال میگردد].»

. همان، حکمت ۳۷۹.

. غرر الحکم، ح ۵۳۸۳.

. خصال، ج ۲، ص ۶۱۵.

. خصال، ج ۲، ص ۵۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱، ح ۵۶.

. غرر الحکم، ح ۹۱۴۲.

(ه) صله رحم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «إِنَّ صَلَّةَ الرَّحِمِ لَتَرْيَدُ فِي الرِّزْقِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «همانا صله رحم، رزق را زیاد میکند.»

(و) راستگویی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «الْوَفَاءُ وَالصِّدْقُ يَجْزَانِ الرِّزْقِ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید :

«وفاداری و راستگویی، دو عامل جاری شدن رزق هستند.»

حکمت چهارم : «ایمان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) :

«عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْثِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَلَا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عَمَلِكَ (عِلْمِكَ) وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثٍ غَيْرِكَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «نشانه ایمان، این است که راستگفتن را اگر چه بر زیان تو باشد بر دروغگویی اگر چه به نفع تو باشد، ترجیح دهی، و آن که بیش از مقدار عمل و آگاهی خود سخن نگویی، و چون از دیگران سخن گویی، از خداوند بترسی.»

تعریف ایمان

وَسُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ (عليه السلام) :

«الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ».

از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مورد «ایمان» پرسیده شد، حضرت فرمود :

«ایمان، شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.»

حقیقت ایمان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «الْإِيمَانُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ وَفَرْعُهَا التَّقَى وَنُورُهَا الْحَيَاءُ وَثَمَرُهَا السَّخَاءُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«ایمان، درختی است که ریشه‌اش یقین، شاخه‌اش پرهیزکاری، شکوفه‌اش حیا، و میوه‌اش بخشنده‌گی و سخاوت است.»

اهمیت ایمان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «أَقْرَبُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَحْسَنُهُمْ إِيْمَانًا».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«نزدیکترین مردم به خداوند، نیکوترین ایشان از جهت ایمان است.»

. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۸۳، باب ۱۱، ح ۷۹۸۲.

. فردوس دیلمی، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۷۲۶۸.

. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۴۳۱، و ج ۶۴، ص ۳۱۴؛ نهج البلاغة، حکمت ۴۵۸.

. نهج البلاغة، حکمت ۲۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۱۱؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۰۷.

. غرر الحکم، ح ۱۴۴۱.

. غرر الحکم، ح ۱۴۵۸.

. همان، ح ۱۴۷۷.

کمال ایمان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يُحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَيُبْغِضَ مَنْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«ایمان بنده‌ای کامل نمیشود مگر آنچه را که خدا دوست دارد او نیز دوست داشته باشد، و آنچه را خداوند دشمن دارد او نیز

دشمن بدارد.»

آثار ایمان

الف) امنیت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَا مِنْ شَيْءٍ يَحْصُلُ بِهِ الْأَمَانُ أَوْ يُبْلَغَ مِنْ إِيْمَانٍ وَ إِحْسَانٍ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هیچ چیزی که به وسیله آن امانت [دنیا و آخرت] حاصل شود، کاملتر از ایمان و احسان نیست.»

(ب) نجات

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَا يَفُوزُ بِالنَّجَاةِ إِلَّا مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْإِيْمَانِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «به نجات و رستگاری نائل نمیشود مگر آن که شرایط ایمان را برپای دارد.»

(ج) رستگاری

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «ثَمَرَةُ الْإِيْمَانِ الْفَوْزُ عِنْدَ اللَّهِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«ثمره و میوه ایمان، رسیدن به رستگاری نزد خداوند است.»

(د) حیا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرَةُ الْإِيْمَانِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «شرم و حیاى مرد از نفس خویش، [و مرتکب گناه نشدن]، ثمره ایمان است.»

(ه) صبر

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْإِيْمَانِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«صبر و شکیبایی [در مصیبتها] ثمره ایمان است.»

(و) میل به آخرت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «ثَمَرَةُ الْإِيْمَانِ الرَّغْبَةُ فِي دَارِ الْبَقَاءِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«ثمره ایمان، رغبت داشتن به سرای آخرت است.»

- . همان، ح ۱۴۹۴.
- . غرر الحکم، ح ۱۴۹۱.
- . همان، ح ۱۴۹۸.
- . همان، ح ۶۲۱۷.
- . همان، ح ۱۴۹۷.
- . نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

حکمت پنجم: «اهمیت دعا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سُئِلُوا (شوبوا) إِيمَانُكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصْنُكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ أَذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ.»
حضرت علی (علیه السلام) میفرماید:
«ایمان خود را با صدقه دادن و امواتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود دور کنید.»

دعا، بلاها را دفع میکند

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وَرُودِ الْبَلَاءِ فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ أَنْحَادِ السَّيْلِ مَنْ أَعْلَى التَّلْعَةِ إِلَى أَشْفَلِهَا وَ مِنْ رَكْضِ الْبَرَادِينِ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «موجهای بلا را پیش از آن که به شما برسد، با دعا کردن از خود دور کنید؛ سوگند به آن که دانه را شکافته و مردمان را آفریده است، بلا به سوی مؤمن، از شتاب سیلاب از فراز تپه به پایین آن و از سرعت راهرفتن اسبها شتابنده‌تر می‌آید.»

آداب دعا نمودن

الف) صلوات فرستادن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «كُلُّ دُعَاءٍ مَحْبُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ :.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «هر دعایی تا در آن بر محمد و آل محمد : صلوات فرستاده نشود، از [ورود به] آسمان ممنوع است.»

ب) اصرار در دعا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «فَالْحِجْ فِي الْمَسْأَلَةِ يَفْتَحُ لَكَ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «در مسألت از خدا پافشاری و اصرار کن تا درهای رحمت به رویت گشوده شود.»

ج) ناامید نشدن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَا يُقْنَطَنَّكَ تَأْخِيرُ إِجَابَةِ الدُّعَاءِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ وَرُبَّمَا تَأَخَّرَتِ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ السَّائِلِ وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ السَّائِلِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«تأخیر در اجابت دعا، تو را ناامید نگرداند؛ زیرا که بخشش بستگی به نیت دارد و چه بسا در اجابت دعا تأخیر میشود تا پاداش درخواستکننده بیشتر و جزای آرزومند کاملتر شود.»

د) اخلاص

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «عَلَيْكَ بِإِخْلَاصِ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ أَخْلَقَ بِالْإِجَابَةِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «بر تو باد به اخلاص [و حضور قلب] در دعا، پس به درستی که آن سزاوارتر است به اجابت.»

ه) مداومت در دعا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ اسْتَدَامَ قَرْعَ الْبَابِ وَلَجَّ وَلَجَّ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هر که مداوم دری را بکوبد و اصرار ورزد، باز گردد.»

. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷۸، باب ۷، ح ۵۶۱۳؛ خصال، ج ۲، ص ۶۲۱، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

. كنز العمال، ح ۳۹۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۶۰، ح ۱۵؛ ثواب الأعمال، ص ۵۵.

. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲۵، ح ۱.

. غرر الحکم، ح ۳۷۶۹.

. همان، ح ۳۷۵۵.

. همان، ح ۳۷۵۸.

و) ستایش و ثنایش از دعا

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام):

«إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): إِنَّ الْمَدْحَةَ قَبِيلُ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا دَعَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَمَجِّدْهُ. قُلْتُ: «كَيْفَ أُمَجِّدُهُ؟» قَالَ: «تَقُولُ: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.»

امام جعفر صادق (علیه السلام) میفرماید :

«همانا در کتاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که مدح [خداوند] پیش از خواستن حاجت است؛ پس هر گاه خواستی به درگاه خدا دعا کنی، او را تمجید و ستایش کن.» گفتم: «چگونه او را تمجید کنم؟» حضرت فرمود: «میگویی: ای کسی که از رگ گردن به من نزدیکتری، ای که هر چیز را خواهی به خوبی انجام میدهی، ای کسی که میان مرد و قلبش حایل میشود، ای کسی که در جایگاه برتر هستی، ای آن که چیزی به ماندش نیست.»

ز) بسم الله گفتن در آغاز دعا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «لَا يُرَدُّ دُعَاءُ أَوَّلُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید :

«دعایی که با بسم الله الرحمن الرحيم شروع گردد، رد نمیشود.»

حکمت ششم: «ارزش توبه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «در دنیا جز برای دو کس خیر نیست، یکی گناهکاری که با توبه جبران [گذشته خود] کند و دیگر نیکوکاری که در کارهای نیکو و خیرات شتاب ورزد.»

پایه های توبه

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعَةِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ وَ عَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «توبه بر چهار پایه استوار است: ۱ - پشیمانی در دل؛ ۲ - استغفار کردن به زبان؛ ۳ - عمل کردن (و جبران نمودن) با اعضا و جوارح؛ ۴ - تصمیم بر بازنگشتن به گناه.»

شتاب در توبه کردن

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِنْ فَارَقَتْ سَيِّئُهُ فَعَجِّلْ مَحْوَهَا بِالتَّوْبَةِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«هر گاه مرتکب گناهی شدی، با توبه به محو کردن آن شتاب کن.»

توبه نصوح

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «ترک گناه از طلب توبه، سهلتر است.»

- . مکارم الأخلاق، ص ۲۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۴، ح ۲۰؛ کافی، ج ۲، ص ۴۸۴.
- . الدعوات، ص ۵۲، ح ۱۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰۴، ح ۵۹۲۹.
- . نهج البلاغة، حکمت ۹۴.
- . بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۱، ح ۷۴.
- . همان، ج ۷۴، ص ۲۱۰.
- . همان، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

آثار و برکات «توبه»

الف) نزول رحمت الهی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «توبه، رحمت الهی را نازل میکند.»

ب) پاک شدن گناهان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«توبه‌کننده از گناه، مانند کسی است که گناه نکرده است.»

ج) موجب خشنودی خداوند

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«به درگاه خداوند عز و جل توبه کنید و در محبت او داخل شوید؛ زیرا همانا خداوند توبه‌کنندگان را دوست میدارد.»

حکمت هفتم: «ارزش علم و دانش در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «كُلُّ وِعَاءٍ يَضِيقُ بِهَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وِعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پُر میشود، به جز ظرف علم و دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعتش بیشتر میشود.»

علم بهتر از ثروت است

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَخْرُشُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«دانش از مال بهتر است؛ زیرا دانش تو را محافظت میکند، در حالی که تو باید مال را محافظت کنی.»

اقسام علم حقیقی

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «همانا علم [حقیقی] سه چیز است: آیه محکم (اصول عقاید)، فریضه عادلّه (علم اخلاق)، سنت قائمه (علم احکام شرعی)، و غیر از اینها فضل است.»

فضیلت طلب علم

اشاره

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام) قَالَ :

«بَيْنَمَا أَنَا جَالِسٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِذْ دَخَلَ أَبُوذَرٍّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! جِنَازَةُ الْعَابِدِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ مَجْلِسُ الْعَالِمِ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : يَا أَبَاذَرٍّ! الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قِيَامِ أَلْفٍ لَيْلَةٍ يُصَلِّي فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكَعَةٍ وَالْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مُذَاكِرَةُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ؟!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : يَا أَبَاذَرٍّ! الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ إِنْ شَرَّ أَلْفَ مَرَّةٍ، عَلَيْكُمْ بِمُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْعِلْمَ تَعْرِفُونَ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ، وَمَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ أَبَاً مِنَ الْعِلْمِ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ يَسْمَعُ أَوْ يَكْتُبُ مَدِينَةً بِالْجَنَّةِ وَطَالِبُ الْعِلْمِ أَحَبُّهُ اللَّهُ وَأَحَبُّهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَحَبُّهُ النَّبِيُّونَ وَلَا يُحِبُّ الْعِلْمَ إِلَّا السَّعِيدُ وَطُوبَى لَطَالِبِ الْعِلْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «روزی در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودم که اباذر وارد شد و عرضه داشت: "ای رسول خدا! تشییع نمودن جنازه عابد در نزد شما بهتر است یا نشستن در نزد عالم؟"

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: "ای اباذر! ساعتی نشستن در حضور عالم و مذاکره علم، از هزار شب قیام و عبادت که هر شب هزار رکعت نماز خوانده شود، نزد خدا بهتر است، و ساعتی به گفتوگوی علمی پرداختن نزد خداوند از هزار جهاد و قرائت تمام قرآن محبوبتر است."

اباذر [با تعجب] گفت: "گفتوگوی علم از قرائت تمام قرآن برتر است؟"

حضرت فرمود: "ای اباذر! ساعتی در گفتوگوی علمی به سر بردن، نزد خدا از دوازده هزار ختم قرآن محبوبتر است. بر شما باد به مذاکره علم؛ زیرا به وسیله آن احکام حلال را از حرام میشناسید. و هر کس برای یافتن بابی از علم از منزل خارج شود، خداوند متعال برای هر قدمی که برمیدارد، ثواب پیامبری از پیامبران الهی را مینویسد و برای هر حرفی که میشنود و یا مینویسد، شهری در بهشت قرار میدهد. و خداوند متعال و فرشتگان، طالب علم را دوست دارند. و علم و دانش را دوست نمیدارد مگر انسان خوشبخت و خوشا به حال [و مقام] طالب علم در روز قیامت".

. غرر الحکم، ح ۳۷۳۵.

. کافی، ج ۲، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۷۵، ح ۲۱۰۲۲.

. نهج البلاغة، حکمت ۲۰۵.

. غرر الحکم، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۵؛ خصال، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۲۵۷.

. کافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۱.

(ب) اخلاص

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «سبب اخلاص، یقین است.»

(ج) زهد

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْيَقِينُ يُثْمِرُ الزُّهْدَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «یقین، میوه زهد است.»

(د) خشنود بودن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «رضایت، میوه یقین است.»

(ه) توکل

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «بِحُسْنِ التَّوَكُّلِ يُسْتَدَلُّ عَلَى حُسْنِ الْإِيْقَانِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«نیکویی توکل [به خداوند] دلیل بر نیکویی یقین است.»

(و) بهشت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْيَقِينِ وَالتَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمُ جَنَّةَ الْمَأْوَى.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «همواره با یقین و تقوا باشید؛ چرا که آن دو شما را به سرای بهشت میرساند.»

. غرر الحکم، ح ۷۳۲.

. همان، ح ۷۰۶.

. همان، ح ۶۲۱۶.

. همان، ح ۷۴۶.

. غرر الحکم، ح ۷۳۵.

. همان، ح ۱۸۲۳.

. همان، ح ۳۸۸۰.

. همان، ح ۵۹۳۰.

حکمت هشتم: «ارزش یقین در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

وَسَمِعَ (عليه السلام) رَجُلًا مِنَ الْحُرُورِيِّ يَتَهَجَّدُ وَيَقْرَأُ فَقَالَ :

«نَوْمٌ عَلَى يَقِينٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هنگامی که صدای مردی از اهالی حروراء را

شنید که نماز شب میخواند و قرآن قرائت میکرد؛ فرمود :

«خوابیدن همراه با یقین، برتر از نماز خواندن با شک و تردید است.»

بزرگترین سعادت**بالاترین دعا****یقین، رأس دین است****برترین عبادت****آثار و برکات «یقین»****الف) صبر**

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الصَّبْرُ ثَمَرَةُ الْيَقِينِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «صبر، ثمره یقین است.»

(ب) اخلاص

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «سبب اخلاص، یقین است.»

(ج) زهد

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْيَقِينُ يُثْمِرُ الزُّهْدَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «یقین، میوه زهد است.»

(د) خشنود بودن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «رضایت، میوه یقین است.»

(ه) توکل

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «بِحُسْنِ التَّوَكُّلِ يُسْتَدَلُّ عَلَى حُسْنِ الْإِيْقَانِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«نیکویی توکل [به خداوند] دلیل بر نیکویی یقین است.»

(و) بهشت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «عَلَيْكُمْ بِلُزُومِ الْيَقِينِ وَالتَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُم جَنَّةَ الْمَأْوَى».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «همواره با یقین و تقوا باشید؛ چرا که آن دو شما را به سرای بهشت میرساند.»

. غرر الحکم، ح ۷۳۲.

. همان، ح ۷۰۶.

. همان، ح ۶۲۱۶.

. همان، ح ۷۴۶.

. غرر الحکم، ح ۷۳۵.

. همان، ح ۱۸۲۳.

. همان، ح ۳۸۸۰.

. همان، ح ۵۹۳۰.

حکمت نهم: «فضیلت حیا در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قالَ عَلِيُّ (علیه السلام) :

«...وَمَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ وَمَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«و هر کس زیاد سخن بگوید، خطایش زیاد می‌گردد، و هر کس خطایش زیاد شود، حیا وی کم شود؛ و هر کس حیا کم شود، وَرَعش نیز می‌کاهد؛ و هر کس وَرَع و پرهیز از گناهش کم شود، قلبش می‌میرد؛ و هر کس قلبش بمیرد، وارد دوزخ می‌گردد.»

شش چیز نیکوست، ولی از شش نفر نیکوتر

قالَ عَلِيُّ (علیه السلام) :

«سِتَّةُ أَشْيَاءٍ حَسَنٌ وَلِكِنَّهَا مِنْ سِتَّةٍ أَحْسَنُ؛ الْعَدْلُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ الْأَمْراءِ أَحْسَنُ، وَالصَّبْرُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، وَالْوَرَعُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، وَالْحَيَاءُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ النِّسَاءِ أَحْسَنُ وَآمِيرٌ لَا عَدْلَ لَهُ كَغَمَامٍ لَا غَيْثَ لَهُ وَفَقِيرٌ لَا صَبْرَ لَهُ كَمِضْبَاحٍ لَا ضَوْءَ لَهُ وَعَالِمٌ لَا وَرَعَ لَهُ كَشَجَرَةٍ لَا ثَمَرَ لَهَا وَغَيٌّ لَا سَخَاءَ لَهُ كَمَكَانٍ لَا نَبْتَ لَهُ وَشَابٌّ لَا تَوْبَةَ لَهُ كَنَهْرٍ لَا مَاءَ لَهُ وَامْرَأَةٌ لَا حَيَاءَ لَهَا كَطَعَامٍ لَا مَلَحَ لَهُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند :

«شش چیز نیکو است، ولی از شش نفر نیکوتر است :

۱ - عدل نیکوست، ولی از فرمانروایان نیکوتر است.

۲ - صبر خوب است، ولی از فقرا و نیازمندان پسندیده‌تر است.

۳ - ورع و پارسایی نیکو است، ولی از دانشمندان و علما بهتر است.

۴ - سخاوت نیکو است، ولی از ثروتمندان نیکوتر است.

۵ - توبه پسندیده است، ولی از جوانان پسندیده‌تر است.

۶ - حیا نیکوست، ولی از زنها نیکوتر است.

و فرمانروایی که عدالت ندارد، همانند قطعه ابری است که باران ندارد؛ و فقری که صبر ندارد، همانند چراغی است که روشنایی ندارد؛ و دانشمندی که ورع ندارد، همانند درختی است که میوه ندارد؛ و ثروتمندی که سخاوت ندارد، همانند زمینی است که در آن گیاه نمی‌روید؛ و جوانی که توبه نمی‌کند، همانند نهری است که آب ندارد؛ و زنی که شرم و حیا ندارد، همانند غذایی است که نمک ندارد.»

مواردی که در آن، «حیا» نیست

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «ثَلَاثٌ لَا يُسْتَحْيَا مِنْهُنَّ، خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفُهُ وَ قِيَامُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ لِأَيِّهِ وَ مُعَلِّمِهِ وَ طَلَبُ الْحَقِّ وَ إِنْ قَلَّ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سه چیز است که در آنها نباید حیا نمود: خدمت کردن انسان برای میهمان خودش، و از جابرخواستن برای احترام پدر و معلم، و طلب نمودن حق خویش اگر چه اندک باشد.»

آثار و برکات «حیا»**الف) کلید همه خوبیها**

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحَيَاءُ مُفْتَاخُ كُلِّ خَيْرٍ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «حیا، کلید هر خیری است.»

ب) سبب کرامت انسانی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكَرَمِ وَ أَحْسَنُ الشُّيْمِ.»
حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«حیا، سبب کمال همه کرامتها و بهترین خصلتها است.»

ج) بازداشتن انسان از کارهای قبیح

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبِيحِ.»
حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«حیا، انسان را از کارهای زشت باز میدارد.»

د) نشانه ایمان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلٌ عَلَى إِيْمَانِهِ.»
حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«زیادی حیا در مرد، دلیل بر ایمان وی است.»

ه) محوکننده گناهان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا.»

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«حیا و شرم از خداوند، بسیاری از گناهان را نابود میکند.»

. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹؛ تحف العقول، ص ۸۹ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۶؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۹۶.

. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۳، الباب الثانی و الخمسون.

. غرر الحکم، ح ۹۷۸؛ مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۰، ح ۱۹۸۰۰.

حکمت دهم: «سخاوت در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً، فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَحَيَاءٌ وَ تَذَمُّمٌ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سخاوت آن است که تو آغاز کنی؛ اما آنچه با درخواست، داده میشود شرم و حیا و مذمت است.»

حد و مرز بخشندگی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «كُنْ سَمَحًا وَلَا تَكُنْ مُبَذِّرًا، وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًّا.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بخشنده باش، اما زیاده‌روی نکن؛ صرفه‌جو باش، اما سختگیر نباش.»

عطا کردن قبل از درخواست

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «أَفْضَلُ الْعَطِيَّةِ مَا كَانَ قَبْلَ مَذْلَةِ السُّؤَالِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«برترین بخشش آن است که قبل از خواری طلب کردن باشد.»

آثار و برکات سخاوت

الف) زینت انسان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «السَّخَاءُ زِينَةُ الْإِنْسَانِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سخاوت و بخشندگی، زینت آدمی است.»

(ب) ایجاد محبت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «السَّخَاءُ يَذْرُعُ الْمَحَبَّةَ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سخاوت و بخشندگی، دوستی را در دلها میکارَد.»

(ج) کم کردن گناهان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «السَّخَاءُ يُمَحِّصُ الذُّنُوبَ وَ يَجْلِبُ مَحَبَّةَ الْقُلُوبِ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سخاوت و بخشندگی، گناهان را کم میکند و محبت قلبهای [مردم] را به سوی صاحب خود میکشاند.»

(د) موجب برکت در رزق و روزی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرِّزْقَ وَ يُوجِبَانِ الْمَحَبَّةَ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بر شما باد به بخشندگی و خوش خلقی، که این دو، روزی را زیاد میکند و دوستی و محبت برای صاحب خود میآورد.»

(ه) موجب بزرگی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سَبَبُ السَّيَادَةِ السَّخَاءُ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سبب بزرگی، سخاوت و بخشندگی است.»

(و) پوشیده شدن عیبا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «عُطُوا مَعَايِبَكُمْ بِالسَّخَاءِ فَإِنَّهُ سِتْرُ الْعُيُوبِ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«عیبهای خود را با سخاوت بپوشانید، که همانا بخشندگی پوشاننده عیباست.»

ز) موجب تقرب به خدا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «السَّخَاءُ قُرْبَةٌ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بخشندگی، موجب نزدیکی [به خدا و مردم] است.»

آفت سخاوت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «آفَةُ السَّخَاءِ أَلَمَنُ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «آفت بخشندگی، منت گذاشتن است.»

. غرر الحکم، ح ۵۴۳۷.

. همان، ح ۵۴۵۴.

. همان، ح ۵۴۴۶.

. همان، ح ۵۴۵۵.

. نهج البلاغه، حکمت ۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۵۷، ح ۱۲۴۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۵۷.

. نهج البلاغه، حکمت ۳۳.

. غرر الحکم، ح ۸۵۰۷.

. همان، ح ۸۴۳۲.

. غرر الحکم، ح ۸۵۲۱.

. همان، ح ۸۵۲۴.

. همان، ح ۸۵۲۸.

. همان، ح ۸۵۵۵.

. غرر الحکم، ح ۸۵۷۰.

. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۳، ح ۹.

حکمت یازدهم: «رهاورد حلم و بردباری در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«اگر بردبار نیستی، خود را به شخص بردبار شبیه نما؛ زیرا کم پیش می‌آید کسی خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به

حساب نیاید.»

معنا و مفهوم «حلم»

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَيْسَ الْحَلِيمُ مَنْ عَجَزَ فَهَجَمَ وَإِذَا قَدَرَ انْتَقَمَ، إِنَّمَا الْحَلِيمُ مَنْ إِذَا قَدَرَ عَفَا، وَكَانَ الْحَلِيمُ غَالِيًا عَلَى كُلِّ أَمْرِهِ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بردبار آن نیست که چون ناتوان شد، خاموش شود، و چون قدرت یابد، انتقام کشد، بلکه بردبار کسی است که قدرت داشته باشد، اما گذشت کند و بردباری بر تمام کارهای او غالب باشد.»

برترین صفات انسانی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحَلِيمُ سَجِيَّةٌ فَاضِلَةٌ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«حلم و بردباری از صفات برجسته انسان است.»

آثار و برکات «حلم و بردباری»

الف) موجب عزت و بزرگواری

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَا عِزَّ أَرْفَعُ مِنَ الْحِلْمِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «عزتی برتر از حلم و بردباری نیست.»

ب) ثمره علم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «لَنْ يُثْمَرَ الْعِلْمُ حَتَّى يُقَارَنَهُ الْحِلْمُ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «علم و دانش ثمره نمیدهد، مگر هنگامی که همراه با حلم و بردباری باشد.»

ج) غلبه بر دشمن

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ حَلَمَ مِنْ عَدُوِّهِ ظَفَرَ بِهِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هر کس در مقابل دشمن خود بردبار باشد، بر او پیروز میگردد.»

د) ایمنی از عذاب الهی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الْحِلْمُ عِنْدَ شِدَّةِ الْغَضَبِ يُؤْمِنُ غَضَبَ الْجَبَّارِ.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «بردباری در اوج غضب، انسان را از خشم خداوند جبار ایمن میسازد.»

ه) زینت انسان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مُزَيِّنُ الرَّجُلِ عِلْمُهُ وَحِلْمُهُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«زینت دهنده مرد، دانش و بردباری اوست.»

(و) زینت علم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «زَيْنُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «زینت دانش، حلم و بردباری است.»

(ز) کثرت علم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «حُسْنُ الْحِلْمِ دَلِيلُ وَفُورِ الْعِلْمِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«خوبی بردباری، دلیل فراوانی علم و دانش است.»

(ج) رأس علم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «رَأْسُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «ریشه و اصل دانش، بردباری است.»

(ط) کمال ایمان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِيمَانُهُ الْعَقْلُ وَالْعِلْمُ وَالْحِلْمُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«سه چیز است که در هر کس باشد، ایمانش کامل و تمام است: ۱- عقل و خرد؛ ۲- علم و دانش؛ ۳- حلم و بردباری.»

نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

غرر الحکم، ج ۶۴۳۷.

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۲۸، ح ۷۸.

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۱۴، ح ۳۲.

غرر الحکم، ج ۱۲۱.

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۲۸، ح ۷۸.

حکمت دوازدهم: «معنای احسان در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ):
«الْعَدْلُ: الْإِنْصَافُ، وَالْإِحْسَانُ: التَّفَضُّلُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در تفسیر قول خداوند: «خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد» فرمود:
«عدل، همان انصاف، و احسان، همان بخشش است.»

بالاترین احسان

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِنَّ مُقَابَلَةَ الْإِسَاءَةِ بِالْإِحْسَانِ وَتَعَمُّدَ الْجَرَائِمِ بِالْغُفْرَانِ لِمَنْ أَحْسَنَ الْفَضَائِلِ وَأَفْضَلَ الْمَحَامِدِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:
«همانا بدی را با احسان پاسخ دادن و گناهان را با گذشت و عفو پوشاندن، از بهترین فضیلتها و برترین صفات ستوده است.»

احسان به دیگران موجب کرامت خود انسان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِنَّكَ إِنْ أَحْسَنْتَ فَنَفْسُكَ تُكْرِمُ، وَإِلَيْهَا تُحْسِنُ إِنَّكَ إِنْ أَسَأْتَ فَنَفْسُكَ تَمْتَهُنُ وَإِيَّاهَا تَغْبِنُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:
«تو اگر نیکی کنی خودت را گرامی داشته‌ای و به خودت نیکی کرده‌ای، و اگر بدی کنی خودت را خوار کرده‌ای و به خودت زیان رسانده‌ای.»

آثار و برکات «احسان»

الف) موجب محبت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «احسان کردن، سبب محبت است.»

ب) حُسن عاقبت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسُنَتْ عَوَاقِبُهُ وَسَهَّلَتْ لَهُ طُرُقُهُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر که به مردم احسان کند، عاقبت [کارهای] او آسان شود، و راههای او آسان گردد.»

ج) موجب بزرگواری

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَعَ الْإِحْسَانِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«احسان و نیکی کردن، بزرگواری و سربلندی به همراه دارد.»

(د) بهترین توشه قیامت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «نِعَمَ زَادُ الْمَعَادِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْعِبَادِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«بهترین توشه برای معاد، نیکی کردن به بندگان خداوند است.»

ه (کثرت دوستان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ، كَثُرَ خَدَمُهُ وَ أَعْوَانُهُ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«آن که بسیار نیکوکار باشد، خدمتگزاران و یارانش بسیار شوند.»

بالاترین فضیلت انسان

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «حِفْظُ اللِّسَانِ وَ بَذْلُ الْإِحْسَانِ مِنْ أَفْضَلِ فَضَائِلِ الْإِنْسَانِ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«نگاهداشتن زبان [از گناهان] و بذل و عطای احسان، از برترین فضیلت‌های آدمی است.»

بالاترین اعمال

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«شَيْئَانِ لَا يُوَازِنُهُمَا عَمَلٌ: حُسْنُ الْوَرَعِ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«دو چیز است که هیچ عملی با آنها هموزن نمیشود: ۱ - پرهیزکاری نیکو؛ ۲ - احسان به مؤمنان.»

. غرر الحکم، ح ۸۸۷۷.

. غرر الحکم، ح ۸۸۱۰.

. همان، ح ۸۸۳۴.

. همان، ح ۸۸۰۸.

. همان، ح ۸۷۶۸.

- . همان، ح ۸۸۳۳.
 . غرر الحکم، ح ۴۱۸۱.
 . غرر الحکم، ح ۶۴۴۶.
 . همان، ح ۵۸.
 . غرر الحکم، ح ۶۴۲۳.
 . همان، ح ۶۴۲۶.
 . همان، ح ۶۴۲۷.
 . همان، ح ۱۴۷۰.
 . سوره نحل، آیه ۹۰.
 . نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۹، ح ۲۱.

حکمت سیزدهم: «اهمیت صدقه در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِذَا أُمِّلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ».
 امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:
 «هر گاه تهدیدست شدید، با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید.»

آثار و برکات «صدقه»

الف) زیاد کردن روزی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «اسْتَزِرُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ».
 امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «با صدقه دادن، روزی را [بر خود] نازل کنید.»

ب) درمان بیماریها

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ، وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ تُصَبُّ أَعْيُنُهُمْ فِي آجَالِهِمْ».
 امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «صدقه دادن دارویی مؤثر است، و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوهگر است.»

در حدیث است که مردی به امام کاظم (علیه السلام) از عیالواری خود و این که همه آنها بیمارند شکوه کرد، حضرت فرمود:
 «آنها را با صدقه درمان کن؛ زیرا هیچ چیز زودتر از صدقه به درگاه خدا پذیرفته نمیشود، و برای بیماری دارویی سودمندتر از صدقه نیست.»

(ج) نزول رحمت

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الصَّدَقَةُ تَسْتَنْزِلُ (تُنَزِّلُ) الرَّحْمَةَ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «صدقه، رحمت الهی را نازل مینماید.»

(د) دفع بلا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «الصَّدَقَةُ تَسْتَدْفِعُ الْبَلَاءَ وَالنَّقْمَةَ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«صدقه دادن، بلا و عقوبت را دفع میکند.»

(ه) برکت در روزی

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «بَرَكَهُ الْمَالِ فِي الصَّدَقَةِ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«افزونی و برکت مال، در صدقه دادن است.»

(و) دفع فقر

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «دَاوُوا الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ وَ دَاوُوا الْفَقْرَ بِالصَّدَقَةِ وَ الْبُذْلِ.»
امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:
«ستم را به وسیله عدل، و فقر را به صدقه دادن و بخشش، مداوا کنید.»

(ز) محو کردن گناهان

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): «إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَمْحُو الذَّنْبَ الْعَظِيمَ وَ تَهَوِّنُ الْحِسَابَ وَ صَدَقَةُ النَّهَارِ تُثْمِرُ الْمَالَ وَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ.»
امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:
«صدقه دادن در شب، خشم خدا را فرومینشاند و گناه بزرگ را پاک میکند و حساب را آسان میگرداند؛ و صدقه دادن در روز، مال و ثروت میآورد و عمر را زیاد میکند.»

فضیلت صدقه نهانی و صدقه آشکارا

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى، الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ... وَ صَدَقَةُ السِّرِّ فَإِنَّهَا تُكَفِّرُ

الْخَطِيئَةُ وَ صَدَقَهُ الْعَلَانِيَةُ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِثْلَهُ السَّوَاءِ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید :

«بهترین وسیله‌های که متوسلان به خدای سبحان به آن توسل پیدا میکنند، ایمان به خدا و رسول اوست... و صدقه نهانی، گناهان را پاک میکند و صدقه آشکار، که از مرگ ناگهانی و دلخراش جلوگیری میکند.»

. همان، ح ۸۷۱۰

. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۷۲، ح ۱۲۲۷۱؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۱، الباب التاسع و العشرون.

. غرر الحکم، ح ۹۱۳۶.

. نهج البلاغه، حکمت ۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۸، ح ۱۲.

. میزان الحکمه، باب الصدقه، ح ۱۰۳۶۶.

. غرر الحکم، ح ۹۱۳۴.

. همان، ح ۹۱۳۵.

حکمت چهاردهم : «معنای خیر و نیکی در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)»

اشاره

وَسُئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ :

«لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ، وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتِ اللَّهُ وَ إِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرَتِ اللَّهُ...»

از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سؤال شد: خیر چیست؟ حضرت فرمود :

«خوبی آن نیست که مال و فرزندی بسیار شود، بلکه خیر آن است که علم و دانش تو فراوان و بردباری تو عظیم گردد و با پرستش خداوند در میان مردم افتخار کنی؛ پس اگر کار نیکی انجام دهی، شکر خدا را بهجای آوری و اگر کار بدی انجام دادی از خدا طلب آمرزش کنی.»

آنچه موجب خیر دنیا و آخرت است

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) : «أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: صِدْقُ حَدِيثٍ وَ أَدَاءُ أَمَانَةٍ وَ عِفَّةٌ بَطْنٍ وَ حُسْنُ خُلُقٍ».

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «چهار چیز است که به هر کس داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: ۱ - راستگویی؛ ۲ - امانتداری؛ ۳ - عفت شکم و پاکدامنی؛ ۴ - خوش خلقی.»

بهترین کارها

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) :

«خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلْتَ مَبَادِئَهُ وَ حَسَنْتَ خَوَاتِمَهُ وَ حَمِدْتَ عَوَاقِبَهُ».

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید: «بهترین کارها آن است که ابتدایش آسان و انتهایش نیکو و عاقبتش پسندیده باشد.»

اهمیت شناخت «خیر و شر»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْبَهِيمَةِ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) میفرماید:

«هر کس کار خیر را از کار شرّ نشناسد، همانند چهارپایان است.»

آنچه با آن خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید

۱ - ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم):

"«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَثُرَ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ مَنْ قَالَهَا نَظَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

"«لا حول و لا قوه الا بالله،» گنجی از گنجهای بهشت است؛ هر که آن را بگوید، خداوند به او نظر لطف بنماید، و هر که خداوند به او نظر لطف کند، خیر دنیا و آخرت را به او میبخشد.»

۲ - شکیبایی و شکرگزاری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): «خِصْلَتَانِ مَنْ رَزَقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: مَنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«دو خصلت است که به هر که داده شده باشد، خیر دنیا و آخرت را به او داده‌اند: ۱ - کسی که چون مبتلا [به مصیبتی] شود، صبر کند؛ ۲ - کسی که چون به او عطا شود، سپاسگزار باشد.»

۳ - حسن خلق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): «إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ يَخَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«همانا خوش‌خلقی، خیر دنیا و آخرت را به همراه خود دارد.»

۴ - قرائت سوره «طور»

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الطُّورِ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

امام جعفر صادق (عليه السلام) میفرماید: «هر کس سوره "طور" را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد.»

بدترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (عليه السلام)

- «شَرُّ الْأَفْعَالِ مَا جَلَبَ الْأَثَامَ» ؛

«بدترین کردارها آن است که گناهان را جلب نماید.»

- «شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا أَكْسَبَ الْمَذَامَ» ؛ «بدترین مالها، مالی است که مذمت

و نکوهش (برای صاحبش) بار آورد.»

- «شَرُّ الْأَفْعَالِ مَا هَدَمَ الصَّنِيعَةَ» ؛

«بدترین کردارها آن است که نیکی را از بین ببرد.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ» ؛

«بدترین مردم کسی است که به مردم ستم روا دارد.»

- «شَرُّ مَالٍ لَمْ يُنْفَقْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْهُ وَلَمْ تُؤَدَّ زَكَاتُهُ» ؛ «بدترین اموال،

مالی است که در راه خدا انفاق نگردد و زکاتش داده نشود.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَلَا يُقِيلُ الذَّنْبَ» ؛

«بدترین مردم کسی است که پوزش را نمیپذیرد و از گناه نمیگذرد.»

- «شَرُّ مَنْ صَاحَبَتِ الْجَاهِلُ» ؛

«بدترین مصاحب و همراه، شخص نادان است.»

- «شَرُّ الْعَمَلِ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ مَعَادُكَ» ؛

«بدترین اعمال آن است که آخرت را با آن از بین ببری.»

- «شَرُّ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ تَتَكَلَّفُ لَهُ» ؛

«بدترین دوستان تو کسی است که برای او به زحمت و سختی بيفتی.»

- «شَرُّ الْعِلْمِ عِلْمٌ لَا يُعْمَلُ بِهِ» ؛

«بدترین علم، علمی است که به آن عمل نشود.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ» ؛ «بدترین مردم

کسی است که اعتقاد به امانتداری ندارد و از خیانتکاری نمیپرهیزد.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعًا لِعُيُوبِ النَّاسِ عَمِيًّا عَنْ مَعَايِهِ» ؛ «بدترین

مردم کسی است که عیوب مردم را دنبال کند و عیوب خود را نبیند.»

- «شَرُّ الْقُلُوبِ الشَّاكُّ فِي إِيْمَانِهِ» ؛ «بدترین دلها آن است که در ایمانش

دچار شک گردد.»

- «شَرُّ الْمُحْسِنِينَ الْمُتَمَنُّ بِإِحْسَانِهِ» ؛ «بدترین نیکوکاران کسی است که با

نیکی خود بر مردم منت گذارد.»

- «شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا» ؛ «بدترین فتنهها، دوستی دنیا است.»

- «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَافَى عَلَى الْجَمِيلِ بِالْقَبِيحِ وَخَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَافَى عَلَى الْقَبِيحِ بِالْجَمِيلِ» ؛ «بدترین مردم کسی است که نیکی را به بدی پاداش دهد،

و بهترین مردم کسی است که بدی را با نیکی پاسخ گوید.»

- «شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبَرُ» ؛ «بدترین آفتهای عقل، بزرگینی است.»

بهترین چیزها در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

- «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ» ؛ «بهترین علم آن است که نفعی ببخشد.»

- «خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْإِثَارُ» ؛ «بهترین نیکیها، ایثار است.»

- «خَيْرُ الْأَخْتِيَارِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ» ؛

«بهترین برگزیدنها، همنشینی با نیکان است.»

- «خَيْرُ الْبِرِّ مَا وَصَلَ إِلَى الْأَحْرَارِ» ؛

«بهترین نیکیها آن است که به آزاد مردان برسد.»

- «خَيْرُ الشَّنَاءِ مَا جَرَى عَلَى أَلْسِنَةِ الْأَبْرَارِ» ؛

«بهترین ستایشها آن است که بر زبان نیکان جاری گردد.»

- «خَيْرُ أَمْوَالِكَ مَا وَقَى عِرْضَكَ» ؛

«بهترین اموال تو آن است که آبرویت را نگهدارد.»

- «خَيْرُ الْعُلُومِ مَا أَصْلَحَكَ» ؛

«بهترین علمها آن است که تو را اصلاح کند.»

- «خَيْرُ الضُّحُكِ التَّسْتُمُّ» ؛ «بهترین خنده، تبسم است.»

- «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا قَارَنَهُ الْعَمَلُ» ؛

«بهترین علم آن است که همراه با عمل باشد.»

- «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمَلُّ وَلَا يَقِلُّ» ؛ «بهترین سخن، سخنی است که

شنونده را خسته نسازد و از گوینده نکاهد.»

- «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا أَدَّى إِلَى الْخُلَاصِ» ؛ «بهترین امور، اموری است که

انسان را به سوی رهایی کشاند.»

- «خَيْرُ الْبِرِّ مَا وَصَلَ إِلَى الْمُحْتَاجِ» ؛

«بهترین نیکیها (صدقهها) آن است که به نیازمند برسد.»

- «خَيْرُ الصَّدَقَةِ أَخْفَاهَا» ؛ «بهترین صدقه، صدقه دادن پنهانی است.»

- «خَيْرُ النَّفُوسِ أَرْكَاهَا» ؛ «بهترین جانها، پاکترین آنهاست.»

- «خَيْرُ الْأَخْتِيَارِ مُوَادَّةُ الْأَخْيَارِ» ؛

«بهترین برگزیدنها، دوستی با نیکان است.»

- «خَيْرُ الْأَخْوَانِ مَنْ لَا يُحَوِّجُ إِخْوَانَهُ إِلَى سِوَاءِ» ؛ «بهترین برادران

«دوستان)، کسی است که برادرانش را نیازمند دیگران نگرداند.»
 - «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ» ؛
 «بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.»
 - «خَيْرُ الْعِبَادِ مَنْ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبَشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ» ؛
 «بهترین بندگان خدا کسی است که اگر خوبی کند شادمان باشد، و اگر بدی کند از خدا طلب آمرزش نماید.»
 - «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْإِبْنَاءُ الْأَدَبُ» ؛
 «بهترین ارثی که پدران به پسران می‌دهند، ادب است.»
 - «خَيْرُ الْعَطَاءِ مَا كَانَ عَنْ غَيْرِ طَلَبٍ» ؛
 «بهترین بخشش آن است که بدون درخواست باشد.»
 - «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي يُسْرِهِ سَخِيحًا شُكُورًا» ؛ «بهترین مردم کسی است که در هنگام آسایش، بخشنده و سپاسگزار باشد.»
 - «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي عُسْرِهِ مُؤْتِرًا صَبُورًا» ؛
 «بهترین مردم کسی است که هنگام دشواری، ایثارگر و صابر باشد.»
 - «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا عَرِيَ عَنِ الطَّمَعِ» ؛
 «بهترین کارها آن است که از طمع خالی باشد.»
 - «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلَتْ مَبَادِيهَ وَحَسَّنَتْ خَوَاتِمَهُ وَحَمَدَتْ عَوَاقِبَهُ» ؛
 «بهترین کارها آن است که ابتدایش آسان و انتهایش نیکو و عاقبتش پسندیده باشد.»

. همان، ح ۹۱۴۲.

. همان، ح ۷۸۵۴.

. کافی، ج ۴، ص ۹، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۱۷۴، ح ۲.

. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۰۰، ح ۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۸، ح ۶۸، ح ۲۱۵۶۸؛ امالی طوسی، ص ۲۱۶، مجلس ثامن.

. نهج البلاغه، حکمت ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۴۰، ح ۵.

. غرر الحکم، ح ۴۲۸۲.

. همان، ح ۱۸۵۹.

. تحف العقول، ص ۹۹؛ کافی، ج ۸، ص ۲۴، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۹۰؛ أمالی صدوق، ص ۳۲۰؛ مجلس ۵۲، ح ۸.

. فردوس دیلمی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۷۲۸۵.

. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۴۷.

. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۴، ح ۲۳؛ خصال، ج ۱، ص ۴۲، ح ۳۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۵، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۴، ح ۱۵۹۳۳.

. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۶، ح ۷۸۸۶؛ ثواب الأعمال، ص ۱۴۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۴.

. غرر الحکم، ح ۳۰۰۴.

- . همان، ح ۸۳۵۲.
- . همان، ح ۸۸۶۳.
- . همان، ح ۱۰۳۹۳.
- . همان، ح ۸۳۵۴.
- . همان، ح ۱۰۲۴۶.
- . همان، ح ۹۸۶۶.
- . همان، ح ۳۰۰۵.
- . همان، ح ۹۵۸۱.
- . همان، ح ۱۶۹.
- . غرر الحکم، ح ۱۰۵۲۸.
- . همان، ح ۹۶۵۳.
- . همان، ح ۹۱۲.
- . همان، ح ۸۹۲۹.
- . همان، ح ۲۴۵۳.
- . همان، ح ۱۱۰۵۰.
- . همان، ح ۸۴۹.
- . غرر الحکم، ح ۱۸۱.
- . همان، ح ۸۴۷۰.
- . همان، ح ۹۷۷۹.
- . همان، ح ۸۸۹۴.
- . همان، ح ۷۵۳۰.
- . همان، ح ۵۳۹۰.
- . همان، ح ۱۸۲.
- . همان، ح ۴۴۶۳.
- . همان، ح ۱۸۳.
- . همان، ح ۴۰۵۳.
- . همان، ح ۲۹۳۳.
- . غرر الحکم، ح ۸۸۹۵.
- . همان، ح ۹۱۴۵.
- . همان، ح ۴۸۴۴.
- . همان، ح ۹۷۸۰.
- . همان، ح ۹۵۲۹.
- . همان، ح ۱۰۳۵۲.

. همان، ح ۸۷۰۲.

. همان، ح ۹۳۴۷.

. همان، ح ۸۵۰۸.

. همان، ح ۸۴۷۱.

. غرر الحکم، ح ۸۸۹۹.

فصل سیزدهم

اشاره

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

«[و به خاطر آوردید] هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد، خداوند به او فرمود: "من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!"

امام کیست ؟

امام به کسی گفته میشود که پیشوای گروهی باشد و سرپرستی و رهبری آنان را بر عهده بگیرد و آن گروه به افعال و گفتار و سیره او عمل و اقتدا کنند.

در تعریف «امام» آمده است: «امام کسی است که از سخن و کارهایش پیروی نمایند، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن.»

امامت چیست ؟

امامت عهد و پیمانی از جانب خداوند و منصبی الهی است که مردم هیچگونه دخالتی در آن ندارند. امامت، ریاست عمومی و کاملی در تمام امور دین و دنیا است. علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در آثار خویش به مفهوم و معنای امامت اشاره کرده‌اند، که بعضی از تعریفها مطابق عقیده اهل تسنن است، اما از جامعترین تعاریف در مورد امامت میتوان به عبارت زیر اشاره کرد :

«هِيَ مَنْصَبُ إِلَهِي حَائِزٌ لِجَمِيعِ الشُّنُونِ الْكَرِيمَةِ وَالْفَضَائِلِ إِلَّا الثُّبُوءَ وَ مَا يُلَازِمُ تِلْكَ الْمَرْتَبَةَ السَّامِيَةَ.»

«امامت یک منصب الهی است که تمام شئون والا و فضائل را جز نبوت و آنچه لازمه آن مرتبه عظیمه است در بردارد.»

چرا به امام معصوم احتیاج داریم؟

دلایل زیادی برای نیاز جامعه به امام معصوم بیان شده است. برخی از دلایل را میتوان به صورت زیر شماره کرد :

۱- تقویت شناخت عقلی به وسیله بیان نقلی؛ به این ترتیب که انسان با نیروی عقل بسیاری از حقایق را چه در اصول و چه در فروع دین درک میکند، ولی گاه در اعماق دلش وسوسههایی وجود دارد و همین تزلزل مانع از اعتماد بر آن و انجام آن میگردد، اما هنگامی که این احکام عقلی با بیان پیشوایان معصوم الهی تأیید و تقویت شود، هر گونه ابهام و تزلزل زدوده خواهد شد و انسان با قوت قلب به سراغ انجام آن میرود.

۲- گاه انسان از انجام کارهایی بیم دارد؛ چرا که میترسد عمل او برخلاف رضای خدا و موجب تصرف در قلمرو و حاکمیت الهی باشد؛ بیان پیشوایان الهی این بیم و ترس را زایل میکند.

- ۳- تمام اعمال انسان در محدوده «حُسن و قبح عقلی» جمع نمی‌شوند، و چه بسیارند اموری که عقل انسان حُسن و قبح آن را درک نمی‌کند؛ در اینجا باید دست به دامان پیشوایان الهی شد و خوبی و بدی آنها را با راهنمایی آنان درک نمود.
- ۴- بعضی از اشیاء، مفید و بعضی زیانبخشند، و انسان تنها با فکر خود و بدون راهنمایی پیشوایان الهی قادر به درک سود و زیان همه آنها نیست؛ اینجا است که به آنان احساس نیاز پیدا می‌کند.
- ۵- انسان یک موجود اجتماعی است؛ یعنی بدون همکاری و تعاون با دیگران قادر به حل مشکلات زندگی خود نیست. این نکته نیز مسلم است که اجتماع بدون داشتن قوانینی که حقوق همه افراد را حفظ کند و آنها را در مسیر صحیح پیش ببرد، سامان نخواهد یافت و به کمال مطلوب نخواهد رسید. تشخیص این قوانین به طور صحیح و سپس اجرای آنها جز به وسیله رهبران آگاه و پاک و معصوم الهی صورت نخواهد گرفت.
- ۶- انسانها در درک کمالات و تحصیل علوم و معارف و کسب فضایل متفاوتند؛ بعضی توانایی حرکت در این مسیر را دارند و بعضی عاجز و ناتوانند؛ رهبران الهی گروه اول را تقویت می‌کنند و گروه دوم را مدد می‌دهند تا هر دو گروه به کمال ممکن برسند.
- ۷- نوع انسان برای سامان دادن به زندگی خود نیازمند وسایل، صنایع و علوم است؛ رهبران الهی می‌توانند بنیانگذار و محرک انسانها در وصول به این هدف گردند.
- ۸- مراتب اخلاق در انسانها متفاوت است و برای پرورش این فضایل تنها راه، رهبران پاک و معصوم الهی هستند.
- ۹- پیشوایان الهی از ثواب و عقاب و پاداش و کیفر الهی در برابر طاعت و گناه آگاهی کامل دارند و هنگامی که دیگران را از این امور آگاه کنند، انگیزه نیرومندی برای انجام وظایف در آنان پیدا می‌شود.
- خداوند متعال امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و فرزندان بزرگوارش را جانشین خود در زمین قرار داده است و امامت که امری الهی است و به ظالمان نمی‌رسد را در نسل آن حضرت قرار داده است. اگر چه ادله امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بسیار زیاد است و نمیتوان همه آنها را در این مختصر جمع‌آوری کرد، ولی در این بخش، به چهارده حدیث معتبر در مورد امامت و ولایت و فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره می‌کنیم.

. همان، ح ۶۶۹۰.

. همان، ح ۱۸۵۹.

. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

. ر.ک: مفردات قرآن، ص ۸۷.

. احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۰۰، پ ۱.

چهارده حدیث معتبر در بیان امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

احدیث «ثقلین»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَضَمَّ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ» فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ عِتْرَتُكَ؟» قَالَ: «عَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ: إِلَى يَوْمِ»

الْقِيَامَةُ»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت میکند که فرمود :

«من در میان شما دو چیز گرانبها به جای میگذارم؛ قرآن و عترتم که اهل بیت من هستند، و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا اینکه بر من در کنار حوض کوثر، وارد گردند، مانند این دو و دو انگشت سبّابه را بهم چسبانید -». آنگاه جابر بن عبدالله انصاری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! عترت تو چه کسانیاند؟ حضرت فرمود: «علی، حسن، حسین و امامان از نسل حسین : تا روز قیامت.»

حدیث ثقلین از احادیث متواتر و مُسلّم بین خاصّه و عامّه است و به عبارتهای مختلف نقل شده است. علامه سیّد هاشم بحرانی در غایه المرام، سی و نه حدیث از اهل تسنّن و هشتاد و دو حدیث از شیعه در اینباره نقل کرده است.

. پیام قرآن، ج ۹، ص ۳۵-۳۶.

. بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۱۴۷، ح ۱۱۱.

معنای لغوی «ثقلین»

در تاج العروس، ذیل ماده «ثقل» چنین آمده است :

«الثَّقَلُ مَثَرَةٌ: مَتَاعُ الْمُسَافِرِ وَ حَشْمِهِ وَ الْجَمْعُ أَثْقَالٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَطِيرٍ نَفِيسٍ مَصُونٌ لَهُ قَدْرٌ وَ وَزْنٌ ثَقُلَ عِنْدَ الْعَرَبِ.»

ثَقُلَ با فتحه قاف، به معنی متاع مسافر و خدمتکاران اوست و جمع آن «اثقال» است، و هر چیزی که دارای اهمیّت و نفاست است و باید محفوظ و مصون بماند و دارای وزن و ارزش است، عرب آن را ثقل گوید.

در نهاییه ابن اثیر نیز در اینباره چنین آمده است :

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کتاب و عترت "را دو ثقل نامید به علّت آن که گرفتن آن دو سنگین است و به هر چیز خطیر [نفیس] ثَقُلَ گفته میشود و به جهت بزرگداشت میزان قدر آنها و اهمیّت و مقام بلند و رفیع آنها، پیغمبر آن دو را ثَقُلَ نامید.»

اهمیت حدیث ثقلین و تکرار آن

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در موارد گوناگون مردم را به پیروی از کتاب و عترت امر میفرمودند، از جمله :

۱. هنگام برگشت از طائف؛

۲. در حجّه الوداع (عرفات)؛

۳. در روز غدیر خم؛

۴. هنگام وفات.

این تأکید و تکرار، بیانگر عظمت کتاب و عترت و اهمیّت پیروی از آنهاست.

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي وَ سَيِّمَاهُمَا ثَقَلَيْنِ لِأَنَّ الْاِخْذَ بِهِمَا ثَقِيلٌ وَ يُقَالُ لِكُلِّ خَطِيرٍ [نفیس] ثَقُلَ فَسَيِّمَاهُمَا ثَقَلَيْنِ عَظَمًا لِقَدَرِهِمَا وَ تَفْخِيمًا لِشَأْنِهِمَا.» النهایه، ج ۱، ص ۲۱۶، ماده ثقل.

. الصّواعق المحرقة، ص ۶۴.

. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۸؛ نوادر الأصول، ص ۶۸؛ معجم الکبیر، ج ۳، ص ۶۳، برقم ۲۶۷۹.
 . مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۷؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۳۱۰؛ سنن الکبری، ج ۲، ص ۱۴۸؛ تاریخ (ابن کثیر)، ج ۵، ص ۲۰۹.
 . الصّواعق المحرقة، ص ۸۹.

عظمت امامان معصوم : در حدیث ثقلین

۱ - اهل بیت : افضل و اشرف از تمام مردم

در این حدیث شریف، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، کتاب خدا و عترت خود را قرین و عدیل یکدیگر قرار داده و فرموده که این دو چیز سنگین و گرانقدر تا روز قیامت از همدیگر جدا نمیشوند و هر که به این دو متمسک شود از ضلالت و گمراهی نجات میابد. روشن است که اگر در میان امت پیغمبر، فردی افضل از اهل بیت میبود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به متمسک به اهل بیت امر نمیفرمود. حال که آن حضرت تنها به متمسک به همین دو چیز امر فرموده، میرساند که این دو از همه چیز افضلند و اهل بیت : نیز بر تمام ابنای بشر اشرافیت و افضلیت دارند.

۲ - اهل بیت : معصوم از هر خطا و لغزش اند

از این عبارت که: «عترت از قرآن جدا نمیشود و متمسک به آنها امان از گمراهی است»، استفاده میشود که عترت باید معصوم باشند؛ برای آن که اگر معصوم نباشند، متمسک به آنان موجب نجات از گمراهی نخواهد بود. از دیگر سو، اگر آنان معصوم نباشند از قرآن نیز جدا خواهند شد. پس اهل بیت باید معصوم بوده باشند که هیچ وقت از قرآن جدا نشوند. همچنین باید معصوم باشند تا متمسک به آنان موجب رهایی از ضلالت باشد.

۳ - اهل بیت : آگاه به تمام علوم قرآن

از این حدیث استفاده میشود که عترت باید به تمام علوم قرآن عالم باشند؛ برای این که اگر بعضی از مسایل و علوم قرآن را ندانند، در آنچه نمیدانند از قرآن جدا میشوند؛ چون جاهل از آنچه نمیدانند جداست و در این فرض که بعضی را ندانند، متمسک به آنان مصونیت از ضلالت نمیآورد.

۴ - اهل بیت : خلیفه خدا و رسول اویند

این نکته از آن آشکار میشود که در بعضی از روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به جای «دو چیز سنگین» فرمودند: «من "دو خلیفه" را در میان شما میگذارم: کتاب خدا و عترت پاکیزهام...»

۵ - هدایت و سعادت فقط منحصر در متمسک به ثقلین

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «مادامی که به آن دو متمسک شوید، هرگز گمراه نخواهید شد.» از این کلام نورانی استفاده میشود که راه هدایت منحصر در این دو چیز گرانقدر است و هیچ چیز دیگری نمیتواند جایگزین آنها شود.

۲ حدیث «منزلت»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) :
«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.»
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بارها خطاب به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :
«مقام و منزلت تو نسبت به من همانند هارون به موسی است، جز این که بعد از من پیغمبری نخواهد بود.»
حدیث منزلت از جمله احادیثی است که با سندهای معتبر بسیار زیادی از شیعه و سنی ذکر شده و بسیاری از بزرگان اهل تسنن اتفاق بر صحیح بودن این حدیث دارند. از جمله، ابن عبدالبر مینویسد: «وَرَوَى قَوْلَهُ (صلی الله علیه و آله و سلم) : أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ وَهُوَ أَثْبَتُ الْأَثَارِ وَأَصَحُّهَا وَطُرُقُ حَدِيثِ سَعْدٍ فِيهِ كَثِيرَةٌ جِدًّا.»
«جماعتی از صحابه حدیث منزلت را نقل کرده‌اند و آن از ثابتترین و صحیحترین آثار رسیده از پیامبر اسلام است و راههای حدیث "سعد" درباره این حدیث جدآ بسیار زیاد است.»
حاکم حَسْكَانی میگوید: «استاد ما، ابوحازم حافظ، درباره حدیث منزلت میگوید: من آن را با پنج هزار سند نقل کرده‌ام.»
و همچنین علامه سید هاشم بحرانی در غایة المرام، با یکصد طریق از اهل تسنن و هفتاد طریق از شیعه حدیث منزلت را نقل میکند.
این حدیث بیانگر آن است که هر مقامی را که هارون نسبت به حضرت موسی (علیه السلام) داشته به استثنای مقام نبوت برای علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ثابت است.

مقام و منزلت هارون نسبت به موسی (علیه السلام) در قرآن

خداوند متعال میفرماید :
(وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي)
«و قرار بده برای من وزیری از خاندان خودم. هارون برادرم را وزیرم قرار بده و به وسیله او پشتم را محکم کن و او را در کار من شریک کن.»

و در سوره اعراف، آیه ۱۴۲ میفرماید :

(وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ) .

«و گفت موسی به برادرش که جانشین من در قومم باش و امور و کارهایشان را اصلاح کن و از مفسدین پیروی مکن.»
خداوند متعال در این آیات، پنج منزلت را برای هارون بیان فرموده است و طبق حدیث منزلت، چون منزلت علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همانند منزلت هارون نسبت به موسی (علیه السلام) است، این پنج مقام نیز برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ثابت است. پنج منزلت هارون، بر اساس آیات قرآن عبارتند از :

۱- وزیر بودن : همانطور که هارون وصی و وزیر حضرت موسی (علیه السلام) بود، طبق حدیث منزلت، مقام وزارت برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز ثابت میشود.

- ۲- اخوت و برادری: همانطور که خداوند مقام اخوت را برای هارون نسبت به موسی (علیه السلام) بیان میفرماید، این مقام برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز طبق حدیث منزلت ثابت میشود.
- ۳- شرکت در امر: همچنان که هارون شریک امور حضرت موسی (علیه السلام) بود، این مقام به مقتضای حدیث منزلت برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز ثابت است.
- ۴- شدت آزر: همچنان که موسی (علیه السلام) از خدا خواست که پشت او را به هارون محکم کند، مقام پشتیبانی کردن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به مقتضای حدیث منزلت ثابت میشود.
- ۵- خلافت: همانطور که هارون خلیفه حضرت موسی (علیه السلام) بود، به مقتضای این حدیث، خلافت بلافصل آن حضرت نیز ثابت میشود.

- . احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۳۲، به نقل از: السیره (ابن هشام)، ج ۲، ص ۵۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۵۶؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۹؛ حلیه الأولیاء، ج ۷، ص ۱۹۶؛ ذخایر العقبی، ص ۶۳.
- . إستیعاب، قسم ثالث، ص ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.
- . شواهد التّزئیل، ج ۱، ص ۱۹۵.
- . سوره طه، آیات ۳۰-۳۲.

۳ حدیث «غدير»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم):

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ، أَلَلَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر فرمودند:

«هر کس من مولای او هستم، پس علی (علیه السلام) مولای اوست. خدایا! دوست بدار دوستان او را و دشمن بدار دشمنانش را.»

اسناد حدیث غدیر

حدیث غدیر، از احادیث مشهور بین شیعه و سنی است، و بسیاری از محدثان و دانشمندان به صحت حدیث غدیر و متواتر بودن آن تصریح کرده‌اند. اسناد و مدارک حدیث غدیر بیشتر از آن است که در این اندک اوراق گنجانده شود.

ابوالمعالی جوینی (متوفای ۷۷۲ ه. ق) با تعجب بسیار میگوید:

«در بغداد در دست یک صحافی، یک جلد کتاب را دیدم که بر روی آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث "من

کنت مولاه فعلی مولاه"، و بعد از این جلد، مجلد بیست و نهم خواهد بود.»

حافظ عماد الدین ابن کثیر شافعی (متوفای ۷۷۴ ه. ق) میگوید:

«کتابی در دو جلد ضخیم دیدم که محمد بن جریر طبری در آن، [اسناد] حدیث غدیر را جمع‌آوری کرده بود.»

علّامه امینی در کتاب الغدیر، نام یکصد و ده تن از صحابه و هشتاد و چهار تن از تابعین را ذکر میکند که حدیث غدیر را نقل کرده‌اند.

علامه سید هاشم بحرانی در کتاب غایه المرام، هشتاد و نه حدیث از اهل تسنن و چهل و سه حدیث از شیعه در این مورد نقل کرده است

- . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۵؛ احتجاج، ج ۱، ص ۶۰؛ إقبال الأعمال، ص ۴۵۶؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۶۹؛ مراجعات، ص ۳۶۴.
 . بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳۵.
 . همان، ج ۳۷، ص ۲۳۶.
 . الغدير، ج ۱، ص ۱۶۵.

تصریح به تواتر حدیث غدیر

عده زیادی از دانشمندان شیعه و سنی به متواتر بودن حدیث «غدیر» تصریح کرده‌اند. از جمله، حافظ شهاب الدین ابوالفیض میگوید:

«حدیث "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ"، به تواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از طریق شصت نفر رسیده است و اگر بخواهیم سندهای همه آنها را بیاوریم جدآ به طول خواهد انجامید، ولی به ناقلین آن، به جهت تتمیم فایده اشاره خواهیم کرد، و هر کس که اراده نموده تا بر طُرُق و سندهای آن مطلع شود، به کتاب "المتواتر" ما مراجعه کند.»

حافظ شهاب الدین میگوید: «حدیث غدیر، حدیثی متواتر است و اگر میخواستیم سندهای آن را نقل کنیم، سخن به درازا میکشید.»

تصریح به صحت حدیث غدیر

عده بسیاری از علمای عامه (سنی) به صحت حدیث «غدیر» تصریح کرده‌اند. از جمله، ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۴ ه. ق.) میگوید:

«حدیث غدیر، حدیث صحیحی است و هیچگونه شکی در آن نیست و گروهی همچون "ترمذی و نسائی و احمد بن حنبل" آن را نقل کرده‌اند و طرق روایات آن بسیار فراوان است.»

ضیاء الدین مُقبلی (متوفای ۱۱۰۸ ه. ق.) میگوید:

«اگر حدیث غدیر را معلوم و مسلم ندانیم، هیچ واقعه‌ای در دین اسلام قابل اثبات نیست.»

بسیاری از دانشمندان اهل تسنن این حدیث را نقل کرده و آن را از احادیث متواتر و صحیح السند میدانند، ولی گروهی برای رهایی از توابع و لوازم سخن نورانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر این مطلب اصرار میکنند که «مولی» در حدیث غدیر، به معنی سرپرست و امام نیست؛ با این که قرائن متعددی برای اهل دقت وجود دارد که نشان میدهد که «مولی» به معنای امام و اولی به تصرف است که ما در فصل «فضایل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه غدیر» به بعضی از آنها اشاره کردیم

معنای حدیث غدیر در روایات معصومین

ابواسحاق میگوید: به امام سجّاد (علیه السلام) عرض کردم: «مقصود از "مولا" در فرمایش پیامبر اکرم "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ"، چیست؟» حضرت فرمود:

«به مردم اعلام کرد که علی (علیه السلام) بعد از او، صاحب منصب امامت و رهبری است.»

۴ حدیث «مدینه العلم»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) بِأُيُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»
 پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «من شهر علم هستم و علی (علیه السلام) درب آن است؛ پس هر که خواهان علم است باید از درب آن وارد شود»
 این حدیث در بسیاری از منابع حدیثی شیعه و سنی ذکر شده و بسیاری از علمای خاصه و عامه به صحت آن اشاره کرده‌اند.
 علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، حدیث «مدینه العلم» را با شانزده طریق از اهل تسنن و شش طریق از شیعه نقل می‌کند.

. امامشناسی (رضوانی)، ج ۲، ص ۹۰، به نقل از: تشنیف الآذان، ص ۷۷.
 . الغدير، ج ۱، ص ۵۶۷، به نقل از: تشنیف الآذان، ص ۷۷.
 . صواعق المحرقة، ص ۴۲.
 . هداية العقول الى غايه السؤل، ج ۲، ص ۳۰.
 . ر.ك: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۸۲، ح ۶۹؛ کفایه الطالب، ص ۹۹.

اعلمیت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از همه مردم

سعید بن مُسَيَّب میگوید: عُمَر همیشه به خدا پناه میبرد از این که مشکلی علمی برای او پدید آید و امام علی (علیه السلام) در آن هنگام حاضر نباشد. به همین جهت همیشه می‌گفت: «اگر علی نبود، عُمَر هلاک شده بود»
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «عَلِيٌّ (عليه السلام) أَعْلَمُ الْأُمَمِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «علی (علیه السلام) از همه افراد امت به آنچه خدا فرو فرستاده داناتر است»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) باب علم رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :
 «مَا عَلِمْتُ شَيْئًا إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا (عليه السلام) فَهُوَ بَابُ مَدِينَةِ عِلْمِي»
 رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :
 «من به هیچ چیز علم ندارم مگر این که آن را به علی (علیه السلام) آموختم؛ از این جهت علی (علیه السلام) دروازه علم من است»

پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) هزار باب علم را به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آموخت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ :

«عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلِيًّا (عليه السلام) حَرْفًا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ، كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ».

امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمود :

«رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) حرفی به علی (عليه السلام) آموخت که هزار حرف از آن گشوده میشد، و هر حرفی به هزار حرف دیگر راه داشت.»

امیر مؤمنان علی (عليه السلام) دروازه شهر فقهاست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«أَنَا مَدِينَةُ الْفَقْهِ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :

«من شهر فقههم و علی (عليه السلام) دروازه آن است، هر که خواهان علم است باید از درب آن وارد شود.»

امیر مؤمنان علی (عليه السلام) دروازه شهر حکمتاست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ إِلَيَّ بِبَابِهَا».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :

«من شهر حکمتهم و علی (عليه السلام) درب آن است، هر که خواهان ورود به این شهر است باید از دروازه آن وارد شود.»

امیر مؤمنان علی (عليه السلام) راه رسیدن به علوم پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم)

از حدیث «مدینه العلم» استفاده میشود که هر کس میخواهد به علوم پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) راه پیدا کند، باید از راه امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) برسد؛ همانگونه که قرآن نیز میفرماید: (وَأَتُوا الْبَيْتَ مِنَ أَبْوَابِهَا) ؛ «و خانهها را از درهای آن وارد شوید.»

همچنین امیرالمؤمنین (عليه السلام) حافظ و خزانهدار علوم رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) است و تمام علوم الهی که به پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) عطا شده در سینه امیرالمؤمنین (عليه السلام) جمع است. همانگونه که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرموده است :

«هیچ علم و دانشی نیست مگر آن که خداوند آن را در من احصا فرموده. و هر علمی را که من میدانم، آن را در امام مبین، امیرالمؤمنین (عليه السلام) احصا کردم، و هیچ علمی نیست مگر آن که آن را به علی (عليه السلام) آموختم.»

۱. إستیعاب، ج ۳، ص ۳۹.

۲. احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۳۹۹.

۳. احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۱.

۴. إختصاص، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۴۰؛ بصائر الدرجات، ص ۳۰۲، ح ۱.

۱. احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۵؛ تذکره الخواص، ص ۵۲.

۲. احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۴.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۵ حدیث «سفینه»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ، مَثَلُ كَشْتِي نُوحٍ (عليه السلام) است؛ هر که بر آن سوار شود نجات خواهد یافت، و هر کس از آن تَخَلَّف کند غرق شود.»

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يَا عَلِيُّ! مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.»

«ای علی! مَثَل تو در میان اُمّت من، مَثَل کشتی نوح است؛ هر که بر آن سوار شود نجات یابد، و هر که تَخَلَّف ورزد غرق شود.»

علامه میرحامد حسین هندی در عبقات الأنوار، این حدیث را از نود و دو نفر از دانشمندان اهل سنت نقل کرده است. علامه سید هاشم بحرانی نیز در غایه المرام، به یازده طریق از عامّه و هفت طریق از خاصّه این حدیث را روایت کرده است.

تشبیه اهلیت : به کشتی نوح (علیه السلام)

تشبیه اهلیت : به چنان کشتی در چنان شرایطی، بسیار پُر معنی است و حقایق زیادی را میتواند به ما بیاموزد، از جمله :

۱- بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اُمّت اسلامی گرفتار طوفانهای خواهد شد که بسیاری را در میان امواج خود غرق میکند.

۲- برای رهایی از چنگال خطرانی که دین و ایمان و روح و جان مردم را تهدید میکند، تنها یک نقطه امید وجود دارد و آن کشتی نجات اهل بیت : است، که تَخَلَّف و جدایی از آن به یقین مایه هلاکت است.

۳- جدا ماندن از یک وسیله نقلیه در یک بیابان ممکن است همیشه با مرگ همراه نباشد، بلکه انسان را شدیداً به زحمت بیفکند، ولی جدا شدن از کشتی نجات در یک دریای طوفانی اثری جز هلاکت و مرگ ندارد.

۴- شرط قرار گرفتن در کشتی نوح (علیه السلام)، ایمان و عمل صالح بود، و به همین دلیل، نوح به فرزندش پیشنهاد کرد که ایمان بیاورد و از کافران جدا شود و همراه او و یارانش بر کشتی سوار شود: (إِزْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ). بنابر این، شرط نجات این اُمّت از طوفان بلاها و انحرافها ایمان و یقین به موقعیت این کشتی نجات است.

۵- آنچه مایه نجات است، تنها محبت و دوستی اهلیت : نیست که بعضی از دانشمندان اسلامی آن را مطرح کرده‌اند و میگویند همه مسلمین اهلیت : را دوست میدارند و بزرگ می‌شمرند، بنابر این، همه اهل نجاتند.

بلکه سخن از پیروی آنها (در مقابل تَخَلَّف) است که در روایت آمده است، فرزند نوح به پدر محبت داشت ولی از او پیروی نمیکرد و هرگز محبت به او مایه نجاتش نشد (دَقّت کنید).

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۷۴.

۲. احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۷۲.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۶۰؛ خصال، ج ۲، ص ۵۷۳.

۶ حدیث «سَدَّ الْأَبْوَابِ»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «سَدُّوا أَبْوَابَ الْمَسْجِدِ كُلَّهَا إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ (عليه السلام)».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود:

«همه دربهای رو به مسجد به جز درب خانه علی (عليه السلام) را ببندید.»

هنگامی که یاران پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) به مدینه آمدند، خانهای نداشتند که در آنجا بخوابند و شب را سپری کنند، بنابراین شبها در مسجد مانده و در آنجا میخوابیدند. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) به آنان فرمود: «در حالی که محتلم میشوید در مسجد نخوابید.»

سپس اصحاب پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در اطراف مسجد خانههایی ساختند و درهای آن را رو به مسجد قرار دادند. پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) معاذ بن جبل را به سوی آنان فرستاد تا درب خانههایشان را ببندند، به جز حضرت علی بن ابیطالب (عليهما السلام) که پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «ای علی جان! تو در این مسجد بمان که پاک و پاکیزه هستی.»

وقتی این سخن پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) به گوش بعضی اصحاب رسید، گفتند: «ای محمد! ما را از مسجد بیرون میکنی و پسران عبدالمطلب را نگه میداری؟»

پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «به خدا سوگند، کسی جز او به من چنین امری نکرده است و من از جانب خدا مأمور شدم درب خانههای شما را ببندم و درب خانه علی بن ابیطالب (عليهما السلام) را باز گذارم.»

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث «سَدَّ الْأَبْوَابِ» میگوید: «سند این حدیث صحیح است.»

علامه سید هاشم بحرانی در غایة المرام، حدیث سَدَّ الْأَبْوَابِ را به بیست و نه طریق از اهل تسنن و پانزده طریق از شیعه نقل کرده است.

حدیث خُوخه

گروهی از مخالفانِ مکتب حقیقت در مقابل این فضیلتِ امیرمؤمنان علی (عليه السلام)، حدیثی به نام «حدیث خُوخه» جعل نموده‌اند.

بخاری از دانشمندان اهل تسنن نقل میکند که ابن عباس میگوید:

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در دوران بیماری خود که به فوت آن حضرت انجامید، در حالی از خانه بیرون آمد که سر خود را با پارچهای بسته بود. او پس از وارد شدن به مسجد، بر فراز منبر نشست. پس از آنکه خدا را ستود و به او درود فرستاد، فرمود:

«در میان مردم کسی بخشنده‌تر از ابوبکر بن ابیقحافه نیست که جان و مالش را برای من ارزانی داشته باشد، اگر می‌خواستم از میان مردم دوستی برای خود برگزینم، به یقین ابوبکر را برگزیدم (!) ولی برادری و دوستی اسلامی برتر است. هر دریچه خانهای را که به این مسجد باز میشود جز دریچه خانه ابوبکر ببندید.»

ر.ک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۸۴.

احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۴۱، به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۳؛ خصائص نسائی، ص ۱۳؛ حلیه الأولیاء، ج ۴، ص ۱۵۳؛ جامع الأصول، ج ۹، ص ۴۷۵؛ تذکره الخواص، ص ۴۶؛ ریاض‌النضرة، ج ۲، ص ۱۹۲.

احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۴۱ - ۵۸۶.

مستدرک علی الصّحیحین، ج ۳، ص ۱۳۵، ح ۴۶۳۱.

نگاهی به حدیث «سدّ الأبواب»، به نقل از: صحیح بخاری. برای بررسی ضعف اسناد حدیث‌خوخته و جعلی بودن آن به کتاب مذکور مراجعه شود.

۷ حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ»

اشاره

رَوَى عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ أَنَّهَا قَالَتْ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) نَائِمٌ ذَاتَ يَوْمٍ وَرَأْسُهُ فِي حَجَرٍ عَلَيَّ (عليه السلام) فَفَاتَتْهُ الْعَصْرُ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْدُدْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ». قَالَتْ أَسْمَاءُ: فَرَأَيْتُهَا وَاللَّهِ غَرَبَتْ ثُمَّ طَلَعَتْ بَعْدَ مَا غَرَبَتْ وَلَمْ يَبْقَ جَبَلٌ وَلَا أَرْضٌ إِلَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ حَتَّى قَامَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَتَوَضَّأَ وَصَلَّى ثُمَّ غَرَبَتْ.

از آسماء بنت عُمیس نقل شده که گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که سرش را در دامن علی (علیه السلام) نهاده بود به خواب رفت و نماز عصر از علی (علیه السلام) فوت شد، زیرا خورشید غروب کرده بود، پیامبر گفت: «خدایا! علی همواره در اطاعت تو و اطاعت پیامبرت بوده است، خورشید را برای او باز گردان.»

آسماء میگوید: به خدا سوگند، خورشید که غروب کرده بود، دیدم پس از غروب، طلوع کرد و هیچ کوه و سرزمینی نبود مگر این که خورشید بر آن تابید تا آن که علی (علیه السلام) برخاست و وضو گرفت و نماز گزارد، آنگاه دوباره غروب کرد.

شهرت حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» در میان اهل تسنن

از جمله احادیثی که دلالت بر فضیلت و برتری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) میکند، حدیث «رَدُّ الشَّمْسِ» است. شهرت این حدیث به قدری است که بسیاری از دانشمندان اهل سنت آن را نقل کرده و حتی کتاب مستقلی درباره آن تألیف کرده‌اند، از قبیل:

۱ - ردّ الشَّمْسِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)، تألیف: اخطب خوارزم.

۲ - كشف اللبس عن حدیث ردّ الشَّمْسِ، تألیف: جلال الدین سیوطی.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، این حدیث را به هشت طریق از اهل تسنن و هفده طریق از شیعه نقل میکند.

شبه ابن تیمیه درباره حدیث «ردّ الشّمس»

ابن تیمیه میگوید:

«احادیث "ردّ الشّمس"، مشتمل بر شبهاتی است. از آن جمله این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در وقت عصر خوابیده است، در حالی که خواب در این وقت مکروه است. و نیز چگونه ممکن است که نماز علی (علیه السلام) فوت شود؟ در حقیقت، این واقعه از مطاعن او به حساب می‌آید، نه از مناقب او ...»

پاسخ:

اولاً: مطابق برخی از روایات، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نخوابیده است، بلکه حالتی شبه غشوه به جهت نزول وحی بر او دست داده بود.

ثانیاً: مطابق برخی از روایات، حضرت علی (علیه السلام) در آن حال، نماز را ترک نکرد، بلکه با اشاره بهجای آورد و اگر خورشید برگشت به جهت آن بود که نماز حضرت در وقتش نیز خوانده شود و این دلالت بر نهایت کمال او دارد.

ثالثاً: میتوانیم چنین بگوییم که حضرت علی (علیه السلام) از آنجا که میدانسته است خورشید برای او به جهت نماز عصر برمیگردد، لذا نماز خود را به صورت طبیعی به تأخیر انداخته است.

سخن گفتن خورشید با امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

ابوذر غفاری روایت کرده که شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شبی از شبها به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «ای علی! فردا صبح به کوههای بقیع برو و هنگامی که خورشید طلوع کرد بر آن سلام کن؛ زیرا او از طرف خدا مأمور است با تو حرف بزند.» صبح آن روز امیر المؤمنین (علیه السلام) همراه جماعتی از مهاجرین و انصار و ابابکر و عمر به راه افتادند، هنگامی که خورشید طلوع کرد، حضرت فرمود: «سلام بر تو ای مخلوق مطیع خدا!» صدایی از آسمان به گوش رسید که: «و بر تو سلام باد، ای اوّل و آخر و ظاهر و باطن، و ای کسی که بر همه چیز عالم هستی!»

وقتی مهاجر و انصار این سخن خورشید را شنیدند، متعجب شدند. آن گاه امیر المؤمنین (علیه السلام) از کنارشان رفتند و به مسجد برگشتند، و مهاجرین و انصار به دنبال حضرت برگشتند. وقتی نزد رسول خدا رسیدند، عرضه داشتند: «ای پیامبر! شما فرمودید علی (علیه السلام) مانند ما بشر است در حالی که خورشید چیزهایی گفت که فقط خدای تبارک و تعالی آنها را درباره خودش بیان فرموده است.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «از خورشید چه شنیدید؟» گفتند: «شنیدیم به او میگفت: ای اوّل! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «راست گفت؛ زیرا او اوّلین کسی است که به خدا و پیامبری من ایمان آورده است.» پس گفتند: «شنیدیم میگفت: ای آخر! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «راست گفت؛ زیرا او آخرین کسی است که پیش من میماند و مرا کفن و دفن مینماید.» پس گفتند: «شنیدیم میگفت: ای ظاهر! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به ظاهر علم آگاه است.» پس گفتند: «شنیدیم میگفت: ای باطن! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به باطنها آگاه است.» گفتند: «شنیدیم میگفت: ای کسی که به هر چیز عالم هستی!» رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «راست گفت؛ زیرا او به حلال و حرام و مشکلات آگاه است...»

. منهاج السنّة، ج ٤، ص ١٨٩.

۲. ر.ک: امامشناسی (رضوانی)، ج ۲، ص ۴۸۷.

۸ حدیث «طیر مشوی»

اشاره

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: إِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَانَ عِنْدَهُ طَائِرٌ فَقَالَ:

«اللَّهُمَّ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ». فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ فَرَدُّوهُ ثُمَّ جَاءَ عُمَرُ فَرَدُّوهُ ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَأَذَّنَ لَهُ.

انس بن مالک میگوید: مرغ بریان شده‌ای نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، فرمود:

«خدایا! محبوبترین خلق خود را نزد من بفرست تا با من از این مرغ بخورد.» ابوبکر آمد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را

باز گرداند، سپس عمر آمد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را باز گرداند، اما هنگامی که علی (علیه السلام) آمد، پیامبر (صلی

الله عليه و آله و سلم) به او اجازه داد.

برخی از علمای اهل تسنن، حدیث «طیر مَشوی» را از احادیث صحیح السَّند و معتبر میدانند، از جمله :

خطیب خوارزمی حنفی نقل میکند که حدیث طبر مشوی یکصد و بیست سند دارد، و این کثرت سند دلالت بر اهمیت زیاد آن نزد

محدّثین دارد.

و نیز حاکم نیشابوری میگوید: حدیث طبر مشوی صحیح است و لازم بود بخاری و مُسلم آن را در «صحیح» خود نقل میکردند؛ زیرا

رجال آن ثقة و مورد اعتماد هستند و شرط صحت حدیث نزد این دو نفر را دارد.

نکات حدیث

اشاره

از این حدیث شریف، نکات بسیاری استفاده میشود، از قبیل :

۱- امام علی (علیه السلام)، محبوب ترین افراد نزد خداوند

پیامبر از خداوند درخواست نمود که محبوبترین افراد نزد خود را پیش ایشان بفرستد، و خداوند امام علی (علیه السلام) را نزد او

فرستاد. از این حدیث به صراحت استفاده میشود که حضرت علی (علیه السلام) محبوبترین افراد نزد خداوند است

. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۱۳۶، به نقل از: عیون المعجزات.

۱. احقاق الحق، ج ۵، ص ۳۱۸، به نقل از: صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۰؛ خصائص نسائی، ص ۵، مصابیح السنه، ص ۲۰۲؛ مناقب

خوارزمی، ص ۶۷؛ جامع الأصول، ج ۹، ص ۴۷۱.

. مقتل الحسين عليه السلام، ص ٧٩.

. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲ - برتری امام علی (علیه السلام) بر سایر صحابه

هر کس که محبوبترین افراد نزد خداوند باشد، افضل افراد است. به این نکته در کلام قسطلانی (المذاهب اللدنیّه، ج ۷، ص ۴۲) و قاضی سبکی (طبقات الشافعیّه، ج ۲، ص ۱۸۷) و ابوحامد غزالی (احیاء العلوم، ج ۴، ص ۳۲۷) و قاضی عیاض (الشفاء، ج ۳، ص ۳۷۲) و نووی (المنهاج فی شرح صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۵۱) و فخر رازی (التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۸) اشاره شده است. برخی از علمای اهل سنت نیز به دلالت «حدیث طیر» بر افضلیت امام علی (علیه السلام) بر سایر صحابه اشاره کرده‌اند، از قبیل:

الف) علمای عصر مأمون (در: عقد الفرید، ج ۵، صص ۳۵۴ - ۳۵۸).

ب) حاکم نیشابوری (در: تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۱۰۳۹).

ج) فخر رازی (در: نهایت العقول).

د) محمد بن طلحه (در: مطالب السؤل، باب اول، فصل پنجم، ج ۱، صص ۴۲ و ۴۳).

ه) حافظ گنجی (در: کفایه الطالب، ص ۱۵۱).

۳ - امامت حضرت علی (علیه السلام)

ابن تیمیّه و دیگران میگویند: «هر کس افضل امت است او سزاوارتر به امامت و خلافت است». بنابر این، با اثبات افضلیت حضرت امیر (علیه السلام) بر صحابه به وسیله «حدیث طیر»، امامت و خلافت او نیز به اثبات میرسد.

۴ - امام علی (علیه السلام)، برتر از تمام پیامبران

در برخی از طرق حدیث طیر، امام علی (علیه السلام) احب و افضل خلق خداوند از اولین و آخرین معرفی شده است. این گونه تعابیر، دلالت دارد بر این که حضرت امیر (علیه السلام) از انبیای پیشین افضل است، و به دلیل آیه «مباهله»، با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مساوی است.

۹ حدیث «آمان»

اشاره

قالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَرَقِ، وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ إِخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ!»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ستارگان برای اهل زمین مایه امانیت و نجات از غرق شدن در دریا و اهل بیت من مایه امان امت من از اختلافاند، پس هنگامی که قبیله‌ای از عرب با آنها مخالفت کنند، اختلاف در میان امت ظاهر میشود و آنها حزب شیطان خواهند بود.»

محتوای حدیث امان

ابن حجر مکی، از دانشمندان اهل تسنن، در شرح این حدیث میگوید:

«مقصود از این که اهل بیت پیامبر وسیله ایمنی از اختلاف معین شده‌اند، اختلاف در دین است و لذا اگر قبیله‌ای با آنها مخالفت کرده و از غیر آنها دین را اخذ کنند، در احکام دین بینشان اختلاف خواهد افتاد و به سبب مخالفت آنان با اهل بیت جزء حزب ابلیس در خواهند آمد؛ زیرا حق با اهل بیت است و مخالفت با آنها باطل است...»

حدیث امان، به آیاتی از قرآن اشاره دارد که برای ستارگان آسمان فواید بسیار مهمی بیان میکنند، مانند:

آیه شانزده سوره نحل که میفرماید: (وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ)؛ «آنها به وسیله ستارگان هدایت میشوند.»

آیه نود و هفت سوره انعام که میفرماید: (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ)؛ «خداوند ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید!»

و آیات شش تا نه سوره صافات که میفرماید: (إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ * لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ * دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ)؛ «آسمان دنیا را با ستارگان تزیین کردیم تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم. آنها نمیتوانند به [سخنان] فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، و [هرگاه چنین کنند] از هر سو هدف تیرها قرار میگیرند! و آنها به شدت به عقب رانده میشوند و برای آنها مجازاتی دائم است.»

در حدیث «آمان»، اهل بیت: به ستارگان آسمان تشبیه شده‌اند. با استفاده از آیات قرآن، وجه شبه بین ائمه اطهار: و ستارگان آسمان را میتوان اینگونه ترسیم کرد:

اولاً: اهل بیت: همچون ستارگان آسمان، مردم را از ضلالت و گمراهی نجات میبخشند، و رهپویان راه وصال را به سر منزل حقیقت میرسانند؛ همچنان که از مفاد دیگر احادیث در فضیلت اهل بیت: استفاده میشود که تمسک به ولایت اهل بیت: موجب رهایی از ضلالت و گمراهی است و هر که به این ریسمان الهی چنگ بزند، به هدایت حقیقی میرسد.

ثانیاً: همانطور که ستارگان آسمان، شیاطین خبیث را از نفوذ به عالم بالا به عقب میرانند، قلب هر مؤمنی که در معرض نور ولایت و محبت اهل بیت: قرار گیرد نیز از نفوذ شیاطین جن و انس محفوظ میماند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیثی نورانی در مورد تشبیه آل محمد: به ستارگان میفرماید:

«أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا هَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ.»

«آگاه باشید! همانا آل محمد:، همچون ستارگان آسمانند، هنگامی که یکی از آنها غروب کند، ستاره دیگری طلوع میکند.»

. مناقب ابن مغازلی، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

. ر.ک: امامشناسی (رضوانی)، ج ۲، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

. احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۹۴، به نقل از: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹؛ احیاء المیت، ص ۱۱۴؛ تلخیص المستدرک، ج ۳، ص

۱۴۵؛ منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۹۳؛ صواعق المحرقة، ص ۲۳۳.

. صواعق المحرقة، ص ۱۵۰، باب ۱۱.

معرفت اهل بیت: امان از عذاب الهی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«مَعْرِفَةُ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَحُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) جَوَازٌ عَلَى الصُّرَاطِ، وَ

الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«معرفت و شناخت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برائت از آتش، و دوست داشتن آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) جواز عبور از پل صراط، و ولایت و پیروی از آل محمد : امان از عذاب است.»

۱۰ حدیث «رایت»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) :

«لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارٌ غَيْرُ فَرَارٍ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ» فَأَعْطَاهَا عَلِيًّا (عليه السلام) فَفُتِحَ عَلَى يَدَيْهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ خیبر فرمودند :

«فردا پرچم اسلام را به دست مردی میدهم که خدا و رسولش را دوست میدارد و خدا و رسولش نیز او را دوست میدارند، [در جنگ] بسیار حمله‌کننده و غیر فرار است، برنمیگردد تا این که خداوند با دست او [قلعه خیبر] را فتح کند.» سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم را به حضرت علی (علیه السلام) داد و خداوند آن قلعه را با دست آن حضرت گشود.

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام به سی و پنج طریق از اهل تسنن و به سه طریق از شیعه، «حدیث رایت» را نقل کرده است.

. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۱۴.

. احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۹۴، به نقل از: فرائد السمطين (مخطوط)، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ج ۲، ص ۴۱؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۰۵؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۳؛ شرح دیوانامیرالمؤمنین، ص ۱۹۱؛ ینایع المودة، ص ۲۶۳. طرائف، ج ۱، ص ۵۸، ح ۵۴.

غزوه «خیبر»

غزوه «خیبر» در اول سال هفتم هجری اتفاق افتاد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مردمان خیبر را بیش از ۲۰ روز در محاصره داشت.

در خیبر حدود چهارده هزار یهودی اقامت داشتند و قلعه‌های محکم را برای خود تهیه دیده بودند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام محاصره، قلعه‌های آنها را یکی پس از دیگری میگرفت، و سخت‌ترین آنها «قموص» بود که اهمیتی فوق العاده‌ای داشت.

در یکی از روزها ابوبکر پرچم مهاجرین را در دست گرفت، و مدتی با یهودیان جنگ کرد ولی نتوانست مقاومت کند و از میدان مبارزه فرار کرد. پس از فرار ابوبکر، عمر بن خطاب پرچم را گرفت، وی نیز از دشمن عقب‌نشینی کرد، و مردم را از مقابله با آنان میترسانید؛ مسلمانان هم وی را میترسانیدند.

در این هنگام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از این جریان ناراحت شدند و فرمودند :

«فردا پرچم را به مردی خواهم داد که از میدان مبارزه فرار نمی‌کند، خداوند و رسول، او را دوست دارند، و او نیز خدا و رسول او را دوست دارد. وی هرگز از جنگ فرار نمی‌کند تا آنگاه که خداوند قلعه‌های محکم را به دست او بگشاید.»

پس از این گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، مردم به همدیگر می‌گفتند: مقصود آن حضرت از این مرد، علی بن ابیطالب (علیه السلام) نیست؛ زیرا که وی اکنون به درد چشم گرفتار است و حتی جلو پاهای خود را نمی‌بیند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز هنگامی که فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را شنید، گفت: «خداوند، اگر اراده کنی به کسی نعمتی بدهی، احدی قادر نیست جلوی عطای شما را بگیرد، و اگر بخواهی نعمتی از کسی سلب کنی باز هم احدی نتواند وی را عزیز و ارجمند کند.»

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صبح نمود، اصحاب پیرامونش اجتماع کردند. سید گوید: من در مقابل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) روی پای خود ایستادم و امیدوار بودم که آن جناب مرا به طرف خود بخواند و پرچم را به من بدهد، در این هنگام فرمود:

«علی (علیه السلام) را به طرف من بیاورید.» مردم از هر طرف فریاد زدند: وی به درد چشم گرفتار است و جلوی پای خود را نمی‌بیند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «کسی را بفرستید تا بیاید.» پس از این امیرالمؤمنین در حالی که دستش را گرفته بودند، به محضر پیامبر آمد و سرش را بر آغوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گذاشت. در این وقت پیامبر اسلام آب دهان خود را بر چشمهای او کشید، وی بلافاصله از درد چشم راحت شد. پیامبر پرچم جنگ را به دست او داد، امیرمؤمنان (علیه السلام) بعد از این که پرچم را گرفت، با جوش و خروشی به طرف قلعه‌های یهودیان حمله برد و قلعه‌ها را فتح نمود.

۱۱ حدیث «سَلُونِي»

اشاره

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي قَوْلَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ لَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ فِي لَيْلَةٍ أُنْزِلَتْ أَوْ فِي نَهَارٍ أُنْزِلَتْ مَكِّيَّهَا وَمَدْيَنِيَّهَا وَسَفَرِيَّهَا وَحَضْرِيَّهَا نَاسِخُهَا وَمَنْسُوخُهَا وَمُحْكَمُهَا وَمُتَشَابِهُهَا وَتَأْوِيلُهَا وَتَنْزِيلُهَا لَأَخْبَرْتُكُمْ.»

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«پیش از آن که مرا از دست بدهید از من بپرسید؛ زیرا سوگند به آن خداوندی که دانه را شکافته، و مردم را آفریده است، اگر شما از یکیک آیات قرآن بپرسید که آیا در شب نازل شده یا روز، در مکه نازل شده یا در مدینه، در سفر نازل شده یا در حضر، ناسخ و منسوخ آیات کدام است، محکم و متشابه آن کدام است، تأویل و تنزیل آیات چیست، من شما را از این مسایل خبردار می‌کنم.»

علامه سید هاشم بحرانی در غایه المرام، این حدیث را به هفت طریق از اهل تسنن و هفت طریق از شیعه نقل می‌کند.

ر.ک: زندگانی چهارده معصوم (عطاردی)، ص ۱۴۴.

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۵۳؛ توحید (صدوق)، ص ۳۰۵، باب ۴۳.

اشاره

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در موارد متعددی با بیان جمله «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»، به بعضی از علومی که در نزد آن حضرت موجود است اشاره کرده‌اند، از جمله :

علوم ظاهر یو باطنی امیر مؤمنان (علیه السلام)

اشاره

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در موارد متعددی با بیان جمله «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»، به بعضی از علومی که در نزد آن حضرت موجود است اشاره کرده‌اند، از جمله :

۱ - علم تفسیر و تأویل

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) :
«سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَقَدْ عَرَفْتُ بَلِيلٍ نَزَلَتْ أَمَّ بِنَهَارٍ فِي سَهْلٍ أَمَّ فِي جَبَلٍ».
علی (علیه السلام) فرمود: «از کتاب خدا از من پرسید که هیچ آیه‌ای نیست مگر این که میدانم در شب نازل شده یا در روز، در دشت نازل شده یا در کوه.»

۲ - علم منایا و بلیا و انساب

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، أَلَا تَسْأَلُونَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْمَنِيَا وَالْبَلَايَا وَالْأَنْسَابِ؟»
امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود :
«سؤال کنید پیش از آنکه مرا از دست بدهید، آیا سؤال نمیکنید از کسی که علم مرگ و میرها و بلاها و نسبها نزد اوست؟»

۳ - علم راههای آسمانها و زمینها

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) : «أَيُّهَا النَّاسُ! سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَلَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنْ بَطْرِقِ الْأَرْضِ».
امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود :
«ای مردم! پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من پرسید؛ همانا من به راههای آسمان داناتریم تا به راههای زمین.»

۴ - علم کتابهای آسمانی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) :
«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ إِنِّي لَأَعْلَمُ بِالتَّوْرَةِ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ بِالْإِنْجِيلِ مِنْ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ

بِالْقُرْآنِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود :

«پیش از آن که مرا از دست بدهید از من بپرسید. سوگند به آن خداوندی که دانه را شکافته و مردم را آفریده است، من از اهل تورات به تورات و از اهل انجیل به انجیل و از اهل قرآن به قرآن دانانترم.»

. احقاق الحق، ج ۷، ص ۵۸۵، به نقل از: طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸؛ إستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۳؛ مناقب (خوارزمی)، ص ۵۶؛ ریاض النضره، ج ۲، ص ۱۹۸؛ ذخایر العقبی، ص ۸۳.

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۷، ح ۲۶؛ بصائر الدرجات، ص ۲۶۶، ح ۱.

. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸، ح ۷؛ ینایع المودّه، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۹.

. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۶۴، ح ۱۴۶؛ کتاب سلیم، ص ۹۴۱، ح ۷۸.

کسانی که «سلونی» گفتند و رسوا شدند

با این وجود، در طول تاریخ افرادی خواستند همانند حضرت علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، جمله «سلونی» را بازگو کنند و نشان دهند که به همه علوم آگاه هستند، ولی همگی آنان رسوا شدند، که در این بخش به دو نفر از این مدّعیان اشاره میکنیم :

۱- هنگامی که مقاتل بن سلیمان بر منبر رفت و گفت: «بپرسید از من از هر آنچه زیر عرش است تا طعامهایی که در منزلهایمان پنهان است.» مردی به او گفت: «هنگامی که آدم (علیه السلام) به حجّ رفت چه کسی سر او را تراشید؟» مقاتل گفت: «این حرف از شما نیست و بلکه خدا اراده کرده تا مرا محکوم کند به خاطر عجب و خودپسندی که مرا فراگرفته است.»

۲- قتاده زمانی که وارد مسجد کوفه شد و گفت: «از هر چه میخواهید از من بپرسید.» ابوحنیفه گفت: «از او بپرسید که مورچه [ای که با] حضرت سلیمان (علیه السلام) [تکلم نمود] نر بوده یا ماده؟» قتاده در جواب فرو ماند...

۱۲ حدیث «شجره»

اشاره

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «يَا عَلِيُّ! خُلِقْتُ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا وَ أَنْتَ فَرْعُهَا وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ (عليهما السلام) أَغْصَانُهَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! من و تو از یک درخت آفریده شدیم که من اصل (ریشه) آن درخت و تو فرع (تنه) آن و حسن و حسین (علیهما السلام) شاخه‌های آن هستند. پس هر کسی به یکی از آن شاخه‌ها بیاویزد، خدای تعالی او را داخل بهشت گرداند.»

شجره طیبه در قرآن

خداوند متعال در مورد «شجره طیبه» میفرماید :

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) ؛ «آیا ندیدی چگونه خداوند "کلمه طیبه" و

گفتار

پاکیزه [را به درخت پاکیزه‌های تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟] در احادیث، شجره طَیِّبه به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت او: تفسیر شده است.

حاکم حسکانی، دانشمند بزرگ اهل تسنن، میگوید:

سلام خثعمی گوید: روزی به حضور حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: یابن رسول الله! تفسیر آیه (کلمه طَیِّبه کَشَجَره طَیِّبه...) چیست؟

حضرت فرمود: «ای سلام! شجره طَیِّبه، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و شاخه آن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و میوه و ثمره آن حسن و حسین (علیهما السلام) و شاخه فرعی آن حضرت فاطمه (علیها السلام) و شعبه‌های این شاخه، امامان از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و برگ این درخت، شیعیان و دوستان ما هستند. پس هنگامی که یکی از شیعیان ما از دنیا می‌رود، از این درخت برگ می‌افتد و هنگامی که برای دوستان و محبتین ما فرزندی به دنیا می‌آید، به جای آن، برگ دیگری سبز می‌شود.»

. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۶۶.

. کشف زمخشری، ج ۳، ص ۳۵۶.

. احقاق الحق، ج ۹، ص ۱۵۴، به نقل از: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸۳؛ مناقب (ابن مغازلی) مخطوط؛ مقتل الحسین علیه السلام، ص ۱۰۸؛ کفایه الطالب، ص ۱۷۸؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ینابیع المودّه، ص ۲۴۵؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۲؛ صواعق المحرقة، ص ۲۳۰؛ مناقب (شافعی)، ص ۲۰۹.

. سوره ابراهیم، آیه ۲۴.

. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۲۸.

شجره خبیثه در قرآن

خداوند متعال در آیات مربوط به شجره طَیِّبه میفرماید: «شجره طَیِّبه، آن درختی است که ریشه‌های ثابت و محکم دارد و همیشه پایدار است.» ولی در آیه بعد به شجره خبیثه اشاره میکند و میفرماید: «شجره خبیثه هیچ قرار و دوامی ندارد.»

(وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ).

خداوند متعال در این آیه «کلمه خبیثه» (سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

همانگونه که در روایات معصومین: آمده است، «شجره خبیثه»، همان دشمنان اهل بیت هستند.

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«شجره خبیثه، مثلی است که برای دشمنان خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زده شده است.»

۱۳ حدیث «حکمت»

اشاره

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَسُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (عليهما السلام)، فَقَالَ:

«قُسِمَتِ الْحِكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلِيٌّ (عليه السلام) تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ وَالنَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْعُسْرِ الْبَاقِي».

عبدالله بن مسعود میگوید: نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم، از علم علی بن ابیطالب (علیهما السلام) سؤال شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«حکمت به ده جزء قسمت شده، نه جزء آن به علی (علیه السلام) داده شده و یک جزء به دیگر مردمان، و حال آن که علی (علیه السلام) در همان جزء باقیمانده هم از دیگران اعلم و داناتر است».

معناومفهوم حکمت

واژه «حکمت» در لغت از ریشه «حُکِمَ» به معنای مَنع، گرفته شده است؛ زیرا حُکَم و داوری عادلانه مانع ظلم است.

واژه «حکمت»، بیست بار در قرآن کریم آمده است. خداوند متعال در این کتاب آسمانی، نود و یک بار خود را با صفت «حکیم» ستوده است.

صفت «حکیم» سی و شش بار همراه با صفت «علیم»، چهل و هفت بار با صفت «عزیز»، و چهار بار با صفت «خبیر»، و یکبار همراه هر یک از صفات «تَوَّاب»، «حمید»، «علی» و «واسع» آمده است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) دروازه شهر حکمت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ، فَلْيَأْتِ إِلَيَّ بِابِهَا».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«من شهر حکمت و علی (علیه السلام) دروازه آن است؛ هر کس خواهان ورود به این شهر است، باید از دروازه آن وارد شود».

حکمت در قرآن

خداوند متعال میفرماید:

(يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ).

«خداوند دانش و حکمت را به هر که بخواهد [و شایسته بداند] میدهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده و جز صاحبان خرد [این حقایق را درک نمیکنند و] متذکر نمیشوند».

حاکم حسکانی، دانشمند معروف اهل تسنن، از ربیع بن خثیم نقل میکند: نام علی (علیه السلام) را نزد من بردند، گفتم: «لَمْ أَرَهُمْ يَجِدُونَ عَلَيْهِ فِي حُكْمِهِ وَاللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ: (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)»؛ «ندیدم

کسی از مردم، ایرادی بر حکم و داوری آن حضرت بگیرد؛ همانگونه که خداوند متعال فرموده است": و به هر کس دانش حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است».

در بسیاری از احادیث وارد شده که آنچه خداوند متعال از علم و حکمت به پیامبران عطا فرموده است همه را در علی بن ابیطالب (علیهما السلام) جمع نموده است. از جمله آنها میتوان به این روایت اشاره کرد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فِي حِلْمِهِ وَإِلَى نُوحٍ (عليه السلام) فِي حُكْمَتِهِ وَإِلَى يُوسُفَ (عليه السلام) فِي اجْتِمَاعِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«کسی که می‌خواهد به حلم ابراهیم (علیه السلام)، به حکمت نوح (علیه السلام)، و به مردمداری یوسف (علیه السلام) بنگرد، پس باید به علی بن ابیطالب (علیهما السلام) نگاه کند.»

. سوره ابراهیم، آیه ۲۶.

. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۵.

. ر.ک: احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۱۱، به نقل از: حلیه الأولیاء، ج ۱، ص ۶۴؛ تفسیر ثعلبی، ص ۸۱؛ مناقب امیرالمؤمنین (مخطوط)؛

مناقب (خوارزمی)، ص ۴۹؛ مقتل الحسین، ص ۴۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸؛ منتخب کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲.

. حکمتنامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۲۴۶، به نقل از: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۹۱.

. احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۰۲.

. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۱۴ حدیث «معرفت امام»

اشاره

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود :

«هر کس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»

روایات و احادیث، نشناختن امام (علیه السلام) را مردن به مرگ جاهلیت دانسته است، و راه رهایی از مرگ جاهلی و رسیدن به سعادت را اطاعت و شناخت امام (علیه السلام) بیان کرده‌اند.

حدیث «معرفت امام» در مدارک اهل تسنن

ابن سعد در طبقات الکبری (ج ۵، ص ۱۰۷) نقل می‌کند: «مَنْ مَاتَ وَلَا يَبْعَثُ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

حافظ ابن ابی شیبہ در مصنف (ج ۱۵، ص ۳۸) می‌گوید: «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَتْ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

احمد بن حنبل در المسند (ج ۳، ص ۹۶) می‌گوید: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

منظور از «امام» چه کسی است؟

منظور از «امام» که در این روایات ذکر شده و اگر کسی به او معرفت نداشته باشد و از او پیروی و اطاعت نکند، به مرگ جاهلی از دنیا می‌رود، چه کسی است؟

آیا او کسی است که جانشین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و از جانب خداوند متعال برای هدایت مردم تعیین شده است؟ یا کسی است که مردم بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) او را از بین خود انتخاب کرده‌اند؟

آیا او همان کسی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دروازه شهر علم خود بیان کرده است؟ یا آن کسی است که میگوید: همه مردم از من آگاهتر و عالمتر هستند، حتی زنانی که در خانه‌هایشان هستند؟

آیا منظور از معرفت امام، شناختن کسانی همچون: ابابکر، عمر، معاویه، یزید، مروان، عبدالملک، ولید بن یزید، منصور دوانیقی و ... است؟ یا منظور از امام، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) و جانشینان بعد از او هستند؟

پاسخ این سؤال روشن است؛ منظور از «امام» همانگونه که در روایات آمده است، کسی است که افضل و اعلم مردم باشد و خداوند، خود، او را برای این امر انتخاب کرده باشد. درباره اینکه مصداق «امام» در حدیث «معرفت امام» چه کسی است، روایاتی وجود دارد که به طور روشن، منظور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان کرده است. از آن جمله، یحیی بن عبدالرحمان انصاری میگوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که میفرمود:

«هر کس علی (علیه السلام) را در زندگانی و پس از مرگش دوست بدارد، تا هنگامی که خورشید طلوع و غروب میکند و جهان برپاست، خداوند برای او امانت و ایمان مینویسد. و هر کس با علی (علیه السلام) در زندگانی و پس از مرگش دشمنی کند، به مرگ جاهلیت از دنیا میرود...»

روایتی که عمار یاسر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده نیز در اینباره راهگشاست.

عمار میگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«به زودی پس از من در بین این امت، حوادثی اتفاق میافتد که باعث جنگ بین ایشان میشود، و بعضی برخی دیگر را بکشند و گروهی از گروه دیگر بیزاری بجویند.»

سپس با اشاره به علی (علیه السلام) به من فرمود:

«بر تو باد [مراجعه کردن به] این شخص اصلع که در طرف راست من نشسته است؛ اگر همه مردم به راهی بروند و علی به راه دیگر، تو همراه علی باش و مردم را رها کن.

ای عمار! علی (علیه السلام) تو را از راه هدایت خارج و به بیراه وارد نمیکند. ای عمار! اطاعت از علی (علیه السلام)، اطاعت از من، و اطاعت از من، اطاعت از خداوند عزوجل است.»

. شواهد التّنزیل، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۱۵۰.

. شواهد التّنزیل، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۱۴۷.

. ر.ک: احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵، به نقل از: مسند (طیالسی)، ص ۲۵۹؛ صحیح (قشیری)، ج ۸، ص ۱۰۷؛ نفحات اللّاهوت، ص ۱۳؛ ینابیع المودّة، ص ۱۱۷.

فصل چهاردهم

وصیت اول: ثواب قرائت «آیه الکرسی»

قالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام):

«يا عَلِيُّ! عَلَيْكَ بَيَلاوَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ فِي دَبْرِ صَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! بر تو باد که بعد از هر نماز واجب، آیه الکرسی را بخوانی؛ چرا که جز پیامبران و صدیقان و شهیدان، بر آن مداومت و محافظت نمیکنند.»

وصیت دوم: چهار چیز را پیش از چهار چیز دیگر غنیمت بدان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ: شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتِكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَحَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «ای علی! چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت بدان: ۱- جوانی خود را پیش از فرارسیدن پیری؛ ۲- سلامت خود را پیش از بیماری؛ ۳- بینایی خود را پیش از نیازمندی؛ ۴- زندگانی خود را پیش از فرارسیدن مرگ.»

۱. أسد الغابة، ج ۵ ص ۱۰۱.

۲. مناقب (خوارزمی)، ص ۱۰۵، ح ۱۱۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۸۴۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴، ح ۲۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۳، باب ۹۱، ح ۲۱۰۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۸۰، باب ۶۴، ح ۳۲.

وصیت سوم: شوخی، شخصیت انسان را زایل می کند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! لَا تَفْرَحْ فَيَذْهَبَ بِهِاءُكَ وَلَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ نُورُكَ وَإِيَّاكَ وَخَصِيْلَتَيْنِ: الضَّجَرُ وَالْكَسَلُ، فَإِنَّكَ إِنْ ضَعُجْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! شوخی مکن که ارزش تو را از بین میرد، و دروغ مگو که نور (قلب) تو زایل میشود.

و از دو خصلت پرهیز کن: ۱- خستگی؛ ۲- تنبلی؛ زیرا اگر اظهار خستگی کردی، بر حق، شکایا نخواهی بود، و اگر تنبلی کنی، هیچ حق [و عملی] را ادا نخواهی کرد.»

وصیت چهارم: چهار خصلت که سبب دخول بهشت می شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، مَنْ آوَى الْيَتِيمَ وَرَحِمَ الضَّعِيفَ وَاشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيهِ وَرَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند :

«ای علی! هر کس دارای چهار خصلت باشد، خداوند در بهشت خانهای برای او بنا خواهد کرد: ۱- کسی که یتیم را جای دهد؛ ۲- کسی که بر ناتوان رحم کند؛ ۳- کسی که بر پدر و مادر مهر ورزد؛ ۴- کسی که با برده [و زیردستان] خود مدارا کند.»

وصیت پنجم: سه خصلت موجب فضیلت انسان می شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام) :

«يا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِنَّ فَهُوَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ، مَنْ أَتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَغْيَدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود :

«ای علی! سه خصلت است که هر کس با آنها خداوند را ملاقات کند، از بالاترین و برترین مردم خواهد بود: ۱ - کسی که واجبات خود را انجام دهد، عابدترین مردم است؛ ۲ - کسی که از محرمات الهی دوری کند، پرهیزکارترین مردم است؛ ۳ - کسی که به آنچه خدا روزی او کرده است، قناعت کند، بینا‌ترین مردم است.»

وصیت ششم: حقیقت ایمان در این هفت خصلت است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام) :

«يا عَلِيُّ! سَبْعَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَأَنْبُأَتِ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةً لَهُ، مَنْ أَشْبَعَ وَضُوءَهُ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَكَفَّ غَضَبَهُ وَسَجَنَ لِسَانَهُ وَاسْتَغْفَرَ لِدُنْبِهِ وَأَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود :

«ای علی! هفت خصلت است که در هر کس باشد، حقیقت ایمان را به طور کامل دریافته و درهای بهشت بر او گشوده میشود: ۱ - کسی که وضوی نیکو بگیرد؛ ۲ - کسی که نماز نیکو بخواند؛ ۳ - کسی که زکات مالش را پردازد؛ ۴ - کسی که خشمش را نگه دارد؛ ۵ - کسی که زبانش را حفظ نماید؛ ۶ - کسی که برای گناهانش استغفار کند؛ ۷ - کسی که برای خاندان پیامبرش خیرخواهی کند.»

. وسائل الشَّيعة، ج ۱۶، ص ۲۲، باب ۶۶، ح ۲۰۸۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۶، باب ۳؛ مكارم الأخلاق، ص ۴۳۳؛ أمالی صدوق، ص ۵۴۳، مجلس ۸۱.

. مكارم الأخلاق، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۱، باب ۳؛ وسائل الشَّيعة، ج ۱۶، ص ۳۳۷، باب ۱۹، ح ۲۱۷۰۴.

. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۵، باب ۳؛ خصال، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۲۲؛ مكارم الأخلاق، ص ۴۳۶.

. مكارم الأخلاق، ص ۴۳۶؛ خصال، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۱، باب ۳؛ وسائل الشَّيعة، ج ۱، ص ۴۸۷، باب ۵۴.

وصیت هفتم: خوابیدن چهار نوع است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام) :

«يا عَلِيُّ! النَّوْمُ أَرْبَعَةٌ: نَوْمُ الْأَنْبِيَاءِ : عَلَى أَقْفِيَّتِهِمْ وَنَوْمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى إِيْمَانِهِمْ وَنَوْمُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ عَلَى أَيْسَارِهِمْ وَنَوْمُ الشَّيَاطِينِ عَلَى وَجْهِهِمْ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود :

«ای علی! خوابیدن بر چهار نوع است: ۱ - خواب پیامبران : که بر پشت میخوابند؛ ۲ - خواب مؤمنان که بر طرف راست است؛ ۳ - خواب کافران و منافقان که بر طرف چپ است؛ ۴ - خواب شیاطین که بر روی است.»

وصیت هشتم: فضیلت انگشتر عقیق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«يَا عَلِيُّ! تَخْتُمُ بِالْيَمِينِ فَإِنَّهَا فَضِيلَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُقَرَّبِينَ». قَالَ: «بِمَ أَتَخْتُمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قَالَ: «بِالْعَقِيقِ الْأَحْمَرِ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ جَبَلٍ أَقَرَّ اللَّهُ تَعَالَى بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَلِيَّ بِالْبُثُؤَةِ وَلَكَ بِالْوَصِيَّةِ وَلِوُلْدِكَ بِالْإِمَامَةِ وَلِشِيعَتِكَ بِالْجَنَّةِ وَلَا عِدَائِكَ بِالنَّارِ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود:

«ای علی! انگشتر به دست راست خود کن که این عمل برای مقربین، فضیلتی از جانب خداست.» حضرت علی (عليه السلام) پرسید: «ای رسول خدا! چه انگشتری در دست کنم؟» پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: «عقیق سرخ؛ زیرا آن اولین سنگی بود که به ربوبیت خدا و نبوت من و وصایت تو و امامت فرزندان و به بهشتی بودن شیعیان و دوزخی بودن دشمنان اقرار کرده است.»

وصیت نهم: سه چیز باعث نجات آدمی است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«يَا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: خَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالسَّخَطِ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود: «ای علی! سه چیز باعث نجات آدمی است: ۱- ترس از خداوند در نهان و آشکار؛ ۲- میانروی در حال دارایی و فقر؛ ۳- منصفانه سخن گفتن در حال خشنودی و خشم.»

وصیت دهم: فضیلت مسواک زدن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«يَا عَلِيُّ! عَلَيْكَ بِالسَّوَاكِ فَإِنَّ فِي السَّوَاكِ مَطْهَرَةً لِلْقَمِّ وَمَرَضَاءَ لِلرَّبِّ وَمَجْلَاءَ لِلْعَيْنِ وَالْخِلَالَ يُحِبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى بِرِيحٍ فَمَنْ لَا يَتَخَلَّلَ بَعْدَ الطَّعَامِ».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به حضرت علی (عليه السلام) فرمود:

«ای علی! بر تو باد به مسواک زدن؛ زیرا مسواک باعث پاکیزگی دهان و موجب خشنودی پروردگار است و چشم را پرنور میکند. و خلل کردن دندانها تو را نزد فرشتگان محبوب میسازد؛ زیرا فرشتگان از بوی دهان کسی که پس از غذا خلل نکند، اذیت میشوند.»

. وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۶، ص ۵۰۳، باب ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۵، باب ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۰.

. وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۵، ص ۸۲، ح ۵۹۸۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۲، باب ۳.

. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۳، باب ۳؛ وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۱۵، ص ۲۲۰، باب ۱۴.

. وسائل الشَّيْعَةِ، ج ۲، ص ۱۵، باب ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۳۹، باب ۱۸، و ج ۷۴، ص ۱۶۷، باب ۳، ح ۶.

وصیت یازدهم: ثواب قرائت بسم الله

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام):

«يَا عَلِيُّ! إِذَا أَكَلْتَ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ، إِذَا فَرَعْتَ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، فَإِنَّ حَافِظِيكَ لَا يَبْرَحَانِ يَكْتُبَانِ لَكَ الْحَسَنَاتِ حَتَّى تُبْعِدَهُ عَنْكَ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! هرگاه خواستی غذا بخوری "بسم الله" بگو، و پس از فارغ شدن از آن "الحمد لله" بگو؛ زیرا دو فرشته نگهبان تو، همواره برایت حسنه مینویسند تا سفره را از خود دور کنی.»

وصیت دوازدهم: فایده خوردن نمک در آغاز طعام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً مِنْهَا الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ وَجَعُ الْحَلْقِ وَالْأَضْرَاسِ وَجَعُ الْبَطْنِ.»

رسول خدا به حضرت علی فرمود :

«ای علی! غذای خود را با نمک آغاز کن؛ زیرا در آن شفا و درمان از هفتاد نوع بیماری است که دیوانگی، خوره، پیسی، درد گلو و درد شکم از جمله آنهاست.»

وصیت سیزدهم: عظمت مؤمن واقعی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! أَيْنَ الْمُؤْمِنِ تَسْبِيحٌ وَصِيَاخُهُ تَهْلِيلٌ وَتَوَهُُّهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ وَتَقَلُّبُهُ مِنْ جَنْبٍ إِلَى جَنْبٍ جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ عُوْفَى مَشَى فِي النَّاسِ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ.»

رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! ناله مؤمن بیمار، تسبیح؛ و فریادش، تهلیل؛ و خوابیدنش در بستر بیماری، عبادت؛ و پهلوی به پهلوی شدنش جهاد در راه خداست، و اگر سلامتی خود را باز یافت، بیهیچ گناهی میان مردم رفت و آمد خواهد کرد.»

وصیت چهاردهم: فضیلت وضو گرفتن قبل و بعد از غذا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (علیه السلام) :

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْوُضُوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الْجَسَدِ وَيُثْمِنُ فِي الرِّزْقِ.»

رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

«ای علی! وضو گرفتن پیش از غذا و بعد از آن، باعث درمان [بیماریهای] بدن و برکت در روزی است.»

(و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید؛ هیچ کس نمیتواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست.» -

. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۷۱، باب ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۵۵، باب ۵۷.

. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۰۵، باب ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸، ح ۲۰؛ محاسن برقی، ج ۲، ص ۵۹۳، ح ۱۱۰.

. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۰، باب ۱، ح ۲۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۸.

. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۵۶، ح ۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۷، باب ۴۹؛ محاسن برقی، ج ۲، ص ۴۲۴، باب ۳۰.

. سوره انعام، آیه ۱۱۵.

منابع کتاب

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امام حسن عسکری (علیه السلام)، تفسیر العسکری، منسوب إلى الإمام (علیه السلام)، مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، قم، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- ۳- امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعة، شارح: سید حسن مصطفوی، انتشارات علمی، طهران، سال ۱۳۶۳ ش، طبع اول.
- ۴- ابن بطریق، یحیی بن حسن، م ۶۰۰ ق، العمدة، ۱ جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم، سال ۱۴۰۷ ق.
- ۵- ابن شاذان قمی، ابوالحسن محمد بن احمد، م قرن پنجم، مأة منقبه فی مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و الائمه من ولده، تحقیق: نبیل رضا علوان، مدرسه امام مهدی (علیه السلام)، قم، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ اول.
- ۶- ابن طاووس، علی بن موسی حلّی، م ۶۶۴ ق، الإقبال الأعمال الحسنه فی ما يعمل مرّة فی السنه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سال ۱۳۶۷ ش، چاپ دوم.
- ۷- ابن طاووس، علی بن موسی حلّی، م ۶۶۴ ق، فلاح السائل، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- ۸- ابنطاوس، علیبنموسی حلّی، م ۶۶۴ ق، الیقین باختصاص مولانا علی (علیه السلام) بامرّة المؤمنین، مؤسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۹- ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد، م ۳۶۸ ق، کامل الزیارات، انتشارت مرتضویه، نجف اشرف، سال ۱۳۵۶ ش.
- ۱۰- اربلی، ابوالحسن علین عیسی، م ۶۸۷ ق، کشف العمه فی معرفه الأئمه، ۲ جلد، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، مکتبه بنیهاشم، تبریز، سال ۱۳۸۱ ق.
- ۱۱- استرآبادی، شرف الدین علی حسینی، م ۹۴۰ ق، تأویل الآیات، انتشارات جامعه مدرسین، قم، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- ۱۲- امینی، عبدالحسین، م ۱۳۹۰ ق، الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب، ۱۱ جلد، مرکز الغدير، سال ۱۴۱۶ ق، چاپ اول.
- ۱۳- انصاری، محمد باقر، اسرار غدیر، مولود کعبه، قم، سال ۱۴۱۵ ق، چاپ اول.
- ۱۴- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، م ۵۵۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، سال ۱۳۶۶ ش.
- ۱۵- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، م ۱۱۰۷ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت تهران، سال ۱۴۱۶ ق، چاپ اول.
- ۱۶- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، م ۱۱۰۷ ق، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، ۷ جلدی، تحقیق: سید علی عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.
- ۱۷- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، م ۱۱۰۷ ق، کشف المهم فی خبر غدیر خم، مؤسسه احیاء تراث سید بحرانی.
- ۱۸- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، م ۱۱۰۷ ق، مدینه المعاجز الائمه الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۸ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، سال ۱۴۱۳ ق.
- ۱۹- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، م ۱۱۰۷ ق، معالم الزلفی فی أحوال النشاء الأولى و الأخری، ۳ جلد، مؤسسه انصاریان للطباعة و النشر، سال ۱۴۲۴ ق، چاپ اول.
- ۲۰- بحرانی، عبدالله، م قرن ۱۳، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، تحقیق و نشر: مؤسسه امام مهدی (علیه السلام)، قم، چاپ دوم.
- ۲۱- برسی، حافظ رجب بن محمد، م ۷۷۳ ق، مشارق الأنوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تحقیق: سید علی عاشور، ذوی القربی، قم، سال ۱۴۲۷ ق.
- ۲۲- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد، م ۲۷۴ ق، المحاسن، ۱ جلد، دارالکتب الإسلامیه، قم، سال ۱۳۷۱ ق، چاپ دوم.
- ۲۳- بلاذری، احمد بن یحیی، م ۲۷۹ ق، أنساب الأشراف، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۱۷ ق، چاپ اول.

- ۲۴ - ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، م ۴۲۷ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، سال ۱۴۲۲ ق.
- ۲۵ - حجازی، سید علیرضا، خطبه‌های شگفت، انتشارات فارس الحجاز، سال ۱۳۸۴ ش، چاپ اول.
- ۲۶ - حرّانی، ابو محمد حسن بن علی معروف به ابن شعبه، م ۳۸۱ ق، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، سال ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم.
- ۲۷ - حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ۱۱۰۴ ق، اثبات الهداء، ۵ جلد، مؤسسه الأعلمی، بیروت، سال ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.
- ۲۸ - حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ۱۱۰۴ ق، جواهر السنیة فی احادیث القدسیة، چاپخانه النعمان، نجف اشرف، سال ۱۳۸۴ ق.
- ۲۹ - حرّ عاملی، محمد بن حسن، م ۱۱۰۴ ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۲۹ جلدی، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- ۳۰ - حسینی کانی، عبیدالله بن احمد، م قرن ۴۹۰ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۲ جلد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.
- ۳۱ - حلّی، ابوجعفر محمد بن ادریس، م ۵۹۸ ق، مستطرفات السرائر، ۱ جلد، انتشارات جامعه مدرّسین قم، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ دوم.
- ۳۲ - حلّی، حسن بن یوسف مشهور به علامه حلّی، م ۷۲۶ ق، کشف یقین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تحقیق: حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.
- ۳۳ - حلّی، حسن بن یوسف مشهور به علامه حلّی، م ۷۲۶ ق، نهج المسترشدين، مجمع ذخائر اسلامی، قم.
- ۳۴ - حلّی، حسن بن یوسف مشهور به علامه حلّی، م ۷۲۶ ق، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسه دارالهجرة، قم، سال ۱۴۰۷ ق.
- ۳۵ - حلّی، علی بن یوسف، م قرن هشتم، العید القویة لدفع المخاوف الیومیة، تحقیق: مهدی رجائی، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، سال ۱۴۰۸ ق.
- ۳۶ - حنفی ترمذی، محمد صالح کشفی، م ۱۰۶۰ ق، مناقب مرتضوی، مطبعة المحمّدی، بمبئی.
- ۳۷ - حویزی، عبدعلی بن جمعه، م ۱۱۱۲ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم، سال ۱۴۱۵ ق.
- ۳۸ - جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، تحقیق: محمد صفایی، مرکز چاپ و نشر اسراء، سال ۱۳۸۶ ش، چاپ چهارم.
- ۳۹ - خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد، م قرن چهارم، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، انتشارات بیدار قم، سال ۱۴۰۱ ق.
- ۴۰ - خوارزمی، حافظ موفق بن احمد، م ۵۶۸ ق، المناقب، مؤسسه نشر اسلامی، قم، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ دوم.
- ۴۱ - دیلمی، ابو محمد حسن بن ابیالحسن، م ۷۱۱ ق، غرر الأخبار و دُرر الآثار، تحقیق: اسماعیل الضغیم الهمدانی، نشر دلیل ما، قم، سال ۱۴۲۷ ق، چاپ اول.
- ۴۲ - دیلمی، ابو محمد حسن بن ابیالحسن، م ۷۱۱ ق، إرشاد القلوب، ۱ جلد، انتشارات شریف رضی، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
- ۴۳ - دیلمی، ابوشجاع شیرویه، م ۵۰۹ ق، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق: سعید بن سیونی زغلول، دار الکتب العلمیة، بیروت، سال ۱۴۰۶ ق.
- ۴۴ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، م ۵۰۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح و تحقیق: صفوان عدنان داودی، دارالعلم، لبنان (سوریه)، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
- ۴۵ - راوندی، قطب الدّین سعید بن عبدالله، م ۵۷۲، قصص الأنبياء، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، بنیاد پژوهشهای آستان قدس، سال ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.

- ۴۶- رحمانی همدانی، احمد، ت ۱۳۱۸ ش، الإمام علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، ترجمه: حسین استادولی، مرکز فرهنگی انتشارات منیر، تهران، سال ۱۳۸۵ ش، چاپ چهارم.
- ۴۷- رضوانی، علیاصغر، امامشناسی در قرآن و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمکران، سال ۱۳۸۴ ش.
- ۴۸- رضوانی، علیاصغر، امامشناسی در احادیث و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمکران، سال ۱۳۸۵ ش.
- ۴۹- رضوانی، علیاصغر، دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد جمکران، سال ۱۳۸۸ ش.
- ۵۰- زمخشری، محمود بن عمر، م ۵۳۸ ق، الکشاف، دار الکتاب العربی، بیروت، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ سوم.
- ۵۱- سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، سال ۱۳۸۴ ش، چاپ هفتم.
- ۵۲- سراج، محمد ابراهیم، امام علی (علیه السلام) خورشید بیغروب، مؤسسه انتشارات نبوی، تهران، سال ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.
- ۵۳- سیالکوتی، سید محمود، علی (علیه السلام) و پیامبران، ترجمه: سید محمد مختاری، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، سال ۱۳۷۱ ش، چاپ چهارم.
- ۵۴- سیوطی، عبدالرحمان بن ابیبرک، م ۹۱۱ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، سال ۱۴۰۴ ق.
- ۵۵- شاذان بن جبرئیل، حدود ۶۰۰ ق، الزوضه فی فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام)، مکتبه الأملین، قم، سال ۱۴۲۳ ق، چاپ اول.
- ۵۶- شرف الدین، سید عبدالحسین، م ۱۳۷۷ ق، المراجعات، تحقیق: حسین راضی، المجمع العالمی لأهل البيت، سال ۱۴۲۶ ق، چاپ دوم.
- ۵۷- شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، م قرن ۷ هجری، جامع الأخبار أو معارج الیقین فی أصول الدین، انتشارات رضی، قم، سال ۱۳۶۳ ش.
- ۵۸- شوشتری، قاضی نور الله، م ۱۰۱۹ ق، إحقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات آیه الله مرعشی، مکتبه آیه الله المرعشی، سال ۱۴۰۹ ق.
- ۵۹- شهرستانی، هبه الدین، در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه: عباس میرزاده اهری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ ششم.
- ۶۰- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، أمالی، ترجمه: کوهکمرهای، انتشارات کتابخانه اسلامی، سال ۱۳۶۲ ش، چاپ چهارم.
- ۶۱- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، التوحید، انتشارات جامعه مدرّسین قم، سال ۱۳۹۸ ق، چاپ دوم.
- ۶۲- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تحقیق: علیاکبر غفاری، مکتبه الصدوق، طهران.
- ۶۳- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، الخصال، تصحیح: علیاکبر غفاری، جامعه مدرّسین قم، سال ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.
- ۶۴- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، علل الشرایع، انتشارات مکتبه الداوری، قم.
- ۶۵- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تصحیح: مهدی حسینی لاجوردی، ۱ جلدی، انتشارات جهان، سال ۱۳۷۸ ق.
- ۶۶- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، فضائل الشیعه، انتشارات اعلی، تهران.
- ۶۷- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱ جلدی، دار الکتب الإسلامیه، قم، سال ۱۳۹۵ ق.
- ۶۸- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، معانی الأخبار، تحقیق: علیاکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، سال ۱۳۶۱ ش.

- ۶۹- صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، م ۳۸۱ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علیاکبر غفاری، ۴ جلدی، انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ سوم.
- ۷۰- صفار قمی، محمد بن حسن، م ۲۹۰ ق، بصائر الدرجات فی مناقب آل محمد:، تحقیق: کوچه باغی تبریزی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، سال ۱۴۰۴ ق.
- ۷۱- طباطبائی، سید محمد حسین، م ۱۴۰۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.
- ۷۲- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب، م ۶۲۰ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۱ جلد، نشر مرتضی، مشهد مقدس، سال ۱۴۰۳ ق.
- ۷۳- طبرسی، حسن بن فضل، م ۵۴۸ هجری، مکارم الأخلاق، ۱ جلد، انتشارات شریف رضی، قم، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ چهارم.
- ۷۴- طبرسی، حسن بن فضل، م ۵۴۸ هجری، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سال ۱۳۷۲ ش، چاپ سوم.
- ۷۵- طبرسی، علی بن حسن، م ۶۰۰ ق، مشکاة الأنوار، کتابخانه حیدریه، نجف، سال ۱۳۸۵ ق، چاپ دوم.
- ۷۶- طبری، عمادالدین محمد بن ابیقاسم، م ۵۲۵ ق، بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، سال ۱۳۷۳ ق، چاپ دوم.
- ۷۷- طبری، محمد بن جریر، م ۳۱۰ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
- ۷۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، آمالی، تحقیق: قسم دراسات الإسلامیه (مؤسسه بعثت)، انتشارات دارالثقافه، قم، سال ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.
- ۷۹- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، تلخیص الشافی، ۴ جلد در دو مجلد، دارالکتب الإسلامیه، قم، سال ۱۳۹۴ ق، چاپ سوم.
- ۸۰- طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، مصباح المتهجد، تحقیق: علیاصغر مروارید، ۱ جلدی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، سال ۱۴۱۱ ق، چاپ اول.
- ۸۱- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، م ۴۶۰ ق، تهذیب الأحکام، تحقیق: سید حسن خراسان موسوی، ۱۰ جلدی، دارالکتب الإسلامیه، سال ۱۳۶۵ ق، تهران، چاپ چهارم.
- ۸۲- طهرانی (آغا بزرگ)، محمد محسن، م ۱۳۸۹ ق، الذریعۀ إلی تصانیف الشیعه، ۲۵ جلد، کتابخانه اسلامی، تهران، سال ۱۴۰۸ ق.
- ۸۳- عاملی، بهاء الدین محمد (معروف به شیخ بهایی)، م ۱۰۳۰ ق، أربعین، ترجمه: عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول.
- ۸۴- علم الهدی، سید مرتضی، م ۴۳۶، الذخیره فی علم الکلام، مؤسسه نشر اسلامی، سال ۱۴۱۱ ق.
- ۸۵- عیاشی، محمد بن مسعود، م ۳۲۰ ق، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپخانه علمیه، تهران، سال ۱۳۸۰ ق.
- ۸۶- عمادزاده، حسین، ۱۳۶۹ ش، پیامی بزرگ از بزرگ پیامبران، کتابخانه صدر، تهران، چاپ دوم.
- ۸۷- قتال نیشابوری، محمد بن حسن، م ۵۰۸ ق، روضه الواعظین، ۱ جلد، انتشارات رضی، قم.
- ۸۸- فقیه ایمانی، مهدی، امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دیدگاه خلفا.
- ۸۹- فیروزآبادی، سید مرتضی، م ۱۴۱۰ ق، فضائل الخمسه من صحاح السنه و غیرها من الکتب المعبره عند أهل السنه و الجماعه، ۳ جلد، منشورات ضیاء فیروزآبادی، قم، سال ۱۳۸۷ ش، چاپ اول.

- ۹۰- فیض الإسلام، سید علی نقی، م ۱۳۶۴ ق، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، چاپ پنجم.
- ۹۱- فیض کاشانی، محمد محسن، م ۱۰۹۱ ق، تفسیر الصّافی، انتشارات صدر، تهران، سال ۱۴۱۵ ق، چاپ دوم.
- ۹۲- قرشی، سید علیاکبر، قاموس قرآن، ۷ جلدی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، سال ۱۴۱۲ ق، چاپ ششم.
- ۹۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلدی، مؤسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۰۴ ق.
- ۹۴- قندوزی حنفی، سلیمان، م ۱۲۹۴ ق، ینابیع المودّة، ۲ جلدی، دارالاسوة للطباعة و النشر، سال ۱۴۱۶ ق، چاپ اول.
- ۹۵- کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، م ۴۴۹ ق، کنز الفوائد، تحقیق: عبدالله نعمه، ۲ جلدی، دارالذخائر، قم، سال ۱۴۱۰ ق، چاپ اول.
- ۹۶- کفعمی، ابراهیم بن علی، م ۹۰۵ ق، المصباح فی الأدعیه و الصّلوات و الزّیارات، ۱ جلدی، انتشارات رضی (زاهدی)، قم، سال ۱۴۰۵ ق، چاپ دوم.
- ۹۷- کلینی، محمد بن یعقوب، م ۳۲۹ ق، الکافی، دارالکتب اسلامیه، تهران، سال ۱۳۶۵ ش، چاپ چهارم.
- ۹۸- مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، م ۵۸۸ ق، مناقب آل ابطالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، سال ۱۳۷۹ ق.
- ۹۹- مالکی، ورام بن ابیفراس، م ۶۰۵ ق، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، دارالتعارف و دار صعب، بیروت.
- ۱۰۰- متقی هندی، علی، م ۹۷۵ ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، مکتبة التراث الإسلامی، بیروت، سال ۱۳۹۷ ق.
- ۱۰۱- مجلسی، محمد باقر، م ۱۱۱۱ ق، بحار الأنوار الجامعة لدُرر أخبار الأئمة الأطهار ::، ۱۱۰ جلدی، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰۲- محمودی، محمد باقر، نهج السّیادة فی مستدرک نهج البلاغه، مؤسسه للطباعة و النشر و زارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، سال ۱۴۱۸ ق، چاپ اول.
- ۱۰۳- مستنبط، سید احمد، م ۱۳۹۹ ق، القطر من بحار مناقب النّبی و العتره، نشر حاذق، سال ۱۴۲۱ ق، چاپ دوم.
- ۱۰۴- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الحکیم، م ۱۴۲۶ ق، ۱۴ جلدی، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، سال ۱۴۰۲.
- ۱۰۵- مظفر، محمد حسن، دلائل الصّدق، ۶ جلدی، مؤسسه آل البيت، قم، سال ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.
- ۱۰۶- معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله بن ابیالحدید، م ۶۵۶ ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالجيل بیروت، سال ۱۴۰۷ ق، چاپ اول.
- ۱۰۷- مغازلی، حافظ ابوالحسن علی بن محمد شافعی، م ۴۸۳ ق، مناقب علی بن ابطالب، دار الأضواء بیروت، سال ۱۴۲۴ ق، چاپ سوم.
- ۱۰۸- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، م ۴۱۳ ق، أمالی، کنگره شهید مفید، قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ دوم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۱۰۹- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، م ۴۱۳ ق، الإفصاح فی الإمامة، المؤتمر العاملی للشيخ المفید، قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۱۱۰- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، م ۴۱۳ ق، الاختصاص، تصحیح: علیاکبر غفاری، کنگره شهید مفید، قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۱۱۱- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، م ۴۱۳ ق، الإرشاد، کنگره شهید مفید، قم، سال ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۱۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، مدرسه امام علی بن ابطالب (علیهما السلام)، قم، سال ۱۳۸۳ ش، چاپ اول.
- ۱۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۱ ش.

- ۱۱۴ - میرجهانی، سید محمد حسن، م ۱۴۱۳ ق، جُنَّة العاصمَة، کتابخانه صدر، تهران، سال ۱۳۹۸ ق.
- ۱۱۵ - میرجهانی، سید محمد حسن، م ۱۴۱۳ ق، مصباح البلاغة فی مشکاة الصیغة، ۴ جلد در دو مجلد.
- ۱۱۶ - میرحامد حسین، هندی، خلاصه عبقات الأنوار، تلخیص: سید علی میلانی، انتشارات نبأ، تهران، سال ۱۳۸۲ ش.
- ۱۱۷ - میلانی، سید علی، نگاهی به حدیث سدّ الأبواب، ترجمه: هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی، نشر مرکز الحقایق الإسلامیه، سال ۱۳۸۸ ش، چاپ اول.
- ۱۱۸ - نوری، میرزا حسین، م ۱۳۲۰ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلدی، مؤسسه آل البیت، قم، سال ۱۴۰۸ ق، چاپ اول.
- ۱۱۹ - نیشابوری، ابوسعید خرگوشی، شرف المصطفی، م ۴۰۶ ق، دارالبشائر الإسلامیه، مکه، سال ۱۴۲۴ ق.
- ۱۲۰ - هلالی، ابوصادق سلیم بن قیس، م ۸۰ ق، کتاب سلیم، تحقیق: اسماعیل انصاری، الهادی، قم، سال ۱۴۱۵ ق، چاپ اول.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».